

تئوریهای ترجمه

و تفاوت ترجمه مکتوب و بصری

تحقیق و تألیف

دکتر سید علی میرعمادی

استاد دانشگاه علامه طباطبائی

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

تئوریهامی ترجمہ
وتفاوت ترجمہ مکتوب ہنرمندان

تحقیق و تالیف

دکتر سید علی میر عمادی

استاد دانشگاہ علامہ طباطبائی

نام کتاب : تئوریهای ترجمه و تفاوت ترجمه مکتوب و همزمان
مؤلف : دکتر سید علی میرعمادی
تیراژ : ۳۵۰۰ جلد
ناشر : انتشارات بهارستان
نوبت چاپ : اول ۱۳۶۹
چاپ و صحافی : پردیس

بنام خداوند بخشنده و مهربان

مقدمه :

از پیا مبریزرگوار محمد (درود خدا بر او باد) نقل است که فرمود : اطلبو العلم ولو به الصین (علم را بجوی حتی اگر به چین باشد) . این گفته نغزو شیوا که فی نفسه رسا و گویاست نه تنها نشان دهنده توجه خاص آن حضرت به علم و نیاز انسان به گسترش قدرت تفکر و اندیشه خود است بلکه به نیاز ذاتی و همیشگی انسان به ایجاد و برقراری روابط انسانی بین اقوام و ملل مختلف اشاره دارد . مهم نیست که ایدئولوژی ها ، سنن ، اندیشه ها و آداب و رسوم آنها تا چه حد از هم متفاوت باشد و یا تا چه حد این ملت ها از نظر جغرافیایی از هم دور باشند .

جوامع گوناگون ، هم آنهایی که همچنان در مراحل بدوی و ابتدائی تحول و تکامل اجتماعی خود قرار دارند و هم آنهایی که به پیشرفت های چشمگیری نایل شده و تغییرات اساسی را در بطن خود ناظر بوده اند ، همواره دوراه اساسی را بر سر راه داشته اند ، اول آنکه خود را در حصار محدود و بسته جغرافیایی خود محبوس سازند و از پیشرفتهای شگرف علمی پیرامون خود و رویدادهای تکنولوژی که در دیگر جوامع در حال وقوع است روی بگردانند و دوم آنکه به صورت فعال به برقراری روابط فرهنگی ، اقتصادی ، علمی ، و نوعی صادرات و واردات اندیشه ای همت گمارند . شیوه نخست که شاید مقبول طبع جوامع اولیه در ادوار گذشته بوده است امروز چندان مورد استقبال قرار نمیگیرد

شیوه دوم که امروز مورد توجه جوامع متمدنی است چنان گسترش یافته و خود را مطلوب یافته است که در عصر حاضر در جهانی که ما در آن زینت می‌کنیم یکی از مشکلات عمده انسانها چگونگی ایجاد ارتباط بین ملت‌ها و ابداع شیوه‌های نوین مراد و منطقی و اصولی است. این نیاز به ویژه پس از جنگ جهانی اول و دوم وسعت یافته و بیش از هر زمان دیگر محسوس بوده است.

این نیاز از کجا آغاز شده و قدمت آن به کجا می‌گردد از اعمار قبل از تاریخ مربوط می‌شود موضوعی است قابل تأمل و تفحص که علی‌رغم جالب بودن آن نمیتواند به عنوان مقوله‌ای از مباحث این کتاب مطرح گردد. معذرت آنچه می‌تواند به عنوان یک تفکر سطحی و بصورت یک حدس مطرح باشد این است که احتمالاً "تماس‌های اولیه بین اقوام و ملل مختلف توسط سوداگران برقرار شده که محققاً به گسترش دانش و اندیشه انسانی توجه نداشته و از ایجاد و برقراری مراودات و ارتباطات تنها به سود و نفع شخصی خویش می‌اندیشیده اند و هدفی جز استثمای ملت‌های ناآگاه نداشته‌اند. این سوداگران در ایجاد ارتباط بین اقوام و ملل به راه‌های خدا پسندانه و دوستانه توسط ——— نمی‌جستند بلکه سعی داشتند از راه رعب و ایجاد استثمای گروهی به اهداف سودجویانه خود نایل گردند. دلالت سوداگران، سودجویان و میسیونرهای مذهبی تماماً می‌تواند در جهت سرکوبی خلق‌ها بکار بردند و بهره‌کشی از ملت‌های مستضعف را وجهه‌همت خود قرار دهند. شیوه‌های مطلوب ——— دوستانه تر و وقتی مدنظر قرار گرفت که ملت‌ها به این اندیشه وقوف یافتند که دادا مهربان و حسن همجواری ملت‌ها فقط از راه برقراری آرامش و صلح میسر است و نیل به این هدف والا تنها وقتی میسر است که دوستی و همکاری صلح آمیز بین ملت‌ها برقرار گردد. آنچه در این میان و برای نیل به این هدف نقش‌آرزنده و مهمی ایفا کرده همکاری و مساعدت مترجمان و تلاشی بود که آنها در جهت القاء روحیه همکاری و جایگزینی دوستی‌ها و

مودت‌ها بجای دشمنی‌ها و خصومت‌ها معمول داشتند. مترجمان کوشیدند تا به دشمنی‌ها خاتمه دهند. نوررا از تاریکی و ظلمت برگیرند و به قسول سا موئل دانیل (Samuel Daniel) کوشیدند تا از دوستی‌ها به عنوان وسیله‌ای جهت نضج و گسترش دانش استفاده کنند و جهان را به مکانی بهتر مبدل سازند که در آن: "روح وحدت اجتماعی تبلور یابد و دریاها، بیابانها و کوهها و دشتها هرگز نتوانند برتر در داندیشه هاسدی باشند."

عطش سیری‌ناپذیر برای دانستن و آگاهی یافتن از اندیشه‌ها و تفکرات مردم ملت‌های مختلف در بعضی از ملت‌ها وسیع و در برخی دیگر نسبتاً اندک است. معهدا ایرانیا ن از زمره ملت‌هایی بوده و هستند که نه تنها به این آگاهی‌میل داشته‌اند بلکه خود مبتکران دیشه‌های بزرگ بوده و همواره در تحقیق و تفحص جهد وافر داشته‌اند. ادوارد براون (Edward Browne) در کتاب تاریخ ادبیات فارسی خود شعری از شاعری گمنام نقل کرده است که بیان همین حال است:

ویشوم و اشوم از این عالم به درشوم
ویشوم از چین و ماچین دیرترشوم
ویشوم از حاجیان حاج پرسم
که این دیری بسه یا دیرترشوم

زبان چه بصورت گفتاری و چه بصورت نوشتاری آن وسیله‌ای برای بیان افکار و اندیشه‌ها و تظاهرات آگاهی‌هاست. معهدا زبانها از یکدیگر متفاوت اند و پیدا کردن عبارات جهت تبیین و انتقال مفاهیم از یک زبان به زبان دیگر کار ساده و سهل الوصولی نیست. علی‌رغم پیچیدگی و غامض بودن آن، نیاز به آگاهی و دانستن انجام این امر مشکل اما میسرر می‌طلبند و افراد با تجربه که به روش و متدهای آن علم دارند باید به این مهم بپردازند.

بیتس (Bates) می‌گوید:

هیچ جنبشی بدون تجربه میسر نیست . تجربه
انسانها بر سه وجه استوار است : عواطف ،
تکنیک و تفکر . عواطف و احساس (چون ترس
و امثالهم) تغییرنا پذیرند اما تکنیک ها و
تفکرات دائما " در حال تغییر و تحول اند
اما تغییر در تکنیک ها و تفکرات هرگز
بدون تجربه میسر نیست زیرا اگر قرار باشد
تفکرات تغییر یابند انتقال تفکرات
از جامعه ای به جامعه دیگر با انجام
پذیرد و عنداللزوم رفت و برگشت
گفتاری و شنیداری بین زبانها
اجتنابنا پذیر است .

تعداد افرادی که به ترجمه مشغول اند و خود را در انجام دادن این امر
مهم خیره می دانند فراوان اند اما تعداد افرادی که حقیقتا " برای علم
وقوف کامل و حتی نسبی دارند و شیوه ها و تکنیک های مختلف ترجمه را می دانند
اندک است . استانی آن وین (Stanely Unwin) میگوید : این تفکر
که تنها دانستن دوزبان برای شروع ترجمه کفایت میکند اندیشه ای است
باطل و سپس می افزاید که آگاهی مطلق زبانی بدون علم به تکنیک ها ،
تئوریهها و دانش جا معی در مورد جهان واقعیت نمی تواند وسیله ای راهوار
در ارائه یک ترجمه خوب باشد . مترجم باید بر تمام ابعاد زبان مادری
و زبان مبدا و یا مقصد آگاهی کافی و وافی داشته باشد .

متلسفانه ، ترجمه ، علی رغم اهمیت آن در نشر افکار و ایجاد ارتباط
بین ملت ها هنوز هم بصورت یک هنر دست دوم مطرح است و عملا " بر آن
اعتبار چندانی قابل نشده اند . هیلر بلاک (Hilaire Belloc)

میگوید: ترجمه هرگز اعتباری معادل با اصل نیافته و در نظر صاحبان ادب به عدالت مورد قضاوت قرار نگرفته است (صفحه ۶). جای شک نیست که یکی از عوامل عمده در این قضاوت ناصحیح و ناروا وجود افرادی بوده است که بدون داشتن تبحر کافی و برخوردار از شایستگی لازم و بی اعتنا به تئوری ها و تکنیک های موجود در این زمینه به ترجمه کتب پرداخته و این هنر اصیل را در دیدگاه اهل نظر خراب کرده اند. برای بررسی علت این تصوراتی که نشأت یافته از ترجمه های انجام یافته توسط افراد ناآگاه است مثالی از "روت رونالد" (Ruth Ronald) شاهد می آوریم . او میگوید :

در مذاکرات سال ۸۱- ۱۹۸۰ بین آمریکا و ایران برای حل مسأله گروگانها ، نوعی سوء تفاهم زبانی حاصل ترجمه برداشت اختلافات افزود زیرا در موارد گوناگون از چهار زبان انگلیسی ، فارسی ، عربی و فرانسه استفاده می شد. کلمه فارسی "تعهد" که طبق قاموسهای فارسی - انگلیسی معادل با کلمات "guarantee" ، "commitment" و "undertaking" در انگلیسی است عامل اصلی این توهم بود و در مراحل حل و فصل اختلافات موجود وقفه ای را باعث شد. وقتیکه نخست وزیر ایران محمد علی رجایی با اطلاع خبرنگاران رسانید که آیت الله خمینی با پیشنهاد الجزایر موافقت کرده است ، کلمه "تعهد" را بکار برده که به "undertaking" در انگلیسی تعبیر و برگرداننده شد در حالیکه دیگران آنرا به "guarantee" "تضمین" تعبیر نمودند. رادیو ایران در تفسیر های بعدی کلمه "تضمین" بکار برد ما مترجمان همچنان آنرا معادل با "undertaking" قرار دادند (صفحه ۳).

رونالد مثال جالب دیگری را ذکر میکند که نشان دهنده اهمیت ترجمه در ایجاد ارتباط بین ملت ها است و از سویی نشان دهنده این واقعیت است

که چگونه عدم توجه به آن می‌تواند موجبی بر پیدایش نابسا مانی ها و سوء تفاهات و احیاناً "حوادث رقت‌انگیز" باشد. ظاهراً "پس از کنفرانس پوتسام (Potsdam) در سال ۱۹۴۵، دولت آمریکا اظهاریه‌ای برای دولت ژاپن فرستاد و آن کشور خواست تسلیم شود. دولت ژاپن به این اظهاریه پاسخ داد که ضمن آن از کلمه "mokusatsu" (بمعنی: تا انجام مذاکرات و بررسی‌های لازم تا مل شود) استفاده شده بود. این عبارت اشتباهاً "به" رد می‌شود" ترجمه شد و در نتیجه سوء تفاهات سیاسی را بین دو کشور باعث گردید.

ترجمه در ایران هنوز مراحل اولیه خود را می‌گذراند و در روند ترجمه ذوق و نظر شخصی مترجم بر شیوه‌ها و تکنیک‌های این فن غالب است. با کمال تأسف این امر باعث شده است که ترجمه‌های انجام یافته توسط مترجمان زبردست نیز مورد بی‌مهری قرار گیرد. برخی از این ترجمه‌ها بقدری ما هرانها انجام یافته‌اند که از نظر اهمیت با اصل برابری می‌کنند. در برخی موارد تلاش مترجمان در ایجاد تسهیلات در مبادلات فرهنگی بین ملت‌ها مورد توجه قرار نگرفته و حتی مقامات رسمی و عالی‌رتبه نیز بر ترجمه نظر مساعد نداشته‌اند. مردم عادی که جای خود دارند. از این امر نمی‌توان غافل شد که چگونه یکی از مقامات عالی‌رتبه پس از مشاهده فهرست اسامی هیات نمایندگی عراق در یکی از کنفرانسهای بین‌المجالس و بررسی سمت‌های افراد مذکور در لیست اظهار داشت که فقط چند نفر نماینده اند و بقیه "آشغال" اند. منظوراً بین مقام عالی‌رتبه از "آشغال" همراهان و مترجمان آن هیات بوده است. ایشان مسلماً "فرا موش کرده بودند که بدون همکاری و تشریک مساعی مترجمان در هیات‌های مختلف سیاسی، انتقال نظریات نمایندگان بهیچوجه میسر نمی‌گردید.

اهداف این کتاب در چهار بخش عمده خلاصه می‌شود :

الف: بررسی تاریخ ترجمه و تئوریهای ارائه شده در این زمینه
از قبل از میلاد مسیح تا زمان حاضر.

ب: بررسی مشکلات ترجمه مکتوب و ترجمه شفاهی و ارائه شیوه‌هایی
برای رفع نسبی آنها.

ج: بررسی ترجمه ماشینی و تاریخچه آن و تحولاتی که در این زمینه حاصل
آمده است.

د: بررسی ترجمه همزمان و اقسام آن.

در انجام این تحقیق خود را مدیون دانشگاه علامه طباطبائی و وزارت-
فرهنگ و آموزش عالی جمهوری اسلامی ایران می‌دانم که وسیله این تحقیق
را با تمویب فرصت مطالعاتی اینجانب فراهم آورده‌اند. وظیفه خود میدانم
که از دکتر براج کچرو (Braj Kachru) رئیس بخش زبان دانشگاه
ایلینوی تشکر نمایم که موجبات پذیرش اینجانب را فراهم آورد و تسهیلاتی
را جهت استفاده از کتابخانه غنی آن دانشگاه در اختیار اینجانب قرار داد.
فرصت را مغتنم دانسته از همسرم فروغ تشکر می‌کنم که با تحمل یکسال
جدایی از من و فرزندان و ایثار غیرقابل وصف مرا در انجام این تحقیق
یاری داد.

"بدون ترجمه، دنیایی که در آن زندگی

می‌کنیم بی رحم و محدود خواهد بود."

(شوت) (Chute)

۱۰ ترجمه برای چیست؟

اسناد تاریخی نشان نمی‌دهند که ترجمه همزمان از چه زمانی بین اقوام اولیه رایج گشته و همچون پلی ملت‌ها را بهم پیوند داده است. اما آنچه محقق است این است که پس از اختراع خط و نوشتار در میان قبایل عهد قدیم ترجمه نیز جای خود را بازنموده و به عنوان یک وسیله مطمئن ارتباطی بکار برده شده است. علی‌رغم این مقوله که ترجمه سابقه‌ای پایدار دارد، این سوال همچنان مطرح است که ترجمه برای چیست. آیا واقعا "ما به ترجمه نیاز داریم؟ پاسخ به این سوال از دودیدگاه قابل بررسی است. از یک سو ترجمه یک امر غیر ضروری بنظر می‌رسد و از ارزشی چندانی برخوردار نیست زیرا کلیه امور انسانی می‌تواند بدون دسترسی به ترجمه نیز انجام پذیرد. اگر در میان ظایفه و یا قومی، علاقمندی به آگاهی از ویژگیها و تفکرات ملل دیگر نباشد و برای یک جمع مهم نباشد که جمع یا جوامع دیگر چینی کنند آنگاه ترجمه با در نظر گرفتن مشکلات و نارسائیهای آن یک امر غیر ضرور، وقت‌گیر و بی حاصل می‌نماید. شاید عده‌ای به دستیابی به این آگاهی و درک مسائل عاطفی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی ملت‌های دیگر را غلبه باشند. در این قبیل موارد محدود و معدودشاید راه حل واقعی آن باشد که این افراد را ساء به یادگیری زبانهای مربوط به آن جوامع اقدام نمایند و مستقیما "از منابع دست اول استفاده نمایند. اما اگر از دیدگاه دیگری به ترجمه

بنگریم درمی‌یابیم که حیات و بقاء مناسب بدون ترجمه تحقق نمی‌یابد زیرا میل و شوق به آگاهی از افکار، عقاید و دیدگاه‌های سایر ملت‌ها هر روز فزونی می‌گیرد و فزاینده‌گی این تمایل نقش پراهمیت ترجمه را غیرقابل اجتناب می‌نماید. رافائیل برتون (Raffel Burton) می‌گوید:

تا زمانی که میل به دانستن و شوق به آگاهی از فرهنگ‌ها وجود داشته باشد نیاز به ترجمه نیز احساس می‌شود و این نیاز هر روز فزونی می‌گیرد.

(۱۹۷۳:۲)

در ارتباط با سؤال فوق، سوال دیگری مطرح می‌شود. انسان‌ها از این آگاهی و دانشی که از راه استفاده از متون ترجمه شده کسب می‌کنند چه بهره‌ای می‌گیرند و تا چه حد این آگاهی مورد نیاز است. پاسخ را از زبان "رافائیل برتون" می‌شنویم که:

ترجمه تا زمانی که ما بخواهیم و میل داشته باشیم خود را در مقایسه با دیگران بشناسیم و از خود ارزشیابی صحیحی داشته باشیم لازم نمی‌نماید. چگونه می‌توانیم خود و فرهنگ خود را بشناسیم وقتی از فرهنگ‌های دیگری خبریم و مقایسه بین آنها میسر نیست؟ هر چه ما بر فرهنگ‌ها و افکار ملل دیگر بیشتر وقوف یا بیم خود و فرهنگ خود را بیشتر و بهتر خواهیم شناخت. (۱۹۷۳:۶)

تئوری‌های ترجمه و تفاوت ترجمه مکتوب و همزمان ۳

این خود آگاهی وقتی از راه صحیح و با مقایسه دقیق و بر مبنای ارزشیابی آگاهانه انجام پذیرد به انسان نوعی قدرت واقع گرایی می دهد و انسان را در مقابل با مسایل جهانی و بشری بینا تر و واقع گرا تر می نماید. حاصل این واقع گرایی نیل به زندگی بهتر و موفق تر خواهد بود.

اگر تعلیم و تربیت را یک روند و یک نیاز جهان شمول فرض نمائیم. و از سویی گسترش و تغییرات فاحش جهان را از نظر دور نداریم متوجه خواهیم شد که برای نیل به اهداف عالیّه تعلیم و تربیت فراگیر، دسترسی به ترجمه و استفاده از آن امری غیر قابل اجتناب خواهد نمود. در واقع ترجمه در چینه مطمئنی به واقعیات جهان برون است. وقتی به مشکلات تعلیم و تربیت از زاویه دیگری بنگریم در خواهیم یافت که ایجاد تسهیلات لازم و فراوانی ترجمه های معتبر و قابل استفاده تنها کلید تسریع و تسهیل در آموزش و پرورش است.

وقتی جوایع بصورت انتزاعی و در حصار خود زندگی می کردند، تعلیم و تربیت در معنی محدود خود تنها به آگاهی یافتن از سنتها، باورها، افکار و ایده های هر جامعه محدود می شد. معهذ دوران تاریک و ظلمت افزای قرون وسطی اگر چه برای بشریت بطور اعم فاجعه ای بیش نبود یک واقعیت اساسی را مبرهن داشت و آن اینک بلند نظری و وسعت نظر و بیداری آگاهانه می تواند تضمین کننده بقا و پیشرفت و تکامل انسانها باشد. انسانها برای آن خلق نشده اند که در آنزوا بسر برند بلکه هدف از حیات انسانی، پیگیری و کشف واقعیات و شناخت ملل دیگر و تدارک یک زندگی صلح آمیز است. برای رسیدن به این هدف متعالی، نظام های آموزشی و تعلیم و تربیت باید به بزرگوار مطمئن مجهز باشند تا زمینه رویارویی با این نیازهای جهانی فراهم آید. ترجمه می تواند نقش موثری در توسعه و پیشرفت برنامه های آموزشی جهان شمول داشته باشد و راه را برای آشنایی با تجربیات ملل دیگر و درک آنها هموار

نماید. محققا " بدون ترجمه وقوع این امر و تحقق این آرمان محتمل نخواهد بود.

۱۰۱ روابط فرهنگی

ترجمه نوعی روند و تبادل رفت و برگشتی اندیشه و فرهنگ است. بدین معنی که از طریق ترجمه فرهنگ یک قوم به اقوام دیگر و فرهنگهای بیگانه به فرهنگ خود معرفی می‌شود. به عبارت دیگر، ترجمه در یک حرکت دوجانبه پلی است بر انتقال مفاهیم فرهنگی بین دوزبان. اگر از نقطه نظر تکنولوژی دسترسی به راه‌زورموز موفقیت‌های بدست آمده در جوامع صنعتی برای کشورهای " عقب‌نگهداشته شده" یک نیاز است بهمان نسبت نیز فرهنگهای منحنط و سرخورده اما بظاهرمترقی نیازمند به ایده‌های متعالی جوامع با اصطلاح " کمتر توسعه یافته" اما در اصل غنی از اخلاقیات و شعور اجتماعی هستند. افکار و ایده‌های متعالی هر چند گهگاه توسط عوامل منحنط به سوی انحطاط کشانده شده و خدشه دار گشته اند معینا باید به طریقی راه خود را بسوی ملت‌های نیازمند بازکنند و جای خویش را باز یابند. هدف غایی آن نیست که فقط تنوع فرهنگها معرفی شود بلکه این افکار متعالی باید به نحوی به جوامع غرق در انحطاط منتقل گردند تا راه صحیح زیستن را به مردم جوامع به پوچی‌گرایی یافته باز نمایند. بدون ترجمه، انسانها از کنار یکدیگر می‌گذرند اما وجود همدیگر را احساس نمی‌کنند (شوت ۶۶: ۱۹۷۶).

این تبادل و برگشت فرهنگی نه تنها در مواردی که دو فرهنگ مختلف رویارو می‌شوند مطلوب و مقبول است بلکه در مواردی نیز که روح تشنه انسان متفکر و عطش فرونشده او از فرهنگ جامعه خود سرخورده و دروادی پوچی سرگردان است نیز مطمع نظر است. در جوامع امروز جهان این عطش فرونشسته ملموس است. بلاک (۵۳: ۱۹۳۱) میگوید:

تئوری‌های ترجمه و تفاوت ترجمه مکتوب و همزمان ۵

ما امروز در اروپا بیش از هر زمان دیگر به ترجمه نیاز مندیم. از نقطه نظر ما دی به ترجمه نیاز مندیم چون به رضای نیازهای زندگی عادی خود راغب هستیم. میل به کشف واقعیات و بی بردن بهرموز زندگی در همه جوامع دیده می‌شود و به یک قوم خاص محدود نمی‌گردد. از بعد معنوی نیز به ترجمه نیاز مندیم تا از قبل آن بتوانیم تلاشهای فرهنگی مختلف را با هم مقایسه کنیم و مورد ارزشیابی قرار دهیم.

الزاگرس (Elsa Gress) بصورت ضمنی بیان حقیقت می‌کند و با بنویسی را بر شناخت و معرفت گشوده و می‌گوید:

اگر ترجمه نبود آنچه ما تمدن غرب می‌دانیم از ازمنه قدیم به زمان حاضر راه نمی‌یافت و تصور آن برای عصر ما میسر نبود.

(۱۹۷۱:۵۶)

با احتمال قوی منظور نظر او ترجمه‌هایی بودند که فلسفه و حکمت یونان قدیم را از طریق زبان عربی به اروپای قرون وسطی معرفی مجدد نمودند. اشاره وی به گسترش اسلام به اروپا و نشر افکار فلسفی و عرفانی به آن خطه است. می‌دانیم که اسناد و مدارک علوم به زبان یونانی بسیار نادربودند و پس از نفوذ اسلام به اروپا ترجمه‌هایی که از زبان عربی به زبان نه‌ای اروپایی مخصوصاً "لاتین انجام گرفت توانستند علوم عهد قدیم را با چهره‌ای نوین دوباره تجدید حیات بخشند.

۱۰۲ اهداف فرهنگی - اجتماعی

در نظر بسیاری از مردم، اولین تعبیری که از واژه "ترجمه" متبادر به ذهن می‌شود عبارت است از وسیله‌ای که توسط آن تبدیلی از یک ساخت به ساخت دیگر انجام می‌پذیرد. به عبارت دیگر اولین تصویری که از این واژه در ذهن نقش می‌بندد تصور وضعیتی است که حین آن اشکال صوری از یک

زبان به اشکال صوری از زبان دیگر تجلی تازه می یابد، کت فوردر (Catford) این روند را تحول "بین زبانی" (interlingual) می خوانند. معهدا ترجمه به عنوان یک روند تحول و تغییر "در زبانی" (intralingual) (یعنی دگرگونی ساخت در یک زبان واحد) نیز همواره مطرح نظرگردانندگان یک جامعه چندقومی و چندفرهنگی به ویژه در شهرهای بزرگ بوده است. در این قبیل مجامع، تنوع فرهنگها و تمایز نگرشها چنان گسترده است که عدم انطباق آنها گاه به رکود ارتباطات کلامی می انجامد.

جنگها، حوادث ناخوشایند و مصائب طبیعی، بحرانهای سیاسی، تلاطمهای اجتماعی و نیز مهاجرت های تحمیلی سیاسی و اجتماعی گاه چنان جوامع و فرهنگهای متنوع را درهم می آمیزد که اگر ترجمه های "در زبانی" انجام نپذیرد و راهی بر رفع ابهامات و سوء تفاهات پیدا نشود، این عقده ها و گره های اجتماعی، سیاسی و فرهنگی موجب بربروز درگیری ها و قرنهای ملی برای مناقشات و منازعات خواهد بود. مثال روشن این امر را میتوان در دوران بعد از جنگ تحمیلی در کشور خودمان مشاهده کنیم. در اثر این جنگ تحمیلی و جابجائی ها و مهاجرت های پیش بینی نشده از سوی مناطق جنگ زده به مناطق امن تر "سوء تفاهات زبانی" (linguistic misunderstandings) را بدنبال داشته که عنداللزوم مراقبت های روانی، اجتماعی، زبانی و فرهنگی را می طلبد. درست است که زبان فارسی به عنوان زبان رسمی کشور در همه بلاد مورد استفاده قرار می گیرد معهدا تفاوت های موجود در تنوع گفتارها به حدی هست که وقفه های زبانی را در درک مطالب پدید آورد. اگر بخواهیم عدالت را رعایت کرده باشیم باید به این کاستی های زبانی توجه خاص نماییم. بسیاری از مطالبی که ویژه یک موقعیت جغرافیایی - زبانی خاص تدارک دیده شده به شیوه ای تغییر یا بدتاً بتوانند مورد استفاده مهاجران قرار گیرد.

۷ تئوری‌های ترجمه و تفاوت ترجمه مکتوب و همزمان

ساده کردن (simplification) کتبی که برای بزرگترها نوشته شده (ساده کردن نوعی ترجمه "دزبانی" محسوب می‌شود) لازم است تا بتوانند نیاز کودکان را برآورده سازد. قوانین و مقررات که گاهی یا زبانی پیچیده و مغلط نوشته می‌شود یا بدبزه‌بان ساده برگردان (یا ترجمه "درون زبانی") شود تا بتوانند مورد استفاده عموم قرار گیرد.

در جوامعی که فرهنگهای متفاوت درهم می‌آمیزند، تعدد نظریات و دیدگاههای متفاوت مردمی و برداشت آنها از جهان واقعیت گاه به عدم درک صحیح میانجامد. علت آن است که مردم یک فرهنگ از ایده‌ها و نظریات فرهنگهای دیگر غافل‌اند. ترجمه می‌تواند به عنوان یک عامل مهم و مطمئن برای بسط این آگاهی و آشنا ساختن اقوام به فرهنگهای مختلف ایفای نقش نماید.

۱۰۳ مبادلات علمی

تحولات و تغییرات صنعتی از سال ۱۷۵۰ میلادی آغاز گردید. این تحولات صنعتی به قدری سریع و برق‌آسا حادث شدند که در واقع به نوعی انقلاب تشبیه شدند. در حقیقت تحولات و دگرگونی‌های عظیمی در روند فکری و زندگی اجتماعی و نیز نوع خواسته‌ها و نیازهای مردمی پدید آمد. استفاده از ماشین نه تنها مبدع دگرگونی‌های شگرفی در اروپا گردید بلکه تمامی جهان را متاثر از خود ساخت. انزوا و خودمحوری که تا آن زمان مقبول جوامع و معمول و مرسوم بود دیگر نتوانست مصداق و عینیت پیدا کند و بقاء یا بد. اقوام و ملل متفرق ادا مہ بقاء را منتزع و مستقل از جوامع دیگر مشکل و غیر عملی یافتند بزودی این خبر در همه دنیا پراکنده گردید و این تصور نضج گرفت که ماشین پاسخ و راه‌حلی بر تمام معضلات و نارسایی‌های جهانی است. این مسأله عالمی برای بروز مسایل دیگر گردید. آیا به راستی ماشین تسهیلاتی در زندگی فراهم می‌آورد و اگر چنین است تحقق آن توسط ماشین چگونه است!

اختراعات جدیدانسانها و ملت‌ها را بیش از پیش به هم نزدیک ساخت .
 معهذگسترش دامنه‌استفاده‌های این پدیده‌ها اگرچه به‌ایجاد تسهیلات در زندگی
 انسانها انجامید معهذامصیبت‌های تازه‌ای را برای کشورهای جهان سوم بسه
 ارمغان آورد که پیش‌اندیشی وقوع آنها عملاً " غیرممکن بود ، ابزاروآلات -
 پیچیده تسلیحاتی ، ماشین‌آلات گوناگون ، راکت‌های مجهز به سیستم‌هدایت
 شونده‌از راه دور ، تجهیزات هسته‌ای ، موشکها وسایر ابزارمرگ‌آفرین -
 کشورهای صنعتی را بیش از پیش مستقل و به‌برق‌قدرت مبدل ساخت . در عوض
 کشورهای کمتر توسعه یافته هر روز خود را از نقطه نظر مادی مانه از نظر معنوی
 وابسته تر و محتاج تر یافتند . شکاف بین کشورهای توسعه یافته و توسعه
 نیافته چنان عمیق شد که پرکردن این خلاء نیاز به برنامه‌های متقن و
 حساب شده را الزامی داشت .

جنگ تحمیلی عراق علیه ایران در عصر حاضر یک حقیقت را بیش از پیش
 مبرهن داشت و آن اینکه استقلال فرهنگی بدون دستیابی به دانش علمی
 میسر نیست . به عبارت دیگر بر ما معلوم شد که علم و تکنولوژی - گرچه نه
 آنگونه که تصور می‌شد تنها عامل موثر باشد - یک عامل کلیدی در به دست آوردن
 پیروزی و نیل به موفقیت است . از همین روجوانان تشویق شدند تا با تلاش
 خود را به خودکفایی علمی برسانند . در انجام این مهم ترجمه تاکنون نقش
 بسیار عمده و اساسی بازی کرده است هر چند تکنیک‌های بکار رفته خالصی از
 نارسایی نبوده و پیشرفت‌های آتی مطلوب است . امروز در کشور خودناظر آن
 هستیم که جوانان - هر چند تعدادی از آنها در خدمت ترجمه کارآموز هستند - تلاش
 بسیاری بکار می‌برد تا با ترجمه کتب و اسناد علمی زمینه‌این خودکفایی را
 فراهم آورند . مجلات علمی با گنج‌نیدن مقالات و مطالب علمی ترجمه شده به
 غنای کیفی خود افزوده‌اند .

از طرف دیگر ، تجربیات حاصله در استفاده عراق از تسلیحات شیمیایی

۹ تئوری‌های ترجمه و تفاوت ترجمه مکتوب و همزمان

و پیشرفت‌های جراحی بویژه در امر توانبخشی توجه جهان را به کشور ما معطوف داشته و دنیای علم به کسب اطلاعات به دست آمده رغبت نشان می‌دهد و این گرایش باعث فزونی ترجمه فارسی به زبانهای دیگر شده است کنفرانسهای پزشکی همه ساله برگزار می‌شود و صدها متخصص از سراسر جهان جهت بهره‌گیری از دست‌آوردهای علمی به کشور ما می‌آیند. بدیهی است هیچکدام از این کنفرانسها نمی‌توانند بدون همکاری مترجمان (مکتوب و همزمان) به اهداف مربوطه نایل گردد.

اقتصاد اسلامی و نظام جدید بانکداری اسلامی در کشور ما تجربیاتی هستند که تاکنون در جهان سابقه نداشته‌اند و باید از طریق ترجمه به مردم جهان معرفی گردند.

۱۰۴ صد و نواقلاب اسلامی و ایدئولوژیک

اولین ترجمه مهمی که در عهد قدیم انجام یافت ترجمه تورات بنام سپتواگینت (Septuagint) بود که بنا به درخواست کلیمیان سرگردان به زبان یونانی ترجمه شد. بخشی از قوم کلیم که از موطن خود به دور مانده بودند زبان اصلی خود را فراموش کرده و برای بهره‌گیری از کتب مقدس خود دنیا زمت ترجمه بودند. کتاب مقدس انجیل و سایر کتب مذهبی در طول قرون متمادی بارها به زبانهای مختلف ترجمه شده و این امر بی وقفه تداوم داشته است. هدف این بوده است که جهان از شر شیطان رهایی یابد (داثره المعارف آمریکا - ۱۹۸۷).

- ترجمه تورات به زبان گوتیک (Goethic) توسط اولفیتا (Ulfita) تجدید ترجمه تورات در قرن دوم میلادی توسط آکیولا (Aquila)، ترجمه انجیل مقدس به زبان لاتین توسط سنت جروم (St. Jerome) در قرن چهارم

میلادی، ترجمه کتاب "نگرانی های چوپانی" ، (Pastrol Care) (۱) اثر پاپ گرگوری (Gregory) توسط آلفرد کبیردر ۸۹۴ میلادی، ترجمه کتاب "زندگی قدسین" توسط آلفریک (Aelfric) در قرن دهم میلادی، مکتوبات "میمون" (Maimonide) با عنوان "قوانین اورشلیم" به زبان عبری و مجموعه واژگان اوپیرامون قوانین متافیزیک با عنوان "عبادات و تفکرات یک روحانی" Millatha Higayon در قرن دوازدهم، نسخه ترجمه انجیل ویکلیف (Wycliffite) در ۱۳۸۳، "افسانه های زنان مقدس" (Legends of the Holy Women) اثر باکنهام (Bokenham) باللهام از چوسر (Chaucer) (داثره المعارف بریتانیا ۱۹۷۳)، علاقمندی و گرایش کاکستن (Caxton) به چاپ و انتشار ترجمه "زندگی پدران روحانی" (Lives of the Fathers) در قرن پانزدهم، ترجمه انجیل مقدس به زبان آلمانی توسط لوتر (Luther) در سال ۱۵۳۴، دفاعیه فولکه (Fulke) در ارتباط با لزوم ترجمه تکنیکی کتب مقدس به زبان انگلیسی در سال ۱۵۸۹ ترجمه "بندگی مردم مسیحی" (The Obedience of a Christian man) توسط تایندل (Tyndale) و ترجمه نسخه انجیل مشهور به جیمز (King James) در قرن هفدهم و ترجمه های بسیاری که از کتب مذهبی در دنیا مسیحیت صورت پذیرفته و به زبانهای مختلف دنیا ترجمه می شود نشان دهنده تلاش بی امان و میزان تعهد مترجمانی است که تما می نیروی خود را وقف توسعه و گسترش فرهنگ مسیحیت به جهان غیر مسیحیت نموده اند. تا زمانی که تنها عقاید مسیحیت به مردم جهان عرضه می گردد و ایدئولوژی مسخ شده آن به شیوه ها و به اشکال مختلف به جهان نیان عرضه می گردد، جایی برای عرضه ایدئولوژی های دیگر نمی ماند. واضح است که آشنایی با این

تئوری‌های ترجمه و تفاوت ترجمه مکتوب و همزمان ۱۱

فرهنگها و ایدئولوژی‌ها از طریق ارائه ترجمه‌های اصیل و بی‌غرض یک نیاز است مشروط بر آنکه ایدئولوژی اسلامی نیز بتواند از طریق ترجمه‌های مناسب به شیفتگان عرضه گردد. چگونه می‌توان به حقیقت دست یافت اگر دسترسی به ایدئولوژی‌های گوناگون وجود نداشته و تنها معدودی از آنها در اختیار همگان باشند؟

آقای خامنه‌ای رئیس‌جمهور می‌گوید:

از یکصد و پنجاه سال پیش تا کنون نیروهای سلطه‌گر و استکباری ورژیم‌های مرتجع و سرسپرده آنها اسلام را مورد حملات خود قرار داده‌اند. علت اساسی آن است که اسلام در بطن خود، از نیروی بالقوه عظیمی برخوردار است و آمادگی تحول و بازسازی دارد.

(بیست و دومین اجلاس مجمع عمومی سازمان ملل

۱۹۸۷- ص ۷)

ایشان در جای دیگری می‌گوید:

نظام سلطه گر جهانی اعتقادات و باورهای مردم جهان را به بازی گرفته و آنها را به شکلی که ما می‌ل با شد تغییر و تبدیل می‌دهد و سعی بر آن دارد که مفاهیم مسخ شده و خدشه یافته را در ذهن ملل جهان تزریق کند.

(۱۹۸۷: ۲۵)

برای آنکه بتوانیم از ایدئولوژی و مواضع خود دفاع کنیم باید نه تنها به گسترش ترجمه از زبانهای بیگانه به زبان فارسی بپردازیم بلکه باید ترجمه‌های فارسی به زبانهای بیگانه را نیز رونق بخشیم. ترجمه همزمان سخنان رئیس‌جمهوری ایران در سازمان ملل نمونه‌ارزنده‌ای از نقاش

ترجمه در ایجا دارتباطات جهانی و تبادل افکار و نظریات است. چگونه ممکن بود که بدون ترجمه، بیانات ایشان در بیان انقلاب اسلامی ایران به سمع جهانیان برسد؟

متأسفانه بسیاری از ترجمه‌هایی که تا کنون در ارتباط با انقلاب اسلامی وایدئولوژی اسلامی از فارسی ترجمه شده است عمدتاً "به زبانهای انگلیسی آلمانی و فرانسه بوده‌اند. آنچه امروز کشور ما به آن احتیاج دارد تا سپس مرکزی است که در آن کتب و مقالات از فارسی به زبانهای مختلف اقوام و ملل و نژادها به زبان حکومت‌های حاکمه بر آنها ترجمه شود.

علی‌رغم تصویری که از انقلاب اسلامی ایران یا برجسته "صدور انقلاب" ترسیم یافته است، ترجمه‌ها گریباً عنایت به اصول اساسی و بنیادی آن انجام پذیرد می‌داند تصویری صحیح و غیرمخدوش از مفهوم انقلاب وایدئولوژی اسلامی عرضه دارد. دانشجویان ترجمه باید توجه خویش را به این قبیل کتب معطوف دارند و با بهره‌گیری از اصول نوین ترجمه نسبت به برگردان کردن آنها به زبانهای بیگانه همت گمارند.

۱۰۵ حذف و اضافه و مساله‌ها بیت از فرهنگ قومی

این مسأله که آیا مترجمان باید به متون اصلی وفادار باشند به حدی که ترجمه "لفظ به لفظ" ارائه نمایند و یا باید آنها به ترجمه "مفهوم" بسنند کنند و در حذف و اضافه مختار باشند مسأله‌ای است با قدمت زیاد که عده‌ای از تنویرسین‌های ترجمه را در قطب موافق و تعداد دیگری را در قطب مخالف خود قرار داده است. الکساندر وود هوسلی (Alexander Woodhouselee) ضمن توصیه "حذف و اضافه" می‌گوید: مترجمان می‌توانند از این آزادی - (یعنی حذف و اضافه) استفاده کنند اما باید همیشه جانب احتیاط را نگاهدارند (۱۷۹۷: ۳۹) و در جای دیگر می‌افزاید:

تئوری‌های ترجمه و تفاوت ترجمه مکتوب و همزمان ۱۳

درمقایسه با این آزادی، مترجم با ایداز این آزادی نیز برخورد را با شدکعبا رات غیرصحیح را که در متن اصلی یافته است از ترجمه حذف نماید منوط بر آنکه این تغییر کمی خدشهای بر کیفیت متن وارد نیاید.

(۱۷۹۷:۵۹)

دنام (Denham) در مقدمه دومین کتاب خود به نام Virgil میگوید:

"شعرا زچنان ظرافتی برخوردار است که وقتی از زبانی به زبان دیگر ترجمه شود تبخیر می‌شود."

وبعدا اظهار می‌دارد:

"... اگر روح تازه‌ای به این انتقال مفاهم دیده

نشود، چیزی به جز یک کمیت مرده (caput mortuum)

باقی نخواهد ماند."

(وود هوسلی ۱۳:۱۷۹۷)

رافایل برتون نیز بصورت ضمنی از این نظر حمایت می‌کند و می‌گوید:

"... ترجمه لغوی دروغ و فریبی بیش نیست، همگی نیرنگ و حیل است."

است. (۱۳:۱۹۷۳)

"سراستانی انوین" در آنجا که مساله "غرور ملی" National Pride

و شوخی‌های رکیک در میان باشد حذف و اضافه را جایز می‌داند منوط بر آنکه

به گفته وی "کتاب (مورد نظر) خدشه‌دار نشود و از کیفیت آن کاسته نگردد."

(۸۱:۱۹۶۲)

ناید (Nida) مواردی را ذکر می‌کند که در آن حذف، اضافه و یا تغییر

جایز شده می‌شود. ناید به ویژه به روشها و شیوه‌های تصحیح و حذف و اضافه

اشاره می کند. سه مقوله ای که ناپیدا به آنها اشاره میکند عبارتند از:

الف - اغافه

۱- افزودن عبارات مستوره (elliptical)

۲- ابهامات

۳- بازسازی نحوی

۴- بسط کلامی از حالت ضمنی به حالت عرضی

۵- پاسخ به استفهام (rhetorical)

۶- نشانه های گروهی

۷- کلمات ربطی

۸- مقوله هایی از زبان مبداء که در زبان مقمديافت نشود.

۹- موارد دوگانه (doublets) مثل : answering said

asked and said

he said ... said he

و غیره

ب - حذف

۱- حشو (tautologies)

۲- ویژگی مرجع

۳- کلمات عطفی (conjunctions)

۴- کلمات ندایی (vocatives)

ج - تغییر

۱- اصوات (برای مثال : فاطمی — فاطمه

سیدی — سادات

مارتی — مرتضی

۲- ترتیب اجزاء جمله

۳- عوامل غامض معنایی

تئوری‌های ترجمه و تفاوت ترجمه مکتوب و همزمان ۱۵

دنام وکالی (Cowley) هر دو معتقدند که: "برای جبران آنچه در ترجمه از دست می‌رود باید چیزی بجای آنها افزوده شود." (استینر ۷۳: ۱۹۶۶) در عین حال تعدادی معتقدند که دخل و تصرف و حذف و اضافه در ترجمه جایز نیست و به جز در مواردی که ضرورت استفاده از آنرا تجویز نمی‌کنند، هیچ‌کس (Higden) اظهار می‌دارد:

"در بعضی از قسمت‌ها من کلمه را بجای کلمه، جمله معلوم را بجای جمله مجهول، جمله مجهول را بجای جمله معلوم بکار برده‌ام و بدون آنکه نظم کلمات را تغییر دهم هر سطر را در جای خود قرار داده‌ام."

(آموس ۱۷: ۱۹۲۰)

آنچه به عنوان حذف و اضافه فرهنگی از آن نام می‌بریم عبارت است از حذف و اضافه آن قبیل نکاتی که نویسنده اصلی به عمد در کتاب خود منظور داشته تا تصویری غلط از یک فرهنگ و یا یک ایدئولوژی در اذهان خوانندگان ترسیم نماید. باگلی (۱۹۸۵، Bagley) کتاب علی دشتی را با عنوان "بیست و سه سال از فارسی به انگلیسی ترجمه کرده است که در آن مولف اصلی کتاب حقایق را قلب و به میل خود عبارات و آیات قرآنی را حذف و اضافه نموده به قسمی که در برخی از موارد معانی متضاد تظاهریافته است و مقصود اصلی گم گشته است. متأسفانه مترجم متن را عیناً "ترجمه کلمه به کلمه کرده است. در نتیجه خوانندگان کتاب از متن ترجمه شده چیزی را نمی‌فهمند که با آنچه افراد متعهد از خواندن متن اصلی ادراک می‌کنند تفاوت دارد. اگر مترجم ضمن ترجمه متن از اصول و عقاید اسلامی بهره‌مند می‌شد و قسمت‌های حذف شده را که نویسنده اصلی به عمد از قلم نداشت است به ترجمه می‌افزود، ترجمه‌ای کامل تر و متفاوت تر حاصل می‌شد. بعضی از تئوریسین‌ها با ورقه‌ها را در ترجمه نشان ضعف ترجمه می‌دانند و آنرا

تجویز نمی‌کنند مع هذا استفاده از پاورقی در مواردی شبیه به مورد بالا -
می‌توانند به قضاوت بهتری از متن اصلی بیا نجامد .

بسیاری از مطالبی که مخصوصاً " پس از انقلاب اسلامی ایران به سوی
ایران روانه می‌شوند قصد بدنام کردن انقلاب اسلامی را دارند و هدفشان آن
است که اذهان را مغشوش سازند . اگر این قبیل متون بدون حذف و اضافه
و عیناً " به گونه‌ای که آمده اند در اختیار عموم قرار گیرند ، همه افراد از آن
به یک شیوه بهره نمی‌گیرند . و یا این امکان وجود دارد که از محتوای متون
تصویری غلط برداشت نمایند . در این قبیل موارد ترجمه این متون با
اضافه حواشی جهت اطلاع بیشتر خوانندگان می‌توانند به مراتب از متن
اصلی سودمندتر و کم ضررتر باشد .

۱۰۶ چند نکته و چند لحظه تا مل

آنچه در زیر مشاهده می‌شود نظریات مختلفی است که اهل نظر در مورد
محاسن و معایب ترجمه و عمدتاً " در ردی قبول آن ذکر کرده اند ، اینک
طرفداران وی مخالفان ترجمه کدامیک ذیحق هستند مسأله‌ای است در خور
تا مل و بحث مجدد . مع هذا خوانندگان می‌توانند با بینشی که دارند
پذیرفتن یا نپذیرش هر کدام از مقوله‌های زیر دلایلی را اقامه نمایند .
۱- بعضی از مترجمان وقتی خود را با تضادهای و ناملازمات لاینحل جا
خود روبرو دیده و از بی عدالتی‌های حاکم بر جامعه خسته شده اند برای
تسکین خود به ترجمه روی آورده و وقت فراغت خویش را به این اختصاص
داده اند . ژولیا س زولایسکی (Julias Zulawski) مقوله‌جالبی
را عنوان می‌کند . او می‌گوید :

"در سال ۱۹۵۰ به کار ترجمه پرداختم و تنها هدفی
که از این کار داشتم آن بود که مدتی خود را از مصائب

زندگی در قرن حاضرها نم ."

از این گفته برمیآید که ترجمه نباید الزاما "تلاشی در جهت اقصاع و ارضاء امیال افراد جا معه با شد بلکه میتواند به عنوان وسیله‌ای برای ارضاء میل و یا امیال خود مترجم بکار گرفته شود . .

۲- بر این آنکه شخص بتواند نویسنده‌ای ما هروکار دان شود با ید دروادی و قلمرو اندیشه انسانها رهروی چست و چالاک باشد . انسان باید بتواند به عنوان بخشی از پدیده هستی همانند سایر انسانها احساس کند ، درک کند ، بفهمد و مکنونات قلبی خویش را بر زبان آورد . برای نیل و دستیابی به این توانایی مورد نیاز ، مترجم جوان باید از طریق ترجمه به کند و کاو افکار و نظریات متفکران و نویسندگان اعمار مختلف بپردازد و از آنها بهره‌گیرند . (مک شین ۱۹۷۱ ، Mac Shane 1971) .

۳- ترجمه یک متن ادبی همچون "توت فرنگی آب پز شده" بی طعم و بی مزه است . " (هاری دو فارست اسمیت (Harry de Forest Smith) ۱۹۵۹: ۱۷۳)

۴- "تقریبا" تمامی ترجمه‌های انجام یافته بطوریکه دست بدونا مطلوب هستند . " (ما کس ایست من Max Eastman)

۵- " ترجمه‌ها مانند یک گمرک است که اگر مقامات مسئول از عنایت فارغ گردند ، اصطلاحات بیگانه از طریق آن همچون سیل مواد قاچاق به فرهنگ جامعه رسوخ می‌کنند ، این گذرگاه از هر مرز فرهنگی و زبانی نفوذ پذیرتر است . " (ژولی کاسارس ، ۱۹۵۹ ، Juli Casares)

۶- " ما باید به این اصل پی ببریم که برهیچ ترجمه‌ای نباید اعتماد کرد . " (جورج جوی ، قرن هفدهم ، George Joy)

۷- " ترجمه خوب انسان را به دنیاهای ناشناخته رهنمون می‌شود . " (گوته ، قرن نوزدهم)

۸- "ترجمه کردن یک اثر گناه است."

(گرانت شاورمن ۱۹۱۶، Grant Showerman)

۹- "ترجمه کردن از یک زبان به زبان دیگر همانند وارونه نگاه کردن به

یک پرده دیوار کوب منقوش است." "سروانتس، قرن هفدهم (Cervantes)

۱۰- "شعر هرگز قابل ترجمه نیست." "ساموئل جانسون، قرن هفدهم،

(Samuel Johnson).

۱۱- "ترجمه همانند یک زن است، اگر زیبا باشد پس نمی تواند و فسادار

باشد." (وزارت تحقیقات علمی هندوستان ۱۹۶۲:۴۵)

۱۲- "فقط افراد معدودی می توانند از خواندن کتب به زبان اصلی بهره

کافی بگیرند ولی افراد بسیاری می توانند از ترجمه ها بهره مند گردند."

(الزاگرس ۱۹۷۱)

۱۳- "ترجمه خوب مثل یک قطعه الماس است. مرواریدی است که ارزش

آن نامحدود است." (شوت ۱۹۷۱)

۱۴- "گاهی با خود فکر می کنم که "جهان" چیزی جز یک برگردان از-

اصل واقعیت و آنچه خداوند آفریده است نیست. بهمین دلیل است که همه

چیز در هم برهم و مغشوش است. فرضیه من این است که خداوند بزرگ به

شیطان اعتماد کرده به او اجازه داد که از اصل خلقت برگردانی فراهم

آورد و قبل از آنکه فرصت شود تا این ترجمه تصحیح شود انتشار یافت.

(اسحق با شویس)

۱۵- "ترجمه عاملی است برای عریان ساختن یک متن ادبی تا بتوان به

واقعیت نهفته آن اثر پی برد. بسیاری اتفاق می افتد که مولف وقتی

مطلبی را به زبان اصلی خود می پروردند و می نگارد از معایب و محاسبات آن -

بی اطلاع است ولی ترجمه آن اثر بسیاری از کاستی ها را می نماید.

ترجمه واقعیات تلخ را بیان می دارد و پرده پوشی ها را نمایان می سازد."

(اسحق با شویس Isac Bashevis)

۱۶- " برای آنکه انسان بتواند به زبان مادری خود وقوف یا بدهیچ چیز بهتر از ترجمه از زبانهای بیگانه به زبان مادری نیست زیرا از این طریق است که می‌توان فهمید زبانها تا چه حد هم از نظر معنایی و هم از نظر نحوی از یکدیگر متفاوت اند. این درست همانند وضعیتی است که انسان تا از کشورهای بیگانه دیدن نکنند درکی واقعی از کشور خود ندارد."

(آدن Auden)

۱۷- "نویسندگان زبده‌ای چون پوشکین، داستایوفسکی، تورگانیف، بوتین، بلاک، پاسترناک، آخمتوف و دیگران همیشه خود را مترجم می‌دانسته‌اند و قبل از آنکه به نویسندگی بپردازند به ترجمه دست می‌بازیده‌اند." (کورنی چوکوفسکی ۱۹۸۴ Kornei Chukovsky)

۱۰۷ نظر متقدمان در ارتباط با هدف ترجمه

مترجمانی که به برگردان کردن آثار نویسندگان بزرگ همت نموده‌اند دلایل مختلفی را برای اهداف خویش برشمرده‌اند. اما جملگی برای این اصل اذعان دارند که اگر مترجمی بتواند با مهارت بسیار به خلق ترجمه‌ای کامل از یک متن اصلی به زبان دیگر همت نماید با یداین امر خطیر را برعهده گیرد و در انجام آن بکوشد. ترجمه یک اثر برای مترجم یک مسئولیت خطیر اجتماعی است و مترجم نباید از نمایاندن دفاینه‌ای که خود به آن دست یافته دریغ ورزد."

در اینجا به نقل برخی از این نظریات می‌پردازیم. از خوانندگان وبه ویژه مترجمان می‌خواهیم که اگر اهداف و نظریات زیر را موجه می‌دانند آنها را مدنظر داشته و بکار گیرند. این اهداف عبارتند از:

۱- "هدف باقی‌گذاردن خاطره‌ای است که نشا نگروشا هدی بردوران صلح

آ میزی باشد که نویسندگان بزرگ در آن زیستند . "

(فیلمون هلند ، Philemon Holland)

۲- "هدف خدمت در جهت منافع عامه است . " (نیکلسون Nicholson)

۳- "هدف خدمت به ملت است . " (اودال Udall)

۴- "هدف بیان عشق و الفت به سرزمین خویش است . " (تا ورنر

(Taverner)

۵- "هدف اهمیت دادن به گنجینه علمی گذشتگان و نقل و انتقال این

گنج پر بهاء به فرهنگ و زبان خود است . " (جان برانده John Brende)

۶- "هدف تعقیب و ترغیب تلاشهای وطن پرستانه ای است که در کشورهای

دیگر به منصفه ظهور رسیده است . " (ویلسون Wilson)

۷- "هدف ارائه قوانین و رهنمودهایی است که از آنها پادشاهان در

حکومت ، مشاوران در مشورت ، کاهنان در اجرای شعائر مذهبی ، فرماندهان

در امر فرماندهی ، متاهلان در مسئولیتهای خانوادگی ، سعادت جویان در

تعقیب غنا و بینوایان و درماندگان در تسکین آلام خود سودجویند . هدف آن

است که باب مراودت و مکاتبت با همه انسانها گشوده شود . " (ویلسون)

۸- "هدف برانگیزاندن مقاومت ملی در مقابل کشورهای دیگر است . "

(ویلسون)

"ترجمه یک هنرنیست
بلکه یک هنربرتر است"
(کورنی چوکا فسکی)

۲۰- تئوریهای ترجمه

علم ترجمه ، خواه به عنوان "هنر" محسوب شود و یا "علم" به حساب آید، در شکل امروزی آن ، حاصل کوشش و خطاها ، تحول و تغییرها و ابتکارات فراوانی است که در طول تاریخ معمول گردیده است . در رشته‌های دیگر علم و هنر و بسیاری دیگر از زمینه‌های عملی نیز همین روند معمول بوده و آنچه امروز به عنوان اکتشافات و یا یافته‌های جدید از آن نام می‌برند ریشه‌های دیرین و کهن دارند . و حاصل تلاشهای پویانده‌ای است که در گذشته انجام یافته است . برای مثال می‌توان به خطاطی ، عکاسی ، فلسفه ، سیاست و بسیاری از شاخه‌های دیگر علم اشاره کرد . همه آنها از گذشته‌های غنی - که بدواً " با نظریات و ایده‌های ساده‌ای آغاز شده‌اند ، برخوردارند . در عصر ما بسیاری از این دیدگاهها مردود و مطرودند . و جوه متعالی و تکامل یافته‌ای این ایده‌ها امروز علم جدید را تشکیل می‌دهد . هنرمندان عصر حاضر تکنیک‌ها و شیوه‌هایی را در خلق آثار هنری بکار می‌برند که اگر متقدمان آنها حیاتی می‌داشتند محققاً " بر آنها به دیده تمسخر می‌نگریستند ، از طرف دیگر بسیاری از شیوه‌هایی که متقدمان بکار می‌بردند اکنون به عنوان روشهای ما خود از تصورات ساده‌اندیشان زمانهای گذشته مورد بی‌توجهی و کم‌لطفی قرار می‌گیرند .

ترجمه نمی‌تواند از این اصل کلی منفک باشد و استثناء به حساب آید .

اما آنچه ترجمه را از بقیه شقوق علمی و هنری میرزترمی دارد توجه به این حقیقت است که بسیاری از متفکران بزرگ و نه فقط عده‌ای قلیل به مترجمه عنایت داشته‌اند. همه آنها به نحوی از انحاء از ترجمه بهره گرفته‌اند. به نقل از "ماخن" (۱۹۸۵:۲) (Machan) اگر از مزایای ترجمه بهره‌گیری نشده بود، شاید آثار چوسر (Chaucer) نویسنده شا عرو مترجم انگلیسی، همچون "Melibee" و "Boerce" داستانهای کشیش (Parson's Tales) و "داستانهای شوالیه" (Knight's Tales) هرگز خلق نمی‌شدند، رافائل برتون (Raffel Burton) معتقد است که بسیاری از اندیشه‌ها و نظریات بلندمرتبه شکسپیر، نمایشنامه‌نویس مشهور انگلیسی، از ترجمه‌های انجام یافته نشأت گرفته‌اند (۱۹۷۳:۳). اگر مترجمان مکتب تولدو (Toledo) در اسپانیا، متون عربی آثار ارسطو، افلاطون و سقراط را به لاتین برگردان نمی نمودند، ایده‌های والای آنها که رنگ و بوی اسلام نیز یافته بود هرگز به اروپا و جهان غرب راه نمی یافتند (رابین (Robins ۱۹۷۶:۷۵)

برای آنکه بتوانیم تئوریهایی جدیدتر ترجمه را بهتر درک نمائیم لازم است بدو "با متقدمان این رشته و با آنها بی که سنگ زیربنایی این علم را نهاده اند آشنا شویم. باید از معایب و محاسن و از نقاط ضعف و قوت آنها آگاهی یابیم و از طرفی نیز لازم است که با چگونگی ورود تحولی و تکاملی کیفی و کمی نظریات در ارتباط با این علم آشنا شویم.

برای حصول به هدف فوق، بخش زیر به معرفی تئوریهایی ترجمه اختصاص یافته و روندهای فکری در این مقوله به صورت تقویمی مرتب شده و عرضه گردیده است. هدف غایی این است که خوانندگان با پیشروان این علم آشنا شوند و زمینه‌های در شناخت افکار و تکنیک‌هایی که متقدمان در باب ترجمه ارائه و عرضه نموده‌اند حاصل آید.

به معایب و محاسن به‌طور اجمالی اشاره شده — معهداسعی شده است پیشرفت‌ها و تحولات به‌صورت مرحله به مرحله ردیابی شوند. این بخش به‌سه‌عنوان اصلی تقسیم شده که عبارتند از:

۱- تحول تئوریهای ترجمه در اروپا

۲- تئوریهای مدرن .

۳- تحول ترجمه در ایران (۱)

عناوین تابعه عمدتاً " به شرح و تفصیل و ارائه مثالها اختصاص یافته است .

۲۰۱ تحول تئوریهای ترجمه در اروپا (۲)

اروپا - به معنی وسیع کلمه - چه در زمان عصر شکوفایی امپراطوریهای روم و یونان و چه بعد از سقوط قسطنطنیه که به بروز و تظا هر نسانس انجامید همواره مرکز تلاشهای مستمر سیستماتیک علمی و تحقیقاتی در تمامی ابعاد علم و منجمله ترجمه بوده است . البته بیان این حقیقت نباید ما را از ذکر این مقوله غافل نماید که در میان اقوام و ملل غیر اروپایی نیز تلاشهایی برای تعالی و تکامل و پیشرفت ترجمه و نیز سایر رشته‌های علمی معمول گردیده است معهدا یونان و روم باستان از آن جهت اعتبار یافته‌اند که مبدع تحقیقات و کارهای سیستماتیک علمی بوده‌اند .

(۱) تحقیق در این زمینه ادامه دارد و حاصل در نسخ بعدی ارائه خواهد شد .

(۲) واژه "اروپا" در معنی عام آن بکار رفته و به دوران قبل از میلاد مسیح نیز اطلاق شده است .

۲۰۱۰۱ ترجمه مکتوب و ترجمه شفاهی در دوران باستان (قبل از میلاد مسیح

تا آغا زقرون وسطی)

اولین آثار ترجمه مکتوب به سه هزار سال قبل از میلاد مسیح یعنی به دوران پادشاهان مصر باستان مربوط می‌شود. قسمت‌های پراکنده‌ای از "حماسه‌های سومری" (Sumerian Gilgamesh Epic) مربوط به هزاره دوم قبل از میلاد به چهار تا پنج زبان آسیایی کشف گردیده است (دایره المعارف آکادمیک آمریکا ۱۹۸۶). نوشته‌هایی که در منطقه "کاتاراکت" (Cataract) کشف شده نشان می‌دهد که در نوشتن یک متن آزدوزبان استفاده شده است (نیومارک ۱۹۸۱: ۳ Newmark). سنگ سیاه بازالتی که در سال ۱۷۹۹ در منطقه رودخانه نیل در مصر کشف شده خطوط هیروگلیف و ترجمه آنها به زبان یونانی مزین است که از طریق آن با شناخت خطوط هیروگلیف مصر باستان مفتوح گردیده است (نایدا ۱۹۶۴: ۱۱ Nida). همچنین در اسناد آمده است که وقتی اسرای کلیمی در سال ۳۹۷ قبل از میلاد از بین النهرین به (Nehemia) بازگشتند متون دینی و کتاب مقدس تورات را به زبان عبری مشکل یافتند و خواستار آن شدند که مترجمان به ترجمه آن متون همت گمارند (نایدا ۱۹۶۴: ۱۱ Nida). از قرن سوم قبل از میلاد بعبده بخش عظیمی از ادبیات غنی یونان به صورت سیستماتیک به زبان یونانی ترجمه شد (رابین ۱۹۷۶: ۱۶ Robins). در حدود ۱۳۰ قبل از میلاد، تورات از زبان عبری به زبان یونانی ترجمه شد (نیومارک ۱۹۸۱: ۱۳ Newmark). امکان این نیز وجود دارد که از زمانه‌های پیشین نیز ترجمه معمول بوده است اما شواهد تاریخی دال بر این مدعی وجود ندارد. لیکن آنچه مشخص است این است که "مترجمان همزمان" (interpreters) در ترجمه از یک زبان به زبان دیگر مخصوصاً در دوران امپراطوری‌های

یونانیان و ایرانیان نقش عمده‌ای را ایفا نمودند .
وقتی یوسف پسر یعقوب پیا مبر با کمک کاروانیان از جاه خلاصی یافت
وبه مصر برده شد به زبان دیگری آشنا شد و به آن تکلم کرد . به روایت
نخستین کتاب تورات (Genesis) ، یوسف در صحبت با برادران -
خود از مترجم همزبان استفاده کرد . متن روایت چنین است .
" آنها نمی دانستند که یوسف زبان آنها را می‌فهمد .
زیرا یوسف با برادرانش با رابطه مترجمان سخن
می‌گفت "

(تورات ۴۲:۲۳)

در زمان سلطنت "سامتیک دوم" (Psamtik II) از فرعون مصر
(۵۸۸-۵۹۴ قبل از میلاد ،) گروه بزرگی از جوانان و طلاب مصری به یونان
فرستاده شدند تا ضمن یادگیری زبان یونانی با فن ترجمه مکتوب و شفاهی
نیز آشنا گردند (رونالد ۱۹۸۲:۲۸ Ronald) . نقل است که پسری از اهالی
لیسیای قدیم (Lycia)^(۱) که از تبار ایرانیان بوده است
اسکندر مقدونی را در حمله اش به ایران باستان همراهی می‌کرده و رابط او
بین دوزبان بوده است (رونالد ۱۹۸۲:۲۸) .

سنگ نبشته‌ای بر دیوار تخت جمشید ، پایتخت داریوش ، که قدمت آن به
سال ۵۱۳ قبل از میلاد می‌رسد متونی با سه زبان پارسی ، اکاد (Akkadians)
و ایلامی بر خود منقوش دارد . حتی از زمان کوروش ، بنیانگذار امپراطوری
ایران (۵۳۰-۶۰۰ ق م) ، علی‌رغم زبان آرامی (Aramic)^(۲) که

۱- زبان "لیسیا" طبق کتیبه‌های موجود به الفبای یونانی نوشته شده
و با زبان (لویان) (Luian) و یا هیتی و زبانهای هندو

اروپائی شباهت داشته است .

۲- زبان باستانی مردم شامات و بین‌النهرین

بطور گسترده‌ای مورد استفاده قرار داشته و زبان رسمی بحساب می‌آمده است. زبانهای دیگر نیز رایج بوده و افراد دوزبانه (bilinguals) در مرادوات نقش عمده‌ای داشته‌اند. "رونالد" دو واقعه جالب را که حکایت از کاستی‌ها و بی‌کفایتی مترجمان آن از منهدارد نقل می‌کند. به نقل از "رونالد" اردشیر اول Artaxerxes (۴۶۴-۵۰۴ ق م) قاصدی را بنا م‌آرتا فرنس Artaphernes که به دوزبان پارسی و یونانی تسلط داشته به اسپارات (Sparta) (۱) گسیل داشت تا به مقامات اسپارت اطلاع دهد که مترجمان نشان از عهده ترجمه خوب برنیا مده و باعث کدورت روابط شده‌اند. "رونالد" در جای دیگر ذکر می‌کند که اسکندر کبیر به دین و فلسفه هندوان علاقمند شد. سه مترجم سخنان راهبان برهمنی را ترجمه می‌کردند. هرچند مترجمان را به زبانهای مورد نظر مسلط یافتند مع هذا راهبان پشتوانه مترجمان را در فلسفه تهی دیدند و اظهار داشتند که:

"تلاش برای تشریح نظریات مکتبی و فلسفی از طریق این صافی (۲) بمثابة آن است که انتظار داشته باشیم آب از جوی گل بگذرد و همچنان خالص و پالوده باقی

بماند." (رونالد ۳۳: ۱۹۸۲)

هما نظور که قبلاً ذکر شد در دوران وابسته به کلیمی های یونانی زبان (Hellenistic age) (۳) اولین ترجمه از کتاب مقدس تورات بوسیله طلاب کلیمی تبار به عمل آمد. در همان زمان، "زنون" (Zeno) پایه گذار مکتب رواقیون (۴) (Stoic) که از نژاد سامی‌ها بود و سپس زبان

۱- دریونان باستان

۲- منظور مترجمان بوده‌اند.

۳- دوران مربوط به زبان و فرهنگ یا هنریونانی که آثار بیگانهدر آن راه یافته و از زمان اسکندر آغاز می‌شود.

۴- رواقیون معتقد بودند که این جهان مظهر اراده الهی است و انسان باید احساسات خود را کشته و لذات دنیوی را فراموش کند

تئوری‌های ترجمه و تفاوت ترجمه مکتوب و همزمان ۲۷

یونانی رافراگرفت، از این دوزبان به نحو شایسته استفاده کرد (رابین (Robins ۱۹۶۷: ۱۶).

وقتی رومی‌ها تسلط خود را بر دنیای متمدن آن زمان گسترش دادند به لحاظ روحیه کشورگشایی و توسعه‌طلبی که از آن برخوردار بودند به تماس با ملل آن زمان رغبت نشان دادند و این امر باعث شد که استفاده‌کنندگان از زبان‌های مختلف در تماس با یکدیگر قرار گیرند. در این دوران، بسیاری از متون به زبان‌های معمول آن زمان ترجمه شد. شیوه‌های معمول در ترجمه همزمان تحول یافت، معهذ اسناد معتبری که از چگونگی این شیوه‌ها حکایت نماید به دست نیامده است.

زبده‌ترین چهره‌های علمی این دوران که بخشی از توجه خویش را به ترجمه معطوف داشتند به شرح زیرند. لازم به تذکر است که فعالیت آنها به ترجمه خلاصه نشده و در دیگر زمینه‌های علمی نیز تلاش وافر داشته‌اند.

۲۰۱۰۱۰۱ لوسیوس آندرونیکوس لیویس (Lucius Andronicus Livius)
(حدود ۲۰۷-۲۸۰ قبل از میلاد)

اوبرده‌ای بود که احتمالاً پس سقوط و تسلیم شدن رومی‌ها به اهل‌سی "تارانتموم" (۱) در سال ۲۷۲ قبل از میلاد از اسارت نجات یافته است. با عنایت به تسلطی که به دوزبان لاتین و یونانی داشت به تدریس این دوزبان پرداخت و بعداً "مکتب شعرونما یشنا مه حماسه‌ای روم را بنیاد نهاد. کلی (Kelly) معتقد است که ترجمه‌های لیویس اولین ترجمه‌های منظوم قیاسی (analogical) محسوب می‌شوند. (۱۹۷۹: ۱۹۸).

با تجربه‌ای که از تدریس لاتین و یونانی به دست آورد. به ترجمه منظومه

حماسی (Odyssey) هومر^(۱) برداخت و بر آن عنوان " Odyssia " نهاد. احتمالاً از این ترجمه به عنوان کتاب درسی استفاده می شده است. قسمت عمده کتاب ترجمه شده با استثنای پنجاه خط که آنهم از تفسیر هورس (Horace) و سیرو (Cicero) استخراج شده از بین رفته است و در دسترس نیست. او در ترجمه خود از جمع و قافیه زبان لاتین استفاده کرد. از این رو ترجمه او را اولین ترجمه هنری بحساب آورده اند.

لیویس بعداً " به نوشتن نمایشنامه، کمدی و تراژدی روی نهاد. متأسفانه تنها ۴۰ بیت یا سطر از هر کدام باقی مانده و بقیه از بین رفته اند. عناوینی که بر آثار آمده است نشان می دهد که این آثار احتمالاً ترجمه های یونانی از آشیلوس (Aeschylus)^(۲)، سوفوکلس (Sophocles)^(۳)، یورپیدس Euripides^(۴) بوده اند (دایره المعارف بریتانیا) به علت عدم دسترسی کامل به آثار او، تاریخ نویسان از شیوه های ترجمه او سخنی بمیان نیاورده اند.

Marcus Tullius Cicero مارکوس تولیوس سیرو
(۱۰۶ تا ۴۳ قبل از میلاد)

سیرو از دولتمردان، حقوقدانان، علماء و نویسندگان رومی بود. آثار او شامل کتبی در زمینه فصاحت و بلاغت، خطابه گری، رساله های

۱- هومر شاعر یونانی که ظاهراً " در قرن هشتم قبل از میلاد می زیسته و منظومه حماسی او مشتمل بر شرح مسافرت های پرحادثه ادیسوس (Odysseus) در راه محاصره شهر تروا می باشد.

۲- شاعر و مبدع تراژدی یونان.

۳- شاعر یونانی بین سالهای ۴۹۶ تا ۴۰۶ قبل از میلاد می زیسته و نمایشنامه های تراژدی نوشته است.

۴- شاعر یونانی که بین ۴۸۰ تا ۴۰۶ قبل از میلاد می زیسته است.

فلسفی و سیاسی و مرقومه‌های متعدد بود. بهترین آثار منظوم او حماسه‌هایی با عناوین "De consulata" و "De Temporibus Suis" قرار گرفته است (دایره‌المعارف آمریکا بی ۱۹۸۶). به گفته نیومارک، "سیسرو معتقد بود که:

"... مترجم باید مفسر و یا عالم علم بدیع باشد و چه‌کس نمیداند که دانش مفسر با دانش یک شخص دو-زبانه متفاوت است. عالم علم بدیع تنها به‌ظواهر و وساخت عنایت ندارد بلکه به‌عمق و بررژف ساخت عبارات عنایت و توجه دارد."

(نیومارک ۱۹۸۱)

سیسرو در ترجمه لغوی و واژه‌به‌واژه (literal) تجدیدنظر کرد و آنرا کاری عبث و غیره‌نری‌نا مید. در مقابل، مترجمان کلیمی تصور می‌کردند که تنها از طریق ترجمه واژه‌به‌واژه، خلق تصویر کاملی از متن اصلی میسر است. کلی (۱۹۷۹:۳۶، Kelly) متذکر می‌شود که مترجمان سده‌های بعد چون "جروم" (Jerome) به پیروی از سیسرو همواره بر این مقوله اصرار داشتند که ترجمه شاخه‌ای از فن خطابه است (۱۹۷۹:۵۱). در ترجمه‌های سیسرو، نوعی تضاد و مقابله آشکار با ترجمه واژه‌به‌واژه را می‌توان ردیابی کرد. سیسرو معتقد بود که ترجمه باید مفاهیم را مستقیماً بیان نماید (کلی ۱۹۷۹:۱۷۱).

در تفاسیری که از آثار افلاطون ارائه می‌نماید، سیسرو از "برابره‌های نحوی پویا" (۱)، استفاده می‌کند در حالیکه در واژه‌یابی از "معادل‌های

صوری " (۱) بهره‌میگیرد (کلی ، صفحه ۱۸۰) . هم سیسرووهم هورس (بسه قسمت ۲۰۱۰۱۰۳ مراجعه نمائید) ترجمه‌را در تعلیم یک سری کنش‌ها و بیان مفاهیم ادبی بسیار سودمند یافتند (کلی : ص ۷۹) . به نظر "کلی" ، "سیسرو معتقد بود که تعدد کلمات در مقابل سهولت روانی و وزن عبارات از اهمیت پائین‌تری برخوردار است . بنظر سیسرو قوت کلام در همین راز نهفته است (کلی ص ۱۶۳) .

۲۰۱۰۱۰۳ هورس (Horace) (از ۶۵ تا ۸ قبل از میلاد)

هورس بخاطر اشعار بزمی و غنایی و نیز مظاهر گویی اش شهرت فراوان یافت . علی‌رغم اینکه پدرش یک برده آزاد شده بود ، "هورس" در آتن و روم به تحصیلات عالی پرداخت و بردوزبان لاتین و یونانی تسلط کافی یافت . پس از قتل قیصر ، هورس ملک الشعراء زمان خودش و در دوران پادشاهی اگوستوس (Augustus) شهرت به‌سزایافت . بسیاری از اشعار او در زمینه عشق ، دوستی ، فلسفه و هنر شاعری است (دایره‌المعارف بریتانیا) هورس مترجم نیز بود . "مورتون" (Morton) روش و شیوه ترجمه هورس را به سبک ترجمه واژه‌به‌واژه می‌دانند و اظهار می‌دارد که به نظر هورس ،

"هدف ترجمه باید جای معنی بین دوزبان باشد

به نحوی که حتی المقدور تصویر از متن اصلی در زبان

مبداء به دست آید و ساختار نحوی ، معنایی و واژگانی

آن دگرگون نگردد ."

(مورتون ۱۹۸۴:۵۷)

"مورتون" در جای دیگر از کتاب خود می‌افزاید که به نظر "هورس"

مسئولیت مفسر و مترجم در آن است که در ترجمه خود واژه‌ها را در مقابل واژه‌ها

قراردهد" (مورتون ص ۵۹)

۲۰۱۰۱۰۴ آکویلا (Aquila) (قرن دوم بعد از میلاد)

بیشتر با عنوان آکیلاس (Akilas) شهرت یافته است. در اثر فعالیت‌ها و تلاش‌های او، ترجمه‌های کا ملی از کتاب مقدس تورات به زبان یونانی با موفقیت انجام گرفت و در سده‌های بعد به عنوان یک کتاب مرجع بکار گرفته شد. بدین ترتیب ترجمه‌های قدیمی کتاب تورات (Septuagint) (۱) که توسط علمای یهود در دوران بعد از عصر اسکندر ترجمه شده بود بی اعتبار گشت و جای خود را به ترجمه‌های "آکیلاس" سپرد. این ترجمه نه تنها به طور گسترده و وسیعی مورد استفاده کلیساها و قرون بعد از میلاد قرار گرفت، بلکه به عنوان مرجع توسط "جروم" (به بخش ۲۰۱۰۱۰۶ مراجعه کنید) بکار گرفته شد (رابین ۱۹۶۷: ۷۰). در تواریخ نقل شده است که ترجمه آکویلا از شیوه و روشی که توسط خاخام آل ابن یوسف بکار گرفته می‌شد، متأثر بوده است. آکویلا شیوه معمول در "ترجمه هفتاد" را که سعی داشت متن ترجمه شده را بر قوالب نحوی زبان یونانی تطبیق دهد مطرود دانست. علمای یهود که کتاب مقدس تورات را ترجمه کردند برای این عقیده بودند که تورات بیان مستقیم از سوی خداوند است و بنا بر این هیچ تغییری و جرح تعدیلی در ترجمه آن جایز نیست (کلی ۱۹۷۹: ۶۹).

اثر آکویلا از دو نظر اهمیت ویژه یافته است. اول اینکه به بیان حقایقی در اصل وزیر بنای کتاب مقدس انجیل اشاره دارد و دوم اینکه چگونگی تعلیم و تربیت را در آن زمان نشان می‌دهد (دایره المعارف بریتانیا). متأسفانه

۱- هفتاد نفر از علمای قوم یهود در قرون دوم و سوم قبل از میلاد کتاب عهد عتیق را به زبان یونانی ترجمه کردند. این ترجمه بنام "ترجمه هفتاد" شهرت یافت.

فقط جزئی از آثار او باقی مانده که در مصرنگهداری می‌شود .

۲۰۱۰۱۰۵ اولفیتاس (Ulfitas) (۳۱۱ تا ۳۸۴ میلادی)
اولفیتاس یکی از اسف‌های گت (Goths) ^(۱) بود که قسمت‌های یکی از کتاب مقدس انجیل را به زبان گت‌ها ترجمه کرد (رابین ۱۹۶۷:۱۰). زبان مادری او "گت" بود ولی به زبانهای یونانی و لاتین نیز تسلط کافی داشت . نقل است که او بر مبنای الفبای زبان یونانی نوعی الفبای خاص برای زبان گت اختراع کرد . وقتی "گت‌ها" از اسپانیا کوچ کردند ، ترجمه کتاب مقدس انجیل توسط اولفیتاس را با خود بردند . متأسفانه با از بین رفتن زبان گت‌ها ، قسمت اعظم ترجمه اولفیتاس نیز مفقود گردید . اولفیتاس ترجمه را وسیله‌ای برای درک و گسترش دانش بشری می‌داند . در ازمنه‌های قدیم بر این استنباط ارجح بسیار می‌نهادند .

۲۰۱۰۱۰۶ جروم (St. Jerome) (از ۳۴۷ تا ۴۱۹ میلادی)
اسم واقعی او اوسیبوس هیرونیموس (Eusebius Hieronymus) و نام مستعار ادبی او سوفرونیوس (Sophronius) بود . زبان عبری را از یک عالم یهودی که به مسیحیت گرویده بود آموخت و زبان یونانی را به نزد خود آموخت . رهبریت خانقاه‌های رابه عهده داشت و در سال ۳۸۲ میلادی به سمت منشی پاپ اعظم منصوب شد . در سال ۳۸۹ میلادی ، خانقاه بیست اللحم (Bethlehem)^(۲) را برپا داشت .

از خدمات ادبی ارزنده او می‌توان ترجمه کتاب مقدس انجیل را به زبان

۱- یکی از اقوام آلمانی قدیم که در سده‌های سوم تا پنجم میلادی بر ایتالیا و فرانسه و اسپانیا هجوم آوردند .

۲- زادگاه حضرت مسیح

تئوری‌های ترجمه و تفاوت ترجمه مکتوب و همزمان ۳۳

لاتین نام برد. در ترجمه خود از آکوویلا متا ثربودا ما به نوبه خود بر بسیاری از متاخران خود در سده‌های بعدتا شیر گذاشت. روش ترجمه او نسبت به علما و مترجمان متقدم برتر و مقبول تر بود. دلایلی که برای این ویژگی می‌توان بر شمرد عبارتند از:

الف - یکی از مراسله‌های خود را به ارائه تئوری ترجمه اختصاص داد که سنگ بنای تحولات در این زمینه در ادوار سده‌های بعد گردید.

ب - نه تنها ترجمه واژه به واژه " راقویا " محکوم کرد بلکه به تجویز و ترغیب تئوری خود بر مبنای ترجمه " مفهوم به مفهوم (Sense for sense) همت گمارد (رابین ۱۹۶۷: ۷۰، Robin).

این دو اصل عمده بر شیوه‌های ترجمه و نیز بر علما و مترجمان قرون وسطی تا شیر فراوان گذاشت. " جروم " ، همانند متاخران خود چون لوتر (۱۵۳۰) و در ایدن (dryden) (۱۶۸۴) به ترجمه " طبیعی و اصطلاحی " ^(۱) از متون اصلی مایل بود (نیومارک ۴: ۱۹۸۱)

۲۰۱۰۱۰۷ بوتیوس (Boethius) (از ۴۷۰ تا ۵۲۰)

بوتیوس یکی از علما و دولتمردان رومی بود که به آثار ارسطو علاقه مند شد و تعدادی از آنها را به زبان لاتین برگردان کرد. بسیاری از ترجمه‌های او به عنوان اسناد مهمی در زمینه ادبیات و فلسفه یونان حتی تا اوخر قرون وسطی نیز بکار گرفته می‌شد و بر آنها استناد می‌گردید (رابین ۱۳۶۷: ۶۹).

بوتیوس منطق و ریاضیات یونان را نیز ترجمه کرد. قصداً و بر این بود که کلیه آثار ارسطو و فلاطون را به لاتین ترجمه کند و تفسیر خود را بر آنها بیفزاید و بر آنها حاشیه بنویسد. در سال ۵۱۰ میلادی ، مقدمه‌ای بر منطق ارسطو را که توسط "پورفیری" (Porphyry) در سده سوم به زبان یونانی نوشته

شده بود به زبان لاتین ترجمه کرد. در سال ۵۱۱ میلادی، (Kategoriari) را ترجمه کرد و تفسیری بر آن افزود. بویوسیوس ترجمه‌های دیگری نیز ارائه نمود که همگی بعنوان متون درسی در نهضت‌های فلسفی و مذهبی قرون وسطی بکار برده شدند.

پس از بویوسیوس ترجمه در قرون وسطی تنها به انتقال اطلاعات معنوی متوجه گردید و در اصل کارآیی چندانی نداشت.

۲۰۱۰۱۰۸ خلاصه روند ترجمه از باستان تا دوران قبل از قرون وسطی (تا ۵۰۰)

(میلادی)

به عنوان یک اصل اساسی، هرگاه تنوع در نظریات و بحث و جدل‌ها در محیطی غالب گشته است، پرس و جو و چراها آغاز شده و نهایتاً "به قضاوت‌های نوانجا می‌دهد". از طرفی قضاوت‌های نوین وقتی حاکمیت خود را باور داشته‌اند به تئوری‌های جدید مبدل شده‌اند. تئوری‌های جدید نیز در یک حرکت دورانی و دایره‌ای مورد سؤال قرار گرفته و به دایره‌های جدید فرا خوانده شده‌اند. این تسلسل بر تمام امور علمی و فرهنگی حاکم بوده و کوشش همواره بقاء یافته است. معیاد هرگاه چراها متوقف شده‌اند تئوری‌ها موقتا "در قلمرو خود ثابت و بی‌تغییر مانده‌اند. ترجمه نیز در ادوار گذشته از این امر مستثنی نبوده و بحث و جدل‌ها و تغییرات نیز در این مقوله‌ها مانند دیگر موارد مستدام بوده است.

علمای دین یهود که به ترجمه کتاب مقدس تورات و نوشته‌های دینی همت گماردند اصولاً "به تئوری علاقمندی نشان نمی‌دادند و در ترجمه متون دینی و مذهبی همواره از یک اصل کلی و لایتنیغیر تبعیت می‌کردند. هیچ نظریه و یا ایده‌ای ورای متون کتب دینی و مذهبی از اهمیت و ارزش برخوردار نبود و نظریات یکنه‌انسان در واقعیت هستی‌ذره‌ای بیش به حساب نمی‌آمد اظهار

تئوری‌های ترجمه و تفاوت ترجمه مکتوب و همزمان ۳۵

نظر در مورد کلام خدا و روابط بین اجزاء واقعیت و نشانه‌ها که بر حسب های آنها محسوب می‌شدند در حوزة فعالیت انسان نمی‌گنجید (کلی ۱۹۷۹:۲۲۱). حتی پس از ظهور انجیل مقدس نیز این تمایل و نگرش پایدار بود. انجیل مقدس نیز که کلام خدا بود با یدها گونه محترم و مقدس شمرده شود.

آنچه از شیای بی تحول ترجمه را در دوران باستان و حتی در اوایل و صدر مسیحیت مشکل می‌سازد نبودن تئوری خاص ترجمه است و یا اگر هم تئوری خاص وجود داشته مترجمان معتبراً زبان آن‌ها نه خالی کرده و ذکر از آن به میان نیاورده‌اند. شیوه‌های آنها نیز غالباً "از نظر ردورمانده است (ماخن Machan ۱۹۸۵:۴) • به هر حال آنچه مشخص است این است که ترجمه لغوی یعنی ترجمه واژه به واژه و ویژه در مورد ترجمه کتاب مقدس انجیل از دوران باستان تا قرن چهارم میلادی حاکمیت داشته است. هدف اصلی در ترجمه کتاب مقدس انجیل ارائه متنی بود که دقیقاً "بر اصل منطبق بوده و قابل فهم برای خوانندگان آن در زبان مقصد باشد (آموس ۱۹۲۲:۴۹-۵۰). تا کید بر ارائه ترجمه لفظ به لفظ فریادی بود که از همه مترجمان شنیده می‌شد. تبلور آنرا می‌توانیم در گفته هورس (Horace) به شرح زیر بیابیم. او میگوید:

"وظیفه یک مترجم وفادار آن است که متن را به صورت

کلمه به کلمه ترجمه نماید."

(مورتون ۱۹۸۴:۵۹ Morton)

اسناد تاریخی نشان می‌دهند که این روند از قرن سوم قبل از میلاد تا عصر جروم (Jerome) در قرن چهارم میلادی ادامه داشته است (رابین

Robin ۱۹۶۷:۴۶)

جروم بین گرایش (attitude) و هدف (Purpose) تمایز

قابل می‌شود. و این تمایز اساسی به عنوان یک واقعیت ملموس در تنوع انواع

ترجمه پایه قرار میگیرد (کلی ۲۲۲: ۱۹۷۹ Kelly) شعار معروف -
"جروم" با عنوان :

" non verbum e verbo, sed sensum exprime sensu "

در این ترجمه به عنوان یک اصل قرار می‌گیرد. البته " جروم " زیرا که نه کتب مقدس را از این قاعده استثناء می‌دارد و در مورد آنها قویا " به استفاده از شیوه ترجمه واژه به واژه سفارش می‌نماید زیرا به نظر او در هر کلمه و یا هر جمله از کتب مقدس را زور رمزی نهفته است (آموس ۳۶-۳۵: ۱۹۲۲) (Amos). بدین ترتیب از زمان جروم ببعیدیک مرز مشخص بین کتب مقدس از یکسو و کتب و نوشته‌های معمول از سوی دیگر ترسیم شد. در مورد مقوله اول، ترجمه واژه به واژه و سایر موارد ترجمه " مفهوم به مفهوم " تجویز گردید. از این دوران ببعده صورت ضمنی، تفاوت بین ترجمه لغوی (literal) و ترجمه آزاد (free) مطرح گردید و پایه تئوریهای قرون بعد قرار گرفت (کلی ۲۲۰: ۱۹۷۹). کلی (Kelly) معتقد است که این تمایز به تمایز دیگری بین معنی به عنوان یک اصل ثابت و مشترک بین زبانها و حالت صوری زبان به عنوان یک سری نشانه‌هایی که بیشتر به زبان واحدهای تعلق دارند انجامید. بدین ترتیب "معنی" حاد شپراک زبانها و "صورت" وجه تمایز زبانها قلمداد گردید (۱۹۷۹: ۲۲۱).

در نظر بعضی از مترجمان چون بوتیوس (Boethius) تعهد به صور ظاهری جملات و کلمات زبان مبداء از بیم آنکه خیانتی در ترجمه پیش نیاید و مقصود مولف خدشه دار نگردد به عنوان یک هدف تلقی شد در حالی که مترجمان دیگر چون "آگوستین" (Aguastine - ۳۵۳ تا ۴۰۳ میلادی) استفاده از قدرت قضاوت و داوری مترجم در تفسیر متن را نه تنها مقبول بلکه مطلوب می‌دانستند (کلی ۲۲۲-۲۲۱: ۱۹۷۹).

یکی دیگر از ویژگیهای این دوران (و حتی اوایل قرون وسطی) دون

تئوری‌های ترجمه و تفاوت ترجمه مکتوب و همزمان ۳۷

نگری بر ترجمه و مترجم و سفلگی مقامی بود که ترجمه‌ها را بود. یونانی‌ها همسایگان خود را وحشی (barbarians) می‌نامیدند و این برای این رغبتی به ترجمه از زبان‌های آنها یا به زبان خود نشان نمی‌دادند. از طرف دیگر رومن‌ها ترجمه را لازم نمی‌دانستند و معتقد بودند که طبقات تحصیل‌کرده و عالیرتبه گان باید زبان یونانی را فراگیرند. از سوی دیگر کتب قلیلی در اختیار مترجمان بود تا به ترجمه آنها همت گمارند.

۲۰۱۰۲ روند ترجمه در قرون وسطی (۵۰۰ تا ۱۵۰۰ میلادی)

سالهای ۵۰۰ تا ۱۵۰۰ میلادی را اصطلاحاً "قرون وسطی نام نهاده اند. این دوران نسبتاً "طولانی بین عصر پر عظمت یونان و روم باستان و عصر تحولات جدید قرار گرفته است. همه چیز در این فاصله دستخوش تغییر و تحول قرار گرفت. مورخین، این دوران را عمدتاً "به دو قسمت تقسیم کرده اند. قسمت اول دوران تغییر و دگرگونی و در عین حال آشفتگی بود. امپراطوری اسلام به سرعت دایره و قلمرو فرما نروایی خود را گسترش می داد و هیچ نیرویی نمی توانست جلوی این قدرت نورسیده را بگیرد. برخوردها و نزاع های قومی و قبیله ای بین اقوام مختلف اروپا نضح یافت و این درگیری ها تا قرون متمادی تداوم یافت. در نتیجه ویرانی، بیماری، فقر و بی تحرکی بر تمامی اروپا سایه گسترد. در این دوران قانون زور بر حاکم معمار اروپا ها کمیت داشت و اغنیای به چپاول ملت های مظلوم مشغول بودند. در مقابل و درگیری بین طبقات حاکم و رقیب، کتابها و اسناد تاریخی مهمی یا مفقود گردیده و یا بی شرمانه سوزانده شدند. تعداد کمی از کتب و اسناد مربوط به تمدن یونان و روم نیز که توانستند از این مهلکه جان سالم بدر برند عمدتاً "در دیرها و کلیسا ها نگهداشته می شدند. برخی از راهبها و راهبان که زندگی خویش را وقف کلیسا کرده بودند به کپی برداری از کتب قدیمی پرداختند و فاجعه ای را که می رفت تا آثار تمدن بشری را به اضمحلال و نابودی کشاند تا حدی مانع شدند. مع هذا گسترش این حرکت فراگیر نبود و فقط تعدادی از کتب باستانی رونویس شدند.

از قرن پنجم تا قرن هفتم میلادی یعنی ظهور اسلام اثر مهمی از کارهای تئوریک و علمی در زمینه "ترجمه بدست نیامده است. تنها اثر ترجمه شده معتبری که در اختیار داریم نسخه نجیل مقدس است که در قرن چهارم میلادی توسط "جروم" (Jerome) برگردان شده است.

"روث رونا لد" در کتاب خود ذکر می‌کند که "زیدبن ثابت" منشی پیا مبرگرا می‌حضرت محمد (ص) با تسلطی که به دوزبان عربی و عبری داشت نقش مهمی در ترجمه ایفا نمود و در ترجمه نامها و مراسلات یهودیان مدینه که به پیا مبرگرا می‌ارسال می‌گردید نقش ارزنده‌ای ایفا نمود (۱۹۸۲: ۴۱)۔
(Ruth Ronald).

حکومت اسلامی و پادشاهی عبدالرحمان و اعقاب او بر اسپانیا بیش از پانصدسال ادامه یافت. در این مدت، تمدن درخشان اسپانیا گسترش چشمگیر یافت. بسیاری از علمای مسلمان، مسیحی و یهودی به تحقیق و تتبع پرداختند و آثار مهمی از علم و تمدن یونان و روم باستان مجدداً از عربی به زبان لاتین ترجمه گردید و این تمدن مدفون شده با ردیگر حیات و بقا یافت. تمدن اسلامی از اسپانیا به سایر نقاط اروپا نیز راه پیدا کرد و مقبولیت تمام یافت.

دردوران حکومت سزارسیمون اول (۸۹۳ تا ۹۲۷ میلادی) (Czar Simon I) پسر بوریس اول از کشور بلغارستان (Borris I of Bulgaria) که به دین مسیح گرویده و مسیحیت اختیار کرده بود آثار برجسته ادبی به تحریر درآمد و مترجمان بزرگی به خلق و بازآفرینی شاهکارهای مهم ادبی همت گماردند و آثار آنجا که توانستند به ترجمه آثار به زبانهای مختلف پرداختند (رونا لد ۱۹۸۲: ۴۱) Ronald). در این دوران مترجمان مشهور و زبدها زمره راهبان و علمای تحصیل کرده و علم اندوخته بودند که با تمامی شقوق و انواع ادبی زبانهای جاری و ساری آن زمان آشنایی وافر داشتند. در مقایسه با این مترجمان بزرگ، مترجمان همزمان عمدتاً از طبقات پائین اجتماع بودند که تنها از طریق مترجمی حضوری امرار معاش می‌نمودند (رونا لد: ۱۹۸۲: ۴۲).

از قرن دهم میلادی بعبودیوانها و مجموعه‌های نظم نیز به زبانهای

مختلف ترجمه گردیدند (کلی ۱۹۷۹:۲۲۲ Kelly). معهذرا این قرن، علی‌رغم اینکه در کلیه زمینه‌های فلسفی و منطق از روش بحث و جدل و استنباط و استدلال استفاده می‌گردید، به تئوریهای ترجمه توجه و عنایت ویژه‌ای مبذول نگردید (کلی ۱۹۷۹:۲۲۲ Kelly).

در اوایل قرن دوازدهم میلادی، زندگی در اروپا شاهد تغییرات بزرگی بود. اروپایی‌ها با ملت‌ها و زبانهای دیگر نیز آشنا شدند و این آشنایی مخصوصاً با فرهنگ و سنت‌های مردم آسیا باعث بروز تحولات و دگرگونیهای بزرگی در آن جا معهود. در نهایت، این تغییرات به تحولات عظیم قرن چهاردهم انجامید و با ظهور رنسانس به دوران آشفته‌گی قرون وسطی پایان داده شد.

علماء و مترجمانی که در گسترش و پیشرفت تئوریهای علوم انسانی بطور اعم و ترجمه بطور اخص همت گماردند در این بخش معرفی می‌گردند و بس— اختصار به شرح نظریات آنها مبادرت خواهد شد.

۲۰۱۰۲۰۱ علمای "تولدو" در اسپانیا (Toledo)

در سال ۷۱۴ میلادی، شهر "تولدو" در اسپانیا به صورت یک شهر بزرگ علمی و مرکز ارائه ترجمه‌های مهم درآمد. شخصی بنام دومینسیو گوندیسولوی (Domincio Gundisolvi) مدرسه زبان‌شناسی را بنیاد نهاد و بدین ترتیب زمینه برای جذب علماء و زبان‌دانان برجسته در سده‌های بعد فراهم آمد. مربیانیکه به تعلیم و تربیت مترجمان جوان مشغول بودند معمولاً از علمایی بودند که به زبانهای عربی، عبری، یونانی و لاتین تسلط کافی داشتند. در این مرکز علمی نسخ عربی آثار بزرگان یونانی چون ارسطو به زبان لاتین برگردانده شد (رابین ۱۹۶۷:۷۵ Robin). در سده‌های بعد کسانی که به فلسفه ارسطویی علاقمند بودند از این نسخ

تئوری‌های ترجمه و تفاوت ترجمه مکتوب و همزمان ۴۱

ترجمه شده بجای کتب اصلی بهره‌گرفتند. مدرسه زبان‌شناسی "تولندو" سالهای سال بقاء یافت و در سال ۱۲۵۰ میلادی بصورت مرکز مهمی برای تحقیقات و مطالعات شرق‌شناسی درآمد (رونالد ۱۹۸۲:۴۶). (Ronald)

۲۰۱۰۲۰۲ آلفرد بزرگ (۸۴۹ تا ۸۹۹ میلادی Alfred the Great)
آلفرد پادشاه طوایف ساکسونهای غربی بود که تمامی هم‌خویشرامصروف نجات انگلیسی‌ها از سلطه و فرمانروایی دانمارکی‌ها نمود. آلفرد نه تنها پادشاهی مدبر و مدیر بلکه عالمی اندیشمند و شیفته علم بود. هدف او این بود که به اشاعه علم و آموزش و پرورش در اروپا بطور عم و در انگلستان بطور اخص بپردازد. از آنجا که نتوانست معلمان لایقی را در انگلستان بیابد که این مهم را برعهده بگیرند، الزاما " علما و معلمان مشهوری را از سایر کشورها و سرزمینها به انگلستان آورد و آنها را به ترجمه آثار ادبی لاتین کمی توانست در انگلستان بکار برده شده مورد استفاده قرار گیرد ترغیب و واداشت.

آلفرد در سال ۱۸۹۰ میلادی کتاب "نگرانی‌های چوپانی" (۱) اثر پاپ گریگوری (Pope Gregory) را ترجمه کرد و سپس به ترجمه اثر ترجمه شده ارسطو بوسیله بویتیوس (Boethius) اهتمام ورزید. آلفرد مبدع شیوه‌تازه‌ای در ترجمه بود که مورد انتقاد مترجمان آن عصر و حتی اعصار بعد از آن قرار گرفت و مقبولیت نیافت. شیوه‌ای که آلفرد تجویز می نمود این بود که متن لاتین در ابتدا به نثر انگلیسی ترجمه شود و سپس این ترجمه مجدداً به نظم کشانده شود (آموس ۱۸: ۱۹۲۲ Amos). مقدمه‌ای که آلفرد بزرگ بر ترجمه اثر پاپ گریگوری با عنوان "گفت‌و شنود" (Dialogues) نوشت از ویژگی خاص برخوردار است و نشان دهنده تشریح مساعی و همت او

درگسترش این شاخه از علم است. در مقدمه خود بر ترجمه کتاب پساپ کریگوری با عنوان " Pastoral Care " پادشاه آلفرد تلویحا "به دنباله روی خود از مکتب " جروم " (Jerome) اعتراف نموده و می‌گوید :

"در ترجمه خود به زبان انگلیسی گاهی از شیوه ترجمه و واژه به واژه و زمانی از شیوه ترجمه " مفهوم به مفهوم " استفاده نموده‌ام ."

(آ موس ۳: ۱۹۲۰ Amos)

۲۰۱۰۲۰۳ آلفریک (از ۹۵۶ تا ۱۰۱۰ میلادی Aelfric)

آلفریک از نثر نویسندگان انگلوساکسن بود. کتابهای بسیاری نوشت و به اشاعه دین مسیحیت و مکتب رهبانیت در جوامع مختلف پرداخت. عمدتاً به تعلیم راهبه‌ها و راهب‌ها میل داشت و برای این شیوه نیز زندگی می‌گذراند. اثر عمده او با عنوان " فن وعظ و خطابه در مسیحیت " (Catholic Homilies) که در سال ۹۲۲ میلادی به تحریر درآمد محتوی سخنرانی‌ها و وعظ و خطابه‌ها بود. آلفریک همچنین کتابی با نام کتاب " گرامراتین " (Latin Grammar) نوشت که قرن‌ها مورد استفاده دیرها و کلیساها بود.

آلفریک در تشریح تئوری و سبک ترجمه خود با رها به دنباله روی از نظریه " جروم " یعنی نفی ترجمه و واژه به واژه و توسل به شیوه ترجمه مفهوم به مفهوم اعتراف داشت. یکی از ویژگیهای آلفریک توجه و عنایت به استفاده از زبان مردم عامی بود چنانچه می‌گوید ترجمه باید به " زبان خالص مردمی انجام یافته و به واژه‌های متعارف این مردم مزین گردد " (از مقدمه آلفریک بر کتاب " فن وعظ و خطابه ۲ " آ موس ۴: ۱۹۲۰ Amos).

در پارهای موارد آلفریک به شیوه تفسیر (interpretation)

تئوری‌های ترجمه و تفاوت ترجمه مکتوب و همزمان ۴۳

در ترجمه پرداخت و معتقد بود که تفسیر در ضمن ترجمه به رفع ابهامات می‌انجامد و از یکنواختی متن ترجمه شده می‌گاهد. یکی دیگر از ویژگی‌های آلفریک قدرت پذیرش انتقادات و تمایزات و در مقابل ایرادهایی بود که بر کار ترجمه او می‌شد. بیشتر این انتقادات از سوی مترجمان و علمایی ارائه می‌گردید که معتقد به وفاداری بیشتر به متن اصلی بوده و شیوه ترجمه آزاد را که توسط آلفریک پیشنهاد شده می‌گردید نمی‌پسندیدند (آموس ۴: ۱۹۲۰).

۲۰۱۰۲۰۴ موسی میمون (از ۱۱۳۵ تا ۱۲۰۴ میلادی Moses, Maimonides) قرن دوازدهم میلادی شاهد یکی از بزرگترین علمایی بود که پایه‌گذار و بنیادگذار کارهای علمی در دهه و سده‌های آینده محسوب می‌شد. نام اصلی او "ابو عمران موسی ابن میمون ابن عبید..." بود. میمون یک فیلسوف حقوقدان و فیزیکدان یهودی بود که به زبانهای عربی و عبری تسلط کامل داشت. پدر او "میمون" نام داشت و از علمای مشهور زمان خود بود. موسی در خدمت او به کسب علم و معرفت پرداخت. آثار برجسته او عبارتند از:

- الف: عبادات و تفکرات روحانی (۱) (Millotha - Higgayon)
- مطالعه‌ای در باب واژه‌های منطق و علم معقولات و فلسفه نظری
- ب: کتاب احکام (Books of Precepts) به زبان عربی
- ج: "قوانین اورشلیم" به زبان عبری
- اگرچه "میمون" را کمتر به عنوان مترجم شناخته‌اند، مع هذا توجه خاص او به مسایل مربوط به ترجمه مبداء الهام برای مترجمان نسل‌های آینده بود. او شیوه ترجمه "واژه به واژه" را قویا محکوم نموده و آنرا مطرود

دانست . او میگوید ".... ترجمه کلمه به کلمه باعث پیدایش یک ترجمه مغشوش و مخدوش خواهد بود" (نایدایا: ۱۴: ۱۹۶۴ Nida) .

۲۰۱۰۲۰۶ جفری چوسر (از ۱۳۴۰ الی ۱۴۰۰ میلادی Geofry Chaucer) علی رغم اینکه جفری چوسر به عنوان یک نویسنده بزرگ شهرت یافته است مع هذا او را می توان در زمره مترجمان نیز بحساب آورد. داستانهای معروف او چون "مالیبو" (Malibee) "بوئرس" (Boerce) و داستانهای کشیش (Parson's Tales) ترجمه محسوب می شدند و از طرفی "داستان شوالیه" (Knight's Tale) و نوعی اقتباس تلقی می شود (ماخن ۱۹۸۵: ۲). بطور کلی بخشی از مجموعه عظیم آثار چوسر را می توان ترجمه بحساب آورد. یکی از مشکلات ارزشیابی آثار چوسر و سایر مترجمان قرون وسطی این است که آنها معمولاً از زبان صریح شیوه ترجمه خود سربا زده اند و بسیاری از ارزشیابی ها و نتایج بدست آمده حاصل کنکاش محققین معاصر بوده است. طبق نظر "ماکن" تکنیک و شیوه کار چوسر و انتخاب او از کلمات برای ترجمه متن از زبان اصلی بر این منوال بوده است که او از نحو زبان انگلیسی در تبیین و تظاهر قواعد نحوی زبان مبدا استفاده می کرده است و شیوه استفاده از سبکهای مناسب و آرایش و پردازش کلمات و اصطلاحات در متن ترجمه شده نشان دهنده لیاقت شایستگی و تبحر چوسر در ترجمه است (Machan ۱۹۸۵: ۱۰).

"ماخن" شیوه "چوسر" را در استفاده از کلمات زبان مادری در ترجمه آثار به سه جزء تقسیم می کند:

- ۱- ترجمه های پیش بینی شده
- ۲- ترجمه های پیش بینی نشده.
- ۳- کپی گری (calque)

تئوری‌های ترجمه و تفاوت ترجمه مکتوب و همزمان ۴۵

در این شیوه، از شبیه‌ترین وجوه نحوی و معنایی در زبان مقصد جهت جایگزینی کلمات در زبان مبدأ استفاده می‌شود. در حقیقت یک تکواژ از زبان مقصد جایگزین تکواژی از زبان مبدأ می‌گردد.

به نحوی که شباهت در معنی و صورت حتی الامکان محفوظ بماند. در این نقل و انتقال نحوی - معنایی قواعد حاکم بر زبان مقصد کاملاً رعایت می‌یابد.

۴- اصطلاحات

"چوسر" علی‌رغم عدم مقبولیت اصطلاحات در انگلیسی قرون وسطی بنحوی شایسته‌ای از آن سود می‌جوید. در ترجمه اصطلاحات، یا از ترجمه واژه به واژه استفاده شده و یا مفاهیم واقعی عبارت و یا اصطلاح برگردان شده است (Machan ۱۹۸۵: ۲۱-۱۴)

آن گونه که "ماخن" نقل می‌کند، "چوسر" از روش "ترجمه مرکب" (combined translation) استفاده می‌نموده است. بدین معنی که اگر تکواژهای بکار رفته در زبان مقصد با تکواژهای متون اصلی به زبانهای لاتین و فرانسه که معانی مربوط را به صورت ضمنی یدک می‌کشیدند همطرازی نمی‌نمودند، "چوسر" از هر دو تکواژ بهره می‌گرفته است. از طرف دیگر "چوسر" در استفاده از "قرینه" (doublets) تبحری تام داشته است و در هر کجا که ایجاب می‌نموده در مقابل یک کلمه یا یک تکواژ لاتین یا فرانسه از دو عبارت هم معنای انگلیسی استفاده می‌نموده است. برای مثال در مقابل کلمه لاتین *Inquam* که در فرانسه معادل "dis" یافته است، چوسر از عبارت "Answeride and said" استفاده نموده که هر دو از نظر صورت و فرم متفاوت لیکن از نظر بار معنایی در ارتباط با متن یکسان اند (Machan ۱۹۸۵: ۳۵). شیوه دیگری که "چوسر" در ترجمه بکار گرفته روش "اقتباس" (adoption)

در اختیار نمودن کلمات زبانی مبداء و بکار بردن آنها در زبان مقصداست .
 "چوسر" از دونوع "اقتباس" سودجسته است .

الف - استفاده از کلماتی که در زبان مقصد وجود داشته و ریشه آن با
 معادل آن کلمه در زبان مبداء قرابت داشته است .

ب - استفاده از کلمات زبانی مقصد یا زبان مرجع که سابقه ای از آن در -
 واژگان زبان انگلیسی وجود نداشته است . (Machan ۱۹۸۵:۴۶)

در ترجمه اجزاء نحوی ، چوسر به جای تبعیت از زبان مبداء به ترجمه
 آزاد رغبت نشان می دهد . در مواردی که ابهام در صفات مطلق وجود داشته
 است چوسر با استفاده از عبارات کامل از زبان مقصد در مقابل تکواژهای
 زبان مبداء به رفع ابهام پرداخته و ترجمه سلیس ارائه نموده است . این
 تکنیک در نوع خود جالب و ابتکاری بوده است (Machan ۱۹۸۵ :۷۰) .

در ارتباط با سبک ترجمه ، تکنیک و شیوه ای که "چوسر" استفاده نموده
 شیوه ترجمه مضاعف (double translation) است بدین معنی که
 او در ابتدا کلمات لاتین را معادل سازی نموده و سپس معادل فرانسه آنرا
 بعنوان یک پشت بند معنایی قید کرده است (Machan ۱۹۸۵:۷۹) .

آنچه ذیلاً درج میگردد ویژگیهای متمایز ترجمه "جفری چوسر" است که
 در ترجمه سایر مترجمان مشاهده نشده است :

الف - در مواردی که به اسم خاص در زبان مبداء برخورد کرده ، مرجع آنرا
 نیز قید نموده است . برای مثال متذکر شده است که اسم مورد نظر به کوه ،
 رودخانه ، شخص و یا جسم دیگری اشاره دارد .

ب - در موارد عطفی (appositions) از عبارت "that is to say"
 برای جدا ساختن اسم و عبارات عطفی استفاده کرده است .

ج - از عبارات و جملات پیوندی (cleft sentences)

و نیز عبارات مبتدی بی مرجع (empty introductory clauses)

استفاده نموده است .

بطورکلی ، ما خن برای بن‌عقیده‌است که " جوسر " در ترجمه متون بیشتر به ترجمه لغوی (واژه به واژه) و توامان با آن دقت و صحت معنایی رغبت داشته و کمتر به خلق یک شاهکار از نقطه نظر سبک میل نموده است (۱۰۶ — ۱۹۸۵:۱۰۴) .

آموس می‌گوید که جوسر در عصر خود عنوان مترجم بزرگ داشته است

(Amos ۱۹۲۰:۹)

۲۰۱۰۲۰۶ جان ویکلیف (از ۱۳۲۰ تا ۱۳۸۴ John Wycliffe)

ویکلیف از مصلحان مذهبی زمان خود بود . در سال ۱۳۷۲ به مرتبه تخصص در علوم الهی ارتقاء یافت و پس از آن به نوشتن تفسیر بر آنجیل " قانون خدا " می‌نامید پرداخت . منظور او از "قانون خدا " کتاب مقدس انجیل حضرت مسیح بود .

یکی از تصورات غلطی که بر ذهن همه مترجمان دوره قرون وسطی حاکمیت داشت ترس از ترجمه بخش و یا تمام کتاب مقدس انجیل به زبانهای مختلف بود . تصور بر این بود که اگر در ترجمه متن کتاب مقدس انجیل به زبانهای مختلف تعدد کلمات و فراوانی و بسامدی واژه‌ها رعایت نشود در معادل‌یابی در زبان مقصد زیاده روی گردد نسبت به متن اصلی خیانت نا بخشودنی شده و از این امر باید الزاماً اجتناب نمود . بدین ترتیب مترجمانی که به ترجمه کتاب مقدس انجیل و یا کتب مذهبی دیگری پرداختند تمام هم خود را مصروف با آفرینی دقیق کلمات و حتی معادل‌یابی وجوه مختلف با توجه به بار کمی و کیفی متن اصلی می نمودند (آموس ۱۹۲۰:۵۸) .

در ترجمه کتاب مقدس انجیل دو نظریه رویارو قرار داشتند . از اوایل

قرون وسطی به بعد نظریه کاتولیک‌ها (Catholic Views)

دال بر مشکل بودن ترجمه کتاب مقدس انجیل حاکمیت داشت و ما حينظران
 و خبرگان سعی می نمودند مترجمان را از ترجمه این آثار بازدارند و در
 موارد ضروری و اضطراری بروفا داری کامل مترجم به متن اصلی بدون هیچ
 گونه ابداع و خاشیه روی تاکید می نمودند (آ موس ۱۹۲۰:۵۷).
 در بخش پانزدهم کتاب پلارد (Polard) با عنوان "پانزده قرن نظم
 و نشر" نکته ای جالب در باب ترجمه انجیل مقدس توسط "ویکلیف" و نظرا و
 آمده است که عینا "نقل می شود":

"بهترین نوع ترجمه آن است که مترجم با عنایت
 به جمله و نه کلمه به ترجمه مبادرت نماید
 بنحوی که جمله ترجمه شده برگردان بازو آزادی از
 متن اصلی باشد... جمله ترجمه شده باید کاملاً
 و آزاد باشد زیرا کلمات فقط وسیله بیان مقصود
 جمله اند."

ویژگی عمده ترجمه "ویکلیف" روانی و آزاد بودن سبکی است که در
 ترجمه بکار رفته است.
 در اوایل قرن پانزدهم، شورای ولایتی و نمایندگی پاپ فرمانی به شرح
 زیر صادر می نماید. این فرمان نشانگر جو حاکم و فشارهای تهمیلی بر
 مترجمان آن زمان و محدودیت هایی است که آنها با آن روبرو بوده اند:

"در آینده هیچکس حق ندارد بدون اجازه مبادرت به
 ترجمه کتب مقدس به زبان انگلیسی نماید. از
 سویی هیچکس حق ندارد کتاب، جزوه یا رساله های
 راکه اخیراً توسط شخصی بنام "جان ویکلیف"
 (ویا افرادی پس از او به تبعیت از او) ترجمه شده
 و یا حتی آن قبیل کتبی راکه در آینده تالیف

و تصنیف خواهد شد بخوانند. هرکس چه درخفا و چه آشکارا
به این امر دست زند مورد تکفیر واقع خواهد شد.

(نقل از دایره‌المعارف آکادمیک آمریکا ۱۹۸۷)

۲۰۱۰۲۰۷ کولوسیوسا لوتاتی (۱۳۳۱ تا ۱۴۰۶ Coluccio Salutati)
سالوتاتی از ادباء عصر خود و رئیس شورای ادبی فلورانس بود. در ضمن
نامه‌هایی که به دولت‌مردان و سران کشورهای مختلف نوشت نظریات فلسفی
و عقاید خود را در باب ادبیات و نقد ادبی آشکار ساخت. در مقام یک ادیب،
سالوتاتی توصیه نمود که "کلمه" به عنوان واحد کلام و در سطح تجریدشمرده
شود اما به عنوان یک عالم علم بدیع برای این امر اصرار داشت که "کلمه"
به عنوان واحدی از یک متن منظور گردد بنحوی که مفاهیم آنها در ارتباط
و در تقابل با سایر کلمات بکار رفته قابل استنباط باشد. بدین ترتیب
بنظر "سالوتاتی" ترکیب بافت و سبک عامل اصلی برای تعیین معنایی
کلمات و مرجع‌های مربوط به آنهاست و هیچ کلمه‌ای فارغ و خارج از چهار
چوب متن نمی‌تواند مفهوم مطلق داشته باشد.

سالوتاتی توصیه نموده است که مترجمان در ترجمه آثار به شیوه‌ای عمل
نمایند که حاصل کار آنها متون و ساختارهای "مطلوب" (Pleasant)
باشد. او معتقد بود که اگر مترجم در ترجمه متن سعی به جایگزینی لغوی
و واژه به واژه نماید کار عبثی را پی گرفته و هرگز ترجمه مطلوبی به دست
نداده است. به نقل از مورتون (Morton)، "سالوتاتی" توصیه
می‌نموده که ترجمه با بدشبهه به :

"... بذرپاشی بریک زمین بکربا شد و حذف و اغافات

بطریقی صورت پذیرد که عنداللزوم جان کلام را در

متن خلق شده بنما یاند ."

(۱۹۸۵:۷۰)

۲۰۱۰۲۰۸ مانول کریسولوروس (از ۱۳۵۳ تا ۱۴۱۵ Manuel Chrysoloros) کریسولوروس یکی از علمای یونانی و پیشتر از تدریس زبان یونانی بود . کتاب دستور زبان یونانی و با عنوان "Erotemata Sive Questiones" "مقبولیت تام یافت . در این کتاب تئوری جدیدی از آموزش زبان ارائه شده که بر مبنای آن آموزش زبان از طریق سوال و جواب صورت می پذیرد . کریسولوروس کتاب هومربا عنوان "اودیسه" و کتاب "جمهوری" افلاطون را به زبان لاتین برگردان نمود . در ترجمه های او نوسانی بین سبک محاوره ای (Conversational Style) و سبک و شیوه استفاده از واژه های معادل محسوس است . تا حدی می توان گفت که سبک ترجمه او حرکتی بسوی ترجمه آزاد دورهایی از قبیل دست و پا گیر ترجمه و از به واژه بوده است .

(مورتون ۱۹۸۵:۴۶ Morton)

۲۰۱۰۲۰۹ جان لیدگیت (۱۳۷۰ تا ۱۴۵۰ John Lydgate)

لیدگیت یکی از شعرای انگلیسی زبان است . به مطالعات مذهبی علاقه وافر داشت و از این رو در سال ۱۳۹۸ به خدمت رهبانیت درآمد و سپس به مقام کشیش ارتقاء یافت . آثار برجسته او عبارتند از "کتاب ترویا" (The Troy Book) برداشتی از کتاب (Historia destructionis troiæ) اثر "گیدودل کولون" (Guido del Colonne) "محاصره تبسس" (The Seige of Thebes) اثر یک نویسنده گمنام فرانسوی با عنوان (Theban Legend) و "سقوط شاهزاده" (The Fall of Princis) اثر بوکاچیو (Boccaccio) با نام Decasibu Virorum

تئوری‌های ترجمه و تفاوت ترجمه مکتوب و همزمان ۵۱

Illustrium). تا شیرنظریات لیدگیت را می‌توان درشاگرد

اوبنام "ازبورن بوکنهام" مشاهده کرد.

۲۰۱۰ تا ۲۰۱۰ آزبورن بوکنهام (۱۳۹۳ تا ۱۴۴۷ Osbern Bokenham

بوکنهام نویسنده مشهور انگلیسی و شاگرد "جان لیدگیت" بود. کتاب

اوبانام "افسانه‌های زنان مقدس" (Legends of Holy Women)

شامل دوازده داستان در مورد دوازده زن مقدس است. احتمال زیاد می‌رود

که بوکنهام در خلق این اثر از کتاب "افسانه‌های زنان نیکو خصال" نوشته

"چوسر" الهام گرفته باشد.

در ترجمه متون، بوکنهام به تاسی از "جروم" و سایر علمای قبل از خود

از ارائه هر نوع ترجمه واژه به واژه خودداری نموده و آنرا مطرود دانست.

در عوض به ترجمه جمله به جمله و حتی مفهوم به مفهوم رغبت بسیار داشت.

البته برای این نکته نیز اذعان داشت که در موارد ضروری، وفاداری به کلمات

ساختارها و سبک نویسنده نیز لازم است. از طرف دیگر توصیه نمود که اگر مفهوم

متن اصلی محکوم به دگرگونی باشد شایسته است که ساختار جمله تغییر یابد

و فی‌المثل در هر کجا که لازم است جملات معلوم بجای مجهول و بالعکس

بکار رود. معهذاتحت هیچ شرایطی فدا کردن مفهوم را جایز ندانست.

گفته بوکنهام به نقل از "موس" مبین تکنیک و سبک ترجمه اوست:

"ترجمه واژه به واژه پس از شعار "جروم" مطرود

است. آنچه مراد است ترجمه جمله به جمله است."

(Amos ۱۹۲۰: ۱۶)

۲۰۱۰ تا ۲۰۱۱ ویلیام کاکستون (از ۱۴۲۲ تا ۱۴۹۰ William Caxton)

در تاریخ انگلستان، کاکستون اولین نفری است که به چاپ کتب به

زبان انگلیسی همت گمارد. او نه تنها چاپ کننده کتب سا برنویسندگان بود بلکه خود نیز از زمره مترجمان محسوب می‌شود. شادادبی برجسته و ترجمه کتاب "تجدید خاطره تاریخ ترویا (The Recuyell of the Histories of Troy) اثر راؤل لوفوره (Raoul Le Fevre) می‌باشد. این کتاب اولین کتابی است که به زبان انگلیسی و در انگلستان به زیور طبع آراسته شده است.

در بعد ثنوری، بنظر می‌رسد که کاستون ملاک و معیار ترجمه را درک و ارزش‌گذاری خوانندگان خود می‌دانست و معتقد بود که هدف ترجمه باید جلب رضایت و خوشایندی خوانندگان باشد. معیاد در عمل خلاف آنرا ثابت نمود و خود بر اصلی که معتقد به آن بود پای بند نبود. "مورتون" معتقد است که کاستون در ترجمه آن رضایت خوانندگان عادی و عامی را نطلبیده و بدنیال جلب رضایت اشراف زادگان و طبقاتی بوده است که با اصطلاح او "عشق و دوستی درک صحیحی دارند" (Morton ۱۹۸۵:۳۹)

۲۰۱۲-۲۰۱۰ لئوناردو برونی Leonardo Brouni (۱۳۶۹ تا ۱۴۴۴ میلادی)

(وی بیشتر بنام لئوناردو آرتیتینو Artetino شهرت داشته است.)

"برونی"، ادیب ایتالیایی، بخاطر ترجمه آثار کلاسیک یونان شهرت فراوان یافت. "برونی" با ترجمه آثار افلاطون، ارسطو، گزونیوف و دموستنوس خطیب مشهور آن (قرن چهارم قبل از میلاد) زمینه ساز برپایی نهضت رنسانس شد.

"برونی" سعی نمود در ترجمه آثار حدادل بین ترجمه لغوی

(Philological translation) و ترجمه معنایی را رعایت

کند و به وقت ضرورت از هر دو سودجوید. "برونی" برای امرتاکید نمود که مترجم نباید مفهوم را فدای واژه و واژه را فدای مفهوم نماید بلکه باید

تئوری‌های ترجمه و تفاوت ترجمه مکتوب و همزمان ۵۳

در هر دو جنبه تعادل بوجود آورد. به عبارت دیگر "برونی" معتقد بود که نه "شیوایی و زیبایی سبک" و نه "مفهوم" باید بر یکدیگر اولویت یا بند و قربانی یکدیگر گردند بلکه هر دو با ید به فراخور حال و موقعیت متن مطمح نظر قرار گیرند (مورتون ۱۹۸۵:۴۳). بنظر او تنها ترجمه‌ای را می‌توان موفق و از قدرت بیان مقصود برخوردار دانست که متن اصلی با تمام ظرایف و محسنات ویژه آن در زبان مقصد با آفرینی شود و معادل‌های هر دو زبان در رویارویی از قدرت بیان مفهوم خوب و مناسب برخوردار باشند. در ارتباط با توانا ئیهای مترجم، "برونی" معتقد است که مترجم باید تسلط کامل به دوزبان مبداء و مقصد داشته باشد. معتقد است که مترجم حتی المقدور از حذف و اضافات بپرهیزد و از شیوه اقتباس (imitation) بهره‌گیرد. به نقل از "مورتون" برونوی معتقد بود که مترجم با ید هنرمندی قابل نیز باشد و در ترجمه "به با آفرینی تصویری از مولف" بپردازد بنحوی که "حرکات، رفتار و حالات نویسنده طابق النعل به نعل منعکس گردد و رد پای حرکات و سکنات مترجم در آن دیده نشده و محتوی ابداغات مترجم نباشد (Morton ۱۹۸۵ : ۴۳-۴۴)

۲۰۱۰۲۰۱۳ گیانزوما ننتی (Giannozzo Manetti)

"ماننتی" را می‌توان در بعضی جهات شبیه "برونی" دانست اگر چه در پاره‌ای از جهات از او متمایز است. ماننتی به امتزاج تئوری و عمل بیش از "برونی" معتقد بود. (مورتون ۱۹۸۵:۴۵). همانند "برونی" معتقد بود که مترجم با ید در دوزبان مبداء و مقصد تسلط کافی و وافی داشته باشد مع هذا "ماننتی" برای نکته‌آصرار و ورزید که دانش زبانی مترجم نباید در حد دانستن دوزبان محدود گردد بلکه با ید از تمام می‌زیرومها، متعلقات و فرهنگ‌های وابسته به آنها نیز برخوردار باشد. "مورتون" به نقل از ماننتی

می‌گوید که آنچه مترجم با ایداز دوزبان مورد نظر بداند :
 "جنبه‌های عمومی زبان نیست بلکه مترجم باید
 اطلاعات دقیق ، کامل و مبسوطی از دانش پیرامونی
 زبان داشته باشد ، با شعرا و نویسندگان و تاریخ
 نویسان و فرهنگ نویسان آن دوزبان آشنا بوده و -
 آثا منتقدان ، نویسندگان و فلاسفه را خوانده باشد"
 (مورتون ۱۹۸۵:۴۶)

همانند "برونی" ، "مانتی" ترجمه را یک هنر با زآفرینی نامید که
 در آن متن اصلی به طریقی با زآفرینی می‌شود که نه تنها افکار و مفاهیم
 به صورت سیستماتیک و با صحت منعکس می‌گردد بلکه اصلیت متن هم از نظر
 جمله‌پردازی ، نوع سبک نگارش و تعلقات نیز محفوظ می‌ماند. البته به این
 نکته اعتراف نمود که در صحت و دقت ترجمه با ید معیار تقریب در نظر گرفته شود
 زیرا که مطلق یک ایده آل است .

"مانتی" معتقد بود که وقتی زبانها را بر یکدیگر قرار می‌گیرند ، تنها
 دستیابی به معادل‌های همپایه و شبیه‌ونه یکسان میسر است . به عبارت دیگر
 در دوزبان مورد نظر نمی‌توان واژه‌هایی یافت که دقیقاً قابل برابری
 نحوی و معنایی باشند . به گفته "مورتون" ، "مانتی" معتقد بود که در ترجمه
 یک متن تنها تصویری از یک متن اصلی در حد کمال آن "قابل انتظار است
 (مورتون ۱۹۸۵:۴۷) . وظیفه مترجم آن است که با افزودن و خلط
 اصطلاحات مناسب و ارائه برابرهایی مناسب متن ترجمه شده را روح و غنا
 بخشد بطوریکه ترجمه‌های به‌شمر رسیده حالت بیگانگی نداشته و از آنها بوی
 غربت بر مشام ننشیند .

در دوران اول قرون وسطی، حالت آشفته‌ای که از دوران قبل از مسیحیت نشأت گرفته بود همچنان ادامه یافت اگرچه فعالیت‌های درزمینه تئوری ترجمه بطور جسته‌گریخته اما نه فراگیر انجام می‌گرفت. انگیزه‌های جدید، علما را به خلق تئوری‌های نوین درزمینه ترجمه تشویق و ترغیب می‌کرد گفته "جروم" که ترجمه با دید بر اصل تقابلی "مفهوم به مفهوم" باشد و نه بر روند "واژه به واژه" یکی از اساسی‌ترین ابتکارات و نوآوری‌هایی بود که سکوت دهه‌ها و قرن‌ها را شکست و تغییرات اساسی و بنیادی در ترجمه پدید آورد. علت اینکه دوران سکوت به درازا کشید حتماً این بود که علمای یونان به ترجمه علاقه چندانی نداشتند و به این هنر ظریف رغبت نداشتند و از سویی زبان‌های دیگر را در مقایسه با زبان یونانی از مرتبه‌ای پائین تر و سفلی‌تر برخوردار می‌دیدند. رومی‌ها نیز ترجمه کتاب را از یونانی به زبان لاتین چندان مقبول و مطلوب نمی‌دیدند و با مسئولیت‌پذیری زبان یونانی را بر همه‌ها اهل علم و ادب فرض می‌داشتند. مع‌هذا وقتی رومی‌ها بر اروپا و بطور جامع‌تر بر دنیای غرب زمان خود حاکمیت مطلق و تامه یافتند زبان لاتین را بر همه ملت‌های تحت قیمومیت خود تحمیل نمودند و این تحمیل به‌تمامی جهان علم و ادب گسترش یافت. هر نوع نوشته به‌زبان‌ی به‌غیر از لاتین جزء مهملات قلمداد می‌گردید و مورد بی‌مهری قرار می‌گرفت. طبیعی است که در چنین شرایطی متون ترجمه شده نیز مشمول این محکومیت قرار می‌گرفتند و با مترجمان نیز به همان شیوه رفتار می‌شد که با مولفان و نویسندگان معمول می‌گردید.

در قرن هشتم میلادی، مدرسه زبان‌شناسی "تولدو" (Toledo) نقش عمده‌ای در پخش و انتقال میراث فرهنگی اسلام ایفا نمود و مع الاسف در تاریخ این نهضت و یا بهتر بگوئیم رنسانس اسلامی نام "تمدن عرب" به

خود گرفته در حالیکه حرکت‌های اسلامی در همه ادوار از صدر اسلام تا امروز نشأت یافته از فکر و عمل بزرگان اندیشیان همه ملت‌های مسلمان بوده است. به هر تقدیر از طریق این مرکز مهم علمی و فرهنگی، فلسفه یونان قدیم — از دیگر به جوامع غرب معرفی گردید. این حرکت نوین تا پایان قرن چهاردهم میلادی ادامه داشت. عقاید، افکار و ایدئولوژی اسلامی هم او نظر معنوی و هم از نقطه نظر مادی زمینه ساز ظهور و وقوع رنسانس گردید و پیشرفت‌های چشمگیر قرن‌های بعد را پایه‌گذاری کرد. ترجمه‌هایی که توسط علمای مکاتب "تولدو" و "کوردوا" (Cordeva) انجام یافت مکتب ادبی جهان غرب را بیش از پیش غنی ساخت و بر اعتبار آن بیفزود.

در قرن نهم، راهب‌ها و راهبه‌های علم‌اندوخته و تحصیل کرده همست‌والایی در اشاعه علم و ادب معمول داشتند و از طریق ترجمه‌های غنی از آثار فلسفی و علمی مصدر خدمات برجسته‌ای در راه گسترش و پیشرفت علم و ادب گردیدند.

شور و اشتیاق پادشاه آلفرد کبیر در قرن دهم نسبت به جمع‌آوری کتب و آثار رهنری، فلسفی و مذهبی و ارائه آنها به زبان انگلیسی مشهور مترجمان گردید تا به ترجمه آثار برجسته روی آورند. مترجمان از این موهبت برخوردار شدند که با فکری با زوآزادانه نسبت به معیارها و ارزشیابی‌های اسلاف خود دوباره اندیشی نموده و به بنیاد نهادن استانداردهای نوین همت نمایند. آلفرد کبیر خود نیز در این کوشش سهیم بود و علاوه بر ترجمه‌هایی که ارائه نمود، مقدمه‌های فراوانی بر آثار ترجمه شده دیگران نوشت.

از قرن سیزدهم میلادی تا پایان قرن پانزدهم، ترجمه به عنوان یک هنر نضج و آفرینش و هم در بعد کمی و هم در بعد کیفی به پیشرفت‌های شگرفی دست یافت. اعتبار یافتن ترجمه‌هایی که بر اصل "ترجمه مفهوم به مفهوم" انجام یافته بود و مطرود ماندن ترجمه‌هایی که از این اصل تخطی نموده و هم

تئوری‌های ترجمه و تفاوت ترجمه مکتوب و همزمان ۵۷

چنان بر شیوه "ترجمه" واژه به واژه "عینیت می‌افتند؛ زیکسو و بحث و جدل در ارتباط با "ترجمه لغوی" در برابر "ترجمه آزاد" از دست آورده‌های این دوران است که نهایتاً "به ادعای خلق تئوری‌های نوین ترجمه منتهی شد. آنچه در زیر ملاحظه می‌شود فهرست ویژگی‌های اساسی ترجمه‌های انجام یافته در قرون وسطی و با لاکس در قرن‌های سیزدهم الی پانزدهم میلادی است:

- ۱- در ترجمه متون، وفاداری به محتوای متن اصلی مقبولیت تمام یافت.

- ۲- بعضی از مترجمان در ترجمه‌های خود عبارت "ترجمه من" را فراوان بکار بردند و تکرار این عبارات این نکته را به ذهن متبادر می‌سازد که احتمالاً ترجمه‌های دیگری نیز از متن مورد نظر وجود داشته است.

- ۳- در بعضی موارد، تصنیف، تالیف و ترجمه از حالت انتزاعی خود خارج شده و عمدتاً "به یک عمل اطلاق می‌شد و گاهی تمیز دادن آنها مشکل بنظر می‌رسد. برای مثال کتب ویلیام کاستون را می‌توان از این مقوله دانست.
- ۴- مترجمان کمتر از تئوری سخن گفتند و اگر نظریه ویژه‌ای داشتند یا بطور ضمنی عرضه داشته‌اند و یا از آن سخنی بمیان نیاورده‌اند.

- ۵- اغراق و زیاد روی در وفاداری به متن تا حدی معمول گردید که عباراتی چون:

الف - "نظور که از داستان برمیاید"

ب - "نظور که در داستان آمده و از آن استنباط می‌شود"

ج - "نظور که کتاب می‌گوید و انسانهای واقعی نیز چنین گویند"

د - "نظور که انسانهای آگاه می‌گویند"

ه - "من نیز شنیده‌ام و می‌گویم"

در اغلب ترجمه‌ها به چشم می‌خورد (آموس ۲۲-۲۱ : ۱۹۲۰ Amos).

۶- نوعی تکنیک خاص که شاید بتوان نام "ترجمه مکرر"

- (echo translation) (یعنی ترجمه بر روی ترجمه انجام یافته) بر آن نهاد ابتدا بوسیله پادشاه آلفرد کبیر بکار گرفته شد ولی مورد استقبال سایر مترجمان زمان واقع نگردید.
- ۷- مترجمان در برخورد با کلمات بیگانه که معادل‌ی در زبان مقصد نداشتند دچار مشکل بزرگی شدند و بجای واژه آفرینی (Coining) به تکرار همان کلمات رغبت نشان دادند. آموس (Amos) مورد خاصی را ذکر می‌کند که مترجم در ذکر و توصیف پرندهای که کودکی را به منقار کشیده و با خود می‌برد می‌نویسد: ".... griffin (عنقا یا سیمرغ) (۱) تصور که کتاب ... (۲۴-۲۳: ۱۹۲۰).
- ۸- هر کجا که وزن و قافیه متن اصلی با وزن و قافیه زبان مقصد و خصوصاً " زبان انگلیسی مطابقت نداشته است مترجمان از استفاده از کلماتی که فقط نقش پرکننده فواصل داشته و به معنی متن مربوط نبوده است دریغ ننموده‌اند (آموس ۲۴: ۱۹۲۰)
- ۹- در این دوران ابتکار جدیدی توسط مترجمان بویژه لیدگیست (Lydgate) و کاکستون (Caxton) باب و تفسیر نویسی و نگارش مبسوط پیرامون متن اصلی همراه با ترجمه معمول گردید.
- ۱۰- مترجمان کم تجربه و شهرت نیافته، خود را در مقابل مترجمان بزرگ کم به تریافتند و چون در انجام دادن کاری که در دست داشتند بر خود و توانایی خود مطمئن نبودند به نوعی " خوددو - نگری " (self-inferiority-type) دچار گشتند. آموس (Amos) نقل می‌کند که مترجمی بنام " مری لونلیج " (Mary Lonelich) در ترجمه خود به عذرخواهی تشبیت یافته و از بروز نقایص احتمالی از خوانندگان

۱- به گفته "آموس"، مترجم معنی خاصی برای کلمه griffin ارائه نداده است

تئوری‌های ترجمه و تفاوت ترجمه مکتوب و همزمان ۵۹

خود عذرخواسته است. عذرخواهی شعرگونه‌ای او به شرح زیر است:

"And I, as an unkonning man trewly into
English have drawen this story; and
thowgh that to you not plesying it be,
yit that ful excused ye woulde haven me
of my necligence and unkonning."

(Amos ۱۹۲۰:۳۱)

۱۱- در قرون چهاردهم و پانزدهم آنچه از ترجمه مراد داشتند بیشتر
ارائه یک استدقیق و منطقی با متن اصلی بودند خلق یک ترجمه آراسته.

(Machan ۱۹۸۵:۱۱۲)

۲۰۱۰۳ نهضت ترجمه در قرون شانزدهم و هفدهم میلادی یا دوران پس از

رنسانس

قرون وسطی بطور اتفاقی و ناگهانی به پایان نرسید. در سالهای بین ۱۴۰۰ تا ۱۵۰۰ میلادی وقایع مهمی روی داد که به آوج گیری خردگرایی (intellectualism) و تفوق اندیشه در امور انسانی منتهی شد. استانداردهای حیاتی و زیستی تغییر یافت و دگرگونی های شگرفی در توقعات انسانها پدید آمد.

واژه "رنسانس" ما خود از یک کلمه فرانسوی است که به معنی (حیات دوباره rebirth) بکار رفته است و در اصل به معنای تجدید حیات ارزشها و سبکهای هنری عصر کلاسیک و باستان آمده است. چهره مشخص و اصلی این تجدید حیات هنری و با زگشت به سوی عصر تمدن شکوفای کلاسیک و میراث گرانبهای عهد کهن شخصی بنام "پترارک" (Petrarch) بود که تمام تلاش خویش را متوجه گردآوری آثار و اسناد یونانیان نمود. عهد کهن و تمدن و هنر مربوط به آن حیات دوباره یافت و مورد تحسین قرار گرفت.

مترجمی بنام "ماسیلیو فیسینو" (Massilio Ficino) ترجمه های جدیدی از آثار افلاطون عرضه داشت و ترجمه کتاب انجیل "ایراسموس" (Erasmus) به زبان لاتین گرایش جدیدی را در ترجمه

بنیاد نهاد.

تئوری‌های ترجمه و تفاوت ترجمه مکتوب و همزمان ۶۱

شخصیت‌هایی که در این برهه از زمان به شکل‌گیری و توسعه تئوری

ترجمه در قرون شانزدهم و هفدهم کمک موثر نمودند به شرح زیر اند:

۲۰۱۰۳۰۱ مارتین لوتر (۱۴۸۳ تا ۱۵۴۶ Martin Luther)

"لوتر" یک کشیش، عالم و محقق کتاب مقدس انجیل و یک زبانشناس خیره بود. در ساله خود به جا معیت حاکم بر کلیسا حمله کرد و خودمداری‌های روحانیت را نکوهش نمود. و از طریق سخنرانی‌های جامعی که بر طاب و دانش جویان خود عرضه داشت زمینه نهضت اصلاحات مذهبی را بنیاد نهاد.

در قرن پانزدهم، در میان مترجمان و به ویژه دانش‌پژوهان، میل به ترجمه کتاب انجیل مقدس به زبانهای مختلف فزونی گرفت. این گرایش به میل به ایجاد اصلاحات مذهبی تعبیر شد. ترجمه کتاب انجیل مقدس به زبان آلمانی که توسط "لوتر" بازآفرینی شده بود در سال ۱۵۳۴ چاپ گردید (رابین ۱۰۰: ۱۹۶۷). نظر "لوتر" بر این بود که کتاب مقدس انجیل وقتی میتواند در میان ملل مختلف کارآیی داشته باشد که به زبان آنها ترجمه گردد. در نظر "لوتر" ترجمه وقتی با ارزش است که متن ترجمه شده سلیس و روان و قابل درک باشد بنحوی که عوام مردم متن آنرا بفهمند. پس، از نظر او معیار اصلی یک ترجمه شایسته میزان روانی و قابلیت فهم (intelligibility) آن است. "لوتر" همچنین برای این نکته صراحت داشت که "قابلیت فهم" باید هدف اساسی هر ترجمه باشد (ناید ۱۵-۱۴: ۱۹۶۴ Nida). ناید تکنیک‌های مترجمی لوتر را در ارتباط با واژه‌یابی کلماتی که در زبان مقصد معادل نداشته‌اند به شرح زیر عنوان می‌نماید:

- ۱- تغییر در ساختار جملات و درهم‌ریزی ترتیب کلمات (تغییر)
- ۲- بکارگیری واژگون افعال معین (اضافه)
- ۳- افزودن کلمات ربطی لدی الاقتضاء (اضافه)

- ۴- حذف کلمات عبری و یونانی که در زبان آلمانی معادل نداشته‌اند .
(حذف)
- ۵- معادل سازی یک عبارت از زبان مقصدبجای (گسترش)
یک واژه از زبان مبدا
- ۶- تغییر عبارات اصطلاحی به عبارات توصیفی و بالعکس (ساده سازی)
- ۷- توجه دقیق به کونا کونی و تنوع متون (نایدا ۱۵-۱۴: ۱۹۶۴)
(آنچه در پیرانتز آمده افزوده شده است)
- "کلی" اظهار میدارد که یکی از عوامل موثر در موفقیت ترجمه کتاب انجیل مقدس توسط لوتر سوڈیا بی و بهره مندی او از نظر مترجمانی است که به عنوان همکار روی در موردینی، زبان و سنن او را یاری می‌دادند (۱۸۲):
- (Kelly ۱۹۷۹). "لوتر" اولین کسی بود که اظهار داشت ترجمه خوب فقط در صورتی می‌تواند موفقیت آمیز و رضا یبخش باشد که مترجم متنی را از یک زبان مبدا به زبان مادری خود ترجمه نماید (شوارز ۱۸: ۱۹۶۳: Schwarz).
- "لوتر" به کرات اسلاف خود را به خاطر ترجمه‌های لغوی و واژه به واژه‌ی که ارائه نموده بودند نکوهش کرد. او معتقد بود که سکا بردن سکهای روان و معمولی‌تر از من خلق ترجمه‌های موفق است. (کلی ۱۸۲: ۱۹۷۹: Kelly).
- در قرن بیستم، برخی از تئوریسین‌ها ترجمه کتاب انجیل توسط لوتر را مورد انتقاد قرار داده و این ایراد را وارد دانسته‌اند که او آنقدر درگیر معنا بوده است که اشکال و صور ظاهری کلام التفاتی نداشته و همه جنبه‌های نوشتاری را فدای معنی کرده است.

۲۰۱۰۳۰۲ ویلیام تایندل (از ۱۴۹۴ الی ۱۵۳۶ William Tyndale)
"تایندل" یک اصلاح طلب مذهبی انگلیسی بود که به نظر می‌رسد که

تئوری‌های ترجمه و تفاوت ترجمه مکتوب و همزمان ۶۳

در ترجمه آثار از خط و ربط و غوابط "لوتر" پیروی کرده است (تاییداً ۱۵: ۱۹۶۴). تا یندل کتاب انجیل مقدس و اسفار پنجگانه (Pentateuch)^(۱) را به زبان انگلیسی ترجمه کرد. میل به اصلاح طلبی او در نهایت به تأسیس کهدرسال ۱۵۱۳ به زندان افتاد. تلاش "کروندول" (Cronwell) و سایرین برای نجات وی میسر نگردد. بدو با لاجرم در سال ۱۳۵۶ به دارآویخته شد و جسدش را سوزانند.

تایندل در مقدمه اش بر کتاب "بندگی یک انسان مسیحی (Obedience of

a Christian Man) (صفحات ۱۴۹-۱۴۸) نظریه برخی از خبرگان و اهل ادب را رد کرد که ترجمه متون از زبان یونانی به زبان انگلیسی مشکل و یا غیرممکن است. به نظر او بین دوزبان یونانی و انگلیسی همسویی و همانندی بیشتری وجود دارد تا بین زبان نهایی لاتین و یونانی. بنا بر این این استدلال را پیشه گرفت که اگر ترجمه متون از زبان یونانی به زبان لاتین میسر است هیچ دلیل خاصی برای غیرعملی بودن ترجمه از یونانی به انگلیسی وجود ندارد.

ترجمه کتاب مقدس انجیل توسط تایندل که در سال ۱۶۱۱ منتشر گردید بعداً "بوسيله دستیار او" جورج جوی ("George Joye") مورد انتقاد قرار گرفت. او چنین بیان داشت که "ما با دیدن واقعیت صرافت یا بیم که نباید ترجمه انجام شده را بطور مطلق بپذیریم" (آموس ۱۹۲۰: ۴۹) (Amos) سکی که "تایندل" در ترجمه کتاب مقدس انجیل بکار برد و تکنیک‌های ویژه آن توسط گردید بترجمه کتاب مقدس (نسخه کیسگ جیمس)

۱- منظور کتب پنجگانه تورات (یعنی سفر بیایدیش، سفر خروج، سفر بی

زبان، سفر اعداد، سفر تسیبه) که "عهد عتیق" نیز نامیده شده‌اند

(آریا نیور)

King James) تا شیرفوق العاده داشت. مترجمان کتاب مقدس انجیل برای این عقیده هستند که کلیه کتب مقدس انجیل که تا کنون ترجمه شده اند - نحوی از انحاء از ترجمه "تایندل" منتها شریوده اند (دایره المعارف بریتانیا ۱۹۸۶).

۲۰۱۰۳۰۳ آلفونسو دو مادریگال (Alfonso de Madrigal)

تئوری ترجمه که توسط آلفونسو سوارا ئه گردید کم و بیش حول وحوش همان محور تفاوت بین ترجمهء واژه به واژه و ترجمهء مفهوم به مفهوم است. در جمع به دو نوع ترجمه قابل است :

الف - ترجمه بیانی (interpretation)

در این نوع ترجمه، مترجم کلمات و واژه های زبان مقصد را در مقابل کلمات و واژه های زبان مبدا قرار می دهد و هیچگونه شرح و بسطی بر آن نمی افزاید. در حقیقت وظیفهء عمدهء مترجم پیدا کردن کلمات مناسب از زبان مقصد برای ادا کردن و بیان مفاهیم در زبان مبدا است.

ب - ترجمهء تشریحی (exposition)

در این نوع ترجمه، مترجم خود را مقید به واژه یابی به شیوه مطروحه در ترجمه بیانی نمی نماید بلکه در هر کجا و به هر صورت که صلاح بداند عبارات و یا کلماتی بر مفهوم متن می افزاید و یا از آن می کاهد. به عبارت دیگر در ارائه ترجمه، مترجم خویشتن نگری را نیز جاشنی قرار داده و تجزیه و تحلیل خود را از متن اصلی دخالت می دهد و حاصل ترجمه برداشتی است که مترجم از متن اصلی داشته است.

این تفکیک از مکاتب یونانی قرون دوم و سوم میلادی نشأت می گیرد که در آنها طلاب و دانشجویانی که به علم و عظ و خطابه علاقمند نبودند به تمرین پرداخته و از دوشیوهء زیرین استفاده می کرده اند :

تئوری‌های ترجمه و تفاوت ترجمه مکتوب و همزمان ۶۵

۱- ترجمه و بازگردانی عبارات از یک نوع به نوع دیگر در یک زبان و یا به عبارات دیگر معادل یا بی عبارات در یک زبان .

۲- ارائه معادل هایی از نظم به نثر و یا از نثر به نظم طبق اصولی که فن موعظه و خطا به تجویزی نموده است .

این پدیده تئوری - علمی در طول قرن پانزدهم رواج داشته و بکار گرفته می‌شده است .

۲۰۱۰۳۰۴ نیکولاس اودال (از ۱۵۰۵ تا ۱۵۵۶ Nicholas Udal)

"اودال" در سال ۱۵۲۴ از دانشگاه آکسفورد فارغ التحصیل گردید. وی نماینده مونس، محقق آشنا به زبان لاتین و مدیر مدرسه بود. چندین سال به زندان افتاد. اما با وساطت و تحت توجهات عالیه کاترین، ملکه هنری هشتم (Henry VIII) آزاد گردید.

"اودال" قسمت هایی از کتاب مقدس انجیل ترجمه شده "ایراسموس" (Erasmus) و "آثار ترنس" (Terence) را ترجمه کرد. در زمان "کاکستون" (قرن پانزدهم) برای واژه‌یابی در ترجمه متون از یک زبان به زبان دیگر معمولاً "دوشیوه متداول بود و بطوریکسان از آنها بهره‌گیری می‌شد .

الف - بومی سازی (Naturalization) لغات بیگانه یا به عبارتی وام‌گیری از زبان مبدا

ب - ریشه‌یابی واژه‌های مهاجر در زبان مقصد و بازآفرینی آن در تبیین مفاهیم زبان مبدا .

"اودال" در ترجمه آثار از این دوشیوه به نحو احسن و کامل و به دفعات و کرات استفاده نمود. او معتقد بود که "ترجمه نباید تابع قوانینی خشک و بی روح گردد". (آموس ۱۲۰: ۱۹۲۰ Amos) توصیه‌ها و این بود که ترجمه:

۱- ساده

۲- کوتاه و موجز

۳- خالی از هرگونه کلمات مهمل و بی اثر

باشد. ترجمه باید حقیقت‌نما و متکی بر واقعیت باشد. بطور کلی "اودال" معتقد به ترجمه آزاد بود و از ارائه ترجمه لغوی بیم داشت.

۲۰۱۰۳۰۵ اتینه دولت (از ۱۵۰۹ تا ۱۵۴۶ Etienne Dolet)

اغلب او را با عنوان اولین شهید رنسانس می‌شناسند. او ادیب و عالم فرانسوی بود. کتاب او با عنوان "تفسیری بر زبان لاتین (Commentarii Lingae Latinae) در رواج زبان و ادبیات لاتین نقش عمده‌ای ایفا نمود (دایره المعارف بریتانیا). از طرفی او را به خاطر مخالفت‌های آشکار با جامعه روحانیت کلیسایی و شوق وافر او نسبت به نصیح و گسترش رنسانس ادبی می‌شناسند.

"دولت" "اراسموس" را مورد حمله قرار داد زیرا "اراسموس" سبک سیرورا مورد انتقاد قرار داده بود. به ارائه یک کتاب علمی و ارزنده با عنوان "زیرویمی مسیحیت" (Cato Christianus) دست زد که در آن اعترافات خود را نیز تحریر نمود. آثار بسیاری از نویسندگان کلاسیک را ترجمه کرد و از کتاب مقدس انجیل نیز ترجمه‌ای ارائه نمود.

سرانجام هیات دانشکده الهیات دانشگاه سوربون او را به کفر و الحاد متهم ساخت و جسد او را سوزاندند. نسخه‌هایی از کتاب او نیز کشف و سوزانده شد. همراه وی سوزانده شد.

"دولت" نظریات خود را در باب ترجمه در مقاله‌ای که در سال ۱۵۴۰ منتشر ساخت (رابین ۱۰۰: ۱۹۶۷ Robin). اهم اصول ترجمه که "دولت" پیشنهاد نموده است به شرح زیر است:

تئوری‌های ترجمه و تفاوت ترجمه مکتوب و همزمان ۶۷

۱- مترجم باید قبل از آنکه به ترجمه‌اش اشری بپردازد از محتوای کلام نویسنده آگاه بوده و مفخودنهایی او را درک کند .

۲- مترجم باید اطلاع دقیق و کاملی از دوزبان مورد نظر داشته و بر هر دو- زبان تسلط جامع داشته باشد .

۳- مترجم باید از ترجمه‌ء "واژه به واژه" جدا "پرهیز نماید .

۴- مترجم باید برای اجتناب از وام گیری واژه‌ها از زبان مبدا ، سبک نوشتاری خود را بر زبان عامه مردم تطبیق دهد و از صورت‌های زبانی زبان محاوره بهره‌گیرد (کلی ۱۳۸ : ۱۹۷۹ Kelly) .

۵- مترجم باید خالق یک اثر جامع و فراگیر با آهنگی مناسب باشد

(ناید ۱۷-۱۴ : ۱۹۶۴) . به عبارت دیگر مترجم باید به "قصد" نویسنده و نه به نحوهء واژه‌پردازی او امان نظر نماید (اشتینر ۶۲ : ۱۹۷۰ Steiner) . یکی از ویژگی‌های ترجمهء " دولت " در این است که اوسعی نموده در ترجمهء یک اثر " روانی نثر ، نظم ، آهنگ و زیرومی کلام را مطابق با شیوهء نویسنده تدوین نماید " (کلی ۱۸۲ : ۱۹۷۹ Kelly) .

۲۰۱۰۳۰۶ فرانسوادومالهریه (۱۵۵۵ تا ۱۶۲۸ Malherbe, Francois De)

"مالهریه" شاعر فرانسوی قرن شانزدهم بود که بخاطر اقدامات‌اش در جهت برپایی نهضت شعر کلاسیک شهرت فراوان یافت (دایره المعارف بریتانیا) وقتی در قرن شانزدهم مساله "ماهیت استعارات شعری" (Poetic metaphor) مطرح گردید و بحث و جدل پیرامون آن رونق یافت مالهریه به عنوان یک مدعی اصلی پای به صحنه گذاشت و نظریات خود را دربارهء "زیباشناسی ادبی" (literary aesthetics) آشکارا بیان داشت .

ترجمهء او از کتاب سی وسوم "لیوی" (Livy) به همراه مقدمهء مختصری که بر آن نوشت در سال ۱۶۱۶ منتشر گردید . در مقدمهء این کتاب به

"مالهربه" توصیه کرد که :

- ۱- روانی و وضوح متن ترجمه شده باید چنان باشد که رضایت خوانندگان آن حاصل و تضمین گردد.
- ۲- ترجمه واژه به واژه باید مطلقاً "مطروود گردد و این شیوه نباید بکار گرفته شود.

۳- روح (esprit) حاکم بر متن اصلی نه تنها باید ترجمه و برگردان شود بلکه باید به نحوی عرضه گردد که خوانندگان از خواندن آن جان کلام را دریا بند و آن لذت ببرند (اشتینر ۶۳-۶۲: Steiner ۱۹۷۰).
 از فحوای کلام و نوع توصیه‌هایی که برای مترجمان و نحوه عرضه متن ترجمه شده‌ها را در بخوبی می‌توان به این حقیقت پی برد که "مالهربه" مـلاک ترجمه را پذیرش خوانندگان می‌داند. (audience-oriented).

۲۰۱۰۳۰۷ لورنس‌ها مفری (Lowrence Humphry)

"ها مفری" معتقد بود که متن ترجمه شده با به از ویژگی‌های زیر برخوردار باشد تا بتواند مقبولیت عامه یافته و مطلوب طبع اهل ادب واقع گردد.

۱- مطابقت (Copiausness)

مترجم باید به وزن، آهنگ، نحوه جمله‌پردازی و فحوای متن اصلی توجه ویژه داشته باشد. به عبارت دیگر مترجم باید شیوه ترجمه خود را با شیوه نویسنده مطابقت دهد و به فراخور موضوع کتاب شیوه پردازش و آرایش جملات را تغییر دهد.

۲- با رواژگانی (lexical property)

مترجم باید مدل و چهارچوب ترجمه خود را بر مبنای روابط واژگانی که نویسنده اصلی در کتاب خود برقرار ساخته تنظیم نماید.

۳- خلوص (Purity)

مترجم با دیدنسبت به اصالت و ماهیت متن وفادار بماند و از زمتنا صلی ترجمه ای عرضه نماید که اصالت آن مخدوش نباشد .

۴- قابلیت (aptitude)

مترجم با یداز قابلیت و توانایی ویژه ای برخوردار باشد تا بتواند موضوع، سبک و ویژگیهای متن را درک نماید و به درکی کامل از نویسنده نایل گردد و شناختی کافی از شیوه‌ای که نویسنده بکار برده است داشته باشد (مورتون ۱۳: ۱۹۸۴ Morton).

طبق نظرها مفری، مترجم باید در ترجمه متون از توانایی‌های زیر برخوردار و آن به وقت ضرورت استفاده نماید:

۱- قریحه (natura)

منظور قریحه ذاتی و خدا دادی است که مترجم فی ذاته از آن برخوردار است.

۲- آگاهی زبانی (Doctrina)

مترجم باید به تمامی ابعاد زبانی هر دو زبان مورد نظر تسلط کافی داشته باشد و ویژگیهای دستوری، سبک‌های نوشتاری، بدایع و گوناگونی لهجه‌های زبانی آنها را نیکو بداند.

۳- ایمان (Fides)

مترجم باید به نویسنده و متنی که ارائه نموده مومن و با آگاهی کافی متن را برای ترجمه برگزیند و هرگز بر سیل اتفاق و بر حسب تصادف به ترجمه بیکی متن مشکوک اقدام ننماید.

۴- اهتمام (diligentia)

مترجم باید تمامی تلاش خود را در جهت ارائه یک ترجمه خوب و قابل قبول بکار گیرد. (مورتون ۱۴: ۱۹۸۴ Morton)

"ها مفری" برای این امر صراحتاً داشته که مترجم باید در آشنایی ترجمه همواره

بدین معنی باید دید، فکر خود را مورد ارزشیابی مجدد قرار ده، و در صورت لزوم در سبک ترجمه خود تجدید نظر نماید. مترجم باید به مقتضای حرفه مترجمی خود دنیا را بر مبنای سبک و روشی را ببیند و هرگز از این اندیشه غافل نگردد که ترجمه یک روایت بویا است و نه یک دیدگاه ایستا و ثابت و رفت و سرگشتی زبانی (encoding - decoding) (مورتون ۱۹۸۴: ۱۵)

۲۰۱۰۳۰۸ ویلیام فولکه (قرن شانزدهم William Fulke)
 فولکه ترجمه را وسیله‌ای برای بیان جنبه‌های کاربردی (Pragmatic) پیام میداند. گفته‌های زیر نشان دهنده این حقیقت است:
 "برای آنکه متنی با دقت کافی از زبان عبری ترجمه گردد لازم نیست که ترتیب کلمات و عبارات آن زبان دقیقاً رعایت شود بلکه باید مفهوم و معنی کامل عبارات به زبان ما برگردان شود و بطریقی و برای این شود که درک آن میسر گردد."

(مورتون ۱۶: ۱۹۸۴)

"فولکه" مترجمان را از مراجعه مکرر به لغت نامه‌ها و توسل به معنایی لغوی کلمات که در آنها مستتر است بر حذر داشت. وی مترجمان را به این امر آگاهی داد که کلمات الزاماً "نباید بر طبق روابط عمومی نشانه‌ها (دیداری و شنیداری) ترجمه شوند بلکه باید بر طبق نقش معنایی که در جمله دارند برگردان گردد. علاوه بر این در نظر فولکه، حتی متن نیز نباید به شیوه‌ای که توسط اهل ادب و آریاب معنایی تعبیر و تفسیر شده مورد استفاده قرار گیرد و از سویی در ارتباطات متن نشانه‌های زبانی با معنایی وابسته به آنها نباید همان ارتباطاتی مدنظر قرار گیرد که در زمان حواریون مطرح بوده است. فولکه با تائید شریذیری از نظریه‌های "جروم" و "آگوستین" (که هر دو از علما

و مترجمان قبل از قرون وسطی بودند) به این استدلال پرداخت که:

"برای ترجمه‌ممتون دینی الزامی در آن نیست که از شیوهٔ رهبران کلیسا پیروی کنیم و آنها را قوانین بدون تغییر و وحی منزل بدانیم. مترجمان باید از روابط واژگانی بنحوی که مرسوم زمان است استفاده کنند و نه به شیوه‌ای که در زمان حواریون نضج و حاکمیت داشته است."

(کلی ۱۱۴: ۱۹۷۹ Kelly)

آنچه "فولکه" به عنوان مدلی برای ترجمه انتخاب و توصیه کرد عبارت بود از استفاده از واژگان مردمی و روابط واژگانی که بر زبان روزمرهٔ مردمی حاکمیت دارد، و بر این نظریه ابرام* و اصرار داشت که مترجمان زبان انگلیسی مردمی را انتخاب نمایند (آموس ۷۲: ۱۹۲۰ Amos) گفته زیر که از "فولکه" نقل شده نشان دهندهٔ این حقیقت است که او از متدولوژی ترجمهٔ عصر خویش فاصله گرفته و مبدع روش نوینی بوده است، او می‌گوید:

"ما بر طریقهٔ اندیشه و گفتار مردمی سمت و لایمی و خدایی نداریم چرا که اگر اندیشه ایشان را در یمن قدرت خود داشتیم به آنها می‌آموختیم که صحیح تر سخن بگویند. اما حال که خود را از این برتری و تسلط عاری می‌بینیم به راهنمایی ارسطو متوجه می‌شویم که ما را به جمعیت گفتار و استفاده از واژگان به نحوی که مردم قایل بدان هستند توصیه می‌کند."

(آموس ۷۲: ۱۹۲۰ Amos)

"فولکه" همچنین خاطرنشان کرد که مترجم الزاما "باید" ... از برابرها و معادل‌های پویا استفاده نماید تا تفسیر و ترجمه بدست آمده برای عامه مردم مفهوم باشد" (کلی ۱۰۳ : ۱۹۷۹). منظور "فولکه" از استفاده از معادل‌های پویا احتمالا "زبان زنده و طبیعی است که مردم از طریق آن به ایجاد ارتباطات کلامی دست می‌زنند."

۲۰۱۰۲۰۹ جورج چاپمن (از ۱۵۵۹ تا ۱۶۳۴ George Chapman)

"چاپمن" شاعر، نمایشنامه‌نویس و درام نویس شهیر انگلیسی بود که "ایلیاد" و "اودیسی" هومر را نیز به انگلیسی برگردان نمود. در دوران رنسانس، به تئوری ترجمه در سرزمین انگلستان اهمیت چندانی داده نشد. تئوری آشکاری عرضه نگردید بلکه قسمت‌های پراکنده‌ای از کارهای هنری و ترجمه شده عرضه گردید که نشان دهنده تلاش‌های پراکنده اما منسجم در خلق تئوریهای جدیدتر ترجمه است. نوشته "چاپمن" با عنوان "سپر آشیل" (Achilles Shield)^(۱) که در سال ۱۵۹۸ منتشر گردید نمونه‌ای از این تلاش است (اشتینر ۵۵: ۱۹۷۰) (Steiner). چاپمن به تفصیل به شرح و بسط شرایط و ماهیت ترجمه پرداخت.

به نظر "چاپمن" مترجم موفق کسی است که نه تنها از احساس ادبی نویسنده در خلق و فرینش اثری که عرضه داشته است آگاهی کافی و واقعی داشته باشد بلکه باید بتواند به درک و جذب آن نیز نایل و به یک استنباط جامع و منطقی برسد حتی با پدید آمدن نقش جمله‌ها و نحوه پرداخت و ردیف‌سازی عبارات نیز توجه خاص معطوف دارد زیرا ممکن است مولف با شیوه خاصی که برگزیده پیام خاصی را منتقل ساخته باشد، این گرایش شاید جنبه

۱- اخلیوس یا آشیل قهرمان داستان ایلیاد هومر

تئوری‌های ترجمه و تفاوت ترجمه مکتوب و همزمان ۷۳

واژه‌گرایی (literalism) را در مقابل با ترجمه آزاد (free rendering) تقویت بخشیده باشد. معهذادریک دهه بعد، "چاپمن" موضع خود را تغییر داد و از ترجمه واژه به واژه در زمینه ادبیات قویا "انتقا دنمود (اشتینر ۵۶: ۱۹۷۰)". البته "چاپمن" به این نکته اعتراف نمود که زبانهای مختلف از ماهیت‌های مختلفی برخوردارند و از این جهت رویارو قرار دادن زبانهای به‌تصور پیدا کردن تقابل‌های برابر مری غیر ممکن است.

"چاپمن" همانند سایر تئوریسین‌ها بیشتر به معنی و مفهوم عبارات در مقابل صور ظاهری آن توجه داشت. اما آنچه او را از اسلاف و حتی معاصران خود متمایز می‌ساخت این بود که در نظر او ترجمه موفق یک متن وقتی میسر است که مترجم پارا از حد آشنایی به متنی که در ترجمه دارد بپیر و نهد و به اندیشه هنری نویسنده وقوف کامل یابد.

نظریات "چاپمن" در مورد ترجمه به شرح زیر خلاصه می‌شود.

- ۱- از شیوه‌های مبتنی برگشاده دستی (over loose) و تنگ نظری (over strict) در ترجمه باید اجتناب نمود.
 - ۲- ترجمه واژه به واژه مقبول نبوده و زیر سوال است.
 - ۳- برای ترجمه هر متن باید شیوه‌ای درخور و متناسب با آن اختیار شود و تمامی جوانب به نحو احسن مورد سنجش قرار گیرد تا ترجمه بدست آمده در برابری با متن اصلی هم از نقطه نظر معنایی و هم از نقطه نظر کلامی تطابق داشته باشد (آموس ۱۳۱: ۱۹۲۰).
- نظریه "چاپمن" در باب ترجمه بوسیله مترجمان و تئوریسین‌های قرن هفدهم پی گرفته شد.

۲۰۱۰۳۰۱۰ دنهام (قرن هفدهم Denham)

"دنهام"، یکی از چهره‌های سرشناس عالم در قرن هفدهم، همانند سایر

معاصران خودچون "کالی" (Cowley) (به قسمت ۲۰۱۰۳۰۱۱ مراجعه نمائید) به ترجمه آزاد متن اصلی معتقد بود. او معتقد بود که تعارض و تفاوت نحوی، معنایی و بافتی زبانهای مختلف الزاماً "بر عدم تطابق بیین ساختارها دلالت دارد و از این جهت در ترجمه از یک زبان به زبان دیگر کاستی‌هایی معنایی و تفاوت‌های بیین نیت‌ها اجتناب‌ناپذیر است. بنا بر این بر مترجمان فرض است که از تله‌ها و دام‌هایی که مفروض است آگاه بوده و عالمانه عمل نمایند و پیش از شیوه مطلوبی که لازم است اطلاع کافی داشته باشند. توصیه او این بود که مترجمان:

- ۱- به هنگام احساس بروز نارسائیه‌ها و شکاف‌های معنایی و در صورت لزوم در افزودن عبارات و کلماتی که به توضیح و بیان بیشتر عبارات می‌انجامد تردید نکنند.
- ۲- به ترجمه خود روح و جان ببخشند. در غیر این صورت آنچه حاصل می‌شود، ترجمه‌ای است در حکم یک جسم بی‌روح.
- ۳- در ترجمه اثر، به ظاهر کلمات و عبارات بسنده نکنند و همت خود را متوجه شناخت و لمس روح و جان کلام که از متن برمی‌آید نمایند.
- ۴- در ترجمه شعر "ز شعر شعری دیگر بریابند"
- ۵- از این اندیشه غافل نمائند که:

"در ترجمه اشعار، حفظ اما نت‌داری در لفظ مراد نیست. بگذار این مقوله در مورد حقایق و بیان شواهد و بیابان‌ها تبیین موضوعات مربوط به ایمان مجری گردد. اما آن کس که به شعرو شاعری را غب است اگر آنچه لازم است انجام ندهد به تحقیق به آنچه قصد نموده نخواهد رسید. وظیفه مترجم این نیست که فقط از یک زبان به زبان دیگر ترجمه کند بلکه باید بتواند شعری را به

تئوری‌های ترجمه و تفاوت ترجمه مکتوب و همزمان ۷۵

شعر دیگری برگرداند. مبرهن است که در این نقل و انتقال
مقداری از مفهوم تبخیر می‌شود و حاصل با آنچه در اصل
یافت می‌شود کاملاً " منطبق نیست . "

(اشتینر ۷۵ : ۱۹۷۰)

ع- با دید به کلیه آثار نویسنده‌ای که قصد به ترجمه کتاب او را دارد .

آشنایی داشته باشد . (آموس ۱۵۷-۱۵۶ : ۱۹۲۰)

دنهام و چاپمن از شخصیت‌های برجسته‌ای هستند که زمینه خلق تئوری‌های
نوین ترجمه در قرن هفدهم را فراهم آوردند .

۲۰۱۰۳۰۱۱ کالی (از ۱۶۱۸ الی ۱۶۶۷ Cowley)

کالی و دنهام هر دو بر این عقیده اند که در ترجمه یک شعرا زیک زبان به
زبان دیگر، شکاف‌های معنایی که الزاماً " به تغییرات در مفهوم و ساختار
می‌انجامد اجتناب‌ناپذیر است . بدین معنی که در این نقل و انتقال مفهوم
مقداری از معنی در پیچ و خم تغییر و تبدیل ها گم می‌شود . بنا بر این
مترجم باید با مسئولیت را به دوش کشیده و با افزودن و اضافه کردن آنچه
کالی "زیبایی نو" (new beauties) می‌نامد به رفع کاستی‌ها کمک
نماید و شکاف‌های معنایی را پر نماید (آموس ۱۵۰ : ۱۹۲۰). کالی بر
این عقیده بود که مترجم باید آزادی کافی برخوردار بوده و دست‌ش در
افزودن و یا کاستن از متن با زبانش متن ترجمه شده با شیوه و اصول متن
اصلی همطرازی معنایی و ساختاری داشته باشد و مورد استقبال قرار گیرد .
کالی خود بر این نکته با سلاست ویژه‌ای اقرار دارد و می‌گوید :

"در ترجمه دو چکا مه" " پندار" ^(۱) هر کجا که ضرورت

۱- شا عریونا نی (Pindar) که از ۵۲۲ تا ۴۸۸ قبل از میلاد میزیسته است .
"پندار شا عری بزمی و دارای سبک شعری مفلح نویسی بوده است .
(آرپا نهپور)

یافته عبارتی را افزوده و یا حذف کرده ام و دنبال
این هدف نبوده ام که خواننده دقیقاً "بدا ندکسه
شا عرچگونه و بر چه سیاقی سخن گفته است .

(نایدایدا ۱۹۶۴:۷۳ Nida)

کالی معتقد بود که زبانها هم از نظر ساختاری و هم از نظر معنایی از
یکدیگر متمایزند بنا بر این مترجم با بدازارانه مقوله‌های نحوی، معنایی
و یا هر چیزی که بر ذاتاً ثقّه فرهنگی و زبانی خواننده خوش نشیند احتراز
نماید .

به نظر "کالی" آنچه با بدیر متن ترجمه‌ها کم باشد، روح، شیوایی و اصالت
زبان مقصد است . "توماس کریک" (Thomas Creek) معتقد است که به نظر
کالی :

"اگر نحوی کلام نویسنده منتقل گردد . تنوع در سبک
رعایت شود و ظرافت متن مخدوش نگردد حاصل خدمعقول
ترجمه مورد انتظار است ."

(آموس ۱۵۲-۱۵۱ : ۱۹۲۰ Amos)

"فانشاو" (Fanshaw) شیوه ترجمه "کالی" را با ظرافت
بیشتری ترسیم می‌کند و می‌گوید که در نظر کالی ، مترجم با بدبرسیاق زیر
عمل نماید :

"اگر بخواهی ترجمه‌ای شایسته ارائه نمایی و مترجمی
لائق باشی باید که شیوه‌ای معقول ترپیشه کنی .
مترجمان ناقابل به خاکسترمی اندیشند و تو باید
به آتش بنگری ، جان کلام نویسنده را دریایی و
محبوبیت او را خدشه دار نسازی . در آنجا که آتش را
بی رمق یافتی باید که بجرا رتش بیفزایی ، از خود

تئوری‌های ترجمه و تفاوت ترجمه مکتوب و همزمان ۷۷

ما یه گذاری و اعتلای آن را فزونترنما ییی .
وعاقلانه تر و آگاهانه‌تر برنا یافته‌ها که حاصل
تضادهای زبانی است و قوف یافته و در رفع نا بسا -
مانی بکوشی .

(آموس ۱۵۳ : ۱۹۲۰ Amos)

آزادی در ترجمه متون که از ویژگیها و مشخصه‌های قرن هفدهم میلادی
است حاصل نظریات "چایمن" ، "دنهام" و "کالی" است .
"کالی" همانند "درایدن" (به بخش ۲۰۱۰۳۰۱۲ مراجعه شود) ، در مقدمه
ترجمه خود با عنوان "چکامه‌های پندار" (Pindarique Odes)
کپی‌سازی و برگردان نمودن متن را به شیوه‌ای تازه و به‌واژه مطروود دانست
و معتقد بود که با این شیوه هرگز به اثری اصیل و زنده نمی‌توان دست یافت
(۱۶۱۳:۸۴) .

"کالی" برای این عقیده بود که زبانه‌ها دارای ارزشهای مختلف زبانی
و فرهنگی هستند و وقتی دویا بیشتر از زبانها در طول تاریخ از یکدیگر منفصل
شده و بین آنها فاصله زمانی بعیدی حادث می‌شود، دگرگونیها و تفاوت
هایی پدید می‌آید. برای رفع کاستی‌ها توسل به یک شیوه خاص مقبول
نیست و باید شیوه‌های گوناگون ترجمه تجربه گردد. به عبارت دیگر مترجم
باید در انتخاب شیوه ترجمه به مقتضای هر متن اتخاذ تصمیم نماید و از
تکنیک‌های پویا و بایسته استفاده نماید. (کلی ۱۴۷ - ۱۴۶ : Kelly ۱۹۷۹)

۲۰۱۰۳۰۱۲ جان درایدن (از ۱۶۳۱ تا ۱۷۰۰ John Dryden)

"درایدن" شاعر، نمایشنامه‌نویس و منتقد ادبی بود. تحصیلات خود
را در وست‌مینستر (Westminster) به انجام رسانید و در آنجا
با ادبیات کلاسیک آشنایی یافت. این آشنایی باعث شد که "درایدن"

قدرت خلاقه^۱ لازم را برای ترجمه^۲ متون به شیوه^۳ ترجمه^۴ اصطلاحی (idiomatic translation) به دست آورد. بعضی از اشعاری که به او منسوب است در اصل ترجمه هستند. اثر هنری وارزنده^۵ او ترجمه^۶ "ورژیل" (Virgil)^(۱) است که در سال ۱۶۹۷ منتشر گردید.

"درآیدن" در ترجمه^۲ متون از یک زبان به زبان دیگر توصیه‌هایی دارد که ذیلاً^۳ و به صورت اختصار ذکر خواهد شد:

- ۱- مترجم باید زبان نویسنده را بفهمد.
- ۲- مترجم باید با افکار و عقاید نویسنده آشنا باشد.
- ۳- مترجم باید ویژگیهای خلقی و فردی نویسنده و قوف داشته باشد.
- ۴- مترجم باید آثقه و شیوه^۵ خود را با شیوه^۶ نویسنده تطبیق دهد.
- ۵- ترجمه وقتی به سهولت انجام می پذیرد که مفاهیم زبان مبداء^۷ که زبان نویسنده است با مفاهیم زبان مقصد که زبان مترجم است همطرازی برابری نشان دهد
- ۶- اگر مفاهیم زبان مبداء^۸ با معادل آنها در زبان مقصد برابری و همطرازی نداشته باشد، تغییر و تبدیل و حذف و اضافه اجتناب ناپذیر است. معین در هر دو حالت (۵ و ۶ بالا) اصلیت متن اصلی نباید به مخاطره افتاده و خدشه دار گردد (آموس ۱۵۹-۱۵۷: ۱۹۲۰ Amos).

"درآیدن" را میتوان از آن جهت از دیگران متمایز ساخت که او بر لزوم حفظ ویژگیهای مولف و نویسنده اصرار دارد. او معتقد بود که حفظ اصالت باعث می شود که خواننده اثر هنری نویسنده را بهتر بشناسد و ضمن بهره‌وری از آن به شناختی کاملتر دست یابد و بر آن اثر ارزش بایسته بگذارد. "درآیدن" در مقدمه خود بر کتاب مجموعه اشعار (Sylvae ۱۶۸۷)--

۱- ورژیل شاعر رومی است که دهه اول قبل از میلاد می ریسته است.

تئوری‌های ترجمه و تفاوت ترجمه مکتوب و همزمان ۷۹

می‌گوید: مترجم باید تصویری شایان از نویسنده عرضه دارد مشروط بر آنکه به شخصیت او خدش‌های وارد نیاید و چیزی به جز او آفریده نشود" (پوست گیت ۱۹۲۲:۵).

"در آیدن"، معتقد بود برای آنکه مترجم بتواند شعری را برگرداند نماید خود باید نفسی نفسه یک "شاعر تمام عیار" (A thorough poet) باشد (آموس ۱۹۲۰: ۱۵۸). علی‌رغم اینکه "در آیدن" خود یک شاعر برجسته بود همواره از سختی ترجمه شعر به زبان انگلیسی شکوه داشت و به ویژه مشکل را در انتقال و تطبیق بحور (meters) و وزن و قافیه می‌دانست. همین مشکل را "روزکامان" (Roscommon) به شیوه دیگر و به صورت نظم بیان داشته که تلخیص آن به شرح زیر است:

"ابتدا ذائقه خویش را محک زن و طبع و احساس
حاکم بر اندیشه، خویش را بیا زمای و آنگاه شاعری
را برگزین که اندیشه اش با توفیقین باشد و او را چون
دوستی شفیق و مونس قدیم در کنار خود بگذشت
زمان و آشنایی بیشتر این علقه و صمیمیت و دوستی
را در تو عجب خواهد ساخت.

و آنگاه خواهی دید که احساس تو، اندیشه تو، سبک
و کلام تو بر اندیشه و فکر و کلام او منطبق است.
و آنگاه خواهی دید که تو دیگر بر اثر او تفسیر
نمی‌گذاری بلکه "خود" خود او را عرضه می‌داری و زبان
حال او را داری.

در انتخاب سبک ترجمه، "در آیدن" شیوه متعادل تری یعنی حداقل

بین ترجمه آزاد و ترجمه مقید (Close translation) را برگزید.

در قرون بعد، بسیاری از مترجمان از این شیوه تبعیت نمودند. "در آیدن"

ترجمه را به سه نوع عمده متمایز ساخت و نه تنها مبلغ نوع دوم بود بلکه از آن شیوه نیز بسیار سود جست :

الف - ترجمه عبارت‌ی یا تحت‌اللفظی (metaphrase) به نوع ترجمه‌ای اطلاق می‌شد که در آن مترجم هر واژه زبان مقصد را بجای همان واژه در زبان مبدا قرار داده و هر سطر از سطور متن به زبان مبدا را با همان سطر در زبان مقصد تطبیق می نمود.

ب - ترجمه تاویلی یا ترجمه آزاد (Paraphrase)

در این نوع ترجمه، معنی که مرا دنویسنده بوده است از متن اصلی استخراج و به زبان مقصد بازگردانی می‌شده و در هر کجا نیاز به تغییر صوری نحوی بوده مترجم درنگ را جایز نمی شمرده و به فراخور متن تغییرات لازم را عرضه می داشته است .

ج - ترجمه تقلیدی (imitation) در این نوع ترجمه، به وقت ضرورت و نیاز، مترجم به تغییر معنی و صورت اقدام می‌نمود و این تغییر بنا به مقتضای فحوای کلام نویسنده صورت می‌گرفته است. (نایدا ۱۸-۱۷: Nida ۱۹۶۴).

کلی (Kelly) سبک و شیوه ترجمه "در ایدن" را نوعی ارائه یک متن با الهام و تاثیر پذیری از نویسنده "می‌داند" (۱۹۷۹: ۴۶).

۲۰۱۰۳۰۱۳ خلاصه (ترجمه در قرون شانزدهم و هفدهم میلادی) نهضت رنسانس با عث گردید تا آثار هنری قدیم مورد عنایت و توجه مجدد قرار گیرد. "پترارک" (Petrarch) و سایر پیرپشروان نهضت به جمع آوری اسناد یونانی اقدام نمودند و بدین وسیله پایه و بنیاد موفقیت‌ها و دست‌آوردهای بیشتر را در باب ترجمه نهادند. نظراً که مردم نسبت به ترجمه و ارزشهای آن تغییر یافت. خوانندگان مشکل پسند به خواندن

تئوری‌های ترجمه و تفاوت ترجمه مکتوب و همزمان ۸۱

ترجمه‌های تحت‌اللفظی و عبارتی رغبت نشان نداده و مخصوصاً " از ترجمه کتب دینی و فلسفی تنوع بیشتر و روش دقیق تری را طلبیدند. به‌ویژه خواستار آن شدند که مترجم منظور و مقصود اصلی حضرت عیسی مسیح را عرضه دارد و نه کلمات و عبارات مهجور و الفاظ مجوف متون قدیمی را.

تلاش‌های فراوانی توسط مترجمان زبده بعمل آمد تا آثار هنری مجدداً ترجمه شوند و به قسمی تدوین یا بند که رضایت عامه حاصل و حس کنجکاوی خوانندگان ارضاء گردد. در این برهه از زمان، پیشرفت‌های عظیمی در زمینه ترجمه و تئوری زبان حاصل آمد. سبک تقلید در ترجمه تغییر یافت و شیوایی سبک مقبول افتاد.

بطور خلاصه، دست‌آوردهای این دوران فهرست‌گونه به شرح زیر

است:

الف- متون دینی

- ۱- نسخ مختلف کتب دینی که به زبان لاتین نوشته شده بودند به زبانهای مختلف ترجمه و به زیور طبع آراسته گردیدند.
- ۲- چاپ و انتشار کتب دینی و کتب مقدس به زبانهای انگلیسی، آلمانی و فرانسوی جامعه کلیسا و ارزشهای حاکم بر آن، به‌مخاطره انداخت و این امر باعث شد تا هیأت حاکمه کلیسا ترجمه و انتشار این قبیل کتب و یا حتی کتبی را که تنها اشاره‌ای به دین دارند ممنوع نماید. این مقوله از معضلات قرن شانزدهم میلادی محسوب می‌گردد.
- ۳- در مقابل تحریم ترجمه از سوی کلیسا، نویسندگان و مترجمان از انگیزه ترجمه به زبانهای بومی استقبال و از آن دفاع نمودند. دفاعیه فولکه (۱۵۸۹) و مقدمه‌ای که تا یندال (Tyndale) بر ترجمه خود با عنوان "بندگی یک انسان مسیحی" (Obedience of a Christian Man) نوشت شاهدی برای این مدعی است.

۴- ایده‌ای نضج گرفت مبنی بر اینکه اگر مفاهیم با دقت و با شیوایی خاص برگردان شوند، عبارات و کلمات نامانوس زبان مبداء به تدریج جای خود را در ترجمه می‌یا بند و رفته رفته به صورت عبارات آشنا استعمال می‌گردند.

۵- ترجمه کتاب مقدس انجیل توسط "لوتر" (Luther) که در سال ۱۵۲۲ منتشر گردید مورد استقبال و با طرروانی و سلامت کلام و قابلیت فهم و درک آن مورد تمجید و ستایش قرار گرفت (ناید ۱۵-۱۴: Nida ۱۹۶۴).

۶- نه تنها بر لزوم ترجمه به زبان نهایی بومی تاکید فراوان شد بلکه استفاده از زبان مردمی و اصطلاحات عامیانه که فهم و درک متن را آسان می‌کند تجویز گردید (به‌دفاعیه "فولکه" توجه نماید). نوعی تمایل به ارائه شعرگونه کتب مقدس بجای استفاده از شعر رایج گردید. جورج ویتن (George Witten) می‌گوید:

"زبانی که حضرت موسی از آن برای ارائه مزامیر (Psalms) و سرودهای مذهبی استفاده نمود نمی‌تواند بصورت نثر بیان گردد بلکه باید از نظم در زبان مقصداً استفاده نمود. به‌طور کلی عبارات استفاده شده برای ستایش پروردگار، بیان تمجیدها، و ستایشها، سوگواریه‌ها، پیروزیها و موضوعات مربوط به سرودهای غنایی، مرثی و یا امتزاج آنها نمی‌تواند به نثر ترجمه شود و یا اصولاً از یک سبک و شیوه ساده نثری سودجوید" (آموس ۱۹۲۰: ۷۶).

ب- آثار هنری و ادبی

۱- انگیزه و فکر جدیدی نضج گرفت که بر مبنای آن مترجم، در ترجمه متون باید هدف و انگیزه اصلی نویسنده را دریا بدو منتقل نماید و فایده سودی را که از آن نشات می‌یابد به نحواً حسن به خواننده منتقل نماید. مترجم باید بتواند نیازم برخوردار را بشناسد و "این احساس را درک کند

تئوری‌های ترجمه و تفاوت ترجمه مکتوب و همزمان ۸۳

وسپس یافته خود را با خوانندگان آن متن به زبان مقصد در میان نهاده آنها را نیز سهیم نماید. (کلی ۲۲۳: Kelly ۱۹۷۹).

۲- علی‌رغم دست‌آوردهای قابل ملاحظه در ترجمه، تئوری‌های ترجمه بیشتر هدف ترجمه را پی گرفتند و کمتر به شرح و تفصیل پیرامون تکنیک‌های لازم برای نیل به اهداف خود پرداختند. معیادها پایه‌های تحولات و نوآوری‌های بعدی نهاده شد.

۳- قرن شانزدهم شاهد این اعتقاد بود که وفاداری در ترجمه —————
fidelity به وفاداری در حفظ کلمات و روابط نحوی خلاصه
نمی‌شود و به مقوله‌هایی ما و را آن نیز ربط می‌یابد.

۴- این دوران را با ید دوره طرد کامل ترجمه و از به واژه دانست.
گفته کالی (Cowley, ۱۶۵۶) "براینکه اگر کسی از "پندار"
(Pindar) ترجمه و از به واژه ارائه نماید دیوانه‌ای بیست
نیست" گواه بر این مدعی است.

۵- تعدد کسانی که به ترجمه آثار رغبت نشان داده و عملاً "به آن
پرداختند شگفت‌انگیز است. حتی شخصی بنام "نیکولانس" که پیشه
زرگری داشت و "ملکه الیزابت" نیز به ترجمه کتب پرداختند (آموس
۱۹۲۰: ۸۱).

۶- اختراع چاپ و هم‌توالی "کاکستن" (Caxton) در
انتشار آثار بزرگ ادبی، تغییرات و تحولات شگرفی را در زمینه ترجمه همراه
داشت و باعث گردید که افراد و مترجمان بیشتری به این امر بپردازند.

۷- اهداف جدیدی برای ترجمه در نظر گرفته شد و مورد بحث قرار گرفت
(به صفحات پیشین مراجعه نمایید).

۸- مترجمانی چون دنهام، کالی و درایدن بر لزوم ارائه ترجمه به
شیوه آزاد اصرار نمودند.

۹- این مقوله مطمح نظر قرار گرفت که کنجکاو وی خواننده برای آشنا شدن و دریافتن ویژگیهای نویسنده و آثار هنری که عرضه داشته است بایست ارضاء گردد. ذکر گفته "نورث" (North) خالی از لطف نیست:

"گارآمدی یک ترجمه تنها برآن نیست که مترجم در ارائه و برگردان نمودن متن اصلی حفظ وفاداری به واژه‌ها نموده باشد بلکه مترجم باید به شیوه‌ای نحو کلام و شیوایی گفتار نویسنده را با زگو کند و تصویری ضمنی از آن به دست دهد" (نایداید: ۱۰۶: ۱۹۶۴ Nida)

۱۰- بحث وجدل بر سر اینکه آیا با یدویا نبایدواژه‌های بیگانه را وام‌گیری کردن ضح گرفت. تعدادی از مترجمان براین عقیده بودند که وام‌گیری مخصوصاً "از زبان یونانی به زبان لاتین باعث غنای زبان وام‌گیرنده می‌شود. در حالیکه مترجمان دیگر معتقد بودند که به وام‌گیری واژه‌ها نیازی نیست و بدون توسل به آن نیز ارائه ترجمه خوب می‌رست (کلی ۱۳۷: ۱۹۷۹ Kelly). "دولت" (Dolet) بطور ضمنی مقوله دوم را اصل قرارداد و بر این عقیده اصرار داشت که از وام‌گیری در ترجمه با ید پرهیز نمود و با یداهتمام برآن داشت که کلمات و عبارات بدانگونه که در کلام مردمی معمول است مورد استفاده قرار گیرد.

۱۱- همانند فاعیه "فولکه" که در آن به استفاده از کلمات و عبارات جاری در زبان به هنگام ترجمه کتب مقدس تاکید شده بود، مترجم دیگری بنام "مانتوان" (Mantuan) در ترجمه خود با عنوان "سروده‌های کوتاه" (Eclogues) بر اصل "قابلیت فهم بودن" متن ترجمه شده تا کید نمود و اظهار داشت که شیوه متن ترجمه شده با ید بر شیوه متن اصلی منطبق باشد. آموس (Amos) عین گفته "مانتوان" را به شرح زیر تقریر کرده است.

تئوژی‌های ترجمه و تفاوت ترجمه مکتوب و همزمان ۸۵

"در حقیقت آن کس که یک داستان چوپانی را ترجمه کرده و در ترجمه خود سبک نوشتاری ویژه سروده‌های رزمی و یا قهرمانی را بکار برده است یک معنی ساده را در قالب عبارات پرطمطراق عرضه داشته است. تعبیری که من از این ترجمه دارم این است که مترجم گردن یک اسب را با سرب یک انسان در هم آمیخته است" (۱۹۲۰: ۱۱۵)

۲۰۴ تئوریهای جدید ترجمه

۳۰۲۰۱ تحول ترجمه در قرون هیجدهم و نوزدهم میلادی

قرن هیجدهم شاهد تحول عمده در ترجمه بود.

الف - در دهه ۱۷۵۰، موازنه‌ای بین ترجمه لغوی و تحت‌اللفظی از یک

سو ترجمه آزاد از سوی دیگر پدید آمد.

ب - ترجمه‌های فنی مرسوم و در حد زیاده‌روی با زار گردید.

(کلی ۲۲۴: ۱۹۷۰ Kelly).

علاوه بر این، بحث وجدل پیرامون اینکه آیا ترجمه باید "آزاد" باشد یا "مقید"، "دقیق" باشد یا طبیعی و "زیبا" باشد یا "وفادار" همچنان ادامه یافت. بعضی از اهل نظر، گرایش به سوی حفظ امانت نویسنده را یک اصل دانستند و برخی دیگر نظر خواننده را در مقبولیت ترجمه شرط دانستند. عمده‌ای برای این عقیده بودند که زیان مقصود قوانین و قواعد حاکم بر آن نباید اصل و مبنی قرار داده شود و عمده‌ای دیگر اصرار داشتند که زیان مبداء بایستد

ملاک قرار گیرد. (نیومارک ۹۸۱: ۳۸ Newmark)

قرن هیجدهم که عمدتاً "به گردآوری آثار و اطلاعات اختصاص داشت

به قرن نوزدهم که برهه تحول تئوریهای ترجمه بود پیوسته شد (کلی، ۱۹۷۹)

قرن نوزدهم عصر دقت در ترجمه و آزادی در سبک و شیوه ترجمه بود.

ارزشهای کهن در ارزشیابی یک اثر ترجمه شده تغییر یافت و جای خود را به

ارزشهای جدیدتری داد.

علی‌رغم این واقعیت که بسیاری از آثار هنری ترجمه و عرضه گردیدند، تعداد تئوریسین‌ها و صاحبان اهل‌نظر که به شرح و تفضیل تئوری‌های ترجمه خود پرداختند در مقایسه بسیار اندک بود. آنچه ذیلاً از نظر خوانندگان می‌گذرد معرفی چهره‌های برجسته‌ای است که در این عصر به بسط تئوری خود پرداختند.

۲۰۲۰۱۰۱۰ قرن هیجدهم

۲۰۲۰۱۰۱۰۱ الکساندر پوپ (از ۱۶۸۸ تا ۱۷۴۴ Alexander Pope)

"پوپ" یکی از بزرگترین شعرای اوایل قرن هیجدهم بود. در اوایل کودکی جوانی به چهار زبان یونانی، لاتین، ایتالیایی و فرانسوی تسلط کافی یافت و مخصوصاً "به ادبیات و شعر این زبانها رغبت و میل وافر داشت. اولین اثر ترجمه‌اش "ایلیاد هومر" (در چهار مجلد) در سال ۱۷۱۵ منتشر گردید و بقیه آن نیز در سال ۱۷۲۰ انتشار یافت. به قدری در ترجمه "ایلیاد" خود را موفق دید که تصمیم گرفت کتاب "اودیسه" هومر را نیز برگردان نماید. این اثر نیز همانند ترجمه "ایلیاد" با استقبال شایانی روبرو گردید و عنوان بهترین ترجمه را به خود اختصاص داد.

به عنوان ابتدائی‌ترین اصل ترجمه، "پوپ" اظهار داشت که ترجمه

باید ساده، دقیق و صحیح (simple, accurate, correct)

باشد. "پوپ" معتقد بود که مفهوم و معنی از آن نویسنده است اما شیوه تقریر و سبک آرائی بر عهده مترجم است (کلی ۱۹۷۹: ۴۱ Kelly). عین‌گفته پوپ به شرح زیر گویا،ترین بیان برای درک تئوری او در ترجمه است. پوپ میگوید:

"بر عهده و در مسئولیت مترجم است که نویسنده را به

کمال معرفی نماید و سبک و شیوهٔ کار او را بنمایاند و اولویت‌های او را در بیان و تقریر مفاہیم نشان دهد. مترجم باید، در انتقال بخش‌های تشریحی متن گرمی و جوش نویسنده را منعکس سازد، در عرضهٔ قسمت‌های آرام تر و توصیفی، سادگی و رسمیت سبک نویسنده را محفوظ بدارد، در ارائهٔ گفتارها جانب مزاحمت و کمال در بیان را رعایت نماید، در جمله‌پردازی جانب احتیاط و ایجاز نگهدارد و حتی از کوچکترین نشانه‌ها و علائم غافل ننماید. برعهده مترجم است که از عرصهٔ زمان غافل ننماید، شعایر و رسوم را نه حذف نماید و نه بسا

سنت‌های کهن درهم آمیزد" (نایدا ۱۷۱: ۱۹۶۴ Nida).

یک حقیقت بر همه‌ها هل علم در قرن هفدهم مکشوف بود که تجلی آن در عقاید "پوپ" در باب ترجمهٔ کاملاً مشهود است. واقعیت آن بودا نسا نهایی که در جوامع مختلف زندگی می‌کنند به زبان مانوس و غالب بر جامعه خود بهتر می‌فهمند (کلی ۱۹۷۹: ۵۹ Kelly). "پوپ" از این مزیت برخوردار است که توانسته است بین مفهوم و عبارت تفاوت قایل شده و از این تمایز در ترجمهٔ کتب بهره‌گیرد.

"در آیدن" قبلاً" به بحث این مقوله پرداخته بود که آنچه یک شاعر را از شاعر دیگری متمایز می‌سازد، تنها تفاوت در محتوا و مفهومی که عرضه می‌دارد نیست بلکه سبک و شیوهٔ شاعری او نیز از دیگران متفاوت است. بنابراین این آثار دوشا عرا حتی اگر معاصر یکدیگر باشند نمیتوان با یک سبک ترجمه کرد (کلی ۱۱۵: ۱۹۷۹ Kelly). "پوپ" نه تنها برای این عقیده راسخ بود بلکه در ارائهٔ ترجمه‌های خود از این اصل تبعیت نمود.

Alexander Woodhouslee الکسا ندر فریزر تیتلر و وودهوسلی ۲۰۲۰۱۰۱۰۲

"الکسا ندر فریزر" را بیشتر با عنوان "تیتلر" (Tytler) می‌شناسند. کتاب او با عنوان "مقالاتی در باب اصول ترجمه" (Essays on the Principles of Translation)

در آخرین دهه قرن هیجدهم انتشار یافت.

"وودهوسلی" کوشیده است از مجموع بحث و جدل‌هایی که در طول قرن هیجدهم و قرون قبل از آن در زمینه ترجمه وجود داشته است به نوعی جمع‌بندی دست یازد. کتاب او اولین کتابی است که در آن تئوریها و تکنیک‌های ترجمه در ضمن بخش‌های طولانی شرح و تفضیل فراوان یافته و در ارتباط با آن مثال‌های بسیار ارائه گردیده است. "وودهوسلی" به شرح و بسط مشکلات ترجمه پرداخته و سعی نموده است خوانندگان را با خطوط اصلی و رهنمودهایی که برای ارائه یک ترجمه هنری ارزنده لازم است آشنا سازد. در نظر "وودهوسلی"، وفاداری به متن اصلی، اگرچه یک اصل مسلم و انکارناپذیر بحساب می‌آید، معیاد تنها محک برای تبیین و تشخیص یک ترجمه خوب نیست بلکه به عقیده وی ترجمه باید به شیوه‌ای باشد که مشمول "قبولیت عامه" (Public acceptability) قرار گیرد. به عبارت دیگر، وفاداری به متن اصلی تنها در این نیست که تعدد و تسلسل کلمات در دو زبان مبدأ و مقصد رعایت گردد بلکه هدف مترجم باید این باشد که نقش کلام را در زبان مقصد به نقش معادل آن در زبان مقصد برگرداند. "تیتلر" معتقد است که ترجمه خوب ترجمه‌ای است که:

"... در آن مزایای متن اصلی به طور کامل به

زبان مقصد منتقل گردیده مقبولیت یا بدواً ظرفی

متن ترجمه شده برانگیزنده همان تاثیر و احساس

در خوانندگان زبان مقصد باشد که متن اصلی توانسته

است برخوانندگان خود در زبان مبدأ داشته باشد.

(۱۴: ۱۷۹۷)

بنا بر این برای آنکه یک متن ترجمه شده با موفقیت قرین باشد مورد استقبال قرار گیرد، باید:

الف- ایده‌ها و نظرات نویسنده را دقیقاً " بازگو کند .

ب- در سبک نوشتاری با سبک نویسنده قرابت و همسانی داشته باشد .

ج- از همان روانی که بر متن اصلی فرض است برخوردار باشد .

"وودهوسلی" (تیتلر) معتقد است که مترجم خوب نه تنها باید به دوزبسان مورد نظر تسلط کافی داشته باشد بلکه باید از ذکاوت و فراست کافی برخوردار باشد تا بتواند سبک و شیوه نویسنده را بشناسد و با ویژگیهای آن آشنا شود . در غیر این صورت مترجم نخواهد توانست احساس نویسنده را درک کند (۱۷: ۱۷۹۷) . از طرف دیگر شناخت سبک نویسنده نیز به تنهایی کفایت نمی‌کند بلکه دانش و آگاهی مترجم از نویسنده و سبک او باید در حدی باشد که بدانند سبک بکار رفته به کدام طبقه و رده مربوط می‌شود . "وودهوسلی" می‌گوید :

"مترجم خوب باید بتواند حقیقت و واقعیت را در سبک

نوشتاری نویسنده دریا بدو بداند که این سبک در

چه طبقه و رسته‌ای قرار دارد . مترجم باید بداند

آیا سبک بکار رفته سنگین و مغلقت است ، ساده است ،

سلیس و شیواست ، پرطمطراق است و یا ساده و بی

تکلف است" (۱۳: ۱۷۹۷)

بنظر میرسد که "وودهوسلی" پیرو و مدافع این عقیده باشد که دست

مترجم در حذف و اضافه عبارات به هنگام برگردان ساختن متون باید بسیار

باشد . معذرتاً و برای تحقق این امر شرط و شروطی را نیز فرض میدارد . او قویاً

تئوری‌های ترجمه و تفاوت ترجمه مکتوب و همزمان ۹۱

برای این نکته صراحتاً در کدها گرامر مترجم بخواهد عبارتی را در ترجمه خود به متن اصلی بیفزاید آن مطلب باید با محتوای متن اصلی همسانی داشته باشد و از سویی حذف عبارت و یا مفهومی از متن اصلی نباید بر اصلیت آن خدشه وارد سازد و باعث تضعیف و رکود در اثر آن گردد (۳۹؛ ۱۷۹۷). "وود هوسلر" افزودن به متن را در بعضی موارد لازم می‌داند و معتقد است که انجام دادن آن "برقوت و قدرت متن می‌افزاید و به آن غنای بیشتری می‌دهد" (۵۱؛ ۱۷۹۷).

طبق نظراو، مترجم به مثابه یک مفسر است که به مقتضای حال و سیاق گفتار می‌تواند عباراتی را که از سربسی دقتی و بی توجهی نقل گردیده و حذف آنها به مفهوم کلی ضرر نمی‌رساند در ترجمه خود برگردان ننماید. (ص ۵۹)

"تیتلر" به تبعیت از "پوپ" و "دنها م" شیوه حذف واغافه را بیشتر در مورد شعر تجویز می‌نماید چرا که اگر این عمل انجام نپذیرد حاصل، به گفته "دنها م" ترجمه‌ای است "موده و بی روح" (caput Mortuum)

(۶۳-۶۲)

"تیتلر" به دو نوع شعر معتقد است :

الف - غزلیات

در این مورد ترجمه نظم به نثر نهنه تنها غیر عملی بلکه ناموجه است .

ب - سایر انواع شعر

در این مورد ترجمه نظم به نثر میسر است اما بهتر آن است که ترجمه از نظم به نظم رعایت گردد .

به طور کلی، می‌توان مشاهده کرد که "تیتلر" به ترجمه شعر به صورت نثر معتقد نیست و بیشتر از حالت برگردانی نظم به نظم تبعیت نموده است. او بر این عقیده است که ویژگی اصلی ترجمه شعر در "حفظ ملاحظت، شیوایی و - نظم پردازی" آن است و بر پایه این اصل چنین می‌گوید:

"تنها یک شاعر می‌تواند به ترجمه شعرا از یک زبان به زبان دیگر مبادرت

نماید" (۱۹۸-۱۹۰: ۱۷۹۷) ". بدیهی است که این نظر نو و بدیع نیست بلکه

پیشینیان نیز به این اصل معتقد بوده اند .

"تیتلر" معتقد است که یک دسته از کلمات به واژگان جهان شمول

(universal) تعلق دارد در حالی که تعداد دیگری از کلمات و عبارات

ویژه یک زبان خاص هستند و از قواعد و ویژگیهای آن زبان تبعیت می نمایند.

او معتقد است که گروه اول مشکلاتی را فراراه مترجم قرار نمی دهند و ترجمه

و انتقال آنها بین دو زبان امری ساده است در حالی که ترجمه

گروه دوم (که عمدتاً اصطلاحات و عبارات اصطلاحی را نیز شامل می شود) کار

نسبتاً "مشکلی است و در این زمینه است که مترجم باید تمایز می هم خود را مصروف

دارد (۲۳۹: ۱۷۹۷) . به عبارت دیگر مترجم وقتی می تواند به خلق یک ترجمه

خوب مبادرت نماید که "... بتواند در زبان مادری خود یا زبان مقصد

معادل های اصطلاحی برای واژگان زبان مبداء بیابد" (۲۳۴: ۱۷۹۷) .

"تیتلر" توصیه می کند، در مواردیکه پیدا کردن معادل اصطلاحی در زبان

مقصد میسر نگردد، مترجم باید با زبانی ساده و روشن به انتقال مفاهیم

بپردازد (۲۶۰: ۱۷۹۷) .

۲۰۲۰۱۰۲ قرن نوزدهم

۲۰۲۰۱۰۲۰۱ جان کبیل (۱۹۱۸ John Kebel)

کتاب " کبیل " با عنوان "ترجمه از زبانهای مرده"

(On translation from dead languages)

در سال ۱۸۱۲ منتشر شد. استدلال "کبیل" چنین بود که ترجمه انجام دادن -

عملی است در جهت اغنای حس کنجکاوی جامعه ای که در آن بعضی از افراد

به علت مشغله (و یا احیاناً "سستی و کاهلی") به یادگیری زبانهای دیگر

نمی پردازند. "کبیل" نقش مترجمان را در اشاعه فرهنگ، آداب و سنن و

اخلاقیات ستود. به گفته او مترجمان همیشه کوشیده‌اند تا :

"... از اصول مسلم حق و عدالت و داوری هم‌در

جهت مسایل اخلاقی و هم در بعد مسایل انتقادی سخن

گویند و شمره عقل و منطق یا شکوفه‌های استدلال را که

همگان از آن بی بهره‌اند ندردهند." (۱۰- ۱۸۱۲)

برای نیل و ارائه یک ترجمه خوب و قابل، "کبیل" صفات ویژه ترجمه

را برمی‌شمارد معتقد است که ترجمه باید دارای صفات زیر باشد :

الف - وفاداری مطلق به متن اصلی بدون آنکه مترجم اغوا شده و معنی

را خلاف و یا متفاوت از آنچه هست نشان دهد .

ب - با زآفرینی متن اصلی در زبان مقصد با دقت و صحت کامل .

"کبیل" میگوید : به همان دلیل که نویسنده حق ندارد در جهت پرداخت کتاب

خود حقایق را قلب نماید مترجم نیز نمیتواند بر متن اصلی پیرایه‌های

ببندد (۲۸: ۱۸۱۲) .

مترجم باید نویسنده‌ای را انتخاب کند که نه تنها سبک او را بشناسد

بلکه به آن علاقمند باشد. مترجم باید از چنان قابلیت برخوردار باشد .

که بتواند سبک نویسنده را در نوشتار خود تقلید و با زآفرینی نماید و از سویی

به موضوع و زمینه متن آشنایی داشته و احساس مولف را درک نماید .

(۲۴: ۱۸۱۲) .

۲۰۲۰۱۰۳ خلاصه روند ترجمه در قرون هیجدهم و نوزدهم میلادی

۲۰۲۰۱۰۳۰۱ قرن هیجدهم

در این قرن ، ترجمه به عنوان یک صنعت و حرفه چهره نمود و اگرچه

مترجمان در ترجمه متون نفع مادی چندانی را نصیب خود نمی ساختند

معهد بسیاری از تازه‌واردان به این حرفه روی آوردند. شخصی بنام

" پیتر ما توکس Peter Motteux " که یک پناهنده بود کتاب

"دون کیشوت" (Don Quixote) را در سال ۱۷۰۳ ترجمه مجدد نمود. او اولین مترجم آما تورویا به عبارت بهتر کارورزی بود که ترجمه‌های روان و قابل فهم ارائه نمود. معهذاً در هر کجا که مطلبی و یا بندی از متن اصلی را نمی‌دانست در حذف آن درنگ نمی‌کرد.

یکی از تصوراتی که در این قرن جا معیت یافت و مقبول نظر صاحبان قلم قرار گرفت این بود که سبک نوشتاری در قرن هیجدهم بهترین، زیبا-ترین و کامل‌ترین سبک نویسندگی است و بنا بر این اگر نویسندگان از عصر گذشته از این روند تخلف و یا تخطی نموده‌اند شایسته است که آثار آنها بازبینی مجدد شود و مطابق با اصول نوشتاری این قرن تزکیه گردد و یا به عبارتی به سبک "طبیعی و عادی" بازنویسی شود.

در طول این قرن، بازگردانی کتب و نوشتجات مورد تشویق و ترغیب قرار گرفت و اگر چه نفعی مادی بر آن مترتب نبود معهذاً با استقبال معنوی فراوانی روبرو شد. از گوشه و کنار سیل توصیه‌ها، رهنمودها و ارائه‌های جهت‌عرضه ترجمه‌های بهتر سرازیر بود (آموس ۱۳۶: ۱۹۲ Amos). برای آنکه از بحث‌های طولانی بپرهیزیم و به مطالعه کلام نپردازیم و از سویی توانسته باشیم تصویر شمایی کلی تری از روند ترجمه در قرن هیجدهم داشته باشیم حقایق و صفاتی چند را که این قرن به آن متصف است فهرست‌گونه بازگو می‌کنیم:

۱- ترجمه بدواً "روندی بحساب می‌آید که از طریق آن نیروی خلاقه نویسندگی نویسندگان بزرگ جوامع مختلف با آفرینی و برآنها تفسیرهایی ارائه می‌گردید (کلی ۱۹۷۹: ۳ Kelly).

۲- آرا مشربی دغدگی برای این قرن سایه افکند و مترجمان با فراغت بال به ترجمه آثار پرداختند. از همین رو قرن هیجدهم و بویژه دوران "پوپ" (Pope) را "عصر طلایی ترجمه" نام نهادند (آموس ۱۳۵: ۱۹۲۳ Amos).

تئوری‌های ترجمه و تفاوت ترجمه مکتوب و همزمان ۹۵

۳- هواخواهی ملی (national enthusiasm) در آثار
و نوشته‌ها جا بگزین عرق وطنی (Patriotic enthusiasm)
قرون گذشته‌ها ما ترجمه به عنوان یک هنرهنوزهم مورداستقبال و حمایت
قرار داشت (آموس ۱۳۵: ۱۹۲۰: Amos).

۴- شاعر "تنها یک مترجم شاعر می‌تواند شعری را ترجمه کند" بیش از
پیش وردزیانها قرار گرفت و بر آن تکیه شد.

۵- اغلب کتب و آثار ترجمه شده، مقدمه‌های طولانی را یکدک می‌کشیدند
که در آن‌ها رهنمودهایی در جهت ترجمه‌ها کا ملتراز آثار کلاسیک به زبان
انگلیسی منظور شده بود (آموس ۱۳۷: ۱۹۲۰: Amos).

۶- در ارتباط با متدوشیوه کلی برای ترجمه آثار، تئوری‌های عرضه
شده تا زگی چندانی نداشتند و بیشتر ملهم از نظریات و تئوری‌های ارائه
شده در قرن‌های پیشین بود و در پارهای موارد عین آن اصول تکرار و تاویل
می‌گردید.

۷- بسیاری از مترجمان، در ترجمه آثار، شیوه‌ای را انتخاب می‌کردند
که مقبولیت یا بدیایه قوی به عنوان یک شاهکار در تمام اعصار بماند.
این انگیزه به شدت رواج و قوت فراوان داشت. در مقدمه‌اش بر کتاب
"لوسیاد" (Lusiad)، مایکل اظهار داشت:

"هدف این نیست که ترجمه‌ای ارائه شود تا
معدودی را خوشایند باشد که تنها به دانستن آنچه
نویسنده گفته است رغبت دارند بلکه هدف خلق
شعری است که در ادبیات زبان انگلیسی جاودانگی
یا بد."

(آموس ۱۶۵: ۱۹۲۰: Amos)

۸- رغبت و میل به ارائه ترجمه‌های مبتنی بر شیوه "ترجمه واژه به

واژه "نقصان یافت و در عوض توجه به ترجمه" آزا دوبازآفرینی متون سلیس جا معیت و مقبولیت بیشتری پیدا کرد .

۹- کتاب تیتلر (Tytler) در باب ترجمه نشان دهنده ایمن واقعیت بود که تئوریهای ترجمه با ید مورد مذاقه بیشتری قرار گیرد ، در حد تئوری باقی نمانده و راه حل ها و تکنیکهای مناسبی را نیز جهت عرضه ترجمه های بهتر ارائه نماید .

۱۰- جورج کمپبل (۱۷۱۹-۹۶) (George Campell) در ترجمه کتاب انجیل مقدس به ارائه نوعی تئوری ترجمه مبتنی بر معادل سازی نحوی در ارتباط با ترجمه متون دینی همت نمود (کلی ۱۹۷۹:۲ Kelly)

۱۱- بحث وجدل پیرامون اینکه آیا باید ترجمه آزاد بر ترجمه لغوی و مقید برتری یا بدیابالعکس که به ابتکار "درآیدن" نضج یافته بشود همچنان ادامه یافت . بسیاری از تئوریسین های ترجمه از شیوه "درآیدن" پیروی می کردند و معتقد بودند که در ترجمه باید حد اعتدال رعایت گردد و ترجمه باید نه آنقدر لغوی و مقید و نه چندان آزاد باشد . بسیاری از مترجمان نیز از این اصل پیروی کردند (آموس ۱۹۲۰:۱۶۳ Amos) .

۲۰۲۰۱۰۳۰۲ قرن نوزدهم

در اوایل قرن نوزدهم ، شیوه تازه ای متداول گشت . بحث در این بود که تمام متن اصلی باید به زبان مبدا برگردان شود و هیچگونه حذف و اضافه ای صورت نپذیرد مگر آنکه در متن اصلی اصول اخلاقیات زیر پیغام گذاشته شده باشد ، از این جهت به " پاورقی نویسی " توصیه شد و بیشتر ترجمه ها حاوی پاورقی گردید و پاورقی های متعدد به متون ترجمه شده افزوده گردید .

ذیلاً "ویژگیهای ترجمه در این عصر فهرست گونه عرضه می گردد :

۱- سیل آثار ادبی به زبانهای مختلف جاری گردید و مترجمان شوق

تئوری‌های ترجمه و تفاوت ترجمه مکتوب و همزمان ۹۷

وافری برای ترجمه این آثار به زبان انگلیسی نشان دادند. در نتیجه، بسیاری از لغات بیگانه به زبانهای اروپایی وبه ویژه به زبان انگلیسی راه یافتند. بسیاری از مترجمان عین کلمات بیگانه را در ترجمه‌های خود بکار بردند. ترجمه کتاب "هزار و یک شب" (Arabian Nights) که در سال ۱۸۸۸ توسط ریچارد برتن (Richard Burton) ترجمه شد حاوی بسیاری از لغات عربی بود که عیناً نقل گردیده بود.

۲- نیومارک (Newmark) می‌گوید: تا اوایل قرن نوزدهم، ترجمه لغوی و واژه‌به‌واژه "نوعی تمرین درزمینه واژه‌شناسی بحساب می‌آمد که از طریق آن اصلاح گرایان فرهنگی قصد داشتند ادبیات را نجات بخشند. در قرن شانزدهم شیوه علمی تری بر روند ترجمه حاکم گردید بدین معنی که برخی معتقد شدند ترجمه بعضی از متون باید دقیقاً "بدون حذف و اضافه صورت گیرد در حالیکه ترجمه پاره‌ای از متون اصلاً "میسرنیسیت" (۱۹۸۱:۳۸).

۳- علی‌رغم قرن هیجدهم که روند ترجمه بیشتر برگردآوری اطلاعات و انتقال مفاهیم متکی بود، قرن نوزدهم شاهد خلق و ارائه تئوریهای نوین ترجمه و یا حداقل تکرار اصول مثبت‌ه پیشین بود (کلی ۱۹۷۹:۲۳۶). Kelly).
۲۰۲۰۲ ترجمه در قرن بیستم:

مترجمی بنام بنیامین جوت (Benjamin Jowett) که یکی از طلاب دانشگاه آکسفورد بود، در سال ۱۸۷۱ آثار افلاطون را به زبانی ساده و غیرمطلق ترجمه کرد که سرآغاز انقلابی در زمینه ترجمه بود. متأسفانه این اثر تا اوایل قرن بیستم مورد عنایت قرار نگرفت. در این زمان "دقت" (accuracy) به عنوان عمده‌ترین معیار ترجمه مطرح گردید و سبک آراییی محبوبیت و رونق خویش را از دست داد و در تقابل با عامل "دقت" قرار گرفت. از این جهت ترجمه "جوت" مورد توجه خاص قرار گرفت زیرا

در آن مترجم به " دقت " در ترجمه عنایت داشت و از سبک آرایبی نشانهای نبود.

قرن بیستم " عصر تکنولوژی و مهارتها " نام گرفته است. تکنولوژی در ادامه بقاء و ایجاد تسهیلات بیشتر برای بشر نقش موثری ایفا کرده و لزوم ایجاد ارتباطات بین المللی نزدیکتر و تازه تری را طلب نمود. ترجمه نه به عنوان وسیله‌ای برای خلق شاهکارهای ادبی که قرنهای متمادی مورد توجه بود بلکه به عنوان وسیله‌ای در جهت رضای حس کنجکاو و ملت‌ها به شناختن یکدیگر و ارزشهای حاکم بر جامعه یکدیگر و درک نیازهایی که ملت‌های مختلف با آن روبرو و دست‌بگیر با نند مطرح گردید و جایی رفیع در ارتباطات ملت‌ها یافت. با زار ترجمه داغتر گردید و صدها مترجم از مترجمان زبیر دست‌گرفته تا آنها که کوچکترین اطلاعاتی از تئوری ترجمه نداشته و فقط مختصرآشنایی به دوزبان داشتند سیل ترجمه‌های خوب و بد را به بار کتاب روان داشتند. اصلیت و اهلیت نویسنده مورد عنایت قرار نگرفت و آثار نویسندگان مختلف از زده‌های مختلف اجتماع به زبانهای گوناگون برگردان شد.

ترجمه تحت‌اللفظی (واژه‌به‌واژه) که زمانی به " معادل‌های زبانی "

(word - for - word equivalences) تعبیر می‌گردید جای خود را به شیوه دیگری با ایده ترجمه و خلق اثر نویسنده با توجه به محتوا و متعلقات معنایی بدون توجه به تفاوت‌های صوری و رساختی بین دوزبان مورد نظر داد. مطابقت نحوی بین دوزبان اهمیت و ویژگی خود را از دست داد. البته در این گیرودار، خلق و با ز آفرینی آثار ادبی (منظور ترجمه آثار ادبی) هرگز قطع نشد و از چیزا نتفاع خارج نگردید. در نیمه اول قرن بیستم، شاهکارهای بزرگ ادبی با مهارت و کارآیی تمام ترجمه شدند. معهذ آنچه باید مدنظر داشت این است که این دوشیوه

تئوری‌های ترجمه و تفاوت ترجمه مکتوب و همزمان ۹۹

درکنا رهم رشد یافته و همچنان نیز بقاء دارند. به عبارت دیگر حتی در زمان حاضر نیز درکنا رترجمه‌های شایسته‌ای که از نویسندگان بزرگ عرضه می‌گردد، تعدادی ترجمه‌های مبتذل از نویسندگان گمنام نیز راهی بازار ادب می‌گردد. در این قرن تئوری‌های متفاوتی از ترجمه عرضه گردیده‌اند. در بعضی از موارد بین این تئوری‌ها و تئوری‌های پیشین تفاوت‌های عمده وجود دارد در حالی که در پاره‌ای از موارد دیگر تنها تغییر در صورت و فحوی کلام مطرح است و نه تغییر بنیادی و اساسی در تئوری. در این بخش از کتاب، تئوری‌های مختلف ترجمه از ابتدای قرن تا زمان حاضر عرضه گردیده‌است. تئوری‌سین‌هایی چون "ناید" (Nida) که کتب متعددی منجمله "درآمدی به سوی علم ترجمه" (۱۹۶۴) Towards a science of translating, را نوشته است، "کت فور" (Catford) با تئوری او که در کتاب "تئوری ترجمه مبتنی بر اصول زبان‌شناسی" (۱۹۶۵) A Linguistic theory of Translation... آمده است، "براور" (Brower) که کتاب او با عنوان "در ترجمه" (On translation) در سال ۱۹۶۶ منتشر گردید و نیز "ماکان" (Machan) که تکنیک‌های ترجمه را در سال ۱۹۸۵ عرضه نموده است معرفی شده‌اند. بدیهی است مترجمان و تئوری‌سین‌های دیگری نیز وجود داشته‌اند که کم و بیش در این جهت هم‌ت‌والایی معمول داشته‌اند.

"ناید" (Nida) معتقد است که صفات "واقع‌گرایی محض" (radical realism) و "رهايي" (liberation) مترجمان از قیود و بندها و اشتغالات فقه‌اللفه حاکم بر عصرهایی پیشین "برازنده" این عصر است و باید جزء ویژگی‌های ترجمه در قرن بیستم به حساب آید (۱۹۶۴: ۲۱)

و بالاخره نباید از انقلاب زبان‌شناسی چامسکی (از ۱۹۶۵ به بعد) که



انگیزه اصلی برای ایجاد تحول در زمینه زبان و به تبع آن ترجمه بین‌زبانها بود غافل ماند. اندرهای جدید را در زمینه ترجمه و فنون آن باید مرهون این انقلاب بنیادی و تحول ساز دانست. جوش و درخشندگی این انقلاب هنوز هم الهام بخش تئوری‌های نوین ترجمه است که از سوی اهل نظر و خبرگان ارائه می‌گردد.

به منظور آنکه بتوانیم شمای کلی تری از تئوری‌های ترجمه در قرن بیستم ارائه‌نمائیم و تحولات جاری را بهتر دریایی کنیم، در این بخش به شیوه دیگری متفاوت از آنچه در بخش‌های پیشین معمول بوده توسط جسته‌ایم. حدود هشتاد تئوری که برخی تنها برگردان تئوری‌های قبل بوده‌اند مورد بررسی و مذاقه قرار گرفتند. بدیهی است در بعضی از موارد تشابه به حدی است که قایل به تفاوت نتوان بود. به جای آنکه به شیوه بخش‌های پیشین به شرح و بسط ویژگی‌های فردی و زمینه علمی مترجمان و تئوریسین‌ها بپردازیم بیشتر به روند فکری آنها در زمینه ترجمه عنایت خواهیم داد. هدف آن است که بدانیم این تئوریسین‌ها چگونه به سئوالات زیر پاسخ داده و نظر خود را به ترتیب بیان داشته‌اند. برای آنکه بتوانیم سیر تحولات تئوری ترجمه را نیز دریایی‌نمائیم، صاحبان اهل نظریه به ترتیب سال انتشار اثر معرفی گردیده‌اند و تا آنجا که در دسترس بوده است آثار و نظریات آنها مورد ارزیابی و تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. بدیهی است بعضی از خبرگان چون نایدا (Nida) و رافائل برتون (Burton) کتب و مقالات متعددی در این باب نوشته‌اند در حالیکه دیگران به صورت موزبه ابراز نظر پرداخته‌اند.

ذکر این نکته لازم است که در تجزیه و تحلیل بعضی از آثار فقط پاسخ به بعضی از سئوالات زیرین یافت شده و بنظر می‌رسد که تئوریسین‌ها به جهت خاص به بخشی از صفات ترجمه و یا مترجم عنایت داشته‌اند. به هر تقدیر، سعی بر آن

تئوری‌های ترجمه و تفاوت ترجمه مکتوب و همزمان ۱۰۱

است که پاسخ به سئوالات زیر از لابلای نوشته‌های آنها استنباط گردد.

۱- چرا ترجمه لازم است؟

۲- ترجمه خوب کدام است؟

۳- ویژگیهای یک مترجم خوب کدام است؟

۴- بهترین شیوه انجام ترجمه کدام و چگونه است؟

۲۰۲۰۲۰۱ کارل شولز (Karl Scholz, ۱۹۱۸)

کتاب "شولز"، "با عنوان "هنر ترجمه (the art of translation)

در سال ۱۹۱۸ انتشار یافت. در این کتاب تاریخچه‌ای از

تحولات ترجمه از زبان تیتلر (Tytler) تا زمان انتشار کتاب فراهم آمده

است. "شولز" معتقد است که اگر ترجمه به شیوه مطلوبی ارائه گردد

عمدتاً سه هدف اصلی بر آن مترتب است:

۱- اهداف بشردوستانه

که از آن استقرار و دوام روابط فرهنگی بین ملت‌هایی که از نظر زبانی

خصوصیت و تضاد دارند مراد است.

۲- اصالت سودمندی

منظور و هدف آن است که اقوام و ملل، با توسل به ترجمه، به دانش و علمی که

سایر ملل به آن مجهز اند دست‌یازند.

۳- قدردانی از هنر و ادب

مراد آن است که از طریق ترجمه، آگاهی بیشتری به نظریه‌های جهانی در باب

هنر حاصل آید و نگرشی عمیق‌تر بر حیات بدست آید.

طبق نظر "شولز"، ترجمه موفق ترجمه‌ای است که متن اصلی به طریقی باز

آفرینی شود که روح و جان کلام خدشه‌دار نشود و افکار نویسنده با پرده تکدر

پوشیده نگردد. آنچه‌ا از "روح و جان کلام" مراد در دسبک و ویژگیهای

زبانی و لهجه‌ای مولف است. این مسئولیت بر عهده مترجم است که

" تعادل وزن و قوافی " را به شیوه متن اصلی نگهدارد (ص ۶). هرگونه تخطی از این مقوله و فرانگری از این دایره ترجمه‌ای را بدست خواهد داد که از دقت و کمال بی بهره است .

شولز معتقد است که آشنایی کامل به دوزبان مبداء و مقصد در ترجمه حداقل توانایی است که مترجم به آن نیازمند است و هر مترجم قابل ولایق باید از این موهبت برخوردار باشد (ص ۳). مترجم باید از ذائقه هنری قبلی برخوردار باشد. علاوه بر این مترجم باید از دقت (accuracy) کافی برخوردار باشد تا بتواند توانایی درک صحیح از احساس، افکار و اعتقادات نویسنده پیدا کند و در برگردان نمودن این احساس دچار نقیصه نگردد. معهدا "شولز" مترجمان را از اینکه کاتولیک ترازا پباشند و پیش از آن نویسنده و یا شاعر پرداخت ادبی نمایند بر حذر می‌داند. به عبارت دیگر اگر چه مترجم باید بر شقوق مختلف، تنوع ادبی و فراوانی سبکهای زبانی زبان مقصد و مبداء آگاهی کافی و وافی داشته باشد معهدا نباید بیش از آنچه متن اصلی مراد داشته از تنوع ادبی بهره‌گیرد (صفحات ۳۰-۲۹).

"شولز" با نگرش بر مشکلات ترجمه زدیدگاههای مختلف و تجزیه و تحلیل هر کدام از آنها، در نهایت سه شیوه مختلف را برای ارائه ترجمه‌ها ادبی و اصطلاحی پیشنهاد می‌نماید و نظر خود را بیان می‌داند. معهدا خود به دو مقوله اول و دوم رغبتی نشان نداده و شیوه سوم را ملاک قرار می‌دهد.

الف - ترجمه لغوی

استفاده از این شیوه ترجمه مقبول نیست زیرا فقط " اندیشه " (thought) نویسنده را منتقل می‌سازد ولی فحوای کلام (spirit) را با زگو نمی‌کند .

ب - ترجمه از طریق جایگزینی عبارات و لغات مصطلح که تطابق صورت داشته باشند .

تئوری‌های ترجمه و تفاوت ترجمه مکتوب و همزمان ۱۰۳

این شیوه ترجمه را نباید مرجح دانست زیرا عباراتی که بدین نحو انتخاب می‌شوند با عبارات مشابه در زبان مبدأ هم وزنی ندارند .
ج- ترجمه از طریق یافتن اصطلاحات (idioms) در زبان مقصد که با اصطلاحات معادل در زبان مبدأ برای همطرازی معنایی داشته باشند .
این شیوه بهترین و کارآمدترین متد ترجمه است .

در ارتباط با ترجمه آثار آثاری که به سبک‌های لهجه‌ای آراسته‌اند، "شولز" پیشنهاد می‌کند که مترجم در استفاده از لهجه خاص تداوم و ثبات قدم داشته باشد و در ترجمه اثر سبک‌های مختلف اختیار نکند و از سبک محاوره به سبک معمول و یا بالعکس تغییر روش ندهد . (ص ۳۹) .

"شولز"، به نقش نقطه گذاری در انتقال مفاهیم اهمیت ویژه می‌دهد و معتقد است که هر کدام از این علائم نشان از حکمتی دارد که مترجم نباید از آنها غفلت ورزد . مترجم باید به شیوه پرداخت بکارگیری این علائم عنایت ویژه نماید . (ص ۴۳) .

به نظر "شولز" " اگر عبارات و کلمات بیگانه (منظور کلماتی که ترجمه واژگانی معادل در زبان مقصد ندارند) بروضعیت خاص فرهنگی یک جامعه و یا یک فرد دلالت داشته و یا بدان منظور بکار رفته باشند که به ملت‌های گوناگون اشاره نمایند یا از آن جهت بکار گرفته شده‌اند که حالتی را بنمایانند، باید به صورت اصلی خود حفظ شوند بدون آنکه ترجمه واژگانی شوند . (ص ۴۸) .

در مواردی که متن اصلی به عبارات قومی (folkloric expressions) آراسته‌اند بهترین شیوه ترجمه آن است که مترجم بدون تفسیر پردازی به ترجمه دقیق آن عبارات همت‌گما رد و از حاشیه روی و تاویل پردازی بپرهیزد . در غیر این صورت ترجمه حاصل آمده مفهوم و معنای اصلی خود را از دست داده و به صورت تصنعی چهره می‌نماید .

۲۰۲۰۲۰۲ چـ اس فیلیمور (J.S. Phillimore , ۱۹۱۹)

"فیلیمور" معتقد است که ترجمه سمبل بقاء و تداوم سنت های بشری است. مترجمان بزرگ مرکز ثقل و محور تاریخ ادبیات یک کشور اند (ص ۴).
 به نظرا و، ترجمه یک نیا زوما یه و نقطهء عطف تحولات یک زبان نوپاست (ص ۴). علی الظاهر، "فیلیمور" بین زبانهای برتروزبانهای دنی تر تما یز قایل می شود. احتمالاً آنچه و از آن به عنوان یک "زبان نوپا" یاد می کند همین وجه را نشان می دهد. به عنوان مثال، نامبرده، در بررسی و ارزشیابی ترجمهء رباعیات عمر خیام توسط فتینر جرالدا ظاهرا می دارد؛ منتقدان ادبی برای این عقیده اند که ترجمهء رباعیات از خود اصل آن معتبرتر و از طرفتی بیشتر برخوردار است. "فیلیمور" معتقد است که علت را با دیدن در "نیو غذاتی مترجم و یا فنا و و لایی و برتری وسیله ای که در اختیار داشته (منظور زبان مقصد است) دانست" (ص ۸). علاوه بر این او معتقد است که "... یک زبان پست تر (inferior) اجباراً باید از طریق ترجمه به و ام گیری و از هاتن در هدتاراه تحول را بیما ید" (ص ۸).

فیلیمور نظر بعضی از تئوریسین ها را که قایل به باز آفرینی یک ترجمه در حد اعتبار اصل است رد می کند و معتقد است که در انجام این امر باید به تقریب در برابری قناعت کرد و گرنه همسانی و همقدری متن و ترجمه آن حاصل نمی گردد. بنظرا و ترجمهء خوب تنها وقتی حاصل می آید که تشابهات بین دو زبان شناخته شده و معادل های دقیق و متین از زبان مقصد استخراج و جای گزین عبارات در زبان مبداء گردد (ص ۱۱۱). برای نیل به این هدف و مقصود، دستیابی به یک ترجمهء دقیق و با اعتبار و زبان مبداء و مقصد" باید، از نظر قدرت بیان و شیوایی کلام همطراز باشند" (ص ۴).

مترجم باید بکوشد تا جوهر، احساس و زیرویمی معنایی و نیز سبک بکار رفته در متن اصلی را بازشناسد و در متن ترجمه خود بکاربرد، اگر این امر

تئوری‌های ترجمه و تفاوت ترجمه مکتوب و همزمان ۱۰۵

حاصل نیاید، ترجمه بدست آمده از اعتبار چندانی برخوردار نیست. مع هذا آنچه باید در نظر داشت این است که اصلیت اثر نویسنده نباید خدشه دار گردد.

جان پوستگیت (John Postgate ۱۹۲۲)

"پوستگیت" برای رشد و تکامل زبانها فواصل قابل تفکیکی را فرض می‌دارد و معتقد است که زبان در مراحل تکامل خود از مقاطع مختلفی عبور می‌کند. در برخی از این مقاطع، زبان ادبی یک ملت ممکن است آزامادگی بیشتری برای ترجمه برخوردار باشد. از طرفی اویه این اصل معتقد است که زبانها نیازمند به آن هستند که با فرهنگ زبانهای دیگر آشنا شوند و از غنای آنها سودجویند (ص ۵۳). فرهنگ و زبان یک ملت فی نفسه به تفحص در عقاید و مفاهیم جدید راغب است و این امر تنها از طریق ترجمه بین دو زبان میسر است. ترجمه "می‌تواند چون مرکبی را هوار تحقق این هدف و رفع این نیاز با لفظه را میسر نماید.

"پوستگیت" سه مقوله زیر را قابل تفکیک می‌داند:

۱- ترجمه (translation)

(یعنی انتقال مفاهیم از یک وسیله ارتباطی به وسیله‌ای دیگر)

۲- برگردان (version)

(یا به عبارتی تغییر و ارائه ترجمه عبارتی (metaphrasing))

۳- تاویل (Paraphrasing)

(برگردان نمودن یک نثر قدیمی به نثری جدیدتر)

بنظر او دو عامل مهم در ارزشیابی ترجمه مدخلیت دارد:

الف- وفاداری به متن اصلی که در حقیقت مهم‌ترین محک به شمار

می‌آید.

ب- درجه شیوایی قلم مترجم و نحوه معرفی نویسنده

مترجم نباید تصویر غلط از نویسنده ترسیم دارد.

"پوست گیت" ترجمه را به سه نوع عمده تقسیم بندی می‌کند:

۱- ترجمه لغوی

در این نوع ترجمه ".... نزدیکترین و قابل فهم ترین عبارات، -

معادل عبارتهای متن اصلی - از زبان مقصد استخراج شده و بکار می رود

۲- ترجمه مبدا - گرا (retrospective)

در این نوع ترجمه ویژگیهای نویسنده و اشرا و مضمون نظر قرار گرفته

و مترجم در با آفرینی اثر زبان مبدا را مدنظر دارد.

۳- ترجمه مقصد - گرا (prospective)

در این نوع ترجمه، مترجم عمدتاً " به شناخت خوانندگان اثر ترجمه

شده می اندیشد و بر مبنای ارزشهایی که آنها به آن قایل اند به باز

آفرینی اثر مشغول می‌شود.

علاوه بر معیارهای مندرج در بندهای الف و ب بالا، " پوست گیت " معتقد

است که در ارزشیابی ترجمه‌های انجام یافته و تشخیص صلاحیت و کارایی آنها

منتقدان نباید از عوامل زیر نیز غافل بمانند:

۱- میزان درک و آگاهی مترجم از نحوه بهره‌گیری نویسنده از کلمات

با معانی مجازی و یا متداول آنها.

۲- میزان توانایی مترجم در پیدا کردن معادل های مناسب که بتواند

جا یگزین عبارات و کلمات و نیز اصطلاحات زبان مبدا شود.

۳- میزان دقت مترجم در پیدا کردن سبک مناسب و نحوه پردازش و

پیرایش کلمات و عبارات در سطح جمله و متن (ص ۲۰)

بطور کلی، از فحوی کلام " پوست گیت " چنین میتوان استنباط کرد که

حاصل ترجمه باید برگردانی باشد بر خوردار از اصطلاحات سرشار و گویا در زبان

مقدمه نحوی که خوانندگان و کسانی که به زبان مقصد سخن می‌گویند متن

تئوری‌های ترجمه و تفاوت ترجمه مکتوب و همزمان ۱۰۷

ارائه شده را متعلق به زبان خود احساس کنند و آن بوی تفاوت و تغایر به مشام نرسد (ص ۳۳). " پوست گیت " برای این عقیده است که "... ترجمه باید به طریقی تدارک و عرضه گردد که حاصل متنی روان و قابل برابری با متن اصلی باشد " (ص ۷).
پوست گیت مترجمان را به دودسته تقسیم می‌کند :

۱- مترجم نویسنده گرا (receptive)

نقش مترجم نویسنده گرا در ارتباط با متن اصلی نقش غیرفعال و پذیرا است بدین معنی که هدف مترجم آن است که اثر ترجمه نموده و در خلق این اثر همواره به طیب و رضایت خاطر نویسنده می‌اندیشد و رضایت او را می‌طلبد.

۲- مترجم خواننده گرا (adaptative)

مترجم خواننده گرا در جهت ارضاء ذائقه خوانندگان خود، تغییراتی را در متن اصلی سبب می‌شود به طوریکه مطلوب طبع خوانندگان قرار گیرد. معیادار این تغییر و تحول، مفهوم و یا قصد نویسنده مخدوش نمی‌شود. در هر کدام از موارد فوق، شرط اولیه، آشنایی کامل مترجم به زبان‌های مبدا و مقصد است (ص ۲۰)، معیاد پوست گیت توصیه می‌کند که مترجمان مگردموردی که ترجمه توسط یک شخص دوزبان (bilingual) انجام می‌گیرد، به صورت یکطرفه یا به عبارتی از زبان بیگانه به زبان مادری به ترجمه بپردازند. اگر زبان انگلیسی و فارسی را شاهد آوریم، طبق نظر، " پوست گیت " بهتر آن است که مترجم فارسی زبان از زبان انگلیسی به زبان فارسی ترجمه کند و ترجمه از فارسی به زبان انگلیسی را برعهده و مسئولیت مترجم انگلیسی زبانی بگذارد که با زبان و

ادبیات فارسی آشنایی دارد (ص ۲۲).

"پوست گیت" ، توصیه می‌کند که ترجمه و برگردانی متون در حد امکان به صورت مقابله اصطلاحی انجام پذیرد (ص ۳۳). بنظر او هم نویسنده و هم مترجم از حقوق مساوی برخوردارند و مترجم مجبور نیست روش و شیوه نویسنده را تقلید نماید. مترجم باید از این آزادی برخوردار باشد که در مواردی را ساء قضاوت نموده و به نحو شایسته عمل نماید (صفحه‌های ۳۳-۳۴). مترجم می‌تواند بنا به تشخیص خود سبک‌های مناسب انتخاب نماید، در ترجمه معادل‌های زیبنده‌ای که بهتر بتوانند با اصل مطابقت یا بنیاد اختیار نماید (ص ۳۶). بدیهی است مترجم نباید از این مقوله غافل باشد که صور مختلف کلمات در هر زبان بمقتضای متنی که در آن بکار رفته با معنایی متفاوتی دارند و مترجم باید توانایی تمیز آنها را داشته باشد. برای مثال، پوست گیت به کلمه "ass" در انگلیسی و (asinus) در لاتین اشاره می‌کند. کلمه "ass" در انگلیسی بمعنای مجازی "ابله، کودن، احمق" آمده است در حالی که معادل آن "asinus" در زبان لاتین به معنای "ستی" بکار رفته است (ص ۴۴).

قرابت‌های کاذب (false cognates) یا به عبارتی کلمات متحدالشکل از دوزبان که معنایی متفاوت و یا مخالف یکدیگر داشته باشند بزرگترین خطرا را راه مترجم قرار می‌دهند. مترجم باید در تفسیر و تبیین آنها کمال احتیاط را معمول دارد.

در ارتباط با تکنیک‌هایی که مترجم باید در ترجمه آثار شعرا بکار گیرد، پوست گیت روش مبتنی بر ظرافت (crisp) و اختصار (brief) را توصیه می‌نماید. به عبارت دیگر او معتقد است که مترجم باید بر حسب ضرورت به حذف و اضافه و تنوع در سبک‌تن در ده‌دات ترجمه به دست آمده از شیوایی، فماحت و مقبولیت برخوردار گردد.

تئوری‌های ترجمه و تفاوت ترجمه مکتوب و همزمان ۱۰۹

۲۰۲۰۲۰۴ هارلی گرنویل - بیکر (۱۹۲۴ Harley Granville-Baker) نوشته‌ا و با عنوان " چگونه ترجمه‌نمایشنامه‌ها ، " در سال ۱۹۲۴- انتشار یافت . در این اثر، گرنویل - بیکر " بدون اینکه ذکر آویزگیهای مترجم بنمایند بحث و بررسی نحوه ترجمه اشعار می‌پردازد زنده‌نظر و کمال در ترجمه هرگز بدست نمی‌آید و تصور آن نیز دور از ذهن است . به نظر او آنچه از یک ترجمه خوب باید مراد باشد با زآفرینی مناسب و قابل قبولی از متن اصلی است (ص ۴۱) . در ترجمه شعر نباید شیوه ترجمه " واژه به واژه " - توسل جست زیرا " نوعی هتک حرمت نویسنده " محسوب می‌شود (ص ۱۹) . هر کدام از کلماتی که در یک قطعه شعر یکا رمی رود حاوی معانی خاصی هستند که از صور ظاهری آنها مستفاد نمی‌شود و مترجم باید به کنه مطلب و روابط معنایی مصرع‌ها پی برده و در ترجمه خود آن را به شیوه‌ای مطلوبیتظا هربخشد . همه جنبه‌های احساسی و عاطفی و با معنایی مترتب بر کلمات و واژه‌ها باید دقیقاً " نقل گردند تا خواننده شعر به زبان مقصد به احساسی یکسان دست یابد . بطور اجمال ، مترجم باید از حد معانی ظاهری و قراردادی بگذرد و معانی واقعی کلمات را در یک چارچوب وسیع ترجمه‌نمایند .

۲۰۲۰۲۰۵ هیلیر بلاک (۱۹۳۱ Hillaire Belloc)

در کتاب خود با عنوان "ترجمه" (translation) ، " بلاک " میکوشد ترجمه را جزئی از شاخه هنر به حساب آورد که متاسفانه مورد محبت و اکرام شایسته قرار نگرفته است . این بی توجهی باعث گردیده تا ترجمه از اهمیت خاص خود برخوردار نبوده و آثار ترجمه شده قدر و منزلت واقعی خود را نیابند . آنچه تا کنون مورد بی مهری قرار گرفته ارزش واقعی ترجمه بوده است (ص ۳) . بلاک معتقد است ، دردنیایی که مشکلات و معضلات نظامی ، فرهنگی و اقتصادی همکار بی بین ملت‌ها را می‌طلبند ، ترجمه از جایگاه‌های

رفیع برخوردار است و باید به عنوان وسیله‌ای مطمئن در رفع معضلات مورد عنایت بیشتری قرار گیرد (ص ۵). میل به کشف حقایق و دستیابی به پدیده‌های ناپیدا از ویژگی‌های ملت‌ها و فرهنگ‌های مختلف است و به طول و عرض جغرافیایی و محدوده‌های ارضی خاصی ختم نمی‌شود. همه ملت‌ها در جهت کسب دانش می‌کوشند و هر آن‌گاه که این اطلاعات پراکنده گرد هم آیند مجموعه‌ای عظیم از آگاهی و دانش پدید می‌آید که نهایتاً به کشف رموز بیشتر خواهد انجامید. راه‌ها و مرکب مطمئن در تحقق این امر ترجمه است (ص ۹). بنا بر این به این امر مهم و حیاتی باید عنایت بیشتری مبذول گردد چه در غیر این صورت پیامدهای متعاقب آن به ایجا در نزو بین ملت‌ها و فرهنگ‌ها خواهد انجامید و اگر این امر پدید آید، به نوعی خودکشی فرهنگی قابل تفسیر است (ص ۴۴).

در مقام رعایت اختصار، نظریات "بلاک" در ارتباط با ترجمه به شرح زیر خلاصه می‌شود. بلاک معتقد است که ترجمه دو هدف اساسی داخلی را دنبال می‌کند که هر چند مجزا از یکدیگر هستند معیاری به نحوی در ارتباط اند.

الف - نقش تعلیمی

ترجمه نقش انتقال دهنده مفاهیم و داده‌ها را از یک زبان به زبان دیگری می‌یابد. مثال و شاهد روشنی از آن کتب درسی می‌باشد که در مدارس و دانشگاه‌ها مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرد.

ب - ناقل ادب و فرهنگ

ترجمه از یک زبان، به زبان دیگر انجام می‌پذیرد و هدف آن است که موازین ادبی بین زبان‌ها به یکدیگر انتقال یابند. از آنجمله می‌توان ترجمه داستانها، مجموعه اشعار و رمان‌ها را ذکر کرد (ص ۹-۱۰).

به نظر "بلاک"، ترجمه خوب نوعی از ترجمه است که بتوان آن را با اصل هم‌تراز یافت و بر آن ارزشی مساوی قایل بود (ص ۲۲). تفسیر و تعبیری که

تئوری‌های ترجمه و تفاوت ترجمه مکتوب و همزمان ۱۱۱

"بلاک" از ترجمه خوب دارد آن است که افکار اصیل و متعالی از طریق ترجمه در زبان مقصد با زآفرینی شود و متن آفریده شده خالی از هرگونه ابهام باشد. گفته "بلاک" در این مورد چنین است:

"ترجمه خوب باید تجلی بخش روح و اصلت متن اصلی باشد هرچند که کلمات و عبارات در ظاهرا مر با اسلوب و شیوه بکارگیری عبارات در متن اصلی متفاوت باشند. مترجم باید از نبوغی سرشار برخوردار باشد و بتواند به خلق هنری شایسته بپردازد."

(۱۹۲۴: ۱۵۳)

مترجم باید علاوه بر اینکه به دوزبان مورد نظر تسلط کافی دارد، بر این واقعیت نیز واقف داشته باشد که کلمات و عباراتی که در زبانهای متفاوت معادل یابی میشوند از قدرت معنایی یکسانی برخوردار نیستند و تعدد معنایی یک زبان دلیلی بر وجود تعدد معنایی مشابه در زبان دیگر نیست (ص ۱۶-۱۵). شاید ذکر مثالی از زبان فارسی و معادل‌های آن در زبان انگلیسی خالی از لطف نباشد. کلمه فارسی "خاک" میتواند معادل کلمات "land", "soil", "earth" و غیره در انگلیسی قرار گیرد. بنا بر این، به توصیه "بلاک" درک معنایی کلمات خارج از متن و به صورت انتزاعی میسر نیست و باید در چارچوب روابط نحوی و معنایی حاکم بر متن تفسیر و تعبیر یابد.

علاوه بر این مترجم باید:

"... به زبان کنایه و استعاره نیز آشنا باشد،

طیف ترکیبات زبانی را بداند و به نحوه در-

آمیختن اصطلاحات و مفاهیم گوناگون واقف

داشته با شدتا بتواند هما نندیک پل نقل و
انتقال مفاهیم بین دوزبان رامیسر نماید. (ص ۴)

مترجم باید در زبان مادری وی از زبان مبداء نویسنده ای قابل
و به تمام مشخصه ها و شیوه های نگارش آن زبان آشنا باشد. حاصل کار مترجم
با بدچنین باشد که اگر خواننده ای آشنا به زبان اصلی متن ترجمه را بخواند
بر آن اثر ارزش گذارد و آنرا نه به عنوان یک ترجمه بلکه به عنوان یک اثر
هنری نگاشته شده در زبان اصلی ارج گذارد (ص ۴-۵).

"بلاک"، معتقد است که بین تکنیک ها و شیوه های بی که لازمه ترجمه نثر و
نظم می باشد تفاوت وجود دارد. معهذا، در هر دو مورد، او بر این عقیده است
که:

۱- حفظ وزن متن ترجمه شده در تقابل با وزن معادل آن در متن اصلی
میسرنیست. بنا بر این به لحاظ لزوم شرح و بسط های جانبی، متن ترجمه
شده همواره مطول تر از متن اصلی است (ص ۲۳).

۲- ترجمه بخش به بخش و یا غزل به غزل (در شعر) غیر ممکن و غیر
مطلوب است. آنچه مهم است این است که مترجم جوهر و چکیده معنایی متن
و یا غزل را به زبان مقصد برگردان نماید (ص ۲۴-۲۵).

۳- در نوشتن متن و ارائه ترجمه خود، خود را همانند نویسنده از قید و
بند محدودیت های مکانیکی و خشک و بی روح برها نندود دست خود را باز دارد.
(ص ۲۵).

"بلاک"، پیشنهاد می کند که در ترجمه آثاری که به نثر تحریر یافته
اندگامهای زیرین برداشته شود:

۱- مترجم قبل از اینکه به ترجمه بپردازد باید تصویری کلی از کتاب
و یا متن مورد نظر ترسیم دارد.

تئوری‌های ترجمه و تفاوت ترجمه مکتوب و همزمان ۱۱۳

۲- برای اصطلاحات موجود در متن زبان اصلی (مبداء) معادل‌های مناسب در زبان مقصد در نظر گرفته شود.

۳- در ترجمه عبارات، به جای استفاده از کلمات بیگانه، با یک‌داز معادل‌هایی که از نظر قصد و معنا هم‌تراز باشند استفاده گردد.

۴- مترجم باید "قرابت‌های کلامی" (cognates) یعنی کلمات دوزبان مورد نظر با صورت‌ها و معانی یکسان را از قرابت‌های کاذب (false cognates) یعنی کلمات دوزبان مورد نظر با صورت‌های یکسان ولی معانی متضاد یا متفاوت بازشناسد.

۵- مترجم باید در چنگ پیچیدگی‌ها و مشکلات کلامی نیفتد و در جهت احترام از این ورطه به ترجمه معنایی مبادرت ورزد.

۶- مترجم باید از افزودن به متن مگر در مواردی که نویسنده به صورت ضمنی به مفهومی اشاره داشته و تقریر ضمنی آن به زبان مقصد میسر نیست پرهیز نماید. (ص ۳۷-۲۶).

درازاژه یک ترجمه مناسب از یک شعر، "بلاک" پیگیری گام‌های زیر را پیشنهاد می‌نماید:

۱- "اشعار و نوشته‌های بدیع بر ذهن انسان تاثیر عمیق می‌گذارند." مترجم باید بدو "این تاثیر را شناخته و به نحو شایسته به انتقال آن همت گمارد (ص ۳۷).

۲- الزامی نیست که مترجم شعر را به شعر برگردان نماید. ترجمه شعر به نثر امری عادی و طبیعی به نظر می‌رسد.

۳- مترجم نباید وقت خویش را در ترجمه کلماتی که ترجمه‌ناپذیر (untranslatable) هستند به هدر دهد. این قبیل کلمات و عبارات باید ترجمه نشده‌ها گردند (ص ۳۷-۴۰).

۲۰۲۰۲۰۶ گرام ریچی (Graeme Ritchie ۱۹۴۱)

"ریچی"، ارائه طریق خاصی برای ترجمه پیشنهاد نمی‌کند. در نظر او ترجمه نمی‌تواند به هر چیزی اطلاق شود، از ارائه یک تاویل نارسا تا ترجمه یک متن با در نظر گرفتن تمامی ابعاد آن. او معتقد است که تنوع در شیوه‌ها و سبک‌های نوشتاری، استفاده از تکنیک‌های متنوعی را می‌طلبد و بنا بر این انطباق یک تئوری خاص که در بر گیرنده همه این تکنیک‌ها باشد امری نامطلوب و غیرممکن است. هرمتنی با یدبه دقت مورد بررسی قرار گیرد و به فراخور ویژگیهای خاص آن متن شیوه‌های مناسبی اختیار گردد. به نظر "ریچی"، مترجم باید:

- ۱- معنی واقعی هر کلمه و یا عبارت را آن گونه که در متن و در چارچوب روابط معنایی حاکم بر آن بکار رفته است درک نماید.
- ۲- در انتخاب و بکارگیری واژه‌های معادل سعی نماید نزدیکترین واژه را بیابد.
- ۳- عبارات و کلمات معادل را در زبان مقصد طوری تلفیق نماید که متن با زآفرینی شده در تشابه با متن اصلی از برابری بهتری برخوردار باشد. هرچند که ارائه یک متن ترجمه شده کاملاً برابر با متن اصلی میسر نیست انتخاب یک سبک مناسب نیز باید مطمئن نظر قرار گیرد.
- ۴- با مشکلات ترجمه برخورد منطقی و واقع‌گرایانه داشته باشد و به راه‌های مناسب و درخور دست یا بدتای متن حاصل بتواند مقبولیت یابد.

۲۰۲۰۲۰۷ هربرت گریمستیج (Herbert Grimsditch, ۱۹۳۳)

گریمستیج، در کتاب خود با عنوان "دام‌هایی در زبان محاوره‌ای فرانسه" (pitfalls in everyday French) به مشکل "قرابت‌های کاذب" (false cognates) (صورت‌های برابر با معانی

تئوری‌های ترجمه و تفاوت ترجمه مکتوب و همزمان ۱۱۵

متضادیا متفاوت (می پردازد و آنرا یکی از مشکلات کار مترجم می‌داند ، اگر مترجم برای این مشکل صرافت نیافته و به موقع به رفع آن همت ننماید ، متن ترجمه شده زکارتایی و وضوح لازم برخوردار نبوده و عنداللزوم ابهامات و تناقضات (Paradox) فراوانی را دربرخواهد داشت . برای مثال کلمه "intimate" (صمیمی) در انگلیسی و مشابه آن "intime" (محرمانه) در فرانسه را می‌توان یکی از عدا داهای ترجمه دانست . کسانی که در ترجمه مبتدی محسوب می‌شوند اغلب در این پیچ و خم ها گرفتار می‌آیند و ترجمه‌های مضحکی ارائه می نمایند . (۱) اگرچه مثالهایی که " گریمستیج " ارائه می نماید مربوط به دوزبان انگلیسی و فرانسه است مع هذا تعمیم آن در زبانهای دیگر نیز که به نحوی با یکدیگر قرابت دارند دورا ذهن نیست (برای مثال بین زبان عربی و زبان فارسی هرچند ازدو شاخه متفاوت زبانی هستند این امر صدق می یابد . مترجم ممکن است به دو کلمه " کاملا " یکسان در زبان عربی و زبان فارسی برخورد نماید که معانی کاملا " متفاوتی دارند .

" گریمستیج " مثالهای فراوانی از دوزبان انگلیسی و فرانسه نقل

می‌کند که نمونه‌هایی از آن به شرح زیر است :

<u>English</u>	<u>E-meaning</u>	<u>French</u>	<u>F-meaning</u>
cordial	مودت آمیز	cordial	دوستانه
loyal	وفادار	loyal	رک
ignored	غفلت شده	ignoraint	آنها نمی دانستند
eventually	دیریا زود	eventuallament	غیرممکن
library	کتابخانه	librairies	کتابفروشی

۱- نمونه‌هایی از این قبیل تله‌ها را میتوان در مقاله نیرهء توکلی یافت .

"گرمسویج" "قرابت‌های کاذب" (گرمسویج از عبارت "کلمات دوقلو" (twin words) استفاده نموده است) را در انگلیسی و فرانسه به سه نوع تقسیم می‌کند:

۱- آن دسته از کلمات که مستقیماً "از فرانسه به انگلیسی وارد شده و جای خود را در آن زبان با زیافته است.

۲- آن دسته از کلماتی که هر دو زبان از زبان لاتین به‌عاریست گرفته‌اند. برای مثال:

	English	<u>معنی</u>
"Concurrence"		قرار داد
	French	رقابت

۳- آن دسته از کلمات فرانسه که مستقیماً "از لاتین گرفته شده و کلماتی مشابه آنها که از زبان‌های ژرمن به زبان انگلیسی وارد شده و از نقطه نظر واژه‌شناسی هیچگونه قرابتی ندارند و تنها به آنها حسب تصادف است. برای مثال

	English	میگساری
"Carousal"		
	French	مسابقات ورزشی

"گرمسویج" مترجمان را از افتادن به این دام‌ها بر حذر می‌دارد.

(E.S. Bates ۱۹۴۳ ۲۰۲۰۲۰۸ ای - اس بیتس)

کتاب جالب "بیتس" با عنوان "ترددپذیری: بررسی در ترجمه" در سال ۱۹۳۴ منتشر گردید.

"بیتس" با "دانیل ساموئیل" (Samuel, Daniel) در این عقیده هم‌صدامی‌شود که تردد بین افکار و ایده‌های ملل مختلف لازم است

تئوری‌های ترجمه و تفاوت ترجمه مکتوب و همزمان ۱۱۷

واگر ترجمه رایج نگردد، رکود فکری و اندیشه و ایستایی در ارتباطات اجتماعی بین ملت‌ها اجتناب‌ناپذیر خواهد بود. احساسات و عواطف انسانی ممکن است ذاتی و قریحه‌ای و تغییرناپذیر باشند اما اندیشه‌ها و تکنیک‌ها که لازمه برآورده ساختن نیازهای احساسی و عاطفی انسانهاست تغییرپذیر اند و می‌توانند و باید مورد تجدید نظر قرار گیرند. اگر این تغییر و تبدیل از قوانین جهان شمول بوده و عمومیت داشته باشند برای ترجمه از یک زبان به زبان دیگر امری است که باید تحقق پذیرد و وسعت فراینده یا بد (ص ۷). بنا بر این، به نظر "بیتس"، ترجمه یک پدیده بین‌المللی است و به قول وی "... مشخصه و ویژگی ترجمه، خواه در ارتباط با تکنیک‌ها و چه در ارتباط با اندیشه‌ها، بنظر من امری است جهان شمول" (ص ۹). به نظر او، هدف اصلی ترجمه با یکدیگرش دوستی‌ها و صمیمیت‌ها بین ملل مختلف باشد و نه اینها "به پیدایش دنیای بهتری بیانجامد".

وظیفه مترجم تنها این نیست که یک جمله را از یک زبان بجای جمله‌اشا به زبان دیگر قرار دهد بلکه مترجم باید بر وجود تناقضات و تفاوت‌ها و قوف یا بد و ضمن رفع معضلات و نارسایی‌هایی که در زبان خود با آنها روبرو است ویژگی‌های زبان مقصد را نیز مدنظر داشته و شیوه مطلوب را در برگردان نمودن از زبان مبدا به زبان مقصد بیاورد (ص ۸-۷).

(Bayard Quincy Morgan, ۱۹۵۶)

"مورگان" در مقاله خود با عنوان "ترجمه پاندهای مونث (on trans-lating feminine rhymes) به بحث پیرامون این مسأله می‌پردازد که، در ترجمه شعر، نوع دامهایی که بر سر راه مترجم قرار دارد و نوعی مشکلاتی که وی با آن روبرو است در زبان‌های مختلف متفاوت است و مترجمان نباید از آنچه ممکن است ترجمه را به مخاطره انداخته و در آن تاثیر سوء

نماید غافل بمانند. طبق نظرمورگان "...انواع ادبی و بحور شعری که در هر زبان وجود دارد ویژه آن زبان است که در ارتباط با مواد و روابط کلامی آن زبان مشخص می‌شود" (ص ۱۶۳)، خواه آن عبارات و کلمات "تک‌هجایی" (monosyllabic) باشند (مثل زبان انگلیسی) یا "دو-هجایی" (disyllabic) همانند زبانهای اروپایی. مورگان معتقد است این تفاوت بزرگترین مانع را بر سر راه مترجمانی که قصد به ترجمه از زبانهای اروپایی به انگلیسی دارند قرار داده است، بدین معنی که مثلاً "بسیاری از صفات، اسم‌ها و افعال زبان آلمانی دوهجایی هستند در حالی که معادل‌های آنها در زبان انگلیسی غالباً تک‌هجایی هستند." مثال‌های زیر مبین این نظریه است:

<u>German</u>	<u>English</u>	
sing-en	sing	آواز خواندن
wind-e	wind	باد
die <u>weis-se</u> hand	the <u>white</u> hand	دست سفید

مورگان معتقد است که :

"...ترجمه معمولاً برای آن دسته از افرادی مناسب است که زبان اصلی را نمی‌دانند و نمی‌توانند نوشته‌های آنرا بخوانند. اما بهترین مترجمان کسانی هستند که در حین ترجمه افرادی را مدنظر دارند که بر هر دو زبان تسلط کافی دارند و می‌توانند با مقایسه و بررسی متن اصلی و متن ترجمه شده زیبایی، اهمیت و اصالت کار مترجم را مورد ارزیابی قرار دهند." (ص ۱۶۹).

(Justus Rosenberg) ژوستیس روزنبرگ

"روزنبرگ" در خلال نوشته‌هایش به صورت ضمنی به تئوری ترجمه خود اشاره می‌کند هر چند منظور و هدف او با زشناختن عوامل پایداری است که بر ترجمه موثر می‌افتند، قصداً آن است که نظر "رومانتیسیم" را در باب ترجمه عرضه دارد.

"روزنبرگ" معتقد است که ترجمه به معنایی که امروز آن مراد می‌شود و شامل درهم آمیزی صورت‌های زبانی، زبان بطور کلی و معانی مترتب بر آنهاست تصویری واهی بیش نیست زیرا حاصل این امتزاج و درهم آمیزی، حتی اگر با دقت کافی نیز انجام پذیرد، چیزی بیش از شرح رویدادها توسط مترجم نیست (ص ۱۸۶).

آنچه باعث غنای ترجمه و روانی آن می‌شود طبقه‌بندی کردن صورت‌ها و معانی وابسته به آنها نیست بلکه "... اثتلاف و ترکیب (integration) عوامل بجای فروریختگی (disintegration) و پاشیدگی آنهاست" (ص ۱۹۰).

"روزنبرگ" روند پیدایش درک یک مقوله را با زمان خلق آن به چهار بخش تقسیم می‌کند:

۱- آگاهی از وجود پدیده‌ها و شناختن اشیاء در نفس خود

این ساده‌ترین نوع آگاهی است و به مترجم این توانایی را می‌بخشد که کلمات (nomina) یک زبان را در زبان دیگر معادل سازی نماید بدون آنکه به معنی خدش‌های وارد شود. این مرحله بر "مکانیسم فیزیکی انسانها" متکی است (ص ۱۷۲). به عبارت دیگر اسامی و ارتباطات معنایی مترتب بر آنها قبل از آنکه مترجم به شناخت آنها بپردازد وجود و عینیت دارند.

۲- پدیده‌هایی که وجودشان زمینه لازم را فراهم می‌آورد تا انسان بتواند

بر مبنای آن به ارائه تفسیر و تعبیر بپردازد.

زبانهای مختلف الزاما " از قوا عدوقا نین فرهنگی یکسانی تبعیت نمی‌کنند. و از طرفی در ارزشیابی پدیده‌ها از خط و ربط واحد پیروی نمی‌نمایند. نگرشهای تحقیری (Pejorative) و نگرشهای اصلاحی (ameliorative) در ارتباط کلامی زبانهای مختلف متفاوت است و برخورداری از این ویژگی‌ها متفاوت وجه مشخصه یک زبان در تقابل با زبانهای دیگر است.

"روزنبرگ" با مطرح ساختن یک سوال اساسی، ارزش بسیاری از ترجمه‌های انجام یافته را به زیر سؤال می‌برد و آنها را ناموفقی داند. اومی‌گوید:

"... اغلب گفته می‌شود که نمایشنا مهای آشیلوس، گوته، مولیر، چخوف و غیره ترجمه شده‌اند. نسخ آنها در کتابخانه‌ها موجود است و خواندن آنها تا حدی خوانندگان نا آشنا به زبان بیگانه را لذت می‌بخشد. اما سوال این است که چه مقدار از این نوشته‌ها دقیقا "ترجمه و بازآفرینی شده و چه مقدار از آنها در حد تقریب است؟" (ص ۷۵-۱۷۴)

۳- پدیده‌هایی کمی‌توانند در قلمرو نفوذ و اثر مترجم نه بعنوان یک فرد بلکه به عنوان یک فرهنگ خاص قرار گیرند.

پیش‌بینی حدوث این عوامل و پدیده‌ها مشکل است و بنا بر این اجتناب از آنها میسر نیست.

۴- آن دسته از فعالیت‌های ذهنی که بر محسوسات انسانها تا ثیر پذیراست. این دسته از پدیده‌ها به تدریج جزء لاینفک انسانها می‌گردند و ایمن توانایی را در او بوجود می‌آورند که بر مبنای و به اقتضای تجربه‌ای که می‌اندوزد به قضاوت و ارزشیابی بپردازد. اجتناب از حدوث این امر میسر نیست. به هنگام بازآفرینی یک اثر، مترجم همواره بدون آنکه خود و قوف داشته

تئوری‌های ترجمه و تفاوت ترجمه مکتوب و همزمان ۱۲۱

با شدا ز نویسنده و یا شا عراصلی تا شیری پذیرد (ص ۷۷-۱۷۵).

"روزنبرگ"، "پیشنهاد می‌کند که در ترجمه یک شعر، مترجم:

۱- قضاوت خویش را از ترجمه انجام یافته موکول به اظهار نظر نهایی

خوانندگان خود نماید. در نیل به این هدف، مترجم:

الف- باید بدانند که شاعر نسبت به وقایع زمان خود چگونه عکس

العمل نشان داده است.

ب- باید به نوع و میزان گرایش و بازنمایی که شاعر نسبت به حوادث

ذکر شده در بالا داشته است و قوف کامل داشته باشد.

ج- باید بدانند که شاعر چگونه از واسطه‌های کلامی سودجسته است.

د- به نوع و میزان کارآیی مشخصه‌های واژگانی آگاه باشد.

ه- بین مشخصه‌های درونی از صورت‌های زبانی یعنی آن بافتی

که فی‌ذاته قسمت‌های مختلف یک شعر را به هم ربط داده و مرتبط می‌سازد

و نیز تنها هر خارجی آنها به صورت انواع شعر در قالب قصیده، غزل و غیره

تما یز قایل شود (ص ۱۸۳-۱۸۲).

۲- به همان میزان خلاقیت شاعر خلاق باشد. زبان‌شناس بودن مترجم—

تنهایی کفایت نمی‌کند و مترجم باید "فیلسوفی ظریف طبع و زیبا شناس"

(aesthetic philosopher) و طراحی قابل باشد

(ص ۱۸۳).

(R.B. Knox ۱۹۵۷) آر- بی ناکس

"ناکس"، در کتاب خود با عنوان "ترجمه به زبان انگلیسی" دو

سؤال عمده را به شرح زیر مطرح می‌سازد:

الف- ترجمه لغوی (ترجمه تحت‌اللفظی) و یا ترجمه ادبی کدامیک

مقدم است؟

ب- آیا مترجم باید از سبک و شیوه خود تبعیت نماید و یا باید در ارائه

ترجمه، شیوه و اسلوب نویسنده را پی گیری نماید؟ به عبارت دیگر آیا مترجم از این حق برخوردار است که در انتقال مفاهیم شیوه خاص را آزادانه انتخاب نماید؟

"ناکس"، سعی می‌کند برای این دو سؤال پاسخ مناسب بیاورد:

۱- اگر متن ترجمه شده به کار دانش‌آموزان بیاید ترجمه لغوی

اولی‌تر است و گرنه باید ترجمه ادبی را مرجح دانست.

۲- مسلم است که خوانندگان یک متن ترجمه شده از خواندن متن با ایده‌ها نقد لذت ببرند که با خواندن متن اصلی اگر بر زبان اصلی تسلط می‌داشتند لذت می‌بردند. بدین ترتیب شیوه ترجمه نباید بر یک سری با زآفرینی‌های با سمه‌ای استوار باشد بلکه باید "تا حدی با زمین‌ساز اصلی همخوانی داشته باشد" (ص ۲۲).

"ناکس"، معتقد است ترجمه خوب نوعی هنر آفرینی تجسمی (impersonation) است. اگر مترجم بتواند این ویژگی هنری را بنمایاند، سبک و اصطلاحات در نهایت راه خود را با زخواهندیافت و متن ترجمه شده را زینت خواهند بخشید. بنا بر این می‌توان نتیجه گرفت که در نظر "ناکس"، ترجمه نوعی با زآفرینی هنر است.

۲۰۲۰۲۰۱۲ لئونارد فاستر (۱۹۵۸) Leonard Foster

از دیدگاه فاستر، ترجمه‌رانی توان نوعی انتقال معنایی دانست که از طریق آن فحوی یک متن به زبانی دیگر انتقال می‌یابد (ص ۱). بنا بر این ترجمه خوب، به گفته او، عملی است:

"... که دارای همان تا شیرکلامی در زبان مقصد است که در زبان مبدا نیز بوده است." (ص ۶-۷)

تئوری‌های ترجمه و تفاوت ترجمه مکتوب و همزمان ۱۲۳

ترجمهٔ بسیاری از کتب فنی می‌تواند بر این محور انجام پذیرد و اصلت تا تیرپذیری مراد باشد. معه‌ذا در ترجمهٔ متون ادبی که به ظرافت بیشتر^ی نیازی باشد شیوه‌های مختلفی مورد نیاز است و ترجمه را می‌توان به یک شیوه محدود دانست (ص ۲۰۰).

ویژگیهای مترجم را می‌توان در دو مقوله عمدهٔ زیر خلاصه نمود:

الف - دانش عمومی

مترجم باید:

۱- بر علائم و نشانه‌های زبانی و قوف کلام داشته و ویژگی هر کدام را به خوبی بداند.

۲- روابط زبانی حاکم بر نشانه‌های زبانی و خطوط ارتباطی و ژرف ساختی آنها را در یک چهارچوب کلی تربیانشناسد.

ب- دانش ویژه پیرامون زبان و متنی که قصد ترجمه آن را دارد

مترجم باید:

۱- از هدف نویسنده در ارائه متن به زبان مبدأ اطلاع کافی داشته باشد.

۲- بدانند که نویسنده در جهت تحقق بخشیدن به اهدافی که دنبال می‌نموده از چه وسیله و شیوه‌هایی استفاده کرده است.

۳- قبل از شروع به ترجمه، سبک و شیوهٔ ترجمه خود و چهارچوب کلی آن را ترسیم نموده و تخطی از آن را روا ندارد.

۴- شمای کلی از خوانندگان آتی خود داشته باشد و ضمن شناخت آنها خود نیز بدانند که از ارائه ترجمه نیل به چه اهدافی را می‌طلبد.

"فاستر"، معتقد است که مترجم با بینشی که بر متن اصلی دارد و با شناختی که از نویسنده یافته است می‌تواند به اختیار خود آزادانه واحد نوشتار را "کلمه" بداند (هما نند شیوهٔ ترجمه‌ای که در عصر نسانس مرسوم بود و به ویژه

توسط لوتر در ترجمه کتاب مقدس انجیل به زبان انگلیسی بکار گرفته شد) و یا کلیت یک متن (که در آن واژه‌ها، کلمات، عبارات و جملات واحدهای تا بعه هستند). اگر مترجم بر ماهیت متن اصلی و روابط حاکم بر آن وقوف کامل داشته باشد، تلفیق این دو حالت به مناسبت و فراخور متن می‌تواند مقبول و مطلوب باشد.

در ترجمه شعر، مترجم باید در ابتدا ندای درونی شاعر را دریافت دارد و ندای او را بدانگونه که در شعر آمده تجسم بخشد. به عبارت دیگر، در ترجمه یک شعر، روابط و صوررو ساختی زبان و نحوه آراستن کلمات و عبارات فی‌نفسه بر معنای اصلی دلالت ندارد و باید بر معانی پنهان شده و ژرف ساختی عنایت شود (ص ۲۱).

(Eugene Nida, ۱۹۷۵ و ۱۹۶۹ و ۱۹۶۴ و ۱۹۵۹)

در نوشته خود با عنوان "اصول ترجمه به شیوه‌ای که در ترجمه کتاب مقدس انجیل معمول است"

(Principles of translation as exemplified by Bible translation) (۱۹۵۹)، نایدا صریحا "اظهار می‌دارد تعاریفی که از "ترجمه خوب" می‌توان ارائه نمود به مقتضای هدفی که از ترجمه مدنظر داریم متفاوت است (ص ۱۹). معهدا در جهت ارائه یک تعریف عام، نایدا معتقد است که ترجمه باید متنی را از زبان مبدأ به زبان مقصد با آفرینی نماینده قسمی که برابری تعیین شده در حد امکان با متن اصلی هموزن و همطرازا باشد. این همطرازی باید در همه ابعاد زبانی رعایت شود به طوریکه نه تنها مفهوم بلکه تشابه صورت و اسلوب را نیز شامل شود. ترجمه خوب هرگز نباید رنگ و بوی ترجمه داشته و به بیگانگی آلوده باشد. اما در مواردی که شبیه آفرینی (identical rendering) به دلایل زیر میسر نباشد، مترجم باید در تقابل معنی

تئوری‌های ترجمه و تفاوت ترجمه مکتوب و همزمان ۱۲۵

وسبک، تقدم را به معنی بدهد. عواملی که در پارزهای موارد انتقال همزمان معنی وسبک را از زبان مبدا به زبان مقصد مانع می‌شوند عبارتند از:

۱- زبانهای مختلف الزاما "از یک چهارچوب روابط نشانه‌ای معنایی (meaning - symbol relationships) واحدی پیروی نمی‌کنند و در این امر هر کدام حالات ویژه خود دارند.

۲- روابط بین نشانه‌های زبانی و مراجعی که به آن پیوسته اند قرار دادی (arbitrary) است و لازم نیست که همه زبانها از نوعی رابطه واحد تبعیت نمایند و یا الزاما "شبهت تام با روابط حاکم بر زبان دیگر داشته باشند.

۳- زبانهای مختلف از واقعیت‌های ملموس و غیرملموس جهان بیرون برداشت‌های متفاوتی دارند و این برداشتها، در تنوع و کیفیت از یکدیگر متمایز اند. با در نظر داشتن عوامل مذکور در بالا، در ترجمه از یک زبان به زبان دیگر، اضافه نمودن برداشته‌ها و حذف اطلاعات متن اصلی اجتناب ناپذیر است. ترجمه خوب وقتی حاصل می‌شود که واحدهای معنایی در زبان مبدا با زشناسی شده و در زبان مقصد با واحدهای معنایی معادل هم‌ترازیابی شود به نحوی که حتی المقدور واحدهای معنایی انتخاب شده دارای بار معنایی یکسان در زبان مقصد باشند. به عبارت دیگر میزان اطلاعات دریافت شده از متن اصلی در زبان مبدا باید با شیوایی و فصاحت ممکن در زبان مقصد با آفرینی شود (ص ۲۷).

"نایدا" معتقد است که "عبارات اصطلاحی" "idiomatic expressions"

"الگوی‌های معنایی" (semantic patterns)

"و ساختار دستوری" (grammatical construction)

دام‌هایی هستند که هر مترجم در ترجمه متون

با آنها روبرو می‌شود و باید در مقابل آنها جانب احتیاط نگه‌دارد. این

ا مربه ویژه در ترجمه کتاب مقدس انجیل (و به تبع آن در کتب دینی دیگر نیز) مشهود است و مستلزم عنایت بیشتر است .

طبق نظر نایدا (۱۹۵۹)، مترجم خوب باید به کلیه الگوهای معنایی و ساختارهای دستوری هر دو زبان آگاهی داشته و از این توانایی برخوردار باشد که بتواند تنها واحدهای معنایی و ساختاری را منتقل سازد بلکه حالات مختلف کلامی (discourse) را که اهل زبان از آن در ارتباط با متن اصلی و در زمان خود آگاهی داشته اند تجسم بخشد . به عبارت دیگر مترجم :

"... باید به شیوه‌ای ترجمه نماید که اصالتاً "

تشریح و تفسیر در زمانی ، (exegesis)

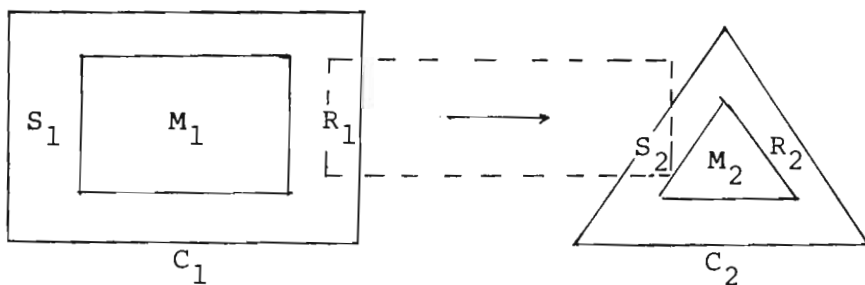
نا می‌دهد می‌شود و نه به شیوه‌ای که آنرا "تشریح و

تفسیر هم‌زمانی " (hermeneutics)

می‌نامند و بر مبنای آن تفسیر ارائه شده در قالب

روابط زمان حاضر تغییر می‌یابد " (ص ۱۵) .

اگر تصویری کلی از ترجمه به عنوان وسیله‌ای در جهت انتقال معنی و صورت ترسیم نمائیم ، نمودار زیر می‌تواند نقش مترجم را بخوبی نشان دهد (از کتاب "نایدا" نقل شده است) :



تفسیر این نمودار این است که نویسنده (S₁) در محیط معنایی ۱ (C₁) و در ارتباط با خواننده ۱ (R₁) اعاده معنایی (M₁) می‌نماید در حالیکه مترجم (S₂) با عنایت به محیط معنایی ۲ (C₂) و در ارتباط

تئوری‌های ترجمه و تفاوت ترجمه مکتوب و همزمان ۱۲۷

با خواننده ۲ (R_2) معنی ۲ (M_2) را مراد دارد. اشکال مختلف هندسی نماینده فرهنگهای متفاوتند. در زبان مبدأ مترجم نقش شنونده یا خواننده را دارد که پیام نویسنده را در محیط معنایی C_2 دریافت می‌دارد در حالیکه نقش او در محیط معنایی C_2 نقش گوینده و یا نویسنده است که ضمن تجزیه و تحلیل پیام، معادل معنایی آنرا یا به صورت بیان شفاهی و یا به صورت مکتوب در محیط معنایی C_2 بازآفرینی می‌کند. (خطوط منقطع دو نقش مختلف مترجم را در ارتباط با یکدیگر نشان می‌دهد این بخش از نمودار به اصل افزوده شده است). در این روند و برشالوده نمودار فوق، بازآفرینی معنایی و ساختاری منطبق (identical) میسر نیست و فقط در موارد نا درعینیت می‌یا بد در حالیکه حاصل و فرآیند تقریب در معنی و صورت است و این وجه مطلوب است. نا پیدا معتقد است که این نمودار و روند معمول بر آن می‌تواند در کلیه ترجمه‌هایی که انجام می‌گیرد، صادق و عمومیت یابد.

نظریات نایدا (۱۹۶۴) بیشتر در حیطه وحوش و محور تئوری ترجمه است و گامی به سوی ارائه تئوری ترجمه به حساب می‌آید اگرچه در خلال کتاب او (۱۹۶۹) تاریخچه مختصری از ترجمه نقل گردیده است. بلحاظ اهمیت نظریات نایدا، آشنایی با ایده‌های او لازم می‌نماید و در اینجا سعی خواهد شد نظریات او به صورت اختصار و با حفظ رعایت ایجاز نقل گردد.

"نایدا" به بحث و تفسیر پیرامون نظریه یاکوبسن (۱۹۵۹ و Jakobson) می‌پردازد. یاکوبسن (توضیحات بیشتر در بخش ۲۰۲۰۲۰۱۴ آمده است) ترجمه را به سه مقوله تقسیم می‌کند:

۱- اندر زبانی (intralingual)

۲- فرا زبانی (interlingual)

۳- فرا نشانه‌ای (intersemiotic)

ترجمه "اندرزبانی" عبارت است از ترجمه از یک صورت و ساخت به صورت و ساختی دیگر در یک زبان واحد. ترجمه "فرازبانی" عبارت است از ترجمه از یک زبان به زبان دیگر و بالاخره ترجمه "فرانشانه‌ای" استحالیه (transmutation) صورتها به نشانه‌ها و بیانها به نشانه‌ها

نشانه‌های دیگر است. "نایدا" این شیوه تقسیم بندی رانمی پذیرد و آنرا مشکل زامی داند و دلیلی که ارائه می‌نماید مبتنی بر این اصل است که در این تقسیم بندی زبان تنها به عنوان یک "مجمع الرموز" code فرض داشته شده در حالیکه زبان بر یک شبکه پدیده‌های ارتباطی کلامی (communication events) استوار می‌باشد (ص ۳). وقتی یک مترجم به ترجمه یک متن از زبان به زبان دیگر همت می‌گمارد از ساختارهای ظاهری و ارتباطات بین دوزبان مورد نظر و حتی سبک‌های غالب بر آنها (مجموعاً هدف ترجمه "فرازبانی" را تشکیل می‌دهد) درمی‌گذرد. مترجمی‌کوشد کلیت یک پیام را با در نظر گرفتن همه تداعی‌های معانی (semantic associations) منتقل نماید. بدین ترتیب معنی در ارتباط با پیوستگی با نقش مراوده‌ای (communicative role) که دارد مفهوم و اعتبار می‌یابد (ص ۹).

"نایدا" مروری اجمالی بر گرایش‌های سنتی نسبت به معنی عرضه می‌دارد و معنی را از سه بعد و به بر سه سیاق تقسیم بندی می‌کند:

۱- مفاهیم مرکز طلب (centripetal concepts)

به هسته معنایی یک صورت توجه نمی‌شود و مفاصل حاشیه‌ای (peripheral) را مدنظر قرار می‌دهند.

۲- مفاهیم مرکز گریز (centrifugal concepts)

معنا در یک قالب محدود مطرح نمی‌شود و به بسامدی و توزیع آن در حاشیه عنایت می‌گردد. به عبارت دیگر، معنی در یک چارچوب معنایی وسیع مفهوم می‌یابد

۳- مفاهیم شجره‌ای (lineal concepts)

تئوری‌های ترجمه و تفاوت ترجمه مکتوب و همزمان ۱۲۹

معنی با توجه به تسلسل منطقی و در قالب پیوندهای تاریخی نقش پذیر می‌شود. "نایدا" (۱۹۶۴) همه این مفاهیم را مطرود می‌داند و بنا به دلایل زیر

از پذیرفتن آنها سرباز می‌زند:

۱- هسته معنایی عینیت‌نادر دزیرا یک صورت ممکن است متضمن معانی عدیده‌ای باشد.

۲- معنا می‌تواند شامل و دربر گیرنده محدوددهای معنایی هسته‌ای وهم محدوددهای معنایی حاشیه‌ای باشد.

۳- در بررسی و تجزیه و تحلیل همزمانی (synchronic) ارتباطات زبانی، عامل روابط و پیوندهای تاریخی و نسبی بی‌ربط می‌نماید. با در نظر گرفتن این نارسایی‌ها، "نایدا" به بحث در این مقوله می‌پردازد که در ترجمه یک متن از یک زبان به زبان دیگر، علاوه بر آگاهی و تفوق کامل به دوزبان مبداء و مقصد و سلاست بیان (fluency) در ارائه متن مکتوب به صورت بیان شفاهی، مترجم باید:

الف- موضوع متنی را که باید ترجمه شود خوب بداند.

ب- به اهمیت نقش آفرینان که در متن آمده‌اند واقف باشد.

ج- درک کاملی از رموز (codes) بکار گرفته شده داشته باشد.

د- به کلیه سبک‌های مرسوم و معمول در زبان مقصد تسلط کافی داشته باشد و بتواند به ضرورت از آنها استفاده نماید.

ه- بدانند که از متن نوشته شده چه پیاپی می‌تواند به خوانندگان آن متن

در زبان مقصده به کرد. (ص ۱۴۵-۱۲۰).

مترجم با یدائما " و بطور منظم در سبک نوشتاری خود تجدید نظر کند و کارآیی آنرا محک زند، او باید همواره پیام نویسنده را در یابی نماید و ترجمه خود را در زبان مقصد با در نظر گرفتن صورت‌ها و معانی موجود در زبان مبداء تطابق دهد. رعایت موارد مطروحه فوق به خلق ترجمه‌ای خواهد انجامید که نه

تنها از سلاست بیان و شیوایی سبک برخوردار است بلکه "بار مراددهای" را (communication load) به تروشا یسته تر به مقصدخواه درسانید هدف اصلی مترجم با یداین باشد که پیا مه‌ای زبان مبداء در زبان مقصد بدون وقفه و مستقیماً " با زآفرینی شود. تغییرات و حذف و اضافه هادر شرایط ویژه لازم می نماید مشروط بر آنکه تحقق آنها به معنی صدمه و خدش‌های وارد- نسا زد و به سهولت و سلاست متن بیانجامد (شرح نوع حذف و اضافه و تغییر در صفحه ۲۱ آمده است) .

"نا یدا" (۱۹۶۴) استفاده از پاوروقی و حاشیه نویسی را لازم می‌دانند و تجویز آن دو فایده را مترتب می‌دانند :

- ۱- دادن اطلاعات اضافی و سودمند
- ۲- هشدار وجود تناقضات در متن اصلی و تصحیح آنها (ص ۳۹-۲۳۷). روند ترجمه آنگونه که در کتاب نا یدا (۱۹۶۴) آمده است بطور اجمال به شرح زیر است :

الف - از نقطه نظر فنی

- ۱- تجزیه و تحلیل دوزبان مبداء و مقصد
 - ۲- مطالعه دقیق متن و یا کتابی که باید ترجمه شود بدون آنکه نیازی به ترجمه قبل از پایان این بررسی باشد .
 - ۳- پیدا کردن معادل های معنایی و ساختاری و بررسی کارایی آنها
- ب - از نقطه نظر متن آرایبی
- ۱- ارزشیابی های مکرر از ترجمه انجام یافته
 - ۲- مقایسه ترجمه انجام یافته با ترجمه‌هایی ز همان متن که احياناً " توسط سایر مترجمان بعمل آمده است .
 - ۳- مراجعه به ادیبان اهل زبان مقصد و درخواست برای ارزشیابی کار انجام یافته و بررسی دقت و کارایی و میزان پیام رسانی متن ترجمه

تئوری‌های ترجمه و تفاوت ترجمه مکتوب و همزمان ۱۳۱

شده و نیز تجزیه و تحلیل با زتابی که آنها نسبت به متن نشان می‌دهند.

(ص ۴۷-۲۶۶)

کتاب نایدبا عنوان "یافت زبانی و ترجمه (Language structure and translation)" در سال ۱۹۷۵ انتشار یافت که در واقع مکمل تبلور یافته نظریات پیشین او بود که در کتب و مقالات مختلف عرضه گردیده بود. در این کتاب نایدبا یک سلسله پیش‌داوریها را مطرح ساخته و بر هر کدام نظریه‌ای ابراز نموده است. بدواً "با ذکر این واقعیت آغاز می‌کنم که هیچ دو گفتاری راحتی در یک زبان واحد نمی‌توان یافت که علی‌رغم تشابه در صورت دارای معانی واحد و برابری باشند. در هیچ دوزبانی دوبرابریکسان را نمی‌توان یافت که نشان‌دهنده واقعیت تمام و کمال ارتباطات بین‌واژه‌ها و اشیاء جهان واقعیت باشند. در حقیقت مفهوم "مترادف" یک مفهوم ایده‌آل است که با واقعیت قرین نیست. به عبارت دیگر در هیچ زبانی نمی‌توان دو واژه متفاوت در صورت اهمیت معنی را یافت. دو واژه به ظاهر هم معنی در شرایط خاص خود معانی متفاوتی دارند و استعمال یکی بجای دیگری مجاز نمی‌باشد. با در نظر گرفتن واقعیت‌های مترتب بر مقوله اشاره شده در بالا "نایدبا" این بحث را پیش می‌کشد که مراد (communication) ، خواه به حالت پنهان معنایی (exocentric) و یا عیان معنایی (endocentric) ، امری است نسبی و نمی‌تواند به کمال جاری گردد (ص ۵).

"نایدبا" (۱۹۷۵) معتقد است که مطالعه و بررسی زبان نایدبا در نظر گرفتن نقشی که در مرادوده بین اهل زبان دارد و با زدهی دو جانبه فرهنگی که از آن حاصل می‌آید انجام پذیرد. وقتی صحبت از معنی یک گفتار بینان می‌آید تا می‌خواهد درون زبانی (linguistic) و برون زبانی (nonlinguistic) با دیدمورد توجه قرار گیرد. در غیر این صورت بار

معنایی بخوبی جلوه نمی نماید. ممکن است از بعضی عبارات به عیان افاده معنی گردد در حالیکه عبارات دیگر علاوه بر معنای ظاهری دارای معنایی مجازی نیز باشند (ص ۱۳-۶).

در نظریه خود در باب ترجمه، نایدا (۱۹۷۵) همان موضع خود را که در ۱۹۶۹ عرضه داشته بود مورد تاکید مجدد قرار می دهد و برای این اعتقاد است که مترجم باید در ریک زنجیرهء بسته ما مکرر روند تجزیه و تحلیل، انتقال و نوسازی (restructuring) را پی گیرد. به عبارت دیگر مترجم باید بدواً "برمتن زبان مبداء بیندیشد، آنرا مورد بررسی قرار دهد و سپس از یافتن معادل های مناسب به نوپردازی مفاهیم به صورت عبارات در زبان مقصد بپردازد به نحوی که متن ترجمه شده با متن اصلی همطرازی معنایی و تا حدودی ساختاری داشته باشد. از طرفی وقتی مترجم به بررسی متن اصلی می پردازد، تمام جوانب معنایی اعم از معنای ظاهری (denotative) و مجازی (connotative) باید مدنظر باشد و از سویی از پرداختن و بررسی روابط نحوی نیز غفلت نگردد (ص ۳۰). مثال جالبی از "نایدا" نقل می شود که نشان می دهد چگونه یک جمله از کتاب انجیل مقدس می تواند تداومی کننده پنج معنی متفاوت باشد:

- ۱- جان (پیام را) (به مردم) ابلاغ کرد.
- ۲- جان (مردم را) غسل تعمید داد.
- ۳- (مردم) از گناهان (خود) نادم شدند.
- ۴- (خداوند) گناه (مردم را) (بر آنها) بخشید. (خداوند گناه مردم را - بخشید)
- ۵- (مردم) گناه کرده بودند.

بدیهی است آنچه "نایدا" به عنوان معانی مختلف این جمله بیان می دارد، در واقع اجزاء "پیش انگاری" (presuppositions) آن هستند.

تئوری‌های ترجمه و تفاوت ترجمه مکتوب و همزمان ۱۳۳

به عبارت دیگر جزء ۲ و ۵ در مقایسه با احوالات‌های معنایی هستند که از حاشیه جمله فوق می‌توان دریافت. در حالیکه "نایدا" آنها را به عنوان معانی مختلف طبقه‌بندی می‌کند.

در تبیین معنی یک جمله و یا یک گفتار، "نایدا" معتقد است که بخشی از معنی از روابط نحوی آن مستفاد می‌شود. به عبارت دیگر نقشی که کلمات یا واژه‌ها در جمله دارند (به صورت اسم و یا فعل و غیره) مبین بخشی از معناست علاوه بر آن معنی یک جمله را می‌توان حداقل از طریق حدس زدن و بر مبنای بافت معنایی زیربنایی آن مشخص نمود. همجواری کلمات (collocation) نیز می‌تواند به درک معنی کمک نماید زیرا وجود یکی ممکن است متضمن دیگری باشد.

"نایدا" پیشنهاد می‌کند که در تجزیه و تحلیل یک متن قبل از آنکه آن متن ترجمه شود به معنای ریشه‌ای (kernel) جملات توجه شود. چون زبانهای متفاوت نه تنها وجوه معنایی را در این مقطع به وضوح نشان می‌دهند بلکه تفاوتها و تشابهات را نیز عمدتاً "تجلی می‌بخشند (ص ۹۱).

مترجم نباید از معانی مختلفی که مترتب بر جملات و یا واحدهای زبانی دوزبان مورد نظر است غافل بماند. در پارهای موارد وقتی دوزبان را در تقابل یکدیگر قرار می‌دهیم می‌بینیم که حتی استفاده از اصطلاحات نیز محدودیت خاص خود را در آزدی در استعمال در یک زبان به مثابه آزدی از استفاده از عبارات و اصطلاحات مشابه در زبان ثانویه نمی‌باشد. گاهی اتفاق می‌افتد که یک واحد زبانی در زبان مبدأ باید الزاماً با دو واحد زبانی مقصد برابری نداشته شود.

در ارتباط با تعریف ترجمه، بنظر می‌رسد که موضع نایدا (۱۹۷۵) با موضع او در سال (۱۹۶۹) یکسان باشد. به نظر او ترجمه:

"... با آفرینی پیام مکشوفه از زبان مبدأ در

زبان مقصد است بنحویکه از برای بره‌های مناسب که
 هم از نظر معنایی و هم از نظر نحوی تشابه نسبی
 دارند در جایگزینی استفاده شود:"
 (۱۹۷۵:۹۵)

"نایدا" در مدلی که برای ترجمه ارائه می‌نماید، مترجمان را به دو
 دسته تقسیم میکند:

۱- مترجمان مادری سو (national translators)

منظور مترجمانی هستند که همیشه از زبان بیگانه (مرجع) به زبان مادری
 خود (مقصد) ترجمه می‌کنند.

۲- مترجمان بیگانه سو (foreign translators)

منظور مترجمانی هستند که همیشه از زبان مادری (مرجع) به زبان بیگانه
 (مقصد) ترجمه می‌کنند.

حاشیه‌هایی که منتقدان بر مدل‌های ترجمه "نایدا" نوشته‌اند.

منتقدان به کرات تئوری ترجمه انتقالی (transference theory)

"نایدا" را —————ورد انتقاد کرده و معتقدند که وی

بیشتر به کاربرد زبانی (parole) عنایت داشته و از "توانایی

زبانی" (Langue) که تجلی پنهانی زبان است غافل مانده است.

کلی (Kelly) "نایدا" را به "پنهان‌سازی تئوری دروای فرمول‌های

انتقالی" متهم ساخته است (۱۹۷۹:۶۵).

"کلی" (Kelly) همچنین فرمول‌ها و قواعد عرضه شده توسط "نایدا"

را مورد سنجش و ارزیابی قرار داده و معتقد است که این قواعد بیش از یک سری

تعدیلات چیز دیگری نیست که فقط در چارچوب روابط اجتماعی مفهوم و مصداق

می‌یابد (۱۹۷۹:۲۲). علی‌رغم آنچه "کلی" می‌گوید، تئوری ترجمه

تئوری‌های ترجمه و تفاوت ترجمه مکتوب و همزمان ۱۳۵

نایدا (۱۹۶۴) نشانه‌ء تحولی در زمینه‌ء ترجمه‌است زیرا اجزاء سخن (parts of speech) در قالب نقشی‌که ایفای‌کنند طبقه‌بندی شده‌اند. در این بازشکافی نقشها، "نایدا" جملات ریشه (Kernel sentences) را ملاک قرار می‌دهد و معتقد است که دوزبان مبداء و مقصد، دهنده (source) و پذیرنده (receptor) در این مقطع، تشابهات خود را بهتر می‌نمایانند. این امر را باید تحولی نو در این باب دانست.

"نایدا" به تبعیت از اسلاف خود، زبان (language) را از سبک (style) مجزا میدانند و توصیه می‌کنند که مترجمان سبک نوشتاری نویسندگان را بشناسند. این تفکیک مورد انتقاد پاره‌ای از منتقدان قرار گرفته‌است بطوریکه "مشونیک" (Meschonnic) فرانسوی در این ارتباط اظهار می‌دارد:

زبان، وجوه نوشتاری و گفتاری آن، فرهنگ زبان و یا مفهوم و شکل آن چیزی نیست که قابل تفکیک و تجزیه باشد. وقتی یک متن مراد باشد، کل مفهوم ترجمه پذیر است. (۱۹۷۹:۳۴۹)

۲۰۲۰۲۰۱۴ رومن یا کوبسون (Roman Jakobson, 1959)

"یا کوبسون" جمله معروف راسل (Russell) را که گفته‌بود "هیچکس نمی‌تواند معنی "پنیر" را بفهمد مگر آنکه با جسم پنیر در روابط غیرزبانی آشنا باشد" مورد بررسی قرار داده و آنرا به شرح زیر تغییر می‌دهد:

"هیچ کس نمی‌تواند معنی "پنیر" را بفهمد مگر آنکه معنایی را که در نظام زبان انگلیسی بر آن مترتب‌داشته‌اند بدانند."

(۱۹۵۹:۲۳۲)

تلاش "یا کوبسون" برای این است که معنی یک کلمه و یا یک عبارت را حاصل

روابط دال و مدلول بدانند که بر مبنای روابط زبانی استوار است و نه یک پدیده^۶ غیر زبانی .

یا کوبسن به سه نوع ترجمه و یا در حقیقت سه نوع تبدیل کلامی معتقد است :

۱- ترجمه^۶ درون زبانی (intralingual)

که عبارات است از انتقال علائم و نشانه‌های کلامی (یا کوبسن از واژه تفسیر و تعبیر "interpretation" استفاده می‌کند) از یک حالت زبان به حالت دیگری از همان زبان .

۲- ترجمه^۶ فرا زبانی (interlingual)

یا به عبارتی تفسیر مجدد یک صورت زبانی از یک زبان در زبان دیگر .

۳- ترجمه^۶ فرانشانه‌ای (intersemiotic)

یا تبدیل علائم کلامی به نشانه‌های غیر کلامی

یا کوبسن بر این اصل اذعان دارد و بر این واقعیت پرمده نمی‌پوشد که زبانها از نظر زیربنایی معنایی و چارچوب نحوی از یکدیگر متفاوت اند . البته این را اصل می‌دانند که تمام زبانها بالقوه قادر به انتقال مفاهیم زبان دیگرند و می‌توانند آنچه را امکان انتقال داشته باشد منتقل نمایند (ص ۲۳۶) . بدیهی است زبانها به لحاظ ماهیت متفاوتی که دارند فقط آنچه را با ید نقل کنند انتقال می‌دهند . بر این اساس یا کوبسون به بیان این معنی می‌پردازد که عدم وجود یک ساختار مشخص در یک زبان دلیل بر آن نیست که آن زبان نتواند مفهوم نوی را از زبان دیگر بخود انتقال دهد و هیچ مانعی را بر سر راه مترجمان قرار نمی‌دهد (ص ۲۳۵) . زبانهای مختلف وقتی در رویارویی با زبانهای دیگر خود را عاری از وجود بعضی از مقوله‌های نحوی و دستوری می‌یابند ، به تظاهرات شیوه‌ها و تکنیک‌های خاص خود می‌پردازند

تئوری‌های ترجمه و تفاوت ترجمه مکتوب و همزمان ۱۳۷

و بنحوی شایسته بار معنایی را به منزل مقصودی رسانند. یا کوبسون مثالهای جالبی را از زبان "چوکچی" (Chukchee) شاهد می‌ورد که در آن — بسیاری از مقوله‌های معنایی نه به صورت واژه‌های منفرد (single lexical items) بلکه به صورت عبارات تجلی می‌یابند:

<u>فارسی</u>	<u>چوکچی</u>	<u>انگلیسی</u>
پیچ	میخ‌گردنده	screw
فولاد	آهن سخت	steel
قلع	آهن نرم	tin
گچ	صابون که با آن می‌نویسند	chalk
ساعت مچی	قلب چکش‌زن	watch

و ام‌گیری در ترجمه، اطنا ب‌در کلام (circumlocution) (مثل مثالهای فوق) انتقال معنایی (semantic shifts) و شیوه‌های نظیر آن تکنیک‌هایی هستند که مترجمان می‌توانند به وقت ضرورت به آن تشبث جویند و در رفع نارسایی‌ها از آنها استفاده نمایند.

"یا کوبسن" معتقد است که ترجمه نوعی انتقال معنایی تمام‌عیار است که از یک زبان به زبان دیگر انجام می‌پذیرد و نباید آنرا تبادل واحد به واحد و به صورت انتزاعی فرض داشت. نقش مترجم آن است که با خواندن و بررسی متن اصلی، تصویری کلی از آن به دست آورد و سپس همان تصویر را در زبان دیگر با آفرینی نماید.

۲۰۲۰۲۰۱۵

در گزارشی که توسط وزارت تحقیقات علمی و مورف‌رهنگی هندوستان

در سال ۱۹۶۲ با عنوان "هنر ترجمه" (The Art of Translation)

انتشار یافت، نویسنده یا نویسندگان به اصول و اهداف ترجمه پرداخته
 و علی الظاهر با نظر "پل والر ی" (Paul Valery) که تعریفی از
 ترجمه به شرح زیر ارائه نموده بود موافقت اصولی داشتند:
 "...ترجمه عبارت است از با زآفرینی اثریک
 علت خاص (متن اصلی) در حد امکان به صورت
 علتی دیگر در زبان دیگر" (۱۹۶۲:۲۳)

نویسنده یا نویسندگان به این نکته معترف اند که ترجمه کامل و بی نقص
 میسر نیست زیرا واژگان یک زبان با با معنایی که یدک می کشد به زبان دیگر
 انتقال ناپذیر است و جایگزین واژگان دیگر قرار نمی گیرد (ص ۹-۱۰). این یک
 فکر بدیع نیست و پیشینیان نیز بر این عقیده بوده اند. همه معترف بوده اند
 که در ارزشیابی ترجمه عا مل تقریب می تواند محک قرار گیرد. این گزارش در
 یک تشبیه سوال برانگیز به این نکته اشاره دارد که: "...چیزی بنام
 ترجمه بی نقص و کامل وجود ندارد و هر دو در هر دو صورت یک چیز به نام جنایت کامل
 وجود ندارد." (ص ۱۴)

آنچه در این گزارش جلب توجه می کند محدوده ای است که برای تعریف
 مترجم اختیار نشده است. به عبارت دیگر در تعریفی که از مترجم شده است
 نویسنده را نیز شامل می شود که در حقیقت مفهوم و حالات زبانی را از نوع ساده
 و بی پیرایه و روزمره آن خارج ساخته و آنرا به شکل و شمایل زیبایی
 با زآفرینی می نماید. گزارش صراحت دارد که:

"شاعر را با ید مترجم اول نامید زیرا هم اوست
 که به ترجمه بدوی می پردازد و زبان محاوره
 را در قالب تجربه ای نو و به کلامی شیوا بیان
 می دارد." (ص ۱۷)

تئوری‌های ترجمه و تفاوت ترجمه مکتوب و همزمان ۱۳۹

به نظر گزارشگرویا گزارشگران، مترجم باید:

- ۱- دوزبان مبداء و مقصد را نیکو بداند.
- ۲- در مورد موضوع متن اطلاعات وسیع داشته باشد.
- ۳- (و مهمتر از همه) با تاریخ، دین، زندگی اجتماعی، آداب و سنن و شعائر دوزبان مردمی که می‌خواهد پیام نویسنده را به آنها انتقال دهد آشنا و آشنایی کامل داشته باشد.
- ۴- به متن اصلی وفادار بماند. اما هدف از وفاداری این نیست که در جنبه‌های لغوی و ظاهری از نویسنده تبعیت نماید و خود را وابسته به آن بداند بلکه به "بیان اندیشه و افکاری که در نوشته‌های مولف حلول یافته است" عینیت بخشد (ص ۵۶)

۲۰۲۰۲۰۱۶ جیری لوی (۱۹۶۶) (Jiri Levy)

"لوی" تئوری خود را در سال ۱۹۶۶ عرضه داشت و آنرا "ترجمه یا یک روند تصمیم‌گیری" (Translation as a decision process) نام نهاد. "لوی" ترجمه را نوعی روند مراوده‌ای و ارتباطی می‌داند که در طی آن آگاهی و بینش از یک متن اصلی به خوانندگان آن در زبانهای دیگر منتقل می‌شود.

در این مدل، توجه عمده به جنبه خلاقه ترجمه معطوف گردیده است که میزان کارآیی و اثربخشی آن بر مبنای توانایی ترجمه در انتقال مفاهیم و آگاهی به خوانندگان تبیین می‌یابد (ص ۱۱۷۱).

در طی پیشرفت تدریجی ترجمه، مترجم بطور پیوسته و بی‌وقفه خود را با وضعیت‌های تازه‌ای روبرو می‌بیند و در هر مرحله حق انتخاب می‌یابد و ناچار است از چند راه یکی را که بهترین باشد برگزیند. این مراحل تکاملی به بازی شطرنج می‌ماند که در آن شطرنج با زباله‌ها م‌و ایده گرفتن از حرکت

های قبلی و با شناخت وضعیت موجود حرکت های بعدی خود را پیش بینی می کند .
 و پس از اتخاذ تصمیم حرکت نویی را آغاز می نماید . در مقایسه با شطرنج ،
 در ترجمه نیز ، هر مرحله دارای یک سری وضعیت ها و راه حل ها است و مترجم با
 آگاهی و شناختی گه از آنها دارد یک قدم در ترجمه متن به پیش می رود .
 وظیفه مترجم این است که این راه حل ها و شقوق آن را بشناسد و شق صحیح
 را برگزیند . انتخاب او با یک موج و در زبان مقصد قابل قبول باشد .

مثالی که "لوی" ارائه می نماید یا نگر چگونگی عملکرد مترجم
 در این مراحل است (ص ۱۱۷۱) . تصور کنید که مترجمی بخواهد جمله آلمانی
 زیر را به انگلیسی ترجمه نماید . مراحلی که مترجم باید طی کند مشتمل است
 بر دو "فرمان" instruction یک "وضعیت" (situation) و یک "الگو"
 (paradigm) .

Der gut mensch von sechuan.

a. The good man of Sechuan

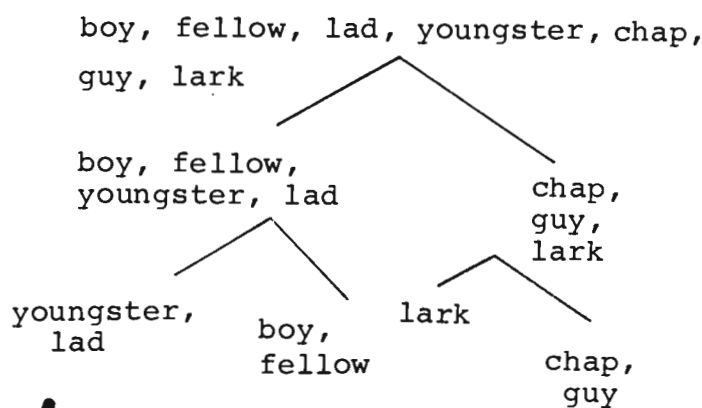
b. The good woman of Sechuan

کلمه "mensch" می تواند با توجه به مرجع آن هم بمعنای "زن" —
 باشد و هم بمعنای "مرد" . کلمه "متشابه" (homonymy) که هم
 بر "مرد" دلالت دارد و هم بر "زن" باعث بروز یک ابهام (ambiguity)
 در معنی می شود . مترجم درمی یابد که کلمه "mensch" در زبان انگلیسی
 دو معادل (man) و (woman) دارد . اولین مرحله فرمان مقرر
 مینماید که مترجم انتخاب های موجود را مشخص نماید . گام بعدی در بر
 گیرنده "الگو" pardigm است که طی آن تعداد انتخاب ها مشخص
 می شود . ممکن است یک یا چند انتخاب وجود داشته باشد . آخرین مرحله به تصمیم
 گیری مترجم و برگزیدن انتخاب مناسب مربوط می شود . در مورد فوق دو انتخاب
 وجود دارد ولی تعداد انتخاب ها ممکن است در موارد دیگر بسیار باشد . برگزیدن

تئوری‌های ترجمه و تفاوت ترجمه مکتوب و همزمان ۱۴۱

انتخاب مناسب و اتخاذ تصمیم در مورد آن با الهام از حرکت‌ها و تصمیم‌های قبلی مشخص می‌شود.

این مدل که بنام " شیوه تحلیلی " (game - theory) شهرت یافته و مشتمل بر فرامین و الگوهاست نه تنها در سطح واژم جمله بلکه در سطح بند و پاراگراف نیز عمومیت یافته و کارآیی دارد. مثال دیگر در سطح کلمه که از کتاب "لوی" اختیار شده این امر را بخوبی نشان می‌دهد.



اگر مترجم با الهام از آگاهی قبلی و بینشی که از متن دارد بخواهد اتخاذ تصمیم نماید و نوع کتابی، یا ادبی یا عامیانه و یا مبتذل را انتخاب نماید الگوی او متفاوت و به تبع آن انتخاب‌ها نیز متفاوت خواهند بود (در این مورد فقط چهار انتخاب وجود دارد). این انتخاب‌ها با عنایت به مشخصه‌های معنایی (semantic component) و به نحو زیر صورت می‌پذیرند

جوانک، پسر بچه	youngster, lad	(کتابی، مرسوم، مرد جوان)
پسر،	boy, fellow	(مبتذل، غیر مرسوم، مرد جوان)
موش	lark	(مبتذل، غیر مرسوم، مرد جوان)
بچه، بچه/پارو	chap, guy	(عامیانه، غیر مرسوم، مرد جوان)

"لوی" معتقد است که امکان دارد مترجم با الهام از متن کلی بـه انتخاب دست زند و با استفاده از اصل همنشینی کلمات بهترین را انتخاب

نماید. آنچه به تنوع انتخاب‌ها می‌فزاید میدان و گسترهٔ معنایی زبان مبداء در تقابل با زبان مقصد است. برای مثال از کلمه انگلیسی "make" معانی مختلفی از آن جمله "تولید کردن"، "ساختن"، "تشکیل دادن" - می‌توان مستفا دکرد (ص ۱۱۷۰).

"لوی" با استناد به چارچوب تئوری خود، تعریف زیر را برای ترجمه ارائه می‌نماید:

"تئوری ترجمه به یک سیستم اصولی که بر معیارهایی استوار است گرایش دارد و مترجم را به دست‌یازیدن به یک انتخاب مقبول و مطلوب سوق می‌دهد. معینا نقش ترجمه حرکتی است فعاله (pragmatic) که در طی آن مترجم می‌کوشد به بهترین و موثرترین انتخاب با حداقل تلاش دست‌یابد."

(ص ۱۱۷۹)

(C.J. Catford, ۱۹۶۵) ج کت‌فورد ۲۰۲۰۲۰۱۷ سی -

"کت‌فورد در یک چارچوب کلی، تعریفی از ترجمه ارائه می‌نماید و آنرا نوعی عمل انتقال می‌نامد که در آن صورتی از زبان مبداء با معادل آن در زبان مقصد هم‌ترازی می‌شود (ص ۲۰). در جهت تقویت و تحکیم نظر خود، کت‌فورد اظهار می‌دارد که تئوری ترجمه باید بتواند زما هیت و شرایط ترجمه الگویی بدست‌دهد (ص ۲۰). بنظر او ترجمه طی مراحل مختلف، تغییری محسوب می‌شود که ضمن آن تمام یک متن و یا قسمتی از آن انتقال می‌یابد و حاصل آن تبلور یک مفهوم در یک متن جدید است.

"کت‌فورد" ترجمه را در ابعاد مختلف به شرح زیر طبقه‌بندی میکند:

۱- ترجمه کامل (full) در مقابل ترجمهٔ بخشی (partial)

الف- در ترجمهٔ کامل، تمام متن بدون هیچ‌گونه کاستی به زبان

مقصد ترجمه می‌شود و همهٔ عبارات و جملات در زبان مقصد معادل می‌یابند.

تئوری‌های ترجمه و تفاوت ترجمه مکتوب و همزمان ۱۴۳

ب- در ترجمه بخشی، فقط قسمت‌هایی از متن ترجمه می‌شود و بقیه متن ترجمه نشده‌ها می‌گردند بدون آنکه معادل سازی در زبان مقصد صورت پذیرد.

۲- ترجمه مطلق (total) در مقابل ترجمه محدود (restricted).
الف- در ترجمه مطلق، هربخش و یا فصل از متن زبان مبدأ در سطح (level) معادل خود در زبان مقصد با آفرینی می‌شود. مترجم با در نظر گرفتن سطوح مختلف و ممکن در زبان مقصد، مناسب‌ترین را که با آن بخش از زبان مبدأ هم‌ترازی داشته باشد می‌یا بدو به ترجمه می‌بادرت می‌ورزد.

ب- در ترجمه محدود، تنوع در سطوح رعایت نمی‌شود و مترجم در طول ترجمه در یک سطح واحد عمل می‌نماید.

با عنایت به تئوری ومدلی که "کت فورڈا رائه می نماید، به آسانی می‌توان دریافت که تئوری "کت فورڈ" بر پایه تئوری زبان که توسط "هالییدی" (Halliday) با عنوان ("مقوله و میزان") (Scale and Category) عرضه گردیده استوار است که در آن در یک نمودار مرتبه‌ای اجزاء کوچک‌تر در محدوده اجزاء بزرگتر قرار می‌گیرند و تسلسل عمودی و سطوح افقی رعایت می‌گردند. "کت فورڈ" از این تئوری در جهت تبیین تئوری ترجمه خود سود می‌جوید. بدین ترتیب اگر مترجمی بخواهد در انتقال و ترجمه یک متن، فی‌المثل از "وجه علمی" (scientific mode) از شیوه نوشتاری (written form) و "سبک رسمی" (formal) استفاده نماید، حاصل مسلماً "با با زده‌ها در ترجمه او وقتی سبک "دوستانه" (intimate) شیوه آن "گفتاری" (spoken) و وجه آن "غیر عملی" است تفاوت دارد. شیوه‌های مبتنی بر لهجه‌های متفاوت (dialectal) لهجه‌های زمانی (temporal dialectal) که تنها به یک برهه از زمان در یک زبان

مربوط می‌شود و لهجه‌های حوزه‌ای (geographical dialectal) هر کدام به نوبه خود تغییراتی را در متن باعث می‌شوند (ص ۸۵-۸۴).
 "کلی" (Kelly) از تئوری "کت فورد" انتقاد می‌کند و اظهار می‌دارد که "کت فورد" به قواعد جهانی شمول (universals) بی توجه بوده و از حد کاربرد عبارات و جملات و نقش‌های اجتماعی (social functions) آنها پارافراز ترنگذاشته است (۱۹۷۹: ۳۴). "کلی" اضافه می‌کند که مشکل واقعی تئوری ترجمه "کت فورد" (هما نند مشکل تئوری ناید) (اختلاف تئوری ترجمه در پشت برچسب "قواعد انتقال" (transfer formulas) است (۱۹۷۹: ۶۵).

(Winter werner, ۲۰۲۰۲۰۱۸ وینترورنر (۱۹۶۱))

"ورنر" از ترجمه تعبیری ارائه می‌دهد که بر مبنای آن یک تعبیر از یک متن در زبان مبدأ به تعبیری مشابه در زبان دوم انتقال یافته و تعبیر دوم جایگزین تعبیر اول می‌شود (ص ۶۹). "ورنر" بر این عقیده است که برابری تمام عبارات و تعبیرات در زبان مختلف میسر نیست زیرا هر تعبیر که بر مبنای آن یک زبان بشود از نظر زبان‌شناسی آن زبان نشأت می‌گیرد و به تنهایی از خود استقلال ندارد. همین مقوله هنگامی که تعبیری در زبان مقصد جاری می‌شود مصداق می‌یابد و بر نظام زبانی آن زبان پایه‌گذاری می‌گردد. نظریه اینکه زبانها در پایه و اساس بافت زبانی از یکدیگر متمایزند، برابری معنایی و نحوی در زبان مختلف امری تقریبی و نسبی است و یک امر مطلق محسوب نمی‌شود.

به نظر "وینترورنر"، مترجم هما نند مجسمه‌سازی است که هدف غایی او شبیه‌سازی از مجسمه‌ای مرمرین است که به دست هنرمندی قابل پرداخته شده است. ممکن است او نتواند سنگ مرمری بیابا مامی‌تواند با استفاده از

تئوری‌های ترجمه و تفاوت ترجمه مکتوب و همزمان ۱۴۵

گل و چوب و سنگ و فلز مجسمه‌ای شبیه به آن با زآفرینی نماید. در بسیاری موارد اگر شبیه‌سازی زقا بلیت و توانایی ویژه‌ای برخوردار بوده و دقت کافی مبذول دارد مجسمه‌ای به مراتب شکیل تر و زیبا تر خواهد آفرید (ص ۶۸).
به نظر "ورنر" میزان تشابه و تطبیق متن اصلی با متن ترجمه شده به میزان همسانی دوزبان مورد نظرو سیستم‌های زبانی حاکم بر آنها مربوط می‌شود. هرچقدر تفاوت بین صورت‌های زبانی و معانی وابسته به آنها بیشتر باشد، اختلاف دو متن مشخص تر است.

مترجم باید در طول و روند ترجمه، موضوع تقریب و تشابه در مقابل‌ها را را به عنوان یک اصل مسلم بپذیرد و مدنظر داشته باشد. بدیهی است انتقال مفاهیم و معانی در جوه محازی کلمات بمراتب از انتقال صورت‌های زبانی که مفاهیم مبرهن تری دارند مشکل تر است (ص ۶۹). علت اصلی این است که ارتباط معانی لغوی با صورت‌های مربوط با قوانین معنایی جهان شمول تطبیق پذیرتر است. "ورنر" با توجه به اجتناب نا پذیر بودن نقصان معنایی در ترجمه پیشنها نمی‌کند که، در حذف و تغییر و انتخاب واژگان و روابط نحوی حذفی، رعایت سلسله

۱- معنایی (semantic) - مراتب به شرح زیر بشود.

الف - مستقیم (direct)

ب - ملایم associative

۲- صوری (formal)

الف - آشکار (overt)

ب - فراگیر distributional

۱- جان کلام

۱- وزن

۲- ارتباط علمی

۲- قافیه

۳- نظم کلمات در جمله (ص ۷۶)

۳- اصوات

"ورنز" معتقد است که اگر بنا به دلایلی حذف معنی و یا صورت لازم گردد. سلسله مراتب با اولویت ۳ به ۱ باید رعایت شود. بدین معنی که ۳ نسبت به ۲ و ۲ نسبت به ۱ باید در حذف مرجح باشد.

۲۰۲۰۲۰۱۹ رافائل برتون (۱۹۷۱) (Raffel Burton)

"برتون" در کتاب خود با عنوان "زبان چندشاخه" (The forked tongue) به بحث و بررسی یک سری تکنیک‌ها که وی خود در ترجمه اشعار به زبان انگلیسی بکار برده می‌پردازد و در ضمن آن به صورت اجمالی و موجز به تئوری ترجمه از دیدگاه خود می‌پردازد.

"برتون" معتقد است که همه تئوری‌های ترجمه را می‌توان در دو جناح "ترجمه لغوی" و "ترجمه آزاد" خلاصه کرد. مترجمان گروه اول ترجمه را همچون تجسم شیئی در آیین می‌بینند که با اصل هیچ اختلاف ظاهری ندارد و به حذف و اضافه و تغییر نیز معتقد نیستند. همه تفاوت‌های فرهنگی زبانی و فردی که در متن اصلی مطرح گردیده است باید بدون تغییر در متن ترجمه شده تجلی یابد. مترجمان از مقوله گروه دوم، درحین ترجمه، تصویر تجسم یافته را از آیین بیرون می‌کشند و آنرا با حذف و اضافه چنان تغییری دهند که با مشخصه‌های فرهنگی، زبانی و فردی خوانندگان مطابقت داشته باشد (ص ۱۱).

طبق نظریه "برتون" مترجم :

"... هنرمند است و نه یک برنامه‌کامپیوتری
IBM مترجم باید همدانندیک آشپزماهر
بداند که از هر ماده به چه میزان مخلوط
کند تا غذای آماده شده مطلوبیت یابد. این
امراحل تجربه و تا حدی ماهرست و حدس زدن -

تئوری‌های ترجمه و تفاوت ترجمه مکتوب و همزمان ۱۴۷

است. بدیهی است امکان خطا و اشتباه‌گریز
ناپذیر است." (ص ۱۴)

(Peter Newmark, ۲۰۲۰۲۰۲۰ پیترنیومارک (۱۹۸۱)

تئوری ترجمه و تکنیک‌های ارائه ترجمه بهتر که توسط "پیترنیو
مارک" در کتابی با عنوان "شیوه‌های ترجمه" در سال ۱۹۸۱ به طبع رسیده
جامع‌ترین تئوری ترجمه است که تا کنون ارائه شده و حاوی یک سـری
رهنمودهای ارزشمند برای مبتدیان ترجمه است. به لحاظ جامعیت آن، شرح
و بسط آن لازم می‌نماید و شایسته است که با تفضیل بیشتری معرفی گردد. به
لحاظ اهمیت آن، از حاشیه روی خودداری شده و سعی بر آن خواهد شد که نظریات
او عیناً منعکس شود. مسلماً "بیان نظریات به تنهایی گویا و رساست."

بطور کلی "نیومارک" معتقد است که ترجمه تلاشی است در جهت انتقال
مکتوب یک پیام و جان‌نشین ساختن آن پیام با عبارات و جملات به زبان مقصد
بنحوی که برابری حاصل آید. بدیهی است در تحقق این امر، "ترجمه
جاشیه دار" (over translation) یعنی افزودن شرح و بسط اضافه بر
آنچه در متن اصلی آمده است و یا "ترجمه موجز" (undertranslation)
یعنی ارائه مختصر و تلخیص از متن اجتناب‌ناپذیر است. به عبارت دیگر،
وجود عوامل مختلف حذف و اضافه را لازم میدارد. "نیومارک" این عوامل
را به صورت مبسوط بیان می‌دارد که اهم و موجزی از آن در اینجا آمده است:

- ۱- ممکن است در متن اصلی عوامل معنایی ویژه‌ای وجود داشته باشد
که با زبان مقصد برابری نداشته و تطبیق‌ناپذیر باشد.

۲- ممکن است نویسنده و مترجم از دو سیستم کاملاً متفاوت ارزش-

گذاری و نظریه‌های مختلف در باب روابط معنایی برخوردار باشند.

۳- ممکن است مترجم از سبک نوشتاری ویژه‌ای تبعیت نماید که با سبک

نوشتاری نویسنده متفاوت و یا درتغایر باشد.

۴- جامعه‌ای که متن اصلی از بطن آن تراویده ممکن است از ارزشهای ادبی، فرهنگی، اجتماعی و ایدئولوژیک متفاوتی برخوردار باشد که در پاره‌ای موارد نتواند با ارزشهای مشابه در زبان جامعه مقصدهم‌طرازی شود. "نیومارک" معتقد است که:

"...تئوری ترجمه نه یک تئوری است و نه یک شاخه علمی، بلکه به مجموعه‌ای از بینش و دانش ما اطلاق می‌شود که مترجم باید از آن در ترجمه متون سودجوید."

(ص ۱۹)

با عنایت به تعریف فوق، قطع نظر از اینکه آیا ترجمه را با دیدیک "تئوری" بدانیم و یا یک "علم" و یا هر چیز دیگری، "ترجمه" باید عوامل زیر را شامل باشد:

الف- "ترجمه" باید به تبیین یک سری اصول و ارزشهای لازم جهت ارزشیابی متون برگردان شده بپردازد و محدودیت‌های آن را برشمارد.
ب- "ترجمه" باید شیوه‌های مختلف برگردان ساختن متون را که بتوانند در بیشتر موارد (هرچند در همه موارد) مصداق یا بد معرفی نماید.
ج- "ترجمه" باید محک و معیارهای لازم را که بر پایه آنها بتوان یک متن ترجمه شده را با ترجمه دیگری از همان متن مقایسه و به انتخابی صحیح دست یافت عرضه دارد.

د- "ترجمه" باید به صورت روشن و با وضوح کامل مراحل اتخاذ تصمیم و شیوه‌های مبتنی بر اصل انتخاب اصلح را تشریح و تبیین نماید.

ه- "ترجمه" باید متکی بر اصول زبانی جهان شمول (Universally-based) باشد و باید بتواند تمام جنبه‌های معنایی، منطقی و فکی

تئوری‌های ترجمه و تفاوت ترجمه مکتوب و همزمان ۱۴۹

و فرهنگی وابسته به یک زبان منفرد و یا اصلیت جهان شمول زبان را رعایت
کند. (ص ۱۹-۱۷)

"نیومارک" دونوع ترجمه را معرفی می‌کند و معتقد است که این دونوع
می‌تواند در برگردان ساختن کلیه متون به هر شکل و به هر وجه کارساز باشد:

۱- ترجمه مراوده‌ای (communicative translation)

در این نوع ترجمه، تلاش مترجم بر آن است که دوزبان مبداء و مقصد
را رویاروی قراردادده و پیام متن اصلی را چنان در زبان مقصد با آفرینی
نماید که خوانندگان متن ترجمه شده به تاثیر همانند خوانندگان متن
اصلی را عارض گردیده دست یا بند و همان بار معنایی را لمس و درک نمایند.

۲- ترجمه معنایی (semantic translation)

در این نوع ترجمه، مترجم با تحزیه و تحلیل در زبان مبداء و مقصد
و بر مبنای محظورات (constraints) زبانی ویژه هر زبان ".....
معنای دقیق مورد نظر نویسنده" را با آفرینی می‌نماید.

(ص ۲۲)

تمایزی که "نیومارک" بین "ترجمه مراوده‌ای" در مقابل "ترجمه
معنایی" قایل است کم و بیش مشابه با تمایزی است که قدما بین "ترجمه
لفوی (literal translation)" و "ترجمه آزاد" (free translation)
فرض می‌داشتند، معه‌ذا در "ترجمه مراوده‌ای" تاکید بیشتری به ترتیب
بر "پیام" (message)، "خواننده" و بیان (utterance)
می‌شود، در حالیکه در "ترجمه معنایی" به ترتیب "معنی" (meaning)
، "روند فکری نویسنده" و "چگونگی تظاهر آن" اهمیت ویژه‌ای یا بد (ص-
۲۳). علاوه بر این "ترجمه مراوده‌ای" در تقابل با "ترجمه معنایی" ساده‌تر
، روان‌تر، منزه‌تر، مستقیم‌تر، مرسوم‌تر، با مشخصه‌های ویژه یک
زبان تطبیق پذیرتر و برخوردار از اوزان و کلمات عامه پذیر و مطلق‌تر

است. در مقابل — ل ، " ترجمه معنایی " پیچیده تر، ناهنجارتر، کم لطف تر، مبسوط تر، جزیی گرا تر و بیشتر مبتنی بر روند فکر و فارغ از پیام ضمنی متن است (ص ۳۹).

" نیومارک " ، معتقد است که در ترجمهء مراوده ای ، مترجم دست خود را در تمحیح متن و جایگزینی عبارات و ساختارهای بی روح و زمخت با واژه ها و ساختارهای شکیل و شیوا با ز ترمی یابد و از این اختیار عمل برخوردار است که به رفع ابهامات همت نماید ، حذف ، "حشو قبیح" (tautologies) کند ، اصطلاحات غیر مصطلح را تبیین نماید و اشتباهات و لغزش های سهوی و عمدی نویسنده را بزداید. اما " ترجمه معنایی " ، همواره نسبت به ترجمهء مراوده ای از متن اصلی کم مرتبه تر و در مقام انتقال معنی کم اثر تر است (ص ۴۱-۴۲).

با ایجاد تما یزوبیان و جوه افتراق بین این دو نوع ترجمه ، نیومارک پیشنهاد می کند که ترجمهء مراوده ای در موارد زیر یکا ر برده شود :

الف - متون و نوشته های غیر ادبی

ب - روزنامه نگاری

ج - مکاتبات غیر شخصی

د - تبلیغات

ه - اطلاعیه های عمومی

و - اعلانات

ز - نوشته های معمول

ح - قصص و افسانه ها

و در موارد مشروحه زیر که معادل عین عبارات مورد نظر است ، از " ترجمه معنایی " استفاده شود :

الف - متون دینی و مذهبی

ب - متون فلسفی

ج - متون سیاسی

د - متون علمی

ه - متون فنی

و - نقل قول‌ها

ز - مکاتبات خصوصی

ح - شرح حال افراد (autobiographies) (ص ۴۴)

"نیومارک" معتقد است که مترجم باید علاوه بر تسلط کافی به زبان‌های مبداء و مقصد دارای ویژگی‌های زیر باشد:

۱- از بینش و دانش در ارتباط با پیوندهای مربوط به متن‌های ادبی و غیر ادبی برخوردار باشد. در غیر این صورت مترجم نخواهد توانست از قضاوتی صحیح برخوردار بوده و بین تعابیر و تفاسیر ممکن اصلح را برگزیند. (ص ۵)

۲- دائماً "سیک نوشتاری خود را بهبود بخشد (ص ۶)

۳- از قدرت ارزشیابی در ارتباط با میزان کیفیت ادبی متن اصلی برخوردار باشد. به عبارت دیگر مترجم باید یک منتقد ادبی باشد (ص ۶).

۴- به علم منطق و کلام تبحر داشته باشد (ص ۶).

۵- به چنان قابلیت دست‌یافتی داشته باشد که بتواند از متن اصلی میزان وفاداری نویسنده را به معیارها و ارزشهای حاکم بر جامعه خود دریا بدو به مقتضای آن بهترین شیوه ممکن را در زبان مقصد اعمال نماید تا پیام نویسنده بی‌خدشه انتقال یابد.

۶- به صنایع بدیعی و صناعات ادبی و نیز حالات مختلف معانی تمثیلی و مجازی و نیز فنی عبارات و اصطلاحات آشنا باشد.

۷- بین معانی اولیه (primary meaning) یعنی آن

دسته از کلمات که با معانی معمول در بین افراد جامعه مرسوم و جاری است و معانی ثانویه یا (secondary / collocational) یعنی آن دسته از کلمات که با معنایی متفاوتی داشته و در همجواری کلمات دیگر تبیین بیشتری یا بندتما یز قایل شود. برای مثال بدانند که در انگلیسی افعال مختلف در ارتباط با اشیاء مختلف بکار می‌روند و معانی خاص خود می‌یا بندند که این ارتباط الزاماً "در زبان دیگری (مثلاً) فارسی" مصداق عینی نمی‌باشد و در صورت متفاوت است. این عبارات در محور هم‌نشینی مفاهیم خاص خود را می‌یا بندند. در انگلیسی در مقابل فعل فارسی "شکستن" افعال ویژه‌ای بنا به مورد بکار می‌رود:

"crack"

شکستن پسته / فندق و امثالهم

"infringe"

شکستن قانون

"break"

شکستن (در موارد عام تر)

بطور کلی مترجم باید بین معانی هسته‌ای (core) و "پیرامونی" / حاشیه‌ای (peripheral) تمایز قایل شود.

(ص ۲۷-۳۰)

۸- با تکنیک‌های زیر آشنا باشد:

الف- استنساح / سواد برداری (شامل استفاده از کلمات قرظی،

اقتباسی و عبارات منتقل شده)

ب- ترجمه واژه به واژه

ج- ترجمه عاریه‌ای (loan - translation) که در آن یک

واژه از زبان مقصد دقیقاً " بجای واژه معادل از زبان مبدا قرار می‌گیرد
مثل عبارت " کره القدم" که در عربی در مقابل با عبارت انگلیسی

football بکار رفته است.

د- استفاده از مترادف‌های واژگانی یعنی ترجمه با استفاده از برابر

تئوری‌های ترجمه و تفاوت ترجمه مکتوب و همزمان ۱۵۳

هایی از زبان مقصد که معادل نزدیک و دقیق عبارت در زبان مبدأ باشند.

ه - تجزیه و تحلیل مشخصه‌ها (componential analysis)

و - نحوه تعدیل (modulation) نظریات و تغییرات در نقطه

نظرها .

ز - جبران (compensation) کاستی‌های معنایی که عنداللزوم

در حین ترجمه حادث می‌شود .

ح - تبیین و تفسیر پر دای

ط - تاویل (paraphrasing) عبارات و جملات

ی - ارائه شرح تفصیلی (expansion) یا چگونگی رفع

ابهامات با استفاده از شیوه بسط و گسترش نکات دستوری و نحوی

ک - استفاده از کلمات و عبارات مخفف جهت دوری جستن از تکرار مکررات

برای مثال : استفاده از کلمه "آنا تومی" بجای تکراری "شمر" علم

آنا تومی "

ل - نحوه بازآرایی (rearrangement) تسلسل و قایع در

طول متن

م - واژه آفرینی (coining) یا خلق واژه‌های جدید

و بالاخره "تیومارک" توصیف می‌کنند، در ترجمه متون، مترجم مراحل

زیرا با دقت دنبال نماید. مترجم باید :

۱- مطمئن شود که متن را بخوبی فهمیده، به قصد نویسنده از نوشتن متن

و قصد خواننده از خواندن آن پی برده و بدانند که خوانندگان متن ترجمه شده

از کدام طبقه اجتماعی و به کدام گروه شغلی و حرفه‌ای متعلق خواهند بود.

از طرفی بدانند که فی‌المثل خوانندگان بیشتر از طبقه نسوان هستند یا

رجال (ص ۲۱).

۲- قبل از دست زدن به ترجمه، متن را به دقت خوانده و بدانند که آیا

سبک نوشتاری نویسنده از مقولهٔ بیانی (expressive) "توصیفی" (descriptive)، "خبری"، (informative) و یا "ندایی" (vocative) است. (ص ۲۳).

۲- بدانند که کدامیک از اصطلاحات بکار رفته طعنه آمیز و یا خالی از مفهوم است و علت بکارگیری آنها توسط نویسنده چه بوده است.

۴- با عنایت به متن، بدانند که کدامیک از جنبه‌های معنایی اعم از "زبانی" (linguistic)، "اشاره‌ای" (referential)، "اجرایی" (performative)، فرهنگی (cultural)، "قیاسی" (inferential)، ضمنی (connotative) و یا "کاربردی" (pragmatic) باید بکار برده شود.

۵- بتوانند بر بخش‌هایی از متن که مبهم و غامض است تفسیر صحیح بگذارند. (ص ۲۶)

و بالاخره

۶- مترجم باید بدانند که در بافت اصلی متن، نقش آفرینان کدام‌اند حاصل عمل بر چه کسی وقوع یافته، چه کسی از آن عمل متاثر شده، عمل در کجا واقع گردیده، چگونه روی داده و نتیجه آشکار و پنهان آن چه بوده و نیز چه علتی بر حدوث آن عمل مترتب بوده است (ص ۲۷).

۲۰۲۰۲۰۲۱ خلاصه ترجمه در قرن بیستم

اگر سیر تکامل تئوری ترجمه را پی‌گیری نمایم به این نکته می‌رسیم که یک اصل کلی از دیرباز تا به قرن بیستم مورد عنایت بوده و آن اصل معنایی است که به "مدل دوروی یک سکه ارسطو" (dualistic Aristotelian model) معروف است. در قرن بیستم، این نظرگاه مورد امعان نظری بیشتر قرار گرفت و از سوی دو گروه به زیر سؤال کشیده شد:

۱- ساخت گرایان

که نظراً رسطوراً مردود دانسته معتقد نبودند که "نشانه‌ها معانی را پدید نمی‌کشند" پس باردا این نظریه این مقوله پر داختند که مترجم باید متن اصلی را طوری ترجمه و با زآفرینی نماید که برانگیزاننده همان اثری باشد که آن متن درجا معه اصلی خود داشته است .

۲- پیروان مدلی که "روش همخوانی با بافت مبدأ (contextual situation) نام گرفت .

این دسته برای این نظر نبودند که ترجمه باید به اندازه‌ای خوب بوده و کار آیی داشته باشد که بتواند با بافت اجتماعی مشابه با آنچه خوانندگان اصلی از آن برخوردار بوده‌اند مناسبت داشته باشد .

(کلی ۱۹۷۹:۲, Kelly)

۳۰- ترجمه ماشینی

نقش مهمی که تا کنون کامپیوتر در ایجاد تحول در زندگی انسانها داشته و کاربرد وسیع آن در جهان تکنولوژی موجب آن شده است که خبرگان با اختراع و تکمیل کامپیوتری که بتواند از یک زبان به زبان دیگر ترجمه کند بیندیشند و در خلق آن بکوشند. این نیاز و شاید آرزو، هرچند هنوز در حد ایده آل و یک آرزوی بلند نظرانه است، از سوی کسانی که در این زمینه تجربه‌ای ندارند یک امر تخیلی فرض شده که وقوع آن امکان پذیر نخواهد بود. آنها معتقدند که ماشین ترجمه یک پدیدهٔ تجملی و غیر ضروری است که در بسیاری از موارد کارآیی نخواهد داشت. معیذاً برای این نکته باید اذعان داشت که هم این نیاز و هم فکر و اندیشهٔ توسعه کامپیوتر در جهت ترجمهٔ متون واقعیت‌های ملموس و انکارناپذیرند. پیشرفتهایی که در این زمینه مخصوصاً "در دهه ۱۹۸۰- تحقق یافته بسیار امیدوارکننده و نزدیک به هدفهای مورد نظر است. البته هنوز مشکلاتی بر سر راه است که باید برطرف گردد. به عبارت دیگر، تا کنون کامپیوتری اختراع نشده است که بتواند تمام کار ترجمه را از آغاز تا فرجام انجام داده و بطور کامل جایگزین نقش مترجمان باشد و بتواند را "به ترجمه اقدام کند. نیروی مترجم متخصص هنوز قرب و منزلت خود را دارد و هیچکس فکر نمی‌کند که کامپیوتر بتواند جای نشین مغز پیچیدهٔ انسان شود.

تئوری‌های ترجمه و تفاوت ترجمه مکتوب و همزمان ۱۵۷

در این بخش، سعی بر آن است تا خوانندگان را با اطلاعات جامعی در مورد فعالیت‌هایی که در زمینه ترجمه ماشینی انجام یافته آشنا سازیم. تقریباً انواع عمده کامپیوترهایی که کار ترجمه انجام می‌دهند معرفی خواهند شد و شرح مختصری از نحوه عملکرد برنام‌هایی که تا کنون فراهم آمده ارائه خواهد گردید. چهار برنام کامپیوتری که به طرح‌های اروپا، ژاپن، آمریکا و کانادا معروفند معرفی خواهند شد. در این بخش، به نقش تئوری‌های زبانشناسی و تاثیر آنها در ترجمه ماشینی اشاره خواهد شد.

۳۰۱ تاریخ ترجمه ماشینی

در اوایل دهه ۱۹۴۰ اندیشه‌ای نضج گرفت و این تصور پیش آمد که چون مترجمان با سهولت به ترجمه متون مختلف می‌پردازند بنا بر این ترجمه متون به آسانی از عهده ماشین برمی آید و علی القاعده ترجمه ماشینی نباید امر مشکلی باشد. حدود بیست سال تئورسین‌های ترجمه اندیشه خود را به این امر متوجه ساختند. تصور بر این بود که حداقل کاری که ماشین می‌تواند انجام دهد ایجاد تسهیلات در کار مترجمان است مشروط بر آنکه طراحی‌های دقیقی صورت پذیرد. به عبارت دیگر، محققان معتقد بودند که ماشین‌های ترجمه و یا کامپیوتر می‌توانند بخشی از بار سنگینی را که مترجمان بردوش می‌کشند بر عهده گیرند. برای مثال انتظار داشتند که برنام‌های کامپیوتری:

۱- به سرعت ترجمه بی‌فزا بیند و میزان دقت و کارآمدی آن را بالا ببرند.

۲- با روند فکری مترجمان تطبیق یا بدو مرحله‌ای را که انسان در ترجمه

یک متن طی می‌کند پی‌گیرد.

۳- لغات و معادل‌هایی را که مترجم نیاز دارد و قسمت اعظم وقت خود را به

آن اختصاص می‌دهد بیاورد و از مشکل ریشه‌یابی لغات و معانی متعدد برخی

از کلمات برهاند.

(نایرنبرگ ۱: ۱۹۸۷, Nirenburg)

تلاشهای اولیه در این زمینه چندان رضایت بخش نبود. معهذاً شمره آن به پیشرفت تئوریهای زبانشناسی انجاء میدوپایه های آنچه را امروز آن با عنوان "کمپیوتروزبانشناسی" (Computational Linguistics) و "شیوه های آموزش زبان با استفاده از کمپیوتر" (Computer-assisted Language Teaching and Learning) یاد میکنند بنیاد نهاد.

ماشین ترجمه بوسیله یک دانشمند انگلیسی به نام دونالد بوث (Donald Booth) اختراع شد. این ماشین که به دنبال وقایع مربوط به جنگ جهانی دوم ساخته شد حاصل نیازی بود که به کسب اطلاعات بیشتر وجود داشت. بدیهی است پیشرفت های صنعتی نیز در پیدایش آن بی اثر نبود. ماشین ترجمه از ابتدا با انتقادهای شدیدالحنی روبرو گردید. دکتر نوربرت واینر (Norbert Wiener) از موسسه تحقیقاتی و تکنولوژی ماسوچتسایتس این پدیده را به زیر سؤال کشید و اظهار داشت که این ماشین نمیتواند اهداف ترجمه را تامین نماید. نامبرده معتقد بود زبانهای مختلف علاوه بر روابط نحوی و معنایی از با احساسی و عاطفی نیز برخوردارند و این ماشین قطعاً نخواهد توانست به تجلی آنها بپردازد (رونالد ۱۱: ۱۹۸۲, Ronald). علاوه بر این حاصل ماشین ترجمه هر چه باشد با شیب مجدداً به وسیله مترجمان تصحیح شود.

در سال ۱۹۳۳، شخصی بنام پی. پی. ترویانسکی (P.P. Troyansky) کوشیده بود که ترجمه را به صورت مکانیزه در آورد ولی در این کار موفقیت چندان نیافت.

در سال ۱۹۵۴، در دفتر سازمان بین المللی خدمات ماشینی در امر

تئوری‌های ترجمه و تفاوت ترجمه مکتوب و همزمان ۱۵۹

تجارت واقع در نیویورک، برای اولین بار، با استفاده از ماشین IBM-701 آن موسسه ترجمه ماشینی متون از روسی به انگلیسی انجام یافت و عملکرد آن بمعرض تماشا گذاشته شد. (پانوف، ۱۹۶۰) (Panov, 1960)

در سال ۱۹۶۶، از کامپیوتر جهت پیدا کردن لغات و واژه‌های مورد نیاز مترجمان استفاده شد. عملکرد آن به شرح زیر بود:

- ۱- مترجم متنی را که باید ترجمه شود به دقت می‌خواند و زیر لغاتی را که معادل آنها را در زبان مقصد نمی‌داند خط می‌کشد.
- ۲- پانچ‌یست لغات زیر خط دار را روی کارت‌های مخصوص پانچ می‌کرد.
- ۳- کارت‌های پانچ شده به کامپیوتر سپرده شده و کامپیوتر در مقابل هر کلمه سه‌الی‌چهار واژه معادل را که می‌توانست مورد استفاده مترجم قرار گیرد ارائه می‌نمود:

(آکادمی ملی علوم ۲۶:۱۹۶۶)

۳۰۲ سیستم‌های کامپیوتری موجود

سیستم‌های کامپیوتری متعدد و هر کدام وظیفه خاصی را انجام می‌دهند. بدیهی است عملکرد آنها در بسیاری جهات مشابه است اما آنچه آنها را از یکدیگر متمایز می‌سازد ویژگی‌هایی فردی است که هر کدام دارند. بطور کلی همه کامپیوترها می‌توانند متنی را بر صفحه خود ظاهر سازند، سئوالاتی را مطرح نمایند، پاسخ‌های دریافت شده را مورد ارزشیابی قرار داده صحت یا عدم صحت آنرا تأیید نمایند و در برنام‌های آموزشی نتایج و نمرات دانشجویان را در حافظه خود نگهدارند. عملیاتی که توسط کامپیوتر انجام می‌گیرد اصطلاحاً " عملیات کاربردی (instructional operations) " و آنچه را مترجم استاد و یاداندگان انجام می‌دهد

"عملیات شناسنده" (Cognitive Operations) می نامند
(Hart, ۱۹۸۶:۴)

در این قسمت ، سیستم های کامپیوتری که تا کنون در ترجمه ، آموزش زبان و یادگیری زبان مورد استفاده قرار گرفته معرفی می شوند . بدیهی است ، در هر قسمت به برنامہ ریزیهای فراوان نیاز است .

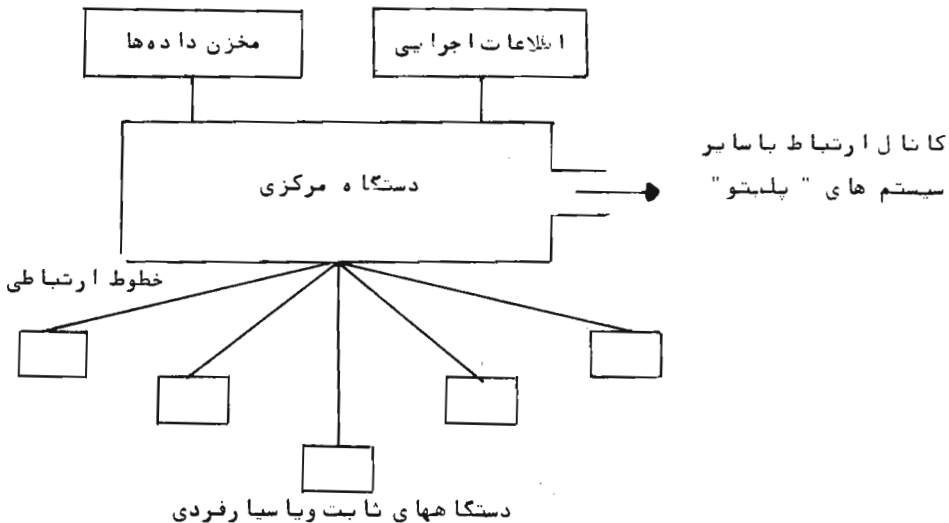
۳۰۲۰۱ سیستم پلیتو / افلاطونی (The Plato System)

این سیستم از دو بخش عمده زیر تشکیل یافته است :

۱- یک دستگاه مرکزی که در آن تمام اطلاعات ، برنامه ها و واژگانهای مورد نیاز ضبط و نگهداری می شود .

۲- یک سری دستگاههای ثابت و یا سیار (terminals) که در دسترس محققان و دانشجویان قرار می گیرد و به دستگاه مرکزی متصل است . دستگاه مرکزی (Mainframe) نیز میتواند به دستگاههای مرکزی دیگر متصل گردد و از اطلاعات آنها استفاده نماید .

"هارت" (Hart, ۱۹۸۸) عملکرد سیستم "پلیتو" را در نمودار زیر ترسیم داشته است :



الف- چون اطلاعات و عمده‌ها را در بخش دستگاه مرکزی انجام می‌گیرد رفع موانع فنی کارچندان مشکلی نیست .

ب- اطلاعات ذخیره شده می‌تواند در دسترس تمام محققان قرار گرفته‌و-

اگر داده‌ها و سایر موارد دنیا زگسترش یا بددر سطح جهان مورد بهره‌برداری قرارگیرد .

ج- مخازن اطلاعاتی که در دستگاه‌های مرکزی تعبیه و نگهداری می‌شود

این امکان را به محققان می‌دهد که از اطلاعات وسیعی بهره‌مند گردند .

د- می‌توانند در نظام آموزش از راه دور مصدر خدمات ارزنده‌ای باشد .

الف- هزینه آن بسیار سنگین است .

ب- اگر دستگاه مرکزی دچار نقص فنی عمده‌ای بشود، کار تحقیق دچار وقفه

خواهد شد .

در این سیستم دستگاه مرکزی وجود ندارد . در عوض دستگاه‌های کامپیوتر

فردی (micro-computer) وظیفه اصلی را عهده‌دارند . اطلاعات

لازم و یا برنامه‌های آموزشی بر روی نوارهای مخصوص (floppy disks)

ضبط است . محققان از این نوارها که مواد نرم افزار (software)

(materials) خواننده می‌شوند جهت تلقین فرامین استفاده می‌کنند

و بر مبنای همین برنامه‌ریزیها کامپیوتر به انجام دادن عملیات می‌پردازد .

این سیستم در آموزش و یادگیری زبان کاربرد چندانی ندارد زیرا معلم

می‌تواند نحوه عملکرد دانش‌آموز را کنترل نماید . معهدا برای محققانی

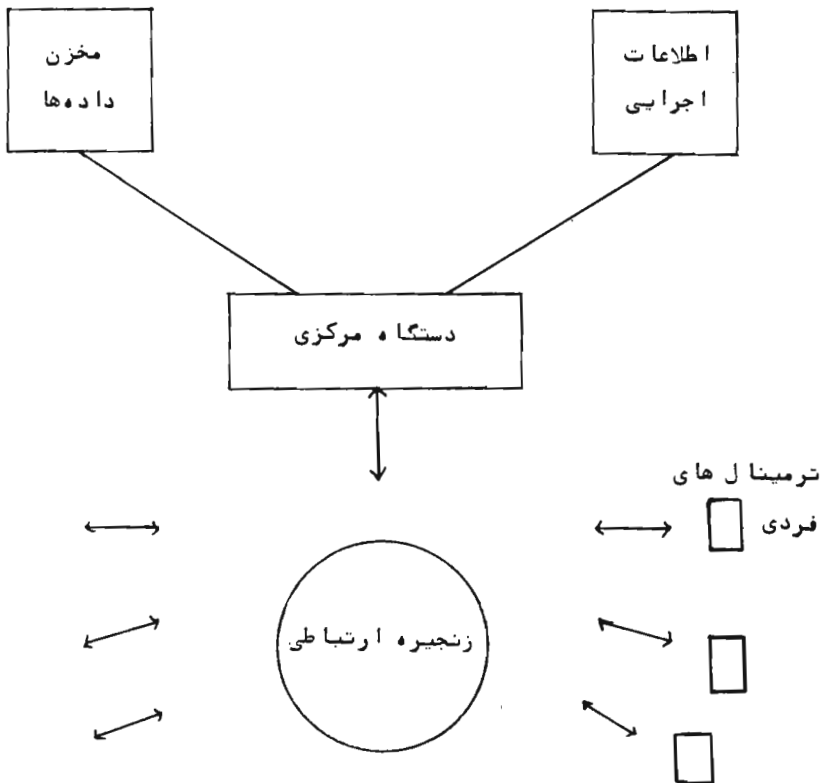
که علاقه‌مند به کارهای انفرادی می‌باشند سیستم ایده‌آلی محسوب می‌شود

فوق العاده ارزان و به سهولت قابل استفاده است .

۳۰۲۰۳ سیستم شبکه ارتباطی محدود و سیستم شبکه ارتباطی گسترده

(Local - area, and wide network)

در این سیستم ، تعداد نا محدودی ترمینال های فردی وجود دارد که می توانند مستقلانه عمل نمایند و یا در یک شبکه زنجیره ای به دستگاه های مرکزی متصل گردند . از یکسو می توانند اطلاعات مورد نیاز را بر روی نوارهای مخصوص ضبط و بعداً مورد استفاده قرار دهند و از سوی دیگر می توانند ضمن ایجاد تماس با دستگاه های مرکزی اطلاعات بیشتری کسب و بر روی نوارهای خود ضبط نمایند . نمودار زیر عملکرد این سیستم را نشان می دهد .



تئوری‌های ترجمه و تفاوت ترجمه مکتوب و همزمان ۱۶۳

این سیستم را می‌توان به سیستم ارتباطات بین‌المللی متصل ساخت ، مزایای سیستم " پلیتو " و سیستم شبکه‌ای ارتباطی محدود و گسترده در این سیستم یکجا جمع است . برای مثال اگر سیستمی شبیه به آن در ایران تعبیه شود ، می‌توان از طریق خطوط تلفنی بین‌المللی از آخرین پدیده‌های علمی مقالات و کتب مطلع و آنچه را مورد نیاز است در یک زمان نسبتاً " کوتاه ضبط و مورد استفاده قرار داد .

۳۰۲۰۴ شیوه‌های ترجمه ماشینی

سیستم‌های ترجمه ماشینی که در حال حاضر خدمت بشر قرار دارند متنوع و گوناگو نند . بعضی ساده‌اند و تنها در موارد جزئی مترجمان را مدد می‌دهند . تعدادی از آنها فوق‌العاده پیچیده و بخش عمده‌ای از باری را که بر دوش مترجم قرار دارد به عهده می‌گیرند . نقش مترجم تنها نظری اجمالی و تصحیح احتمالی متن ترجمه شده است (کاربونل ۱۹۸۷:۷۰ Carbonell) .

۳۰۲۰۴۰۱ شیوه کمکی در ترجمه

یکی از مشغله‌های وقت‌گیر مترجم پیدا کردن معادل‌های مناسب از زبان مقصد جهت جایگزینی عبارات متن اصلی از زبان مبدا است . در این مورد کامپیوتر به کمک مترجم شتافته و این بخش از فعالیت را بخوبی انجام می‌دهد . مترجم با استفاده از کامپیوتر نیازهای واژگانی خود را مطرح می‌سازد و کامپیوتر با تفحص و استفاده از ذخایر واژگانی در زبان مقصد یک سری معادل‌های مناسب را با قید اولویت عرض می‌دهد و مترجم را در انتخاب کلمه و یا عبارت اصلح یاری می‌نماید . بدین ترتیب مترجم در مقابل یک عبارت از زبان مبدا چندین کلمه و یا عبارت از زبان مقصد و معانی وابسته به آنها را می‌یابد و به انتخاب صحیح دست می‌زند .

در این شیوه^۶ ترجمه ، مترجم همچنان نقش عمده را ایفا می کند و بر تمام مراحل و روند ترجمه نظارت مطلق دارد . کاری که کامپیوتر می کند ایجاد تسهیلات بیشتر و کمک به مترجم در واژه یابی است چه در غیر این صورت مترجم باید قسمتی از وقت خود را به این امر فوق العاده مهم اما در ظاهر بی اهمیتی اختصاص دهد .

۳۰۲۰۴۰۲ شیوه اصلاح پایانی (The post-editing approach)

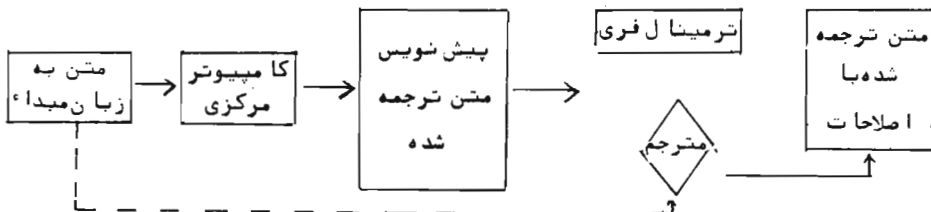
در این شیوه ، تقریباً " قسمت های عمده^۶ مراحل ترجمه توسط کامپیوتر انجام می گیرد . نقش مترجم خواندن متن ترجمه شده که توسط کامپیوتر انجام یافته است می باشد . مترجم تنها به تصحیح احتمالی متن می پردازد و آنرا ویراستاری می کند . برای آنکه متنی از یک زبان به زبان دیگر ترجمه شود مراحل زیر انجام می گیرد :

الف - متن اصلی به طریقی تایپ و نوشته می شود که کامپیوتر بتواند آنرا بخواند .

ب - متنی که به صورت زبان کامپیوتر نوشته شده به کامپیوتر تلقین شده و عملیات ترجمه آغاز می شود .

ج - پیش نویس ترجمه که توسط کامپیوتر انجام یافته به همراه مطابقت های متن اصلی در اختیار مترجم قرار می گیرد و مترجم متن را ویراستاری می نماید .

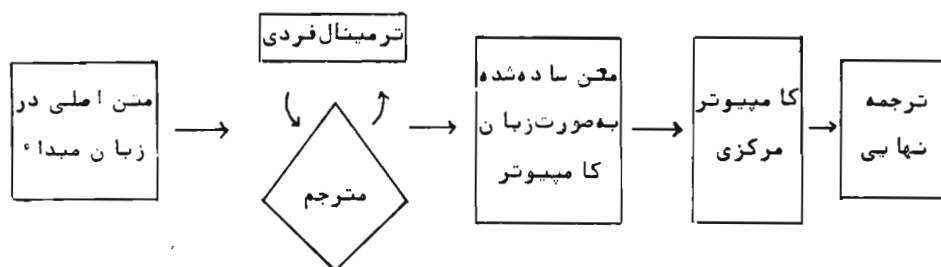
نمودار زیر مراحل مختلف ترجمه برای این شیوه را نشان می دهد :



تئوری‌های ترجمه و تفاوت ترجمه مکتوب و همزمان ۱۶۵

۳۰۲۰۴۰۳ شیوه اصلاح اولیه

در این شیوه، قبل از آنکه متن اصلی به صورت زبان کامپیوتر نوشته شود تا مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد، مترجم قسمت‌های عمده را ترجمه می‌نماید و ابهامات نحوی و معنایی را برطرف می‌کند. سپس متن ساده شده به زبان کامپیوتر نوشته می‌شود و در جریان ترجمه قرار می‌گیرد. کامپیوتر ترجمه متن را انجام داده و متن پاک‌نویس شده تحویل می‌گردد. در طول عملیات مترجم می‌تواند اطلاعات تازه‌تری به دستگاه تزریق نماید و یا اطلاعات مضبوط را از کامپیوتر دریافت نماید. نمودار زیر مراحل مختلف و نحوه ترجمه را در این شیوه نشان می‌دهد:

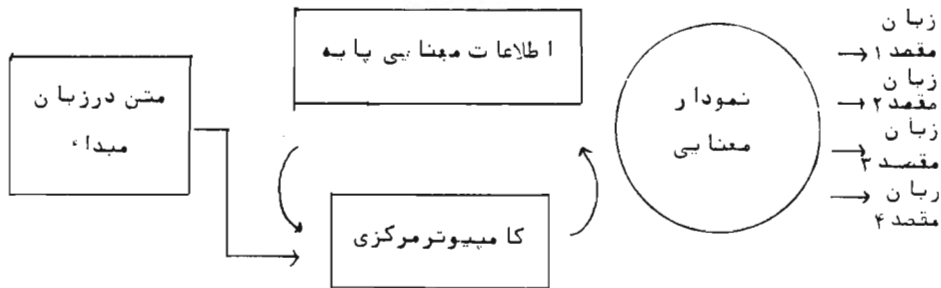


۳۰۲۰۴۰۴ شیوه تبدیلی به اطلاعات پایه

(The knowledge - based Approach)

در این شیوه که به اختصار "کام، بی، تی" خوانده شده است، ماشین ترجمه (یا درحقیقت کامپیوتری که کامپیوتر را انجام می‌دهد) متن اصلی را با نوع تجسم آزاد معنایی (free-meaning representation) تطبیق می‌دهد. در این مرحله از نکات غامض و مشکل‌زایی معنایی چون مرجع‌یابی ضمیر (چه به صورت پس‌مرجعی cataphoric) چه در وجه "پیش‌مرجعی" (anaphoric) رفع ابهام می‌گردد و روابط نحوی و پیچیدگی‌های درون نحوی حاکم بر متن روشن می‌شود. حاصل این مرحله

نموداری است معنایی از متن اصلی که از نظر معنایی غنی ولی از نظر صورتی پیرایش نایافته است. در مرحله بعد این نمودار معنایی با صور مختلف زبانهای متفاوت تطبیق می‌یابد و در ترجمه را با توجه به این شیوه می‌توان چنین ترسیم نمود:



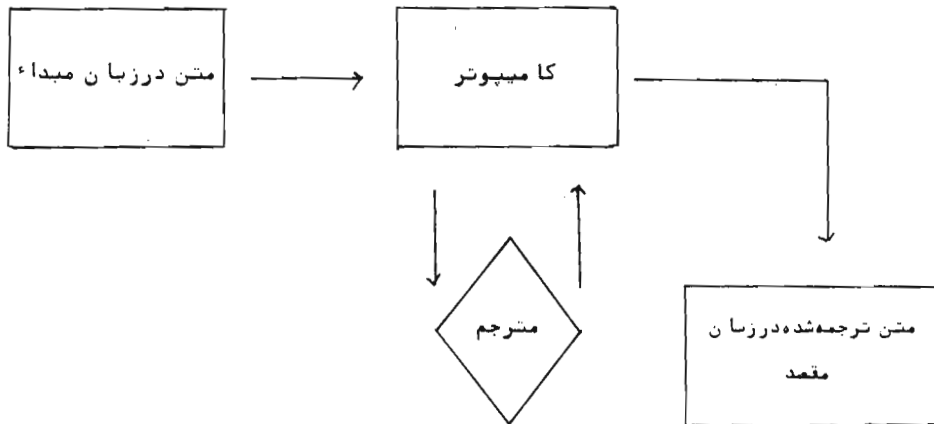
عیب عمده این شیوه آن است که حاصل ترجمه بیشتر به نوعی تاویل (paraphrasing) مانند است و کمتر در قالب ترجمه تعبیر پذیر است. بدین ترتیب، احتمالاً به کار ترجمه اشعار نمی‌آید زیرا در ترجمه شعر تسلسل و نظم کلمات نیز تعبیر خاص خود را دارند.

۳۰۲۰۴۰۵ شیوه انفعالی متقابل (The interactive approach)

در این شیوه، مترجم و یا شخصی که از کامپیوتر استفاده می‌کند، با کامپیوتر شخصی خود در ارتباط است و می‌تواند پیامی را به کامپیوتر بدهد و یا پیامی را از آن دریافت نماید. بدین ترتیب، مترجم متنی را به زبان اصلی به کامپیوتر تزریق می‌نماید که کامپیوتر نکات ابهام را شناسایی و از مترجم سؤال می‌کند و مترجم یا اهل زبان نیز پاسخ لازم را به کامپیوتر می‌دهد و اطلاعات لازم را می‌رساند. پس از طی مراحل انتقال معنایی و رفع ابهامات کامپیوتر معادل متن اصلی را به یک زبان خارجی عرضه می‌دارد. این متن نیازی به ویراستاری مجدد ندارد.

تئوری‌های ترجمه و تفاوت ترجمه مکتوب و همزمان ۱۶۷

طریقه و شیوه عملکرد آن به شرح زیر است :



یکی از معایب عمده این شیوه (همانند سیستم "ک، بی، ام، تی") بازده کار بدون انجام ویراستاری مجدد است و بنظر می‌رسد که عدم دخالت مترجم در مرحله پایانی نقائصی را بر ترجمه انجام یافته باقی خواهد گذاشت. مثالهای زیر نشان می‌دهد که این سیستم چگونه کار می‌کند و چگونه ماشین می‌تواند با پیگیری مرحله‌ای و با توسل به شیوه انفعالی متقابل به رفع ابهامات ترجمه بپردازد. تصور کنید متنی از زبان فارسی برای ترجمه به ماشین تحویل گردد و در آن کلمه "ساعت" بکار رفته باشد و هدف آن باشد که این متن به انگلیسی ترجمه شود. بدیهی است در حافظه کامپیوتر کلمات چندگانه زبان انگلیسی که برابر با این کلمه فارسی قرار می‌گیرند ضبط شده است. کامپیوتر با استفاده از اطلاعات ضبط شده که در حافظه دارد به مترجم و با استفاده کننده از کامپیوتر به شیوه زیر ارتباط می‌یابد:

بر صفحه کامپیوتر این جملات ظاهر شود :

کلمه "ساعت" در این متن معنی :

الف - وسیله‌ای را دارد که زمان را نشان می‌دهد و شخصی آن را برمی‌سج

خویش می‌بندد.

ب - وسیله‌ای داده که زمان را نشان دارد و بردیوار آویزان می‌کنند .

ج - ۶۰ دقیقه را می‌دهد .

د - راس زمان را دارد .

معادل صحیح را انتخاب نمایید .

مترجم انتخاب صحیح را بر می‌گزیند و به کامپیوتر اطلاع می‌دهد . کامپیوتر با اطلاعات قبلی به ترتیب کلمات hour, clock, watch و o'clock را در ترجمه متن با زآفرینی می‌کند .

مثال دیگری می‌تواند در مورد ضمیر سوم شخص مفرد باشد . در زبان فارسی از

سوم شخص مفرد جنسیت ادزاک نمی‌شود و یا به عبارتی برای ضمیر She , He انگلیسی معادل "او" بیان مطلب می‌کند .

بر صفحه کامپیوتر این جملات ظاهر می‌شود .

در این متن ، کلمه " او " به مرجع زیر مربوط می‌شود .

الف - دختری که نام اش "زهرا" است

ب - پسری که نام اش " رحیم " است .

ج - پسری که در محوطه مشغول بازی کردن است .

معادل صحیح را انتخاب نمایید .

با برگزیدن انتخاب صحیح توسط مترجم و یا استفاده‌کننده از کامپیوتر ، ماشین مطابق با شیوه مذکور در مثال یک معادل صحیح را در ترجمه متن منظور می‌نماید .

این شیوه در ترجمه متونی که ابهام کمتری داشته و از متون ساده‌تری

برخوردارند کارایی قابل توجهی داشته است . با زده این شیوه در مقابل با

شیوه‌های دیگر از دقت عمل بیشتری برخوردار بوده است . به لحاظ نقیص

مترجم در دادن اطلاعات لازم ، متن ترجمه شده از زیارتاری بهتری بر

خوردار است .

تئوری‌های ترجمه و تفاوت ترجمه مکتوب و همزمان ۱۶۹

تا کر (Tucker) مثال جالبی را ذکر می‌کند که تکرار آن خالی از لطف نیست (۷۸: ۱۹۸۷). در حین ترجمه، کامپیوتر با جمله‌ها مبهم می‌شود (ambiguous sentence) زیرا بروشده است:

I saw a man and a woman with a telescope

1. "a man" and "a woman"

2. "a man" and "a woman with telescope"

Number?...

1. The action "saw" takes place "with a telescope"

2. "a man and a woman" are "with a telescope" Number?...

مترجم انتخاب صحیح را با ذکر شماره مورد نظریه کامپیوتر دیکته می‌کند.

این سیستم را ژاپنی‌ها ساخته و به توسعه آن پرداخته‌اند.

نوع دیگری از این شیوه به "چندگانگی متن مبدا" (Bypassing)

source text) شهرت دارد. کامپیوتر به سیستم پیچیده‌ای مجهز است

که می‌تواند یک سری سئوالات پیچیده را مطرح و پاسخ دریافتی را که به آن

تلقین می‌شود درک نماید. سیستم نحوی و معنایی زبان‌های مختلف به کامپیوتر

قبلاً داده شده و در حافظه آن محفوظ است. نحوه عملکرد آن به شیوه‌ای

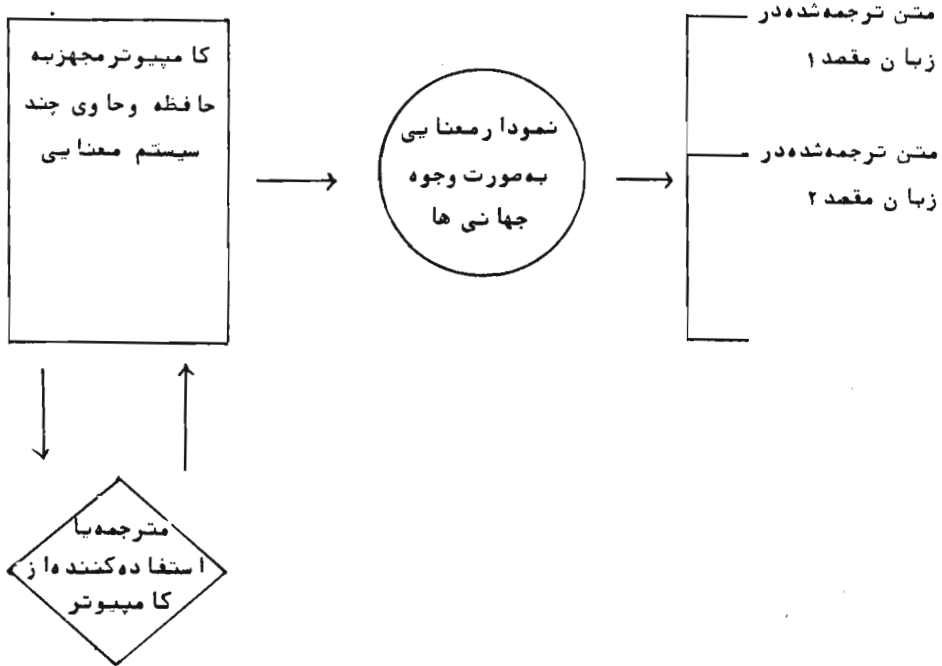
است که در نمودار زیر آمده است:

(س-ک) بجای سؤال از سوی کامپیوتر (پ-الف) بجای پاسخ استفاده

کننده از کامپیوتر بکار رفته است.

س-ک: زبان مبدا را مشخص نماید.

پ-الف: فارسی / انگلیسی / روسی / آلمانی و غیره



س - ک : زبان مقصد را مشخص نمائید .

پ - الف : ترکی / آلمانی / روسی و غیره

س - ک : موضوع نامه ای که قصد به نوشتن دارید :

الف - تغییر محل سکونت

ب - تشکر بخاطر هدیه ارسالی

ج - دعوت

د - تبریک سال جدید

انتخاب ...

(پ - الف انتخاب صحیح را تایپ می نماید .)

س - ک : آدرس شما چیست ؟

پ - الف : (آدرس تایپ می شود)

س - ک : آدرس گیرنده ؟

تئوری‌های ترجمه و تفاوت ترجمه مکتوب و همزمان ۱۷۱

پ- الف : آدرس تا بیپ می‌شود . .

بقیه عملیات توسط کامپیوتر انجام می‌گیرد و متن ترجمه شده در اختیار متقاضی قرار می‌گیرد .

۳۰۲۰۵ استراتژی‌های موجود در فن ترجمه ماشینی

در دهه گذشته ، سه استراتژی مهم در ترجمه ماشینی مرسوم بوده و در حد وسیعی مورد بهره‌برداری قرار گرفته است . یکی نسبتاً " بدوی ترودو- تای دیگر نسبتاً " جدیدترند . این سه عبارتند از :

۳۰۲۰۵۰۱ استراتژی مستقیم در ترجمه ماشینی :

این استراتژی به شیوه‌ای تدوین یافته که داده‌ها پس از طی مراحل مختلف که غالباً " به ده مرحله بالغ می‌شود به پرداخته‌ها (outputs) تبدیل می‌شوند . اما شیوه عملکرد آن چنین است که پرداخته و یا بازده مرحله اول به عنوان داده مرحله دوم قلمداد گردیده و این روند تا آخر مرحله پایانی تسلسل می‌یابد . پرداخته نهایی که از تسلسل زنجیره‌ای حاصل می‌شود برگردان معادل متن اصلی در زبان مقصد است . تاکر (۱۹۸۷:۲۳) Tucker) این مراحل را به شرح زیر ردیف می‌نماید :

ماشین ترجمه :

۱- عبارات و واژگان مورد نیاز را یافته و تجزیه و تحلیل واژگانی آنها را انجام می‌دهد .

۲- متشابهات نوشتاری (homographs) را شناسایی می‌کند

۳- گروههای اسمی مرکب را شناسایی می‌کند .

۴- گروههای اسمی را از گروههای فعلی بازمی‌شناسد .

۵- عبارات اصطلاحی را می‌یابد .

۶- حروف اضافه را شناسایی و حدود و شفوکارآیی آنها را ردیابی می‌کند .

۷- درجملات موجود مبتدأ را از خبر یا زمی شناسد .

۸- موارد ابهام را درجملات ردیابی می‌کند .

۹- اطلاعات به دست آمده را به صورت صورت‌نوشتاری در زبان مقصد معادل

سازی می‌نماید .

۱۰- در متن ترجمه شده مقصدتغییرات لازم را تعبیه می‌نماید .

این استراتژی بدواً "در دانشگاه جورج تاون (Georgetown)

مورد استفاده قرار گرفت و در ترجمه متون از روسی به انگلیسی و بالعکس

بسیار موثر بوده است .

تا کر (Tucker) معتقد است که در این استراتژی ، نقش انسانی پس

از عملکرد ماشین ترجمه وسعت بسیار دارد و بدون تجدیدنظر وافی مترجم ،

پرداخته‌های ماشین ترجمه نمی‌توانند چندان قابل توجه باشد . ایشان معتقد

است که این استراتژی در مقایسه با سایر استراتژی‌های موجود به ویژه در مورد

متون غامض و پیچیده از کارآیی چندان برخوردار نیست . (۱۹۸۷:۲۹)

۳۰۲۰۵۰۲ استراتژی انتقالی (Transfer Strategy)

این استراتژی اولین بار بوسیله گروه "گرونوبل" (Grenoble)

در سال ۱۹۷۵ و پس از آن بوسیله گروه "ساربروکن" (Sarbrucken)

در سال ۱۹۸۴ بکار گرفته شد و عمدتاً "هریک روندسه مرحله‌ای متکی است . در

مرحله اول ، جمله زبان مبدا به اجزاء و مشخصه‌های ژرف ساختی معنایی

خود تقسیم می‌شود . در مرحله دوم ، الگوهای واژگانی و ساختاری به صورت

برابرهایی خود در زبان مقصد معادل سازی می‌شود . در پایان مرحله سوم ،

متن ترجمه شده توسط ماشین ترجمه ارائه می‌گردد . (Tucker ۱۹۸۷:۲۳)

تئوری‌های ترجمه و تفاوت ترجمه مکتوب و همزمان ۱۷۳

۳۰۲۰۵۰۳ استراتژی واسطه‌ای (Interlingua Strategy)

به نقل از کارنوبل ، این استراتژی مشتمل بر سه مرحله است . در مرحله اول ، متن اصلی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته و نمودارها و مفاهیم زبانی جهان شمول تطابق می یابند . در مرحله دوم ، عملکرد و مکا نیسم خاصی به رفع ابهامات منتج می شود و اطلاعات لازم در جهت رفع آنها ارائه می گردد . بالاخره در مرحله سوم ، مکا نیسم دیگری نمودارها و مفاهیم جهان شمول حاصل از مرحله نخست را به صورت نمودارهای زبانی منطبق بر زبان مقصد عرضه می دارد . (۱۹۸۱:۳۷۶) .

۳۰۲۰۶ نتیجه

کامپیوتر امید فردای ترجمه است . از هم اکنون این امر بر همگان مبرهن است که کامپیوتر نقش بسیار ارزنده ای در تحول و تکامل فن ترجمه ایفا خواهد کرد . پس لازم است که دانشجویان با این معجزه قرن آشنا شوند و بر این پدیده شگرف به دیده بصیرت بنگرند و در ترجمه نوشته ها از زبان فارسی به زبانهای دیگر از تحولاتی که در این زمینه پدید آمده غافل نمانند . غفلت از این امر در دهه های آینده فرهنگ ما را به زاویه خواهد کشید و سیل کتب ترجمه شده به این سرزمین سرازیر خواهد شد قبل از آنکه فرهنگ زادگان ما بتوانند از فرهنگ خود نمودی ارائه نمایند .

یکی از تصورات واهی که اغلب ما حبان نظر را گهگاه بخود مشغول می دارد این تصور غلط است که چون انسانها به نوعی زبان تکلم می کنند و در بیان ایده ها و افکار خود به این وسیله مطمئن تشبث می جویند و از ظرفی همه بیان واقعیات عینی را مطمح نظر دارند پس ترجمه از یک زبان به زبان دیگر کار ساده ای است و مترجم علی القاعده نقش پرزحمتی نخواهد داشت. اما این حقیقت را نباید فراموش کرد که مترجمان، در مراحل مختلف ترجمه متون، با مشکلات عدیده ای روبرو هستند که با یدبا دقت، آگاهی و بسذل عنایت فراوان برطرف گردد.

اولین مشکل اساسی نیل به درک کاملی از متن اصلی و شناخت ابهامات است. از طرف دیگر زبانها در تجلی جلوه های ظاهری کلام که مبین مرجع کلمات و عبارات در دنیای واقعیت می باشند از یکدیگر متمایزند و به نحو متفاوتی عمل می کنند. بدین ترتیب، برای آنکه مترجم بتواند تصویری صحیح از متن اصلی داشته باشد، تفحص در پیرامون کارآمدی، بار معنایی و کارکرد ارتباطی متن امری است مسلم و اجتناب ناپذیر. مترجم باید به نوعی "توانایی ترجمه ای" (translational competence) نایل گردد تا بتواند بر مبنای آن به درک کامل و جامع از ابهامات معنایی، نحوی، واژگانی، آوایی و ساختاری حاکم بر دوزبان مبداء و مقصد و نیوژ شیوه های گفتاری یا نوشتاری دوزبان مورد نظر دست یابد.

علاوه بر این مترجم باید از توانایی بالقوه ای برخوردار باشد تا بتواند:
الف- از متون زبانهای مبداء و مقصد تفاسیر و تعابیر دقیق و صحیح را در یابد.

ب- در ترجمه متن از زبان مبداء به زبان مقصد برگردانی روان ارائه نماید.

تئوری‌های ترجمه و تفاوت ترجمه مکتوب و همزمان ۱۷۵

ج- در یک حرکت تداوم دارمقایسه بین دوزبان موردنظر، معادل‌ها

وبرابره‌های کارسازی بیابد. (آندره ری کوپزینسکی ۱۹۸۰:۲۳)

یکی از مشکلاتی که اغلب مترجمان را عارض می‌گردد، عدم تسلط کافی آنها به زبان مقصد و چگونگی استفاده از آن زبان است. اهل یک زبان خاص بودن بهیچوجه ملاک و مجوز مترجمی نیست. به عبارت دیگر تنها قادر به تکلم بودن به یک زبان کافی نیست تا به اعتبار آن شخص به ترجمه نیز بپردازد. این تصور که همه اهل یک زبان که آشنایی مختصری با زبان بیگانه نیز دارند می‌توانند به ترجمه بپردازند تصوری است واهی و دور از حقیقت. هر کس که خواهد به این‌وادی قدم گذارد باید اطلاعات وسیع و دقیقی در مورد تنوع گونه‌های زبانی، تمایزات قنومی و فرهنگی، انتظارات و باورهای روانی اجتماعی مردمی که به دوزبان موردنظر تکلم می‌کنند و نیز نابرابری‌های فرهنگی داشته باشد و این مشخصه‌ها حداقل آگاهی موردنیاز یک مترجم است. مشکل دیگری که مترجم با آن روبروست و باید قبل از آغاز ترجمه با آن وقوف کامل داشته باشد شناخت مراحل ترجمه و آشنایی به تکنیک‌های خاصی است که باید بین مرحله شناخت و درک زبان مبدا و بکارگیری زبان مقصد بکار گرفته شود. وجود نابرابری‌های اجتماعی، فرهنگی، ساختاری، واژگانی و معنایی بین زبانها نه تنها گهگاه روند ترجمه را بمخاطره می‌اندازد و موجب برنارسایی متن ترجمه شده می‌گردد بلکه در پاره‌ای موارد مراحل ترجمه را به بن بست می‌کشاند

به علت وجود همین موانع و مشکلات و تعارضات، ارائه یک ترجمه کامل

بین دوزبان امری غیرمحتمل است. "وینترورنر" (Winter Werner)

ادعا می‌کند که "میزان تشابه بین دو نظام زبانی موردنظر" عامل مهمی

در ارائه یک ترجمه دقیق و رساست (۱۹۶۱:۶۹). به عبارت دیگر و برای این

عقیده است که هرچه میزان تشابه بین دوزبان بیشتر باشد ترجمه متون از یک

زبان به زبان دیگر ناسا تر و غیر طبیعی تراست . لوآن (Jacob Loewan) در ترجمه انجیل مقدس " (Bible Translating) نوع تضادها را به شرح زیر فهرست می‌کند:

الف - ممکن است بعضی از اجزاء زبان مبدأ در زبان مقصد هرگز همطرازی نیابد .

ب - ممکن است دو زبان مورد نظر تشابه ساختاری کافی داشته باشند اما از حیث نقشی که هر ساختار دارد متفاوت باشند .

ج - ممکن است زبان مبدأ و زبان مقصد از نقطه نظر اجزاء متشکله تطابق صوری داشته باشند اما از نظر تعدد و کمیت یکسان نباشند .

د - صورت‌های موجود در زبان مبدأ و زبان مقصد ممکن است متشابه و یا حتی برابر باشند اما از نظر معنی در تضاد کامل معنایی باشند .

(۱۹۷۰:۱۷۱)

انسانها در رویارویی با جهان واقعیت به تجربه‌های مختلفی دست می‌یازند و از جهان بیرون خود تا شیر فراوان می‌یابند و نسبت به آنها عکس العمل نشان می‌دهند. به عبارت دیگر عواقل غیرزبانی مداوماً "بر انسانها تا شیر مستقیم می‌نمایند. پاسخ و بازتاب انسانها در مقابل این تاثیرات گاهی به صورت فیزیکی و زمانی به صورت کلامی تجلی می‌یابد. انسانها نیاز به بیان احساس، عواطف و انگیزه‌های خود دارند. برای آنکه بتوانند امیال و احساسات خود را متجلی سازند با یداز کلمات استفاده نمایند. روابط اختیاری (arbitrary) بین همه و یا بخشی از تجربیات انسانها که به صورت نمودارهای کلامی و یا نوشتاری (verbal or graphical symbols) ظاهر می‌شوند نفسی نشانگر این واقعیت است که زبانهای مختلف در روابط صورت و معنی تفاوت‌های عمده‌ای را بروز می‌دهند. در واقع بعضی از کلماتی که در یک زبان خاص بکار می‌رود با کلماتی از همان مقوله معنایی در زبان دیگر تعارض و تفاوت نشان می‌دهد. "پوست گیت" (Postgate) اظهار می‌دارد حتی در مواردی که دو عبارت و یا دو کلمه از دو زبان مختلف در اصل معنی اشتراک دارند، مولفه‌های معنایی جانبی (accessory senses) و یا نوع تداعی (association) مترتب بر آنها به قدری متفاوت و همگون است که جایگزینی آنها عملاً" میسر نیست (۱۹۲۲:۴۴).

کلمات عناصری هستند که به اشیاء و یا مفاهیم اشاره دارند. اگر مفاهیم در دو زبان و یا حتی در دو لهجه از یک زبان متفاوت بوده و از نظر بار معنایی تطابق نداشته باشند، استعمال یکی بجای دیگری ممکن نیست. همین امر در مورد اشیاء جهان واقعیت مصداق می‌یابد. دو فرهنگ متفاوت یک شیئی یکسان را به دو گونه می‌بینند. شکل، بعد و عوامل دیگری می‌توانند در بیان معنایی کلمه‌ای که بر شیئی دلالت دارد تاثیر معنایی داشته باشند بدین

ترتیب ، در ترجمه یک متن از یک زبان به زبان دیگر ، تمام تفاوت ها باید مطمح نظر قرار گیرد .

۴۰۱۰۱۰ وجوه صریح معنایی (Straight/Denotative meanings)
 برخی از کلمات زبان مبدا - امانه همه آنها - می توانند در زبان مقصد را معادل معنایی یکسان باشند بنحوی که در تبدیل آنها به معنایی خدشه دار نگردد . مفاهیم جهان شمولی چون " مادر " ، " پدر " ، " بچه ها " " پسر " ، " دختر " و غیره در حالت وجه صریح معنایی ترجمه پذیرانه هر چند در زبانهای مختلف تعلقات جانبی یا بند . برای مثال کلمه انگلیسی father وقتی به کلمه معادل آن " پدر " در فارسی برگردان می شود نه تنها مفهوم رابطه نسبی را در خانواده تدا می کند بلکه به حاکمیت او در منزل به عنوان رئیس خانواده نیز اشاره دارد . چنین تعبیری بر کلمه " father " در انگلیسی مترتب نیست . معهذ در لهجه های مختلف زبان انگلیسی که به فرهنگ های متفاوت وابسته است و از سویی روابط پدر فرزندی از شباهت و پایداری ویژه ای برخوردار نیست ، این عبارت رنگ و بوی متفاوتی می یابد .

۴۰۱۰۲ معانی (Ironical Meaning)

برخی از کلمات و عبارات یک زبان ممکن است به ظاهر معنایی صریح داشته باشند اما وقتی در یک بافت (context) خاص بکار می روند با غلبه دارای معانی متفاوت و یا کاملاً متضاد هستند . آنچه موجب بروز این قبیل معانی می شود محیط بسته معنایی است که کلمات و عبارات مربوط در آنها بکار می رود . برای مثال ، وقتی در یک میهمانی ، شخصی بیش از حد معمول در مصرف اطعمه و یا اشرافه زیاده روی کند ممکن است دوستی و یا رفیقی جمله

زیرا بکاربرد:

"بازهم بخور"

که در معنای ظاهری بار معنایی مثبت داشته و شنونده را به خوردن بیشتر تشویق می‌کند در حالی که وجه معنایی ضمنی آن نفی عمل است و نه ترغیب آن. بی‌اعتنایی و غفلت از این قبیل معانی پنهانی ممکن است تلاشهای مترجم را به بیراهه بکشانند و حاصل ترجمه چیزی جز یک برگردان ناقص از پینام نویسنده باشد.

معانی ثانویه که غالباً "از آنها به عنوان وجوه معنایی ضمنی (connotations) یاد می‌کنند، مخصوصاً "در ترجمه اشعار، نقش عمده و حیاتی دارند. بسیاری از کلماتی که توسط شعرا بکار می‌روند در ظاهر حامل پیامی متفاوت از آنچه داشته‌اند می‌باشند برای مثال کلماتی چون "می" (wine)، "زلف" (tress)، "پاله" (cup) و "صراحی" (goblet) و غیره که حافظ در اشعار خود بکار برده است دارای معانی ضمنی متفاوتی هستند:

زلف (tress) کنایه از الوهیت پنهان دارد.

خال (mole) کنایه از سیاهی روان دارد

رندی (profligacy) کنایه از شمای وحدت دارد

مستی (intoxication) کنایه از نیستی و عدم وجود دارد

دیرمغان (The Magians' Cloister) کنایه از ما من و ما وای رندان دارد.

شراب ناب (pure wine) به اسرار عشق اشاره دارد

نغمه (melody) اشاره به "مرشد زمان" می‌کند

ساربان (camel-driver) بمعنی سرنوشت بکار رفته است

عطار (the perfumer) کنایه از:

الف - خداوندی وجود مطلق است.

- ب - محمد (ص) یا جوهر همه هستی است .
 ترانه (melody) نشان دهنده " ایثار است .
 چنگ (harp) نشان دهنده " تقوی " است
 ساقی (cup - bearer) به " خداوندی قدرت مطلق " اشاره دارد .
 می (wine) به معنی " اسرار خلقت " آمده است .
 صراحی (goblet) نشانگر قلب عارف و یا عالم به گنجینه اسرار الهی است
 طره (fore-lock) نمایانگر جذبہ ربوبیت است
 خمار (vintner) نشانه‌ای از عارف کامل و واقف به گنجینه علم لدنی است
 چراغ (lamp) به معنی قلب نورانی زائر است
 چشم (eye) به ناظر آگاه بر صفات جمالہ حضرت حق اشاره دارد .

عدم توجه مترجم به این ویژگیهای معنایی و بی‌عنایتی و یا عدم درک صحیح از معانی ضمنی آنها به خلق ترجمه‌ای خواهد انجامید که از لطافت و ظرافت خالی بوده و مفاهیم اصلی و اخلاقی را منتقل نخواهد ساخت . معانی واقعی این کلمات و عبارات از دید مترجم به دور خواهد ماند مگر آنکه مترجم اطلاع جامع و کافی از سنن ، آداب و رسوم ، اعتقادات فرهنگی و مذهبی و نیز باورهای اجتماعی و مردمی مربوط به فرهنگ زبان مورد نظر داشته باشد .

۴۰۱۰۳ عبارات اصطلاحی و استعاره‌ای (Metaphorical Expressions)

شاید یکی از مشکل‌ترین مسائلی که یک مترجم با آن روبرو است مسأله برگردان نمودن عبارات اصطلاحی است که در چهارچوب قوالب دستوری جهان

تئوری‌های ترجمه و تفاوت ترجمه مکتوب و همزمان ۱۸۱

شمول مشترک زبانهای مختلف دنیا نمی‌گنجد. وظیفه سنگین مترجم آن است که این عبارات را با دقت و توجه بسیار شناسایی نماید، درک صحیحی از آنها بیا بدو بداند که چگونه مفاهیم مترتب بر آنها را به فرهنگ متفاوت بیان نماید. "ریموندوان دن بروک" (Raymond Van Den Broeck) در مقاله خود با عنوان "محدوده ترجمه پذیری..." (The Limits of translatability) به این مشکل اساسی می‌پردازد و خطراتی را که فرراه مترجم قرار دارد برمی‌شمارد. طبق نظراو، برای آنکه مترجم بتواند اصطلاحات را شناسایی نموده و معادل‌های دقیق آنها را در زبان مقصد ردیابی نماید، او باید به امکانات و مهارت‌های زیر دسترسی داشته باشد:

الف - تعریفی صحیح و صریح در تمایز بین عبارات عادی و عبارات اصطلاحی در اختیار داشته باشد.

ب - آشنایی به نحوه ترجمه اصطلاحات و طریقه بکارگیری شیوه‌های کنارگذری (Zigzagging manuevers) در برخورد با نابرابرها و موارد غیر معمول داشته باشد.

ج - آشنایی به متونی که در ترجمه آنها، بکارگیری اصطلاحات و استعارات یک نیاز است و نیز شناخت و درک کافی از محدودیت بکارگیری اصطلاحات در سبک‌های گوناگون داشته باشد.

د - شناخت و درک صحیح و کاملی از محدودیت‌هایی که از طبیعت ترجمه ناشی می‌شود و اجباراً "در ترجمه متون فراراه کار مترجم قرار می‌گیرد داشته باشد. (۱۹۸۱: ۷۲-۷۳)

تعریفی که ارسطو از عبارات اصطلاحی و استعاره‌ای با عنوان "...بکارگیری یک چیز در قالب و با نام چیز دیگر..." ارائه می‌نماید هنوز هم از اعتبار کافی برخوردار است. استعارات، عبارات اصطلاحی و ضرب‌المثل‌ها همه دارای ویژگی‌های مشترک هستند به نحوی که معانی آنها با بیش از مجموع

معانی واحدهای متشکله آنهاست و یا کاملاً " با معانی صوری و ظاهری کلمات متفاو و تند . عبارات اصطلاحی چون :

- هوس مرده رنگ دار

- شایددستی ا زغیب برون آیدوکاری بکند

- که تودریرون چه کردی که درون خانه آیی

- تا کورشود هرآنکه نتواند دید

- بالاخانه را ا جاره داده است .

و نظایر آن دارای معانی خاصی هستند که از معانی اصلی کلمات سازنده جملات قابل استنباط نیست .

بطور کلی به دو مقوله عبارات استعاره‌ای می‌توان اشاره کرد :

الف - واژگانی شده (Lexicalized)

منظور عباراتی هستند که عناصر واژگانی آنها ویژگیهای معنایی خود را

از دست داده و جزء واژگان یک زبان خاص درآمده‌اند . به عبارت دیگر

معانی اصلی عناصر واژگانی فراموش شده و معانی حاصله با مجموع معانی

آن عناصر نطبق نا پذیر است . عبارات زیر را می‌توان از این مقوله دانست :

1. already در مقابل all ready

2. everybody در مقابل every body

3. a hardboiled character در مقابل a hard boiled

character

(Broeck ۱۹۸۱:۷۴)

عبارات اصطلاحی فارسی چون " دسته گل به آب داده " که نمی‌توان به

صورت " دسته‌های گل را به آب داده " تعمیم یا بلد اما به صورت "دسته

گل ها را به آب داده " مجاز است نشان دهنده این واقعیت است که "دسته

گل " بایده عنوان یک عنصر واژگانی پذیرفته شود و نه مجموع دو کلمه "دسته

و "گل"

ب - قراردادی (Conventional)

منظور استعاره‌ها و یا اصطلاحاتی هستند که در شرکت‌ها استعمال جای خود را در زبان بازنموده و با یک فرهنگ خاص عجین شده اند بطوری که اهل زبان هرچند همه آنها - درک صحیحی از آنها داشته و در گفتار و یا نوشتار را آن سود می‌جویند. به مثالهای زیر که از زبان انگلیسی اختیار شده توجه نمایید:

"heofon-ward"	(خداوند، : صاحب بهشت)
"narc	(مواد مخدر) (narcotics)
"smog"	(مه همراه بادود) (smoke+fog)
"yamyam"	(چیز خوشمزه)
"damdam"	(ا بله، کودن)
"brunch"	(صبحانه و ناهار که در یک زمان صرف شود)
	(breakfast+lunch)

۴۰۱۰۴ خلاصه‌های معنایی

زبانهای مختلف در بیان مفاهیم مختلف از عباراتی استفاده می‌کنند که الزاماً " در زبان جوامع دیگریافت نمی‌شوند حتی اگر کلمات تقریباً مشابهی نیز یافت شوند بندرت می‌توانند حامل پیام در زبان مقصد باشند. در این زمینه به دو مقوله عمده برمی‌خوریم :

الف - عناصری که به عوامل برون زبانی مربوط می‌شوند.

در این مقوله ، آن دسته از کلمات مورد نظر است که در زبان مبدأ دارای - مرجع مشخصی هستند اما مکان دارد که در زبان مقصد دارای مرجع خاص و یا روشن نباشند. مثال واضحی از این مقوله را در گفتگوی زیر در زبان فارسی می‌توان یافت :

حسن : علی !

علی : جانم / جونم

در اینجا عبارت " جانم / جونم " که در پاسخ خطاب " حسن " بکار رفته است در بسیاری از زبانهای موجود و احتمالاً " زبان انگلیسی دارای معادل مرجع دار نیست .

ب- عناصری که به عوامل درون زبانی یا اندرزبانی مربوط می شوند .
در این مقوله ، کلمات و عباراتی وجود دارند که ممکن است از نظر مفهوم دوزبان مبداء و مقصدانطبق پذیر باشند اما از نظر تجلی صورت کاملاً از یکدیگر متمایز و متفاوتند . علت وجود تعارضات از آن جهت است که سیستم های واژه آرایبی دلاارتباط با تجارب مشترک متفاوت از یکدیگرند (داگوت ۱۹۳۱ Dagut)
مثال های زیر در این ارتباطند :

hypocrite	بادمجان دورقاب چین
to be cautious	دست به عمارا ه رفتن
Jack-of-all-trades	نخودهرآش
a junk car	ماشین مشدی ممدلی
a gentleman	آدم استخوان دار
eternally-cursed	آق والدین

۴۰۱۰۵ مشکل اسامی خاص

اسامی خاص علاوه برآنکه به اشخاص حقیقی اشاره دارند در جوامع زبانی مختلف دارای بار معنایی متفاوت هستند . شعر مشهور شهریارشاعر بزرگ معاصر ایرانی بنام " حیدریا با " که به زبان ترکی آذری سروده شده است مملو از اسامی خاص است که برای اهل زبان مفاهیم مشخصی دارد و معانی ثانویه ای به غیر از اسم خاص دارند . جای تعجب نیست اگر تا کنون ترجمهء مناسبی از این شعر جاویدان به زبان فارسی ارائه نگردیده هر چند که دو

فرهنگ وابسته همگونی بسیاری دارند.

اگر از عبارت انگلیسی "A Mr. Smith" که معمولاً در فرودگاهها بکار می‌رود به فارسی ترجمه^۱ تحت اللفظی ارائه گردد، خله معنایی ایجاد می‌شود و ارتباط کلامی برقرار نمی‌گردد مگر آنکه عبارت و یا کلمه‌ای نزدیک به آن در زبان مقصد بازسازی شود. اما می‌خاست که در جملات زیر بکار رفته است ترجمه نا پذیر و غیر قابل انتقال اند مگر آنکه دو فرهنگ مبداء و مقصد تشابه و نزدیکی فوق العاده‌ای داشته و در زبانهای مربوط به دوجا معنی مفاهیم کاملاً مشابه وجود داشته باشد:

۱- سردار قادیسیه چه خوابهای طلایی می‌دید.

۲- کار بجایی رسیده که هر کوری اسمش را می‌گذارد چراغ علی

۳- مشهدی جو ادب قال سرکوچه ما بود.

۴- سرش مثل خورشید برق می‌زند اما اسمش را گذاشته زلفعلی.

در این موارد، مترجمان باید برای این نکته واقف باشند که کلمات بیگانه الزاماً دارای معانی محدود نیستند و ممکن است دارای وسعت معنایی فراوانی باشند. پیدا کردن عبارات و کلمات مشابه در زبان مقصد یکی از بزرگترین مشکلاتی است که فراراه کار مترجم قرار دارد. واسیلی-تردیاکوفسکی (Vasily Trediakovsky) تئوریسین قرن نوزدهم معتقد است که عدم توجه به این ظرافت‌های معنایی به بازآفرینی ترجمه‌های بسیار ضعیف و کم ارزش خواهد انجامید. بوت (Booth) نیز معتقد است که مترجمان باید به این نکته وقوف داشته باشند که:

"تنها تفاوت بین ساختارهای متفاوت مشکل‌زا نبوده بلکه آنچه باعث مشکل ترجمه است تفسیرها و تعبیر متفاوتی است که کلمات و عبارات

نایدا (Nida) در کتاب " ساخت زبان و ترجمه " (Language Structure and Translation) اظهار می‌دارد که در دوزبان - متفاوت ، سیستم و نظام ساختاری یکسان که بر اساس آن کلمات و معانی در ارتباط مشابه باشند وجود ندارد (۲۷-۲۶: ۱۹۷۵) . به عبارت دیگر در جایی که اشیاء در جهان واقعیت یکسان و شایدهمفاهیم نیز در دوزبانها بیشتر از زبانها نسبتاً " مشابه هستند ، معیاد نظام های نحوی متفاوت دوزبان را از یکدیگر متمایز می‌سازند همه زبانها دارای گروههای اسمی ، گروههای کنشی ، گروه حروف اضافه و مشدها (modifiers) هستند اما آنچه آنها را از یکدیگر متمایز می‌سازد " تفاوت در محدودیت های توزیع صوری " آنهاست .

نایدا (Nida) در کتاب ۱۹۷۵ خود ، این تفاوت ها را به شرح زیر طبقه بندی می‌کند :

الف - واژه (words)

کلمه "تطبیق اختیاری اصوات و معانی" است (Akmajian ۱۹۸۴:۵۷) این رابطه قراردادی و اختیاری است . به عبارت دیگر ، اصوات یک کلمه فی ذاته دارای مشخصه هایی هستند که نمایانگر روابط طبیعی موجود بین آن و معانی و مفاهیم می باشند . از طرف دیگر ، هیچ دلیل مبرهنی نمی‌توان ارائه نمود که چرا اصوات در یک ارتباط خطی (concatanation) معین و نه غیر از آن می‌توانند دارای معنایی خاص باشند (Akmajian ۱۹۸۴:۵۷) .

کلمات ممکن است به صورت ساده و یا مرکب وجود داشته باشند و این بستگی به آن دارد که کلمات دارای یک تکواژ بوده و یا تکواژهای متعددی داشته باشند . کلمات ساده و یا آنچه بعضی از زبان شناسان با عنوان کلمات "ثقل" (core) از آن نام می‌برند (رونالد کارتر Ronald

تئوری‌های ترجمه و تفاوت ترجمه مکتوب و همزمان ۱۸۷

با آنها عنا صر معنایی پایه هستند که دیگر کلمات در ارتباط (Carter ۱۹۸۷:۳۵) عنا صر معنایی پایه هستند که دیگر کلمات در ارتباط با آنها عنا صر پیرامونی (peripheral) محسوب می‌شوند. به عبارت دیگر کلمات "غیر ثقل" (non-core) نمی‌توانند به آسانی جای کلمات "ثقل" را بگیرند. برای مثال، کلمات انگلیسی "eat" "lunch", "devour" (به عنوان فعل)، و "stuff" همگی می‌توانند بوسیله فعل "eat" که عنصر ثقلی بحساب می‌آید جایگزین شوند در حالیکه کلمات دیگر نمی‌توانند به آسانی در متون مختلف بجای "eat" قرار گیرند. (رونالد کارتر Ronald Carter ۱۹۸۷:۳۵).

طبقه‌بندی کلمات به اسم، فعل، صفت، قید و حروف اضافه پدیده جدیدی نیست، معاهدانگاری‌های اجمالی به تفاوت‌هایی که زبان‌های مختلف بروز میدهند نشان دهنده این واقعیت است که اگرچه تمایز بین کلمات بنظر میرسد یک تمایز جهان شمول باشد ولی روندواژه سازی و روابط ارتباطی خطی عوامل متشکله آنها در زبان‌های مختلف کاملاً متفاوت است. در زبان انگلیسی، با افزودن پسوندهای -er, -or به بعضی از افعال، حالات فاعلی ساخته می‌شود. اما این روند الزاماً در سایر زبان‌ها صدق نمی‌یابد. احتمال می‌رود در بعضی از زبان‌ها بجای استفاده ازوندها از تعدد کلمات استفاده شود و بجای یک کلمه ساده از کلمات مختلف استفاده گردد. در زبان انگلیسی و نیز سایر زبان‌های هندواروپایی، تمایز شکل، اندازه و طبقه از یک اسم ساده مستفاد نمی‌شود اما در زبان‌های دیگر چون سواحیلی (Swahili) تمایز در طبقه خود یک پدیده مهم و حیاتی است. عبارات اسمی زیر را با عبارات معادل آن در فارسی مقایسه کنید:

- ۱- یک بچه خوب / زیبا
1. mtoto msuri
- ۲- چند بچه خوب / بچه‌های خوب
2. watoto wazuri
- ۳- یک خواهر خوب / زیبا
3. dada mzuri

4. dada wazuri ۴- چندخواهرزبیا / خواهرهای زیبا
5. mnazi mzuri ۵- یک درخت نارگیل خوب
6. minazi mizuri ۶- چنددرخت نارگیل خوب /
درخت های نارگیل خوب
7. embe zuri ۷- یک انبه خوب
8. maembe mazuri ۸- چندانبه خوب / انبه های خوب
9. kikapu kizuri ۹- یک سبزیبیا / خوب
10. vikapu vizuri ۱۰- سبدهای خوب / سبدهای زیبا
11. kijana mzuri/*kizuri ۱۱- یک جوان خوب / جوانک خوب
12. vijana wazuri/*vizuri ۱۲- جوانهای خوب
13. kiboko mzuri/*kizuri ۱۳- یک کرگدن زیبا / کرگدن خوب
14. viboko wazuri/vizuri ۱۴- کرگدنها زیبا
15. nyumba mzuri ۱۵- یک خانه زیبا / خوب
16. nyumba nzuri ۱۶- خانه های خوب / زیبا
17. mbwa mzuri ۱۷- سگ قشنگ / خوب
18. mbwa wazuri/*nzuri ۱۸- سگهای خوب / زیبا
19. ndege mzuri ۱۹- یک پرنده مرده زیبا / خوب
20. ndege nzuri/*wazuri ۲۰- پرندهگان مرده زیبا
21. ndege mzuri ۲۱- یک پرنده زنده زیبا / خوب
22. ndege wazuri/*nzuri ۲۲- پرندهگان زنده زیبا

در این زبان ، نه تنها اسم بلکه صفت نیز دارای "وند" است و این تمایز در مورد اسمهای مفرد و جمع نیز مصداق دارد. این تمایز در مورد جاندار و غیر جاندار نیز مشهود است و اساسی بر طبق آن رده بندی می شوند. تا آنجا که مثالهای فوق نشان می دهند شش گروه اسمی قابل تشخیص است :

الف - بچه toto

خواهر dada

اسامی این گروه از نظر مشخصه های اسمی متفاوت اما از نظر مشخصه های مربوط به صفات یکسان اند .

ب - نارگیل nazi

که از نظر " وندها " حالت استثنایی دارد .

ج - انبه embe

در این گروه برای صفات و اسم های مفرد پیشوندی بکار نمی رود اما در حالت اسم جمع دارای مشخصه های مشابه هستند .

د - سبد kapu

در این گروه در مورد صفت و اسم پیشوندهای مشخصی بکار نمی رود . پیشوند مربوط به صفت عینا " در اسم تکرار شده است .

ه - جوان jana

کرگدن boko

در حالت اسم پیشوند ندارند اما پیشوندی که بر صفات قرار می گیرد ، مشابه گروه الفاست .

و - خانه nyumba

پرنده nedege

در این مورد برای اسم پیشوند بکار نرفته در حالی که صفات دارای پیشوند می باشند . توجه نماید که کلمه معادل " پرنده " وقتی حیوان مرده مراد باشد دنیا زمند مشخصه ای در حالت وصفی است که با مشخصه مربوط به همان حیوان در حالت حیات تفاوت دارد . با مقایسه این مثالها با معادل های آنها در زبان فارسی مشخص می شود که زبانها چگونه برواقعیات زندگی می نگرند و چگونه پدیده ها را به طرق مختلف طبقه بندی می کنند . در ترجمه متون از

زبان مبداء به زبان مقصد، مترجم نباید از این قبیل تمایزها غافل بماند.

نتیجه‌ای که می‌توان گرفت این است که طبقه‌بندی کلمات اگرچه ممکن است در همه زبانها انجام پذیرد اما ماهیت آنها از نظرویزگیهای متصف به آنها و نیز نحوه تحقق و تجلی طبقه‌بندی آنها متفاوت است. تصورا اینکه همه زبانها با افزودن پسوندهایی شبیه به -ها و -ان فارسی اسم جمع می‌سازند تصوری باطل است. پسوند جمع در فارسی نمیتواند در مورد همه زبانها مصداق یابد در جائیکه زبان ژاپنی بین کلمات " کتاب " به صورت مفرد و " کتابها " در حالت جمع تمایز قائل نمیشود و در هر دو مورد کلمه hon بکار میرود (Akmajian ۱۹۸۴:۶۴) سایر زبانها ممکن است از پیشوند، پسوند، میانوند، میانوند منقطع (interfix) و هموند (simulfix) و نیز تکرار (reduplication) استفاده نمایند. در زبان پاپاگو (Papago) که یکی از زبانهای سرخپوستان آمریکاست، کلمه " chair " با صورت " daikud " بکار میرود در حالیکه حالت جمع آن به صورت dadaikud استعمال می‌شود. (Akmajian ۱۹۸۴:۶۴)

از طرفی این امکان وجود دارد که یک زبان خاص از تکنیکهای متفاوت استفاده نماید.

ب- روابط دستوری (grammatical relations)

منظور از روابط دستوری طریقه‌ای است که سازه‌های (constituents) یک جمله در محدوده آن ایفای نقش می‌کنند. بهمین ترتیب مقوله‌های دستوری (grammatical categories) نمایانگر این هستند که مثلاً اسم، فعل و غیره چه نقشی در جمله برعهده دارند. در زبان انگلیسی روابط دستوری به عینه در سطح جمله مشهود نیستند بلکه عوامل دیگری چون

تئوری‌های ترجمه و تفاوت ترجمه مکتوب و همزمان

آرایش واژه‌ها مشخص‌کنندهٔ ایفا گسran نقش در جمله اند. در زبان فارسی، پسوند " را " نشانهٔ مفعول است در حالی که فاعل دارای علامت نشانه نیست. بهمین ترتیب فاعل در جمله انگلیسی بی نشان است و علی‌رغم نقشی که بر عهده دارد در ساخت جمله علامت مشخصی را بیدک نمی‌کشد. در این مورد، زبانهای مختلف به طرق مختلف عمل می‌کنند و ممکن است بر حسب نقشی که یک مقوله دستوری در جمله ایفا می‌کند دارای نشانه‌های مختلف باشند.

هرچه تعداد ساژه‌های نشان دارد در جمله بیشتر باشد، روابط دستوری عوامل تشکیل دهندهٔ یک جمله آشکارتر و عیان‌ترند. بعضی از زبانها نشانه‌های یکسانی برای حالات مختلف اسم چون فاعلی، مفعولی بی واسطه، مفعولی با واسطه، و غیره دارند. برای مثال، همانطور که ذیلاً مشاهده می‌شود، زبان لاتین از نشانه‌های مختلفی در تعریف حالات مختلف اسم استفاده می‌کند.

	<u>Singular</u>	<u>Farmer</u>	<u>Garden</u>
فاعلی	Nominative	agricola	hortus
اضافهٔ ملکی	Genitive	agricolae	horti
مفعول بی واسطه	Dative	agricolae	horto
مفعول بی واسطه	Accusative	agricolam	hortum
مفعول عنه	Ablative	agricola	horto

	<u>Plural</u>		
فاعلی	Nominative	agricolae	horti
اضافه ملکی	Genitive	agricolarum	hortorum
مفعول بی واسطه	Dative	agricolis	hortis
مفعول بی واسطه	Accusative	agricolas	hortos
مفعول عنه	Ablative	agricolis	hortis

اکنون مثالهای بالا را با حالت صرفی کلمات انگلیسی garden , farmer

مقایسه کنید :

Singular

Common	farmer	graden
Possessive	farmer's	garden's

Plural

Common	farmers	gardens
Possessive	farmers'	gardens'

(Besnier 1988:74)

حالا حالات صرف شده فوق را با حالات صرفی در مورد صفات زبان انگلیسی عهد

قدیم مقایسه نمایید. حالات صرفی مربوط به کلمه "god" به معنی "خوب" می شود .

Singular:

Nominative	goda	goda	goda
Accusative	godan	godan	gode
Genitive	godan	godan	godan
Dative/instrument	godan	godan	godan

Plural:

Nominative	godan
Accusative	godan
Genitive	godara
Dative	godum

تئوری‌های ترجمه و تفاوت ترجمه مکتوب و همزمان ۱۹۳

در ترجمه * متون به زبانهای مختلف ، مترجم نباید از این تفاوت ها غافل باشد زیرا این کلمات نه تنها با معنایی خاصی را به همراه دارند بلکه حاوی پیامهای خاصی هستند . هرگونه بی دقتی در این مورد از میزان پیام رسانی ترجمهء انجام شده می کاهد .

ج- تسلسل کلمات در محور همنشینی

زبانهای مختلف دنیا از نقطه نظریا یگیری کلمات در محور همنشینی با زتاب های متفاوتی از خود نشان می دهند و از انعطاف های مختلفی برخوردارند . بعضی از این زبانها به تحرک و انعطاف سازه ها (constituents) میل دارند . تعدادی از انعطاف نسبی برخوردارند و بعضی از زبانها نیــــز هیچگونه انعطافی را مجاز نمی دانند . مثال های زیر را در نظر بگیرید و با هم مقایسه کنید :

۱- وقتی جملهء "The farmer saw the ghost" (کشاورز شیخ را دید) را به زبان لاتین برگردان نمایم جملات معادل زیر حاصل میشوند که از نظر معنی یکسان اگرچه از نظر ترتیب قرار گرفتن کلمات از یکدیگر متمایزند .

agricola	vidit	umbram	الف
کشاورز	دید	شیخ	
agricola	umbram	vidit	ب
umbram	agricola	vidit	ج
umbram	vidit	agricola	د
vidit	agricola	umbram	ه

نظریه آنکه اسم در حالت فاعلی و مفعولی نشان دهنده است و همین نشانه ها نقش دستوری آنها را مشخص می سازد لذا آزادی و انعطاف در ترتیب قرار گرفتن کلمات خدشهای به معنی وارد نمی آورد .

۲- جمله "The farmer saw the ghost" را می‌توان به جملات مختلف زیر در زبان فارسی ترجمه کرد بدون آنکه تغییر عمده‌ای در معنی ایجاد شود معهذ در مقایسه با زبان لاتین، حرکت و جایجایی سازه‌ها از آزادی مطلق برخوردار نیست.

الف- کشا ورزشبح را دید.

ب- کشا ورزدیدشبح را.

ج- دیدکشا ورزشبح را

د- شبح را کشا ورزدید

ه- دیدشبح را کشا ورز

بعضی از فارسی زبانان جملات ج و ه را قابل قبول نمی‌دانند.

۳- جمله "The farmer saw the ghost" را می‌توان به طرق مختلف در زبان انگلیسی مرتب کرده و چندباستثنای "a" بقیه قابل قبول نیستند. علامت * نشان دهنده غیردستوری و غیر قابل قبول بودن جملات است.

a. The farmer saw the ghost.

b. The ghost saw the farmer.

(این جمله از نظر دستوری کاملاً صحیح اما معنی کاملاً تغییر یافته است)

*c. Saw the ghost the farmer.

*d. Saw the farmer the ghost.

مترجمان نباید از این مهم غافل‌بمانند. انعطاف‌پذیری و یا عدم قابلیت انعطاف در ترتیب کلمات در محور منشیانی از ویژگیهای زبانهای مختلف است و مترجم نباید اهمیت آنها را به دیده اغماض بنگرد.

ج- سبک (Style)

ج. اس‌فیلیمور (Phillimore) در مقاله خود با عنوان "نکاتی چند

در باب ترجمه و مترجم" می‌گوید:

تئوری‌های ترجمه و تفاوت ترجمه مکتوب و همزمان ۱۹۵

"...تشخیص آهنگ و سبک نویسنده از مشکل ترین مسایلی است که مترجم با آن روبروست... تا زمانی که شناختی کامل از سبک نویسنده به دست نیاید، همواره خطر خطا در ترجمه وجود دارد."

(۱۹۱۹:۱۲)

مترجم در بازآفرینی سبک نویسنده در زبان مقصد مسئولیت عظیمی را بر عهده دارد. نویسنده، خواه آگاهانه و خواه ناآگاهانه، به سبکی خاص گرایش دارد و این سبک را از آن جهت برمی‌گزیند که با محتوای پیام همسانی و همگونی داشته باشد. هر سبکی فرهنگ، واژگان و الگوهای خاص خود را دارد و از اوزان و ویژه‌ای تبعیت می‌نماید. اگرچه معانی ضمنی (connotative) و یا به قول نایدا معانی بیرون‌مرکزی (exocentric) می‌توانند در یک سبک خاص گارآیی قابل توجهی داشته باشند معین مفاهیم در سبک‌های دیگر نقش منفی خواهند داشت. برای مثال وقتی متنی برای کودکانه نوشته و به تحریر درمی‌آید، معانی صریح (denotative) و یا به قول نایدا معانی درون‌مرکزی (endocentric) مناسب‌ترند. اگر قرار باشد متنی برای کودکانه نوشته و یا ترجمه گردد این شیوه و سبک با تمام این ابعاد و ویژگی‌هایش باید مورد نظر باشد. کونی چوکا و سکی (Konei Chukovsky) می‌گوید: "...گاهی لغزش در انتخاب یک کلمه تمام متن ترجمه را به مخاطره می‌اندازد." (۱۹۸۴:۱۱).

در ترجمه اشعار، انتخاب آهنگ و وزن مناسب، بازی با کلمات به تناسبات آوایی (Alliteration) و تکرار بعضی از عبارات و کلمات در زبان مقصد از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. غفلت از این ظرایف باعث خواهد شد که متن ترجمه شده از قدرت ارتباطی (Communicative Power) عاری باشد (آفیک، ۱۹۸۱:۲۶۹ Aphik). ترجمه نشر از آن جهت از ترجمه

شعرمتما بی‌است که ترجمه نثر آزاد از انتخاب بیشتری برخوردار است .
 بیتس (Bates) می‌گوید :

"ترجمه شعری از بزرگترین معضلاتی است که
 فرراه یک مترجم قرار دارد . دست‌یا‌زیدن به
 آن نیاز به آگاهی کافی و وافی به ویژگی‌هایی
 دارد که هر زبان دربردارد . انتقال این ویژگی‌ها
 کارچندان آسانی نمی‌نماید . این ویژگی‌ها باید
 بدو " بوسیله کسی که قصد ترجمه دارد شناخته
 شود . مترجم باید با تطبیق این ویژگی‌ها کاستی‌ها
 را در زبان مقصد لمس کند و به رفع معضلات بکوشد
 تا انتقال ویژگی‌ها میسر گردد ."

(۸-۷ : ۱۹۴۳)

وروزنبرگ (Rosenberg) در همین زمینه اظهار نظر نموده و بطور
 اختصار بیان می‌کند که " در ترجمه شعر مترجم باید دارای خلاقیتی همپایه
 شاعر باشد " (۱۸۸ : ۱۹۵۶) . رکزوت (Rexroth) مسأله انتخاب سبک
 صحیح را در ترجمه مورد مذاقه قرار داده و می‌گوید :

"... ترجمه شعری از سرودن شعر مشکل تر است .
 مترجم باید انگیزه شعروشا عر را درک کند و بطن
 پیام را بشکافد . مترجم باید تمام می درک ، خرد
 و احساس خود را در تفحص و کشف منشاء الهامی که
 از سوی خداوند در شا عربه ودیعه گذاشته شده بکار
 گیرد . پس از کشف رمز و زوا زشا عر و جوهر آن و با ز-
 سازی روند معنوی و ملکوتی که در شعر نهفته
 است ، مترجم باید مشکلات دیگری را نیز از سیر راه

تئوری‌های ترجمه و تفاوت ترجمه مکتوب و همزمان ۱۹۷

خودبردارد. بدوا " با یدازسا زه‌ای که درذهن
آفریده تصویری عینی و مکتوب بیا فریندوبکوشد
که هرکلمه ، هرسطروهرآهنگ کلام (cadence)
مقام خویش را بیا بدو تجلی یا بد " (۱۹۶۱:۶۳)
هـ - فرامعنایی (Pragmatic)

هرگاه قواعد دستوری و نظم و ترتیب کلمات در جمله مخدوش گردند عبارات و جملاتی حاصل می‌شوند که از نظر ساختاری ناموزون اند اما وقتی قواعد فرا-معنایی نقض گردند، اینها در معنی ایجاد می‌شود که الزاما " به قطع ارتباط کلامی خواهند انجامید. در ترجمه متون، مترجم باید از مقوله‌های فرامعنایی غافل نماند، تفاسیر و تعابیری را که فراسوی معانی صوری و ظاهری جملات قرار دارد با زشنا سود در روند کار خود این ویژگیها را ملحوظ نماید. گفته‌ها (utterance) ممکن است از بعد معنایی (semantics) دارای معانی خاصی باشند که با جنبه‌های فرامعنایی تفاوت فاحش دارند. شعر زیر که از دیوان شمس تبریزی اختیار شده نمایانگر معانی پنهانی و پیام‌های اختفایی است که از صورتهای ظاهری جملات استنباط نمی‌شود وقتی مجموعه عبارات و جملات را در نظر بگیریم، پیام واقعی شاعر مبرهن می‌گردد:

- نگفتمت مرو آنجا که آشنات منم؟
- در این سراب فنا چشمه حیات منم؟
- نگفتمت که به نقش جهان مشورا ضیی؟
- که نقش بند سرا پرده رضات منم؟
- نگفتمت که منم بحرو تو یکی ماهیی؟
- مرو به خشک که دریای با صفات منم؟
- نگفتمت که چو مرغان به سوی دام مرو؟
- بیا که قوت پروا زو پروا پات منم؟

نگفتمت که صفت های زشت در تونهنند ؟
 که گم کنی که سرچشمه صفت منم ؟
 نگفتمت که نگو کار بنده از چه جهت ؟
 نظام گیرد خلاق بی جهات منم ؟
 اگر چراغ دلی دانک راه خانه کجاست ؟
 و گر خدا صفتی دانک کدخدات منم

دو مصرع آخر این غزل تاثیدی است برگفتا روپیا می که شا عرد در خلال مصرع های قبل مدنظر داشته است . جملاتی که به ظاهر حالت سئوالی دارند تصریح (assertion) پیام را قوت بخشیده اند . احتمالاً انتقال پیام از زبان فارسی به زبان انگلیسی با حفظ و رعایت بافت صوری جملات میسر است اما تکرار این روند در ترجمه متون از فارسی به زبانهای دیگر محققاً "با مشکلات عدیده ای روبرو خواهد بود . مترجم باید در زبانهای مقصد جملات و عباراتی را بیابد که پیام شاعر را به عینه منتقل سازند .

آیات قرآن کریم و ادعیه ای که از ائمه اطهار (ص) بجای مانده مملو از پیامهایی است که در قالب عباراتی بظاهر معمول بکار رفته اما معنایی مستفاد شده و رای آن است . به عبارت دیگر در بعضی موارد ، عباراتی که به فرم سئوالی مطرح گردیده هدف پرسش سئوال و کسب اطلاعات نداشته اند . انگیزه اصلی آنها نهی و اخطا بر رفتارهای سوء و عواقب مترتب بر آن است . در دعای کمیل آمده است :

"الهی وربی من لی غیرکنا سئله کشف ضری والنظرفی امری . الهی و مولای اجریت علی حکما "ناتبعت فیه هوی نفسی ولم احترس فیه من تزیین غدوی .

(خداوند! پروردگارا! جز تو مرا کیست که رفع زیانم نماید و در کارم نظر کند؟ معبودا! سرور! بر من مفتوح داشتی باب تبعیت از نفس را و آنکه

در مقابل دشمن خود احتیاط ننمایم)

و در جای دیگر از همین دعای شریفه می‌خوانیم :

لا جد مفرا " ماکان منی و لامفرا " توجه الیه فی امری غیر قبولک
عذری و ادخالک ایای فی سعه رحمتک . الهم ما قبل عذری ...
(ا ز آنچه کردم مرا گریزی نیست و مرا پنا هگاهی نیست تا بدان روکنم
و مرا کس جز تو نیست که پذیرفتن عذرم را از او بخواهم و کس جز تو نیست که
رحمت از او بجویم . پروردگارا عذر مرا پذیرا باش !
جمله پایانی با مطلع ... ما قبل عذری ... (عذر مرا پذیرا باش !) بهر
این فرض صحنه می‌گذارد که جمله آغازی یعنی " من لی غیرک اسئله ... " (آیا من کسی جز تو دارم که ...) جمله‌ای است به ظاهر پرسشی اما آنچه از
فحوای آن استنباط می‌شود بیان این نکته است " من (= شخص نادم) کسی
را جز تو ندارم . " در همین دعا آمده است :

یا مولای فکیف یبقی فی العذاب و هو یرجو ما سلف من حلمک ام کیف تولمه
النار و هو یا مل فضلک و رحمتک ام کیف یحرقه لهیبا و انت تسمع صوته و تری
مکانه ...

(خداوند! پروردگارا! چگونه در عذاب جاودانگی یا بد آنکه به لطف
تو میدواری است؟ چگونه آتش قهر تو آن کس را بسوزاند که امیدوار فضل و
رحمت توست؟ چگونه به لهیب آتش گرفتار آید؟ و به راستی که تو میشنوی
آوایش را و می بینی مکانش را ")

معنی و پیام واقعی جمله آن است که من (= شخص نادم) اطمینان کامل
دارم که تو (= پروردگار) طالب و جوینده بخشش و لطف خود را از درگاهات
نخواهی راند .

در قرآن کریم می‌خوانیم :

" ویل للمکذبین " (وای بر دروغ پردازان)

حالت فرامعنایی آن بیان فرمائی است به بندگان خدا که هرگز گرد خطا
نگردند و خود را به گناه آلوده نمانند.

۵- ویژگیهای یک ترجمه خوب

برای آنکه بتوانیم از نظریات کلیه صاحبان نظر در باب ویژگیهای یک ترجمه خوب آگاهی یابیم ، از اطناب کلام پرهیز نموده و نظریات را به صورت یک جمع بندی و فهرست گونه عرضه می‌داریم و بحث پیرامون درجه قانونمندی آنرا به عهده دانش پژوهان محول می‌داریم .
ترجمه خوب باید :

۱- تصویر (image) متن اصلی را حفظ نماید (هورس ، قرن اول قبل

از میلاد)

۲- درک کلی استخراج شده از متن زبان مبدا را به زبان مقصد منتقل سازد و علاوه بر آن شیوایی کلام را به آن بیفزاید (مانتی ، قرن پنجم قبل از میلاد)

۳- آنچه را در متن زبان مبدا آمده با دقت و ظرافت کافی به زبان مقصد منتقل سازد (برونی ، ۱۴۲۶ ، کارنر ، ۱۸۹۳ ، پوست گیت ، ۱۹۲۲)

۴- به حدی شیوا باشد که بتواند در خوانندگان متن در زبان مقصد همان تاثیر و نفوذ را داشته باشد که متن اصلی در زبان مبدا داشته است (وود هو- سلی ، ۱۷۹۷ ، ماتیو آرنولد ، ۱۸۶۱ ، تولمن ، ۱۸۰۱ ، اسکوتر ، ۱۹۲۰ ، پروچاسکا ، ۱۹۵۵ ، تاکس ، ۱۹۵۷ ، میلیگان ، ۱۹۵۷ ، فاستر ، ۱۹۵۸)

۵- بطورکامل نمایانگر چهره واقعی نویسند مو قدرت خلاقه اوبا شد
(تردیا کونسکی)

۶- بتوانند در فرهنگ هر دوزبان دارای تاثیر مشترک و یکسان باشد .
(استسانلی نوین ، فیلیمور ۱۹۱۹)

۷- اصالت اصل را بنمایاند (پوست گیت ۱۹۲۲ ، فیلیپس ۱۹۵۳ ، یا کویسن
۱۹۵۹ ، ریبنیکا ۱۹۶۸ ، راباسا ۱۹۷۱ ، توبین ۱۹۸۱)

۸- در مفهوم ونه تنها در روسا خت شیوا وزیبا باشد (آندرویل ۱۹۳۸ ، -
وینتر ۱۹۶۸ ، هاریت ۱۹۶۸ ، برتون ۱۹۷۳)

۹- بتوانند محاسن و ویژگیهای کارنویسنده را برگزیده و از عهده باز
آفرینی آنها در زبان مقصد برآید (اورا ۱۹۴۱ ، اولیور ۱۹۵۷ ، ناکس ۱۹۵۷ .
ورنر ۱۹۶۱ ، لوی ۱۹۶۶ ، زولا فسکی ۱۹۶۸ ، نیومارک ۱۹۸۱)

۱۰- نه تنها در انتقال محتوای متن از یک زبان به زبان دیگر موفق
باشد بلکه باید عباراتی را برگزیند که در ظاهر نیز با متن اصلی همخوانی
ویکرنگی دارند (فاستر ۱۹۵۸ ، لول ۱۹۶۸).

۱۱- بتوانند نزدیک ترین معادل عبارتهایی را که در متن اصلی وجود
دارد در زبان مقصد دریابی نموده و عرضه نماید به نحوی که بدوا " از نظر
معنایی و آنگاه از بعد حالات صوری جملات و سبک نوشتاری تباین کافی وجود
داشته باشد (نایدا ۱۹۵۹ ، اسمیت ۱۹۶۱ ، کت فورد ۱۹۶۵ ، والر ۱۹۶۵ ،
یا کویسن ۱۹۶۶ ، دادلی ۱۹۶۸ ، گرس ۱۹۷۱ ، مک کی ۱۹۷۳).

۶- ویژگیهای یک مترجم قابل

صاحبان و اهل نظر در مورد ویژگیهایی که یک مترجم قابل باید داشته باشد سخنان بسیار گفته و از دیدگاههای مختلف مشخصه‌هایی را برشمرده‌اند. اما در اجماع بر این اصل اتفاق نظر دارند که:

"تنها آگاهی به یک یا دو زبان (در بعد محدود کلمه) کفایت نمی‌کنند و این قابلیت را در شخص بوجود نمی‌آورد که به ترجمهٔ متون از یک زبان به زبان دیگر همت گمارد "

سراستانی‌اروین می‌گوید:

"تعداد کسانی که خود را به غلط شایستهٔ پرداختن به فن ترجمه می‌دانند فراوان در حالیکه تعداد افراد لایق و شایسته که به این هنر آشنایند بسیار اندک است. این اندیشه و پیش‌داوری که تنها تبحر در سخنوری به یک زبان و یا دو زبان کفایت ترجمه می‌کند تفکر عبثی است. حتی جامع‌ترین نوع دانش نیز که با توانایی واقعی و عینی و ملموس منطبق نباشد کافی و وافی به مقصود نیست

اولین اصل تبخرو توانایی مترجم به نویسندگی
 در زبان مادری خویش است . "

(۱۹۶۲:۶۲)

رافایل برتون (Raffel Burton) معتقد است :

"شخصی که فقط به زبان مادری خود مسلط است و یا
 حتی به زبان دیگری نیز تسلط کافی دارد و احیانا"
 از طریق آموزش زبان در آن تبحر یافته است
 نمیتواند ادعای ترجمه داشته باشد"

(۱۹۷۳:۱۵)

آنچه فهرست گونه نقل خواهد شد عمده^۶ ویژگیها^۷ است که بر مترجم قابل
 و توانا فرض داشته اند ، خواه مترجم متون فنی و تخصصی باشد و یا برگردان -
 کننده^۸ آثار هنری . تا ملو تفکر بر این پندارها جایز بلکه توصیه می شود چه
 در مواردی دو نکته در تباین با یکدیگرند .
 مترجم قابل باید :

۱- ذاتا " از قدرت خلاقیت بهره مند باشد .

۲- وقتی به ترجمه می پردازد ، شخصیت و تجسم فکری خویش را در برگردان
 کردن متون ملحوظ و منظور ندارد و آن متاثر نشود .

۳- نویسنده را آنگونه که هست و نه آنچه نیست معرفی نماید .

۴- در ترجمه^۹ متونی که در دست دارد حفظ وفاداری نماید .

۵- از عمده^{۱۰} صفاتی که به نویسنده^{۱۱} متن اصلی متصف است برخوردار باشد .

۶- در ترجمه^{۱۲} شعر ، قریحه و ذوق شاعر را در متن برگردان شده متجلی و

متظا هرسا زد .

۷- با تئوری های ترجمه و سیرتکاملی آن آشنا باشد .

۸- علاوه بر سا یر توانا ثیها ، حداقل به دوزبان مبداء^{۱۳} و مقصد تسلط کامل

تئوری‌های ترجمه و تفاوت ترجمه مکتوب و همزمان ۲۰۵

داشته باشد. منظور از آگاهی آن نیست که فقط به آن دوزبان تکلم کند بلکه به تمامی بعد فرهنگی زبان آشنا باشد.

۹- از دانش کافی برخوردار بوده موضوع در دست ترجمه و قوف کافی داشته باشد.

۱۰- به فرهنگ جامعه‌ای که متن اصلی از بطن آن تراویده و نیز به فرهنگ جامعه‌ای که به زبان آن متن برگردان شده آشنایی کافی داشته باشد.

۱۱- در ترجمه یک متن خاص از واژگان، ساخت و سبک یکنواختی بهره‌مند گردد.

۱۲- با تنوع گویش‌های زبانی (dialect variations) زبانهای مبدأ و مقصد آشنا باشد.

۱۳- با اصطلاحات و استعارات و نحوه بکارگیری آنها به عنوان یک کانال مطمئن ارتباطی و پیام‌رسانی آشنا باشد و از آنها در غنی‌تر کردن متن ترجمه شده استفاده نماید.

۱۴- به موضوع متن و علومی که غیر مستقیم به آن مربوط می‌شود آشنایی کافی داشته باشد.

۱۵- به تجزیه و تحلیل زبان‌شناسانه آشنایی داشته و از درکی صحیح پیرامون تنوع گونه‌های زبانی و قدرت بالفعل و بالقوه زبانها در انتقال پیام‌ها برخوردار باشد.

۱۶- با مشخصه‌ها و ویژگیهای واژگانی، ساختاری و معنایی جهان شمول (universal properties) که زیربنای همه زبانهای موجود جهان است آشنا باشد.

۱۷- در فرهنگ‌شناسی قومی خود تخصص کافی داشته باشد.

۱۸- قبل از دست‌یازیدن به ترجمه، با تاریخ، دین، زندگی اجتماعی

و آداب و سنن جامعه زبانی که متن اصلی از آن نشأت یافته و بدان تحریر گردیده آشنا شود.

۱۹- از قابلیت و توانایی در نقدهنری و ادبی و قضاوت در باب آن که لازمه انتخاب موارد اصلح است برخوردار باشد.

۲۰- سبب حرفه‌خویش عشق بورزد و بر آن به "باری به هر جهت" نیندیشد.

۲۱- بین تنوع سبکهای شعری و نثری در دوزبان مورد نظر تا یزقا یل باشد.

۲۲- بطور مداوم وبی وقفه در تقویت سبک نوشتاری خود بکوشد و پیوسته بر این امر تلاش داشته باشد که کاستی‌های دانش زبانی خود را چه از نظر زبان مبداء و چه از نظر زبان مقصد مرتفع نماید.

۲۳- بطور مداوم وبی وقفه زمینه‌افزایش اطلاعات عمومی خود را در همه زمینه‌ها عم از اینکه به متن در دست ترجمه مربوط باشد یا نباشد فراهم آورد.

۲۴- به علم منطق (logic) روی آورد چون این آگاهی "..... به او کمک خواهد کرد تا به ارزشهای نهفته و حقیقی که در زیربنای متن در دست ترجمه قرار دارد پی ببرد." (نیومارک ۱۹۸۱: ۶)

۲۵- با تکنیک‌ها و شگردهای مختلف ترجمه و شیوه تجزیه و تحلیل متون غامض آشنا باشد.

۲۶- از درایت و نبوغ و نیز احساس کافی برخوردار باشد.

۲۷- در مسایل فلسفی، تسلط و تبجرت نسبی داشته باشد.

۷- ترجمه همزمان (interpretation)

جای تعجب و شگفت است که غالب مردم و گهگاه اهل ادب نیز، در استنباط خود از دو مقوله متفاوت "ترجمه" (translation) و "ترجمه همزمان" (interpretation) دچار اشتباه شده و یکی را بجای دیگری بکار می گیرند. معهذبا باید در نظر داشت که استفاده از هر کدام از این واژه ها باید با توجه به زمینه عملی و کاربرد آن انجام پذیرد در غیر این صورت تصویری از هر کدام مجسم می گردد که الزاما " نمیتوانند نمایانگر چهره دیگری باشد. این تصور غلط که هر "مترجم مکتوب" (translator) می تواند به وقت ضرورت در مقام "مترجم همزمان" (interpreter) قرار گیرد و ایفای نقش نماید از این امر ناشی می شود که اهل سخن بین این دو مقوله تفاوتی نمی بینند. این دو مقوله از آن جهت از یکدیگر متمایز پذیرند که مبین دو نوع درک مختلف اند. تفاوت این دو روند تنها در کمال ارتباطی که یکی "مکتوب" و دیگری "شفاهی" است خلاصه نمی شود.

جین هربرت (Jean Herbert)، یکی از زبده ترین مترجمان همزمان عصر حاضر، ترجمه مکتوب و ترجمه همزمان را رویاروی قرار داده و در مقام مقایسه این دو مقوله را به دو مفهوم کاملاً متفاوت نسبت می دهد و چنین اظهار می دارد که "این دو مقوله را نمی توان درهم آمیخت" (رونالد

۱۹۸۲:۵ Ronald). بنظرا وعدهٔ قلبیلی از جمع مترجمان قادر به —
 پرداختن به این مهم هستند و می‌توانند از عهدهٔ آن برآیند. سلسکوویچ
 (Seleskovitch) نیز معتقد است که ترجمهٔ همزمان را نباید تنها هر شانویه
 ترجمهٔ مکتوب دانست. آنچه مترجم همزمان باید انجام دهد، کشف معانی
 داده‌ها و بیان صریح آنهاست (۱۹۷۹:۸) و نامبرده سپس می‌فزاید:

" ترجمهٔ همزمان بیشتر به هنرنقاشی می‌ماند تا
 به هنر عکاسی. در عکاسی، تما و پیر بدون کشف
 معانی رخ می‌نمایند، در حالیکه در نقاشی، نقاش
 سعی دارد پیام را آنطور که در بطن واقعیت
 می‌بیند بر پردهٔ نقش دهد" (۱۹۷۹:۱۹)

درست است که در عصر حاضر از ترجمهٔ روندکپی کردن (Copying Job)
 مراد نمی‌شود ولی آنچه مسلم و محقق است این است که ترجمهٔ همزمان یا تبادل
 شفاهی یک پیام بین دوزبان مبداء و مقصد، هرگز ترجمهٔ کلمه به کلمه محسوب
 نمی‌شده و تصور آن نیز دور از ذهن است (سلسکوویچ ۱۹۷۹:۱۹)

به نظر هاگ (Hugh) ، آنچه مترجم مکتوب را از مترجم همزمان
 متمایز می‌سازد این واقعیت است که مترجم همزمان با قرائت گرفتن در یک محیط
 ارتباطی ملموس و تکرارناپذیر (non-repeatable) اجباراً "از تکنیک‌ها
 و شگردهایی استفاده می‌کند که حاصل آن عبارات و جملاتی است که ترجمهٔ کلمه
 به کلمه محسوب نشده و فقط در زمان وقوع عمل می‌تواند دارای مفهومی
 و پذیرفته شده باشد.

آنچه این دونوع فعالیت را در کنار هم قرار می‌دهد وجه مشترک آنها در
 انتقال ایده‌ها، نظریات و مفاهیم است (رونالد ۱۹۷۲ Ronald).
 این دو مقوله از آن جهت نیز به یکدیگر شبیه اند که هر دو می‌توانند و باید
 مفاهیم مجزا از یک زبان را به زبان دیگر انتقال دهند بدون آنکه به تک

تئوری‌های ترجمه و تفاوت ترجمه مکتوب و همزمان ۲۰۹

تک واژه‌ها تکیه‌نما بیند. هرچند تکواژها عناصر زبانی (linguistic elements) و نما یا نگریبا مه‌ای کلامی هستند معیذا با رمعنا یی و رای حدخودندا رندوبه مفا هیم‌ا شاره نمی‌کنند. بدین ترتیب، هم در ترجمهٔ مکتوب و هم در ترجمه همزمان، کلمه واحد پیام رسان محسوب نمی‌شود. به عبارت دیگر، در بسیاری موارد، اگر کلمه خارج از متن بکار رود به عینیت‌های مختلفی از جهبـان واقعیت اشاره می‌نماید که گاهی «کاملا» از یکدیگر متمایزند. مثال ساده و روشنی از آن کلمهٔ «cousin» (دربان انگلیسی است که اگر خارج از متن بکار رود می‌تواند حداقل هشت معادل مختلف در زبان فارسی داشته باشد. در واقع به موارد متنوعی از روابط خویشاوندی نسبی - مادری (maternal) و خویشاوندی نسبی - پدری اشاره می‌نماید که هر کدام در زبان فارسی معادل ویژهٔ خود دارد.

رونالد (۱۹۸۲) معتقد است که ماهیت ترجمه (translation) ایجاب می‌کند که کار به کندی صورت گرفته و جرح و تعدیل‌هایی انجام پذیرد. به عبارت دیگر، مترجم فرصت فراوانی در اختیار دارد که متن ترجمه شده را به دفعات تصحیح نماید بدون آنکه به قیدزمان و مکان گرفتار آید. در مقابل آن، ترجمه همزمان نمی‌تواند با کندی صورت پذیرد. مترجم همزمان فرصت تغییر دادن عبارات، تصحیح ساختار جملات و انتخاب سبک‌های گوناگون را ندارد و رعایت زمان در بعضی موارد یک نیاز محسوب می‌شود. تنها مزیتی که مترجم همزمان از آن برخوردار است ولی مترجم مکتوب از فیض آن بی بهره است استفاده از پیام‌های جانبی است که از عوامل غیرزبانی چون حرکات دست و چهرهٔ گوینده منبعت می‌شود. بدین ترتیب، عوامل غیر کلامی (nonverbal factors) نشان دهندهٔ شادی، خشم، نفرت، انعطاف - پذیری، انعطاف‌ناپذیری، صراحت، جدی بودن، و یا حالات فراغت بالی است که گوینده را عارض می‌شود. با تکیه بر این عوامل، مترجم

همزمان می‌تواند پیامها و اطلاعات بیشتری را دریافت داشته و در ترجمه خود از آن استفاده نماید

کوپژنیسکی (Kopczynski) تفاوت‌های عمده ترجمه مکتوب و ترجمه شفاهی یا همزمان را به شرح زیر فهرست می‌کند:

الف - در ترجمه مکتوب

۱- نویسنده، مترجم و خواننده سه وضعیت بافتی (Contexts of situation) متفاوت دارند.

۲- مترجم معمولاً با نویسنده متن و خواننده متن ترجمه شده در ارتباط نیست.

۳- مترجم همیشه از این مزیت برخوردار است که با توجه به بازنه خوانندگان چاپ اول متن ترجمه شده، حاصل کار خویش را مورد بررسی و امتحان نظر مجدد قرار دهد.

۴- علامت‌گردانی (encoding) و علامت‌برگردانی (decoding) پیامها از طریق نوشتاری انجام می‌پذیرد.

۵- پیامی که از سوی نویسنده صادر شده تغییر نمی‌یابد و معمولاً نویسنده در تجدید چاپ کتاب خود، در اصل پیام خوددگرگونی ایجاد نمی‌نماید.

ب- در ترجمه همزمان

۱- وضعیت بافتی برای گوینده که منشاء پیام، مترجم که ناقل آن و شنونده که گیرنده پیام است یکسان است.

۲- مترجم با توجه به شرایط ویژه گوینده و یا شنونده / شنوندگان می‌تواند از لحظه‌های بسیار کوتاه و گذرا استفاده نموده و با زنگری‌های اندکی در ترجمه خود بینماید.

۳- پیام از ماهیت طرفه العینی (transient) برخوردار است.

۴- علامت‌گردانی و علامت‌برگردانی پیامها شفاها " انجام می‌پذیرد.

تئوری‌های ترجمه و تفاوت ترجمه مکتوب و همزمان ۲۱۱

گلیکمن (Glickman) (۱۹۸۰) از دو مقوله منعبتا ازدوزمینسهء متفاوت، سخن می‌گوید که در آن نقش مترجم همزمان، متکلم و شنونده و ارتباط بین آنها از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. در مقایسهء ترجمه مکتوب با "ترجمهء شفاهی همزمان"، گلیکمن به نکات عمده و تفاوت‌های با رزی - اشاره می‌کند که اهم آن به شرح زیر است:

ترجمه همزمان	ترجمه مکتوب
۱- گفتار در زمان حال وقوع می‌یابد.	۱- تحریر متن اصلی در زمانی گذشته انجام یافته است.
۲- گفتار در حال شکل گرفتن است و پویایی خود را حفظ کرده - است و از سویی قطع روند گفتار و یا پیش‌بینی تداوم آن بعید می‌نماید.	۲- متن اصلی انجام یافته و تغییر در آن میسر و محتمل نیست.
۳- گفتار ارائه شده توسط متکلم عینیت ملموس نمی‌یابد. و در زمان محو می‌شود. آنچه باقی می‌ماند نقش مفاهیم در ذهن مترجم است.	۳- متن ترجمه شده را می‌توان به دفعات مورد معانی نظر مجدد قرار داد و از سویی دخل و تصرف در آن در هر زمان میسر است.
۴- حرکات فیزیکی گوینده پیام را روشنی بیشتری می‌بخشد و به آن غنای بهتری می‌دهد. مترجم همزمان با عنایت به حرکات رفتاری گوینده و با سودجستن	۴- به استثنای مواردی که تصاویر و یا نمودارهای کتاب را تزئین می‌دهد، بقیه متن کتاب به صورت نوشتاری و معمولاً بدون اطلاعات جانبی و اضافی به دست مترجم

ترجمه همزمان	ترجمه مکتوب
<p>از واقعیت حاصل و ملموس درک بهتری از قصد گوینده دارد.</p>	<p>می‌رسد. مترجم از موقعیتی که در آن متن آفریده شده بی‌خبر است و بنا بر این برای پیدا کردن درک صحیح از رویدادها اجباراً "باید". تعمق بیشتری در متن بنماید.</p>
<p>۵- مترجم همزمان، در یک لحظه با گویندگان مختلف رویا روی می‌شود و غالباً "باید روند فکری و سبک سخن (ترجمه) خود را با حالات و رفتار آن گروه تطبیق دهد.</p>	<p>۵- معمولاً "متونی که به رشته تحریر در می‌آیند پرده‌آلود ذهن یک نویسنده اند. بنا بر این مترجم می‌تواند سبک نوشتاری و روند فکری خود را با سبک و فکر آن نویسنده همسان و یکسوز نماید.</p>
<p>۶- مترجم همزمان نه تنها از حالات احساسی و عاطفی گوینده مطلع می‌شود بلکه در بسیاری موارد لبه‌تیب متوجه خود اوست.</p>	<p>۶- به علت اینکه بین مترجم و مولف بعد مکانی و احتمالاً زمانی وجود دارد و روند متن و انتقال حالات احساسی که مولف در متن نوشته خود منظور داشته تا چیسز و یا اصولاً وجود ندارد.</p>
<p>۷- ترجمه همزمان از گفتار گوینده بطور مستقیم به سمع شنونده می‌رسد. عکس العمل و بازتاب فوری که در شنونده حاصل می‌گیرد قابل بررسی و احتمالاً</p>	<p>۷- غالباً "دوری مترجم از مولف و یا نویسنده در حد بعد مکانی و زمانی است که او با خوانندگان آینده اثر خود دارد. گاهی اتفاق می‌افتد که مترجم از خوانندگان آینده خود</p>

ترجمه همزمان	ترجمه مکتوب
<p>قابلیت‌بردار در ترجمه‌های لحظاتی است.</p>	<p>نیز تصویری در ذهن ندارد و از طرفی چون با زتاب و عکس‌العمل خواننده نسبت به اثر ترجمه شده با فاصله زمانی بعد صورت می‌گیرد بنا بر این اثر عکس‌العمل‌ها بر مترجم مدت زمانی پس از خلق اثر تحقق می‌یابد.</p>
<p>۸- مترجم همزمان با دیدار کار خود دارای چنان ذوق و ظرافتی باشد که ترجمه به دست آمده عاری از عیب و نقص باشد زیرا فرصتی برای تصحیح و تجدید نظریا با زآفرینی وجود ندارد.</p>	<p>۸- متون ترجمه شده را می‌توان مورد تجدید نظر قرار داد، نقائص را بر طرف نمود و قبل از آنکه به زیور طبع آراسته شود تصحیح و برآن حاشیه‌نوشت و یا اصولاً بخشی از آن را حذف نمود.</p>
<p>۹- گوینده و شنونده هر دو در یک مکان و در یک زمان در ارتباط اند. از سویی بسیاری از حالات و تجربه‌ها بین دو گروه فوق مشترک است. مترجم همزمان نیز که در این ارتباط سهیم است از رویدادها و تبادل نظرها بهره فراوان می‌برد.</p>	<p>۹- ارتباط بین مترجم و نویسنده فقط از طریق کتابی است که در دست ترجمه است. فاصله بین آن دو گاه بسیار وسیع و در ابعاد زمانی و مکانی مشهود است.</p>

۷۰۱- تعریف ترجمه همزمان

"اگر مترجم همزمان پیام را به صورت واژه به واژه ارائه نماید، " زبان مقصد را ارائه داده است اما ما حاصل از مفهوم خالی بوده و از آن اعاده معنی نمی شود"

(سلسکویچ ۱۹۷۸:۲۳)

دانیکا سلسکویچ (Danica Seleskovitch) یکی از مبتکران و متولیان تئوری ترجمه همزمان، تعریفی از ترجمه همزمان به شرح زیر ارائه می دهد:

"ترجمه همزمان برگردان شفاهی واژه ها نیست بلکه بازشناسی معنی یک پیام و بازگویی آن در قالب زبانی دیگر است."

(۱۹۷۸:۹)

بنظر سلسکویچ، ترجمه همزمان باید از سه مرحله متمایز از یکدیگر بگذرد. الف- درک شنیداری (Auditory Perception) در این مرحله توجه مترجم همزمان به درک صحیح پیام گوینده معطوف میگردد. مترجم به معانی واژه ها به صورت پراکنده عنایتی ندارد و در مجموع

تئوری‌های ترجمه و تفاوت ترجمه مکتوب و همزمان ۲۱۵

عبارات و مفاهیم بنیادی را ردیابی می‌کند. این مرحله یکی از حساس‌ترین مراحل ترجمه همزمان است و اگر مترجم در بعد زمانی دچار رکود فکری و تا ملبیش از حد شود در مرحله دوم با مشکلات جدی روبرو خواهد شد.

ب- مرحله واژه زدایی (discarding of lexical words)

و تقویت مفاهیم وابسته به پیام .

در این مرحله ، لازم است که مترجم با سرعت و با ظرافت خاصی عمل نماید در غیر این صورت از مجموعه پیام به استثنای معانی کلمات و واژه‌های پراکنده و نیز پاره‌ای ساختارهای ناپیوسته چیزی در ذهن وی باقی نخواهد ماند .

ج- تولید جملات همپایه به زبان مقصد در اسرع وقت

در این مرحله ، مترجم نه تنها معادل همپایه مفاهیم را در زبان مقصد با زآفرینی می‌کند بلکه مطلوبیت آنرا نزد شنونده یا شنندگان زبان مقصد محک می‌زند . سلسکویج معتقد است که میزان قابل قبول بودن ترجمه ارائه شده بستگی به نحوه ارائه آن دارد . (۱۹۷۹:۱۴)

"براون" (Browen ۱۹۸۴) از تعریفی که سلسکویج از ترجمه

همزمان می‌دهد استقبال می‌کند و به شیوه روشن‌تری به بیان مراحل مختلف آن پرداخته ، ترجمه همزمان را مشمول سه مرحله پیوسته

الف- درک صحیح از زنجیره گفتار در باب مقال (language discourse)

در زبان مبداء .

ب- درک صحیح از زنجیره گفتار در زبان مقصد .

ج- پیدا کردن عبارات مطلوب معادل و بکارگیری آن در ارائه زبان -

مقصد . "براون" ضمن برشمردن مراحل گوناگون و تکنیک‌های ویژه هر مرحله ، انتظارات و توقعاتی را که از ترجمه همزمان دارند با آنچه تئوری ترجمه

همزمان معقول و مقبول و میسور می‌شنا سدمقا پسه می‌کند و بطوراً جمالی مترجمان ترجمه همزمان منقطع (consecutive) را به رعایت اصول زیر سفر می‌دهد. بدیهی است این موارد می‌توانند در مورد همه مترجمان همزمان صدق یابد. به نظر او، مترجم همزمان نباید:

۱- واقعیت‌های ملموس و مهم را نادیده انگارد.

۲- واقعیت‌ها را تحریف نماید.

۳- پیام را مخدوش و یا از آن اعاده معنی معکوس نماید.

۴- از حدسبک‌ارائه شده در بیان و سخن اصلی یا افراط‌گذارد.

از سوی دیگر، ترجمه همزمان:

۱- نوعی فعالیت که در آن واژه‌ها به واژه‌های معادل، عبارات به

عبارات برابر و جملات به جملات یکسان ترجمه می‌شوند محسوب نمی‌گردد.

۲- نباید از تنظر تعدد عبارات و واژه‌ها همپای اصل باشد.

۳- نباید از متن اصلی به دور افتد.

(۱:۱۹۸۴)

۷۰۲ انواع ترجمه همزمان

ترجمه همزمان پدیده جدیدی نیست. درازمنه‌های دور، مردم‌قبا ییل و ملت‌های گوناگون با یکدیگر در ارتباط بوده و بدون شک افرادی نیز به عنوان رابط، ایفاگر نقش مترجم همزمان بوده‌اند. به احتمال قریب به یقین تنها ترجمه منقطع (consecutive interpretation) مرسوم بوده و انواع دیگر آن معمول نبوده است. علت‌کاملاً واضح است. نخست اینکه شناختی از انواع دیگر ترجمه شفاهی حامل نبوده و دوم اینکه اصولاً نیازی به آن نبوده است.

تئوری‌های ترجمه و تفاوت ترجمه مکتوب و همزمان ۲۱۷

انواع دیگر ترجمه شفا هی بویژه " ترجمه همزمان "

(conference interpreting)

از جنگ جهانی دوم مورد توجه قرار گرفته است (هربرت ۱۹۸۵:۵). در آن زمان ، ترجمه همزمان از آن جهت نضج گرفت که بتوانند بین بلنند مرتبگان انگلیسی زبان و فرانسه زبان که بر حسب تعادف به زبان یکدیگر آگاهی نداشتند ارتباط کلامی برقرار نمایند . البته قبل از این زمان ، مترجمان همزمان ، بلافاصله پس از پایان گرفتن سخنرانی ، چکیده سخنان سخنران را به زبان مقصد ارائه می نمودند . معهذ قبل از آغاز جنگ جهانی دوم " ترجمه همزمان " مرسوم گشت و مترجمان از طریق دستگای که به hushphones معروف بود سخنان گوینده را بطور همزمان ترجمه می نمودند (هربرت : ۱۹۷۸:۷) .

در حال حاضر سه نوع ترجمه همزمان در سازمانهای بین المللی بویژه در سازمان ملل متحد معمول است که عبارتند از :

الف - ترجمه همزمان مقطع (consecutive interpreting)

ب - ترجمه همزمان همردیف (simultaneous interpreting)

ج - مکتوب همزمان (Trans - interpreting) *

۷۰۲۰۱ ترجمه همزمان مقطع

این نوع ترجمه اولین بار پس از جنگ جهانی دوم و در دادگاه نورنبرگ

* این واژه در تاریخچه ترجمه همزمان بکار رفته است . منظور نوعی از ترجمه همزمان است که ضمن آن مترجم متن ترجمه شده را همپای سخنران قرائت میکند ولی در عین حال نیز اگر به ضرورت عبارتی را سخنران شفاها " اضافه نماید به موقع ترجمه می نماید .

تئوری‌های ترجمه و تفاوت ترجمه مکتوب و همزمان ۲۱۹

زیرا از بسیاری از موارد مبهم رفع ابهام خواهد شد. (سلسکویچ ۳۳-۳۱ :

(Seleskovitch ۱۹۷۸)

روند ترجمه به ترتیبی است که مترجم همزمان بطور پیوسته متن را در زبان مبدأ مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهد و پیام دریافت شده را به معادل آن در زبان مقصد با زسازی و یا به عبارت بهتر با آفرینی می‌نماید. — به لحاظ آنکه مترجم بر عباراتی که توسط گوینده ایراد می‌گردد هیچگونه کنترلی ندارد لذا آنچه تولید می‌کند تقریبی است از مفاهیمی که در جمیع از گفتار گوینده استنباط کرده است .

باون (Bowen) معتقد است که :

”... یا دداشت برداری ودقت در گوش دادن می‌تواند

در میزان درک مترجم از گفتار گوینده موثر باشد”

(۴: ۱۹۸۰)

دقت در گوش دادن مهارتی است که مترجمان همزمان آینه می‌توانند کسب نمایند منوط بر آنکه مترجم از توانایی‌های بالقوه‌ای برخوردار باشد . عمل شنیدن بطور ناخودآگاه و بدون نیاز به کوشش و تلاش شنونده انجام می‌پذیرد در حالیکه ، عمل گوش دادن نیاز به توجه ودقت ویژه دارد . برای تقویت این توانایی ، لازم است که دانشجویان رشته مترجمی همزمان وقت فراغت خویش را به تماشای فیلمهای مناسب با صدای صلی ، سخنرانی‌های مقامات مملکتی که به زبانهای بیگانه ارائه گردیده ، مصاحبه شخصیت‌های مختلف که در زمینه‌های مختلف به ایراد سخنرانی برداخته‌اند و نیز اساتیدی که مطالب علمی ، اقتصادی سیاسی و فرهنگی را به زبانهای مادری و یا بیگانه عرضه داشته‌اند عنایت نمایند . آشنایی قبلی مترجمان همزمان به گوینده و ویژگیهای قومی ، زبانی و فرهنگی او و نیز تمایلات و اهداف اجتماعی او می‌تواند در برگردان کردن هر چه بهتر

سخنرانی ارائه شده موثر باشد، آشنایی مترجم با مقوله‌های مذکور زمینه را برای درک سریع تر و روشن تر از پیام گوینده آماده می‌سازد.

علاوه بر این، برای آنکه مترجم بتواند بر قدرت مهارت خود در شنیدن بیفزاید و عادت‌های شنیداری خود را تقویت بخشد، باید بکوشد میزان تبحر خود را در مهارت شنیداری (protective listening skill)

بالا برد. به عبارت دیگر، مترجم همزمان باید بدینا موزد که چگونه، ضمن استماع و درک پیام، به عوامل غیرزبانی که می‌توانند مغل فهم باشد بی توجه باشد. از طرف دیگر مترجم همزمان باید مهارت شنیداری چکیده‌ای (۱)

(selective listening skill) خود را تقویت نماید. بدین معنی که توجه خود را به آن جنبه‌هایی از متن معطوف نماید که نقش عمده‌ای در پیام رسانی دارد. در مجموع، برای نیل به مهارت زبانی درون سو (concentrated linguistic skill) مترجم همزمان باید:

الف- تمایل به گوش دادن داشته باشد.

ب- از طریق تقویت قوه شنیداری مصون ساز (protective skill)

خود، عوامل مزاحم بیرون بافتی را از محیط معنایی بزداید.

ج- بکوشد زنجیره گفتاری گوینده را به شنونده منتقل نماید.

د- بتواند بر تفاوهای فکری و عقیدتی که بین خود و گوینده مشاهده

می‌نماید پدفاثق آید.

ه- از تمامی قوای محسوسه خود (sensual) به نحو احسن بهره‌گیرد

(باون ۷-۸: ۱۹۸۰ Bowen)

و- سریعاً به شناختی از گوینده، از موضوع مورد بحث، از ویژگیهای

شنونده یا شنوندگان و اینکه آیا بحث مورد نظر ترغیبی (persuasive)

۱- واژه "مهارت شنیداری چکیده‌ای" را مدیون دکتر ضیاء حسینی هستم.

ویا اخباری (informative) است ناپیل گردد .

۷۰۲۰۱۰۱ اطلاعات بکردر مقابل با اطلاعات حشوی (rdundant)

با ون (Bowen) بین "اطلاعات بکرو" "اطلاعات حشوی" تما یزی را قایل می شود که با ید در ترجمه همزمان مورد توجه قرار گیرد:

الف - اطلاعات حشوی

منظور مجموعه اطلاعاتی است که مترجم قبل زایفای نقش واسطه گر در ترجمه بین گوینده و مستمعان ویا بین دو گوینده مختلف برآن وقوف داشته و از آن سود می جوید . در مناظرات و گفتگوهای دوجا نبه ، عبارات و اصطلاحات کلیشه‌ای وجود دارد که با توجه به محتوای گفت و شنود قابل پیش بینی است . مترجمان همزمان که در سطح کنفرانسهای بین المللی فعالیت دارند به نوع اصطلاحات و عبارتهایی که توسط گویندگان و سخنرانان ذریک زمینه خاص بکار برده می‌شود وقوف کامل دارند . برای مثال در - اجلاس سیاسی سازمانهای بین المللی ، عبارتهایی چون " hegemony " (سلطه گر) ، imperialism (امپریالیسم) ، " capitalism " (سرمایه داری) " the oppressed " (مظلوم) " the oppressors " (ظالم) " invasion " (اشغال) " Violation of human rights " (نقض حقوق بشر) ، " treaties " (عهدنامه / قرارداد) ، و غیره کارا " مورد استفاده قرار می گیرد . مترجم قبل از آغاز به کار باید با این قبیل واژه‌ها و مقوله‌های معنایی آشنایی کامل داشته باشد .

ب - اطلاعات بکرو

کلیه اصطلاحات و عبارتهایی که بهیچوجه قابل پیش بینی نبوده و از

فحوای کلام گوینده تشخیص محدودهء حدوث آنها میسر نمی‌باشد. از مکرهء -
 "اصطلاحات بکر" محسوب می‌شوند. این احتمال همواره وجود دارد که مترجم
 همزمان با مقوله‌های معنایی پیش‌بینی نشده روبرو گردد. این قبیل
 اطلاعات و مفاهیم بدیع که در تاریخچهء علم و موضوع مورد بحث سابقه‌ای
 نداشته‌است مشکل بزرگ‌تر مترجم بوده و دقت کافی می‌طلبد. مترجم
 همزمان با پیدا زبانش خاص و سرعت عمل ویژه برخوردار باشد تا در رویارویی
 با این قبیل مشکلات، با ظرافت و دقت کافی معادل واژگانی مناسب را در
 زبان مقصد یافته و از آن استفاده نماید.

۷۰۲۰۱۰۲ چگونه بر تبحر و قابلیت خود در ترجمهء همزمان مقطع بیفزاییم .
 مترجمان همزمان باید بطور مداوم دربار لایردن قابلیت سخنوری خود
 بکوشند. یکی از شیوه‌هایی که می‌تواند موثر باشد آن است که دانشجویان
 مترجمی همزمان سخنان طرفیای خود را در ذهن خویش به زبان مقصد ترجمه
 نمایند. به عبارت دیگر لازم است که ذهن خویش را بطور مداوم به ترجمه
 مشغول نمایند. اگر این روند از حالت ذهنی نیز بیرون آمده و به دانشجویان
 دیگر که زبان مقصد را می‌دانند منتقل گردد، مسلماً "نتیجه مطلوب‌تری به
 دست خواهد آمد.

در جهت تعالی بیشتر این قابلیت، هورن (۱۹۷۲) Horn مواردی را
 نقل می‌کند که شایسته است مورد توجه دانشجویان رشتهء مترجمی همزمان
 قرار گیرد. وی به دانشجویان توصیه می‌کند.

الف - جملات خود را با سلاست و روانی خاص بیان نمایند تا در شنوندگان
 اطمینان لازم را بوجود آورند.

ب - از واژه‌های مناسب استفاده نمایند و طوری سخن بگویند که تسلط
 کامل آنها بر دوزبان مبداء و زبان مقصد بر شنوندهء محرز گردد.

تئوری‌های ترجمه و تفاوت ترجمه مکتوب و همزمان ۲۲۲

ج- در ترجمه خود از جملاتی استفاده نمایند که بی‌نگرما همی‌ها می‌باشند و نه فقط بخشی از آن می‌باشند .

د- در انتقال نقل قول‌ها مسامحه نکنند و سعی نمایند آنها را به‌طور کامل عرضه نمایند .

ه- سعی کنند در تمام موارد بیان آنها واضح و گویا باشد .

و- سعی نمایند لحن گفتاری آنها طبیعی بوده و یکنواخت نباشد .

ز- سعی نمایند تا آنجا که ممکن است رفتار عادی داشته باشند .

ح- بیشتر از یک‌دو شصت کلمه در دقیقه ترجمه‌نمایند و از سویی سعی نمایند سرعت بیان آنها از نود کلمه در دقیقه کمتر نباشد (۱). مع‌هذا نوسان گفتار در طیف مذکور می‌تواند به ترجمه ارائه شده مطلوبیت بیشتری بدهد .

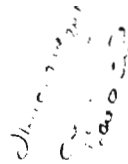
ط- وضوح در گفتار را تا پایان جمله حفظ نمایند .

ی- وقتی انتقال دو مفهوم کامل و متفاوت منظور نظر است ، سعی نمایند ابتدا یک مفهوم را منتقل نمایند و پس از اطمینان از انتقال و درک یک مفهوم به عرضه مفهوم دیگر اقدام نمایند .

ک- سعی کنند عوامل متشکله یک جمله را با اختیار مکث‌های بی‌مورد متلاشی نسازند . برای مثال اگر عبارتی را با حرف اضافه آغاز کرده‌اند فاصله‌ای بین آن و بقیه اجزاء عبارت نیندازند .

ل- با استفاده از مهارت‌های غیرکلامی (nonverbal communicative skills) به ترجمه خود غنای بیشتری ببخشند . بدین معنی که با استفاده از حرکات دست و صورت احساس‌گوینده را به شنونده منتقل سازند

۱- این میزان در ترجمه زبان‌های اروپایی ملحوظ نظر بوده



دادی است و در پاره‌ای موارد در حد محدودی قابلیت تربیت و تقویت است. این قابلیت چیست و چگونه می‌توان آنرا تقویت بخشید؟ مری است که با دیدن از تفحص‌های بیشتر روشن شود. بهر حال بحث آن در این مختصر نمی‌گنجد. "ولف گانگ" (Wolfgang) در مقاله خود، به این نکته اشاره می‌کند که حتی مترجمان همزمان که دارای حافظه قوی هستند هرگز کلمات را به صورت متوالی در ذهن خویش ثبت نمی‌کنند بلکه "کلید یک اندیشه و پیام" را در حافظه نگه میدارند. (۱۹۷۰) *

"باون" (Bowen) حافظه "زابه" دو طبقه تقسیم‌بندی میکند:

۱- حافظه کوتاه مدت

۲- حافظه بلند مدت

و سپس نوعی تقسیم‌بندی بر مبنای "شگردهای کلامی و غیر کلامی" ارائه می‌دهد. به نظر او، در بهترین شرایط ممکن، حافظه کوتاه مدت نمیتواند بیش از ۲۰ الی ۳۰ ثانیه مفاهیم را در خود نگهدارد (۱۸: ۱۹۸۴). سرعت بیان گوینده (که البته در افراد مختلف متفاوت است) با قدرت حافظه مترجم همزمان نسبت مستقیم دارد. به عبارت دیگر هر چه تعداد کلمات به کار رفته توسط یک گوینده در یک واحد زمانی مشخص بیشتر باشد، قابلیت ضبط کلمات در حافظه مترجم کمتر خواهد بود. به عقیده "باون"، نسبت آن از ۱۲۰ الی ۱۵۰ کلمه در هر دقیقه در نوسان است. البته موارد استثنایی نیز گزارش شده که یک گوینده بیش از ۳۲۰ کلمه در هر دقیقه تولید کرده است.

* برای بررسی بیشتر در مورد قدرت حافظه و نقش آن به کتاب زیر مراجعه

1. Graphic features

نمائید.

"Wolfgang Zielke Conditioning your memory" New York: Sterking Publishing Company, Inc., 1970.

۷۰۲۰۱۰۳ مشکلاتی که مترجمان همزمان غالباً " با آن روبه‌رو هستند . مشکلاتی که معمولاً " هر مترجم همزمان ممکن است با آن روبه‌رو شود به‌طور عمده بوجه نوع تقسیم‌بندی شود :

الف - عدم برخورداری از سرعت کافی در یادداشت برداری و نیز مشکل خواندن یا دداشتهایی که از بیانات ارائه شده تهیه شده است .
ب - به خاطر نیاز وردن بعضی از قسمت‌های بیانات ارائه شده توسط گوینده یا سخنران .

ج - نداشتن توانایی وقابلیت لازم در ارائه سریع ترجمه بیانات با سرعتی متناسب با گوینده .

الف - مشکل دستخط

"مارگارت باون" (Margaret Bowen) به‌نکته جالبی اشاره می‌کند ، او می‌گوید

"... بی‌سوادی هم بلیه است و هم عطیه ، از آن -

جهت بلیه است که تیشه بر جان حافظه میزند ."

(۱۹۸۴:۱۵)

و برای این عقیده است که اگر افرادمانند کودکان نمی‌توانستند بنویسند و بخوانند از حافظه‌ای قوی همچون آنها برخوردار نبودند . در اینکه آیا این ادعا پایه و اساس علمی دارد یا نه جای تعمق و تفحص بسیار است . اما در ارتباط با یادداشت برداری ، این حقیقت وجود دارد که مترجم باید تنها آن مواردی را یادداشت نماید که نقش کلیدی در گفتار دارد . بدیهی است یادداشت برداری کلمه به کلمه و با سرعتی برابر با گوینده نه ممکن است و نه ضروری . بعضی از زبان‌شناسان معتقدند که مترجم همزمان باید بتواند کلمات کلیدی را شناسایی و انتخاب نماید ، به عبارت دیگری از

ویژگیهای مترجم همزمان توانایی انتخاب^(۱) است. این زبان‌شناسان براین عقیده‌اند که مترجم همزمان منقطع با بیدان قبیل کلماتی را بر صفحه کاغذ درج نماید که بعداً می‌توانند یادآوری مطالب مطرح‌شده را آسان‌تر نمایند.

مترجم همزمان باید در یادداشت برداری حتی الامکان از علایم اختصاری استفاده نماید مشروط بر آنکه در بازنگری مجدد بتواند آن علایم را به مفاهیم بیان شده ربط دهد. آزما‌بیشهای انجام شده به این نتیجه رسیده است که افراد مختلف در طول زندگی خود از یک نوع الگوی خاص نوشتاری استفاده می‌کنند. به عبارت دیگر شکل و حالت انحاء و نحوه تامل حروف در اشخاص متفاوت فرقی کند و این تفاوت به عنوان ویژگی یک فرد در تقابل با دیگران تا پایان عمر او باقی می‌ماند متخصصان پیشنهاد می‌کنند که مترجمان همزمان با توجه به قدرت حافظه خود تعداد کلمات مورد نیاز برای یادآوری مجدد را در یادداشت‌های خود منظور نمایند. علاوه بر این، مترجمان همزمان باید "ویژگیهای نوشتاری"^(۱) را به طور وضوح در یادداشت برداری خود ملحوظ بدارند. برای مثال، در یادداشت برداری سریع، شکل نوشتاری "ممکن است بعداً" "حسن"، "حُسن" ویا "حس" خواننده شود. بنا بر این درج "نقطه‌ها" و "عرب‌ها" لازم می‌نماید زیرا نقش اساسی در یادآوری دارد.

ب- حافظه

قبل از هر چیز، ذکر این نکته لازم است که داوطلب رشته مترجمی همزمان باید الزماً "قدرت حافظه نسبتاً" خوبی برخوردار باشد. چون بدون برخوردار از آن، ترجمه همزمان میسر نیست. این قابلیت تا حدی خدا

تئوری‌های ترجمه و تفاوت ترجمه مکتوب و همزمان ۲۲۷

"سلسکویچ" معتقد است که مترجم همزمان باید از قدرت "حافظه نقش پذیر" (۱) برخوردار باشد و این موهبتی است خدایی. از طرفی به این نکته نیز اشاره می‌کند که هرچه اطلاعات داده شده با مفهوم بیشتری همراه باشد، یادآوری آن آسان‌تر است (۳۵: ۱۹۷۸). بر همین اساس، حافظه را به دو نوع تقسیم بندی می‌کند:

الف - حافظه جوهری (substantive memory) (۲)

ب - حافظه عملی (verbatim memory)

وقتی اطلاعات کسب شده جذب گردد به عنوان بخشی از حافظه جوهری ضبط و ثبت می‌شود این حالت حاصل تجزیه و تحلیلی است که بر پیام انجام می‌پذیرد و این امر در درک گفتار نقش مهم دارد. در مقابل، برای آنکه مقوله‌ای جزء حافظه عملی قرار گیرد به مدت زمان بیشتری نیاز است

در جهت کمک به حافظه برای درک و به خاطر آوردن متن یا اطلاعات ارائه شده، بعضی از متخصصان استفاده از علایم را مخصوصاً "در ترجمه همزمان قطع پیشنهاد و توصیه می‌کنند."

"ج- اف، هنری" J.F. Henry پیشنهاد می‌کند از علایم زیر در نشان دادن بعضی از مفاهیم استفاده شود:

	فارسی	انگلیسی
←	از	from
→	به	to
=	معادل / مساوی	equal

1- Photographic memory

۲- این عبارات را از جناب دکتر صفوی گرفته‌ام.

	فارسی	انگلیسی
×	ضرب	multiply
<	کمتر از	less/fewer than
>	بیشتر از	more than
+	بیشتر	more
-	کمتر	less/fewer
÷	تقسیم	divided by
≠	تعدادی	a number of

برای مثال :

1. The United States proposed to the USSR...

US → R

2. Over the peaceful uses of atomic energy

peace → atom

3. The Soviet Delegate stated that his country's contribution was greater than that of the United States.

R.d. their cont. > US cont.

ج - ۲۰۲۰۱۰۳

تفاوت عمده‌ای بین گوینده و مترجم همزمان وجود دارد. گوینده از محتوای پیامی که قصد به عرضه آنرا دارد آگاه است درحالیکه مترجم همزمان بایده انتظار با شدتاً بدانند که گوینده چه پیامی دارد. درحقیقت بینارائه مطلب توسط گوینده و درک مترجم از آن موضوع یک فاصله زمانی وجود دارد. اگر این فاصله زمانی به حداقل خود برسد و سرعت گوینده با

درک و تولیدزبان مترجم همزمان برای برویا نزدیک شود حالت ایده‌آلی به دست آمده است اما این نکته روشن است که مترجم همزمان هر قدر دارای — قدرت حافظه قوی باشد، نمی تواند تمام کلمات و عبارات را در ذهن خویش نگهدارد و با سرعت یکسان معادل سازی نموده و عرضه نماید. در جهت کمتر کردن این فاصله زمانی، بعضی از مترجمان همزمان به شیوه «تندنویسی (shorthand)» توسل می جویند اگرچه این شیوه از سوی بسیاری دیگر از مترجمان مورد استفاده قرار نمی گیرد. دسته «اخیر به جای استفاده از» «تندنویسی» شیوه اختصاری خاص خود دارند و از آن به نحو نیکو استفاده می نمایند.

بعضی از مترجمان همزمان از علائم نویسه‌ای (graphological symbols) خاصی که نمایانگر مفاهیم ویژه‌ای است استفاده می‌نمایند. «باون» موردی را نقل می‌کند که مترجمی از تصویر رسم شود (که غالباً «برای مفهوم «کارخانه» استفاده می‌شود) در بیان مفهوم «صنعت» استفاده نموده است. تعدادی دیگر از مترجمان همزمان از حروف IND برای همین منظور استفاده می‌کنند و مثلاً «از مجموع دو حرف AG برای کلمه Agriculture (کشا و رزی) سود می‌برند (۱۹۸۴:۲۲)

مشکل اساسی در به کارگیری «تصاویر نموداری» این است که مترجم باید علائم ویژه‌ای را خلق کند، آنها را به خاطر داشته باشد و با لایحه در مواردی که به ندرت پیش می‌آید آنها سودجوید. از طرفی، ممکن است تصاویر به لحاظ شباهت فوق العاده و نزدیک حامل دوویا چندپایم متفاوت باشند. در این صورت، اگر مترجم از حافظه‌ای قوی برخوردار نباشد، مسلماً «ابهامات فراوانی را به همراه خواهد داشت. به عبارت بهتر، وقتی نوبت به مترجم همزمان می‌رسد تا مفاهیم را با زنگ کند، با زنگری بر تصاویری که رسم نموده ممکن است او را به گمراهی بکشاند و حافظه او را

دریادآوری اصل مطالب مدد ننماید. در مقایسه، استفاده از علائم اختصاری نسبتاً ساده تر و عملی تر است.

"باون" هر دو مورد بالا را مطرود می‌دانند و معتقد است که کارآیی چندانی ندارند. پیشنهاد مشخص او این است که مترجمان همزمان، از علائمی در ارتباط با "مفاهیم" استفاده نمایند. علت آن است که مترجم، در باز آفرینی کلامی گفتار گوینده در زبان مقصدتنها به انتقال "برشهای مفهومی" (concept chunk) می‌پردازد. به نظراو، یادداشت برداری مبتنی بر "کلمه‌نگاری" نه تنها میسر نیست بلکه نامقبول است. نامبرده به ذکر این مسأله می‌پردازد که "... اگر مترجم همزمان بتواند روشی خاص و سهل دریادداشت برداری ابداع کند، بیش از نیمی از کار ترجمه خود را به انجام رسانده است" (۱۹۸۴:۲۳).

در کتاب خود با عنوان "گامهای موثر در یادگیری ترجمه همزمان"، — "باون" مثال جالبی را شاهد می‌آورد که نقل آن می‌تواند موضوع ارار روشن تر نماید.

(متن زیر برای مترجم خوانده شده است)

The discovery, identification and subsequent curing of an illness in animals is a task so fraught with difficulty that it might have made even the stout heart of Florence Nightingale quail. Imagine a patient who not only cannot tell you where the pain is but, in many cases, takes great care to cover up all its symptoms; a patient who, having decided that you are trying to poison it, refuses all medication, regardless of how carefully embedded in meat, banana or chocolate it is; a patient who (because you cannot explain), interprets everything you do, form x-ray

to injection, as a calculated assault on its life, its dignity or both. With sick animals, you find that you have to have the patience of Job, the grim determination of Sisyphus, the duplicity of Judas, the strength of Samson, the luck of the devil and the bedside manner of Solomon before you can hope to achieve results.

یادداشت برداری به شیوه^۱ زیرتوسط یک مترجم همزمان منقطع انجام پذیرفته است. مترجم با اتکاء^۱ بر این یادداشت به بازآفرینی پیام در زبان مقصدهمت می‌گماید (۱)

Dis, Id, cur
difficulty Florence Nightingale
quail
pain, where coverup
patient ref med.
served embedded
meat, ban.
interprets care on
life assault or both
Job, Sisyphus, Judas
Samson, Devil, Solomon
bedsid manr

یک نکته قابل توجه است و آن اینکه مترجم قویا " بردانش زیربنایی خودیا به عبارت بهتر به آگاهی علمی خود در زمینه^۱ مورد بحث متکی است . بدون این آگاهی از اشته ترجمه^۱ مطلوب میسر نخواهد بود .

۱- توصیه می‌شود که در جهت درک بهتر شیوه ای که بکار رفته است ، متن اصلی با یادداشت‌ها چندین بار مطالعه بقت شود .

۷۰۲۰۲ ترجمه همزمان همردیف

در حال حاضر، از ترجمه همزمان همردیف در بسیاری از نشست‌های مختلف سازمان‌های بین‌المللی استفاده می‌شود و از آن جمله می‌توان "سازمان ملل" را نام برد. در این سازمان بین‌المللی، نمایندگان همه کشورهای عضو می‌توانند به یکی از زبان‌های انگلیسی، چینی، اسپانیولی، عربی و فرانسه به ایراد سخنرانی بپردازند. البته در مواردی نیز که یکی از سران کشورهای عضو به زبان ملی خود سخن می‌گوید، امکان ترجمه همزمان آن وجود دارد. مثال روشن آن، ترجمه همزمان سخنرانی اخیر آقای خامنه‌ای رئیس‌جمهور جمهوری اسلامی ایران بود که در مجمع سال ۱۹۸۷ سازمان ملل ایراد گردید. به گفته "لدرر" (Lederer) زبان‌های مربوط به کشورهای عضو "جامعه اروپا" در نشست‌های مختلف این جامعه بکار برده می‌شود. (۱۹۸۱:۱۵)

قبل از آنکه به مکانیسم این فعالیت پی برده و با آن آشنا شویم، بهتر است تعریفی از "ترجمه همزمان همردیف" ارائه نمایم. این واژه به نوعی ترجمه اطلاق می‌شود که در آن مترجم یا همزمان با ادای عبارات و جملات و یا تنها لحظه‌ای پس از پایان آن به ترجمه مبادرت می‌ورزد. بدیهی است نباید چنین تصور شود که "ترجمه همزمان همردیف" نوعی روند "شنیداری گفتاری" است. وقتی کسی سخن می‌گوید، توقفی در روند پنداری او وجود نمی‌آید. به عبارت بهتر پندار و گفتار همزمان به پیش می‌روند (سلسکوویچ ۱۹۸۷:۳۱).
 ما همزمان با پندار خود به تولید زبانی نیازی نمی‌پردازیم. از طرف دیگر، به قول سلسکوویچ، ".... مترجم به جمله دوم گوینده (که پس از جمله نخست تولید نموده است) گوش فرامی‌دهد بلکه توجه او به ترجمه جمله نخست است که خود تولید می‌نماید (۱۹۷۸:۳۲).
 گزارش شده است که برخی از مترجمان همزمان که از مهارت فوق‌العاده‌ای

تئوری‌های ترجمه و تفاوت ترجمه مکتوب و همزمان ۲۳۳

برخوردا ر بوده و درکار خود ماست بسیار داشته اندتوانسته اند دریک زمان واحد به جملات گوینده گوش فرادهند، با دیگر مترجمان سخن گویند، چیزی را بنگارند به تفحص در اسناد بپردازند و در عین حال مواظب گذشت زمان باشند. همه این فعالیت‌ها در زمانی اتفاق می‌افتد که مترجم ضمن گوش فرا دادن به گوینده، جملات و پیام‌های آن‌ها را نیز ترجمه می‌نماید (گرور ۱۹۷۵: ۱۲۳). (Gerver)

ترجمه همزمان هم‌دیف‌فرایندیک‌سری‌فعالیت‌های‌ذهنی‌و عملی‌پیچیده‌ای‌است‌که‌توسط‌مترجم‌انجام‌می‌پذیرد. اجمالی‌از این‌فعالیت‌های‌پیچیده‌به‌شرح‌زیراست:

الف- درک پیام از زبان مبدأ و خلق واژه‌ها و عبارات معادل در زبان مقصد به صورت همزمان.

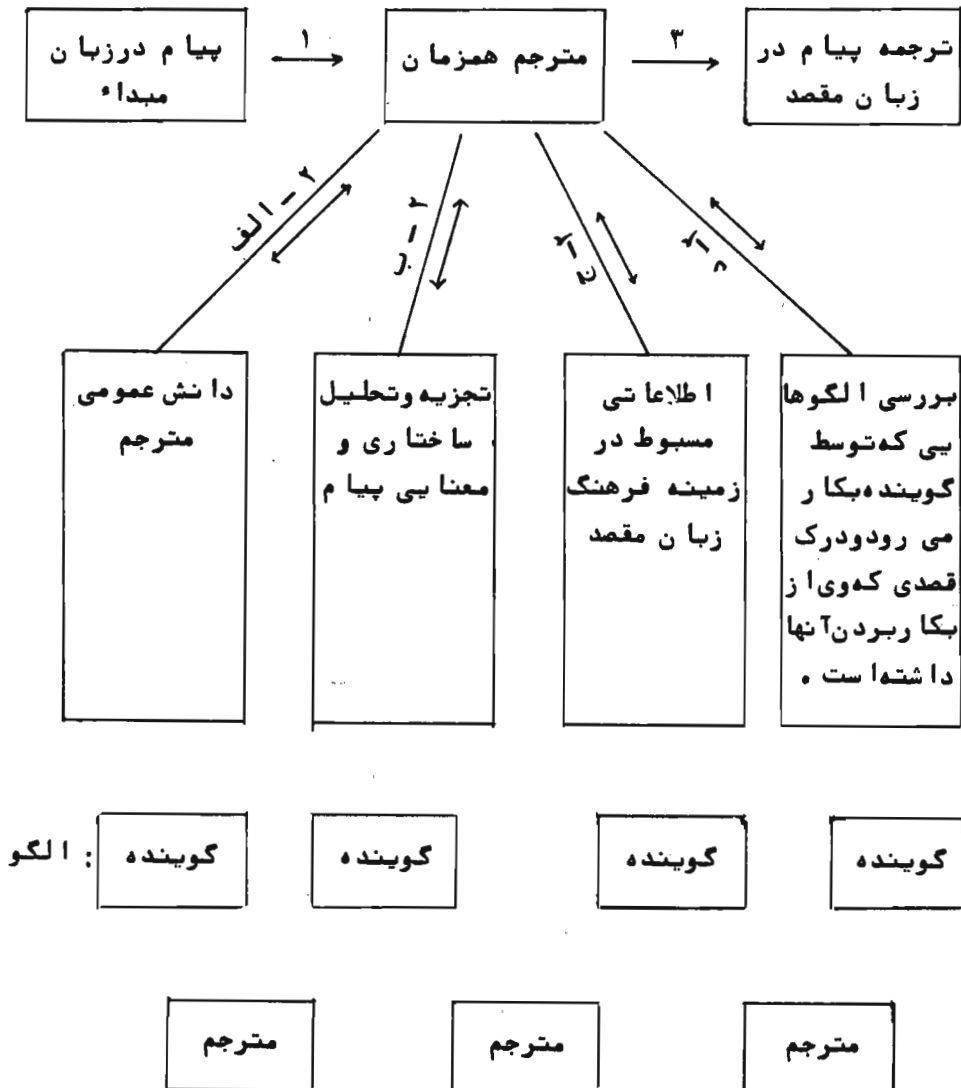
ب- پیش‌بینی مستمر پیام گوینده و اندیشیدن به جلوه‌های ساختاری و معنایی معادل آنها.

ج- استفاده مستمر از دانش عمومی ما و رای‌بحث معمول در جهت درک بهتر پیام گوینده. به عبارت دیگر، مترجم از دانش قبلی خود در ارتباط با زمینه مطرح شده سود می‌جوید. این امر کمک می‌کند تا مترجم از ترجمه تکواژها و عبارات مجرد و منقطع بپرهیزد.

د- بررسی مداوم پیام گوینده و انطباق دادن آن با ویژگی‌های فرهنگی مستمعان. برای مثال، گاهی اتفاق می‌افتد که اگر لطیفه‌ای با فرم ظاهری آن از زبان مبدأ به زبان مقصد ترجمه شود، تنه‌ها حاصل نوعی "توهین" گوینده نسبت به حضار است بلکه ممکن است به کدورت نیز بیانجامد. در اینجا رسالت مترجم آن است که با تغییر حالت و فرم و استفاده از عبارات استعاری و اصطلاحی ظرافت بکار رفته را به شکل قابل قبول در زبان مقصد بازآفرینی‌نماید.

ه - تطبیق آهنگ کلام با آهنگی که بر کلام گوینده غالب است به نحوی که بتوان احساس گوینده را به شنوندگان منتقل نمود. بکار بردن نواخت ها، تکیه‌ها (stress) و ریتم مناسب می‌تواند توجه شنوندگان را به مطالب بیان شده معطوف دارد.

نمودار زیر نشان دهنده شکل پذیری روند "ترجمه همزمان همزمان همردیف" است.



همانطور که مشاهده می‌شود، به محض اینکه جمله یا جملاتی از گوینده شنیده شود، مترجم در ابتدا عبارات را در قالب وجه‌ها رچوب اطلاعات پیشین بکار می‌گیرد. بدیهی است که این یک روند رفت و برگشتی است. عبارات و یا جملات دریافت شده تجزیه و تحلیل معنایی می‌گردد. مترجم به‌طور مرتب و بی وقفه اطلاعات پیشین خود را در زمینه موضوعی که توسط گوینده مطرح گردیده با مفاهیمی که از گفتار او استنباط می‌شود تطبیق می‌دهد. این امر کمک می‌کند تا مترجم بتواند نسبت به قصد و نیت گوینده از گفتاری که عرض می‌دارد بینش بیشتری یافته، وجود خود را در سلسله گفتار بیشتر احساس نماید. در نمودار بالا، یک نکته اساسی روشن می‌شود و آن این است که روند ترجمه همزمانی بر انتقال مستقیم از زبان مبدا به زبان مقصد نیست بلکه مترجم همزمان از دانش زبانی، فرهنگی و اطلاعات خود در باب مقوله مطروحه به نحو شایسته‌ای استفاده می‌کند تا پیام منتقل شده نه تنها قابل قبول بلکه مطلوب باشد.

واژه‌نامه

Accessory senses	مولفه های معنایی جانبی
Accuracy-Accurate	دقت - دقیق
Adaptative	مترجم خواننده‌گرا
Adaptative	اقتباس
Aesthetics	زیباشناسی
Ambiguity	ابهام
Ameliorative	اصلاحی
Analogical	قیاس
Anaphoric	پیش‌مرجع‌سی
Apposition	عطفی
Aptitude	قابلیت
Arbitrary	روابط اختیاری
Assertion	تصریح
Assosiation	تداعی معانی
Associative	ملازم درک
Auditory Perception	درک شنیداری

تئوری‌های ترجمه و تفاوت ترجمه مکتوب و همزمان ۲۳۷

Bilinguals	افراد دوزبانه
Books of precepts	کتاب احکام
Brief	اختصار
Cadence	آهنگ
Calque	کپی‌گری
Cataphoric	پس مرجعی
Centrifugal concepts	مفاهیم مرکزگریز
Centripetal	مفاهیم مرکزطلب
Cleft sentences	جملات پیوندی
Close translation	ترجمه مقید
Code	مجمع الرموز
Cognates	قرابت‌های کلامی
Coining	واژه‌آفرینی
Collocation	همجواری کلمات
Combined translation	ترجمه مرکب
Communication events	پدیده‌های ارتباطی کلامی
Communication load	بار مرآوده‌ای
Communicative role	نقش مرآوده‌ای
Concatanation	ارتباط خطی
Concentrated linguistic skill	مهارت زبانی درون سو
Concept chunk	برشهای مفهومی
Conjunctions	کلمات عطفی
Connotations	وجه معنایی ضمنی
Connotative	معانی ضمنی

Consecutive interprefation	ترجمه همزمان منقطع
Constituent	سازه
Contextual Situation	روش همخوانی با بافت مبداء
Conventional	قراردادی
Copying	کپی کردن
Core...	ثقلی
Correct	صحیح
Crisp	ظرافت
Decoding	علامت برگردانی معانی ظاهری
Denotative meanings	وجوه صریح معنایی
Descriptive	توصیفی
Dialect variations	گویش‌های زبانی
Dialogues	گفت‌و شنود
Diligentia	
Discarding of lexical words	واژه زدایی
Discourse	باب‌مقال
Dissyllabic	دوهجایی
Disintegration	فروریختگی
Distributional	فراگیر
Doctrine	آگاهی زبانی
Doublets	قرینه
Double translation	ترجمه مضاعف

تئوری‌های ترجمه و تفاوت ترجمه مکتوب و همزمان ۲۳۹

Echo translatcion	ترجمه مکرر
Elliptical expressions	عبارات مستوره
Empty introductory clauses	عبارات مبتدی بی مرجع
Encoding-decoding	حرکت رفت و برگشتی زبانی
Endocentric	عیان معنایی
Exegesis	تفسیرزمانی
Exocentric	پنهان معنایی
Exposition	ترجمه تشریحی
Expressive	بیانی
False cognates	قرابت‌های کاذب
Fides	ایمان
Fidelity	وفاداری
Fluency	سلاست بیان
Folkoric expressions	عبارات عامیانه
Formal	صوری
Free-meaning representation	تجسم معنایی آزاد
Free rendering	ترجمه آزاد
Free translation	ترجمه آزاد
Game-theory	شیوه تحلیلی
Geographical-dialects	لهجه‌های حوزه‌ای
Grammatical construction	ساختار دستوری
Graphic features	ویژگیهای نوشتاری
Graphical symbols	نشانه‌های نوشتاری
Grapholigical symbols	علامه نویسه‌ای

Hermeneutics	تفسیر همزمانی
Homographs	متشابهات نوشتاری
Homonymy	متشابه
Identical rendering	شبه آفرینی
Idiomatic translation	ترجمه اصطلاحی
Image	تصویر
Imitation	اقتباس
Imitation	ترجمه تقلیدی
Impersonation	هنر آفرینی تجسمی
Inferential	قیاسی
Informative	خبری
Instruction	فرمان
Instructional operations	عملیات کاربردی
Integration	اشتلاف و ترکیب
Intellectualism	خردگرایی
Inteligibility	قابلیت فهم
Interactive approach	شیوه انفعالی متقابل
Interfix	میانوند منقطع
Interlinguai strategy	استراتژی واسطه‌ای
Interlingual	فرازبانی
Interlingual translation	ترجمه فرازبانی
Interpretation	ترجمه همزمان
Interpretation	تفسیر
Interpreters	مترجمان همزمان

تئوری‌های ترجمه و تفاوت ترجمه مکتوب و همزمان ۲۴۱

Intersemiotic	فرا نشانه‌ای
Intersemiotic translation	ترجمه فرانشانه‌ای
Intimate	دوستانه
Intralingual	درزبانی
Intralingual translation	ترجمه درزبانی
kernel	ریشه‌ای
Langue	توانایی زبانی
Level	سطح
Lexicalized	واژگانی شده
Lexical property	بارواژگانی
Liberation	رهايي
Linguistic	زبانی
Linguistic elements	عناصرزبانی
Linguistic misunderstanding	سوء تفاهات زبانی
Literal translation	ترجمه واژه‌به‌واژه
Literalism	واژه‌گرایی
Literary aesthetics	زیباشناسی ادبی
Loan translation	ترجمه عاریه‌ای
Logic	منطق
Meaning-symbol relationships	روابط نشانه‌ای-معنایی
Message	پیام
Metaphrase	ترجمه عبارتی یا تحت‌اللفظی
Metaphrasing	تک‌هجایی
Monosyllabic	ترجمه عبارتی

Meters	بحور
Modulation	تعدیل
National enthusiasm	هواخواهی ملی
Natura	قریحه
Naturalization	بومی سازی
Non-core	غیرثقلی
Non-repeatable	تکرارناپذیر
Nonlinguistic	غیرزبانی
Nonverbal communicative skill	مهارت‌های غیرکلامی
Nonverbal factors	عوامل غیرکلامی
Over loose	گشاده دستی
Over strict	تنگ نظری
Overt	آشکار
Over translation	ترجمه حاشیه‌دار
Paradigm	الگو
Paraphrasing	تاویل
Paradox	تناقضات
Parole	کاربرد زمانی
Parts of speech	اجزای سخن
Patriotic enthusiasm	عرق وطنی
Pejorative	تحقیری
Performative	اجرایی
Peripheral concepts	مفاهیم حاشیه‌ای
Philological translation	ترجمه لغوی

تئوری‌های ترجمه و تفاوت ترجمه مکتوب و همزمان ۲۴۳

Photographic memory	حافظه نقش پذیر
Post-editing approach	شیوه اصلاح پایانی
Pragmatic	جنبه‌های کاربردی
Presuppositions	پیش‌انگاری
Primary meaning	معانی اولیه
Prospective	ترجمه مقصدگرا
Protective listening skill	مهارت شنیداری
Public acceptibility	قبولیت عامه
Purity	خلوص
Radical realism	واقع‌گرایی محض
Rearrangement	بازآرایی
Receptive translator	مترجم نویسنده‌گرا
Receptor	پذیرنده
Redundant	حشو
Reduplication	تکرار
Referential	اشاره‌ای
Restricted	محدود
Retrospective	ترجمه مبدا‌گرا
Scientific mode	وجه علمی
Secondary meaning	معانی ثانویه
Selective listening skill	مهارت شنیداری چکیده‌ای
Self-inferiority	خوددرون‌نگری
Semantic component	مشخصه‌های معنایی
Semantic patterns	الگوهای معنایی

Semantic shifts	انتقال معنایی
Sense for sense translation	ترجمه مفهوم به مفهوم
Sensual	محسوس
Simple	ساده
Simplification	ساده کردن
Simulfix	هموند
Simultaneous interpretation	ترجمه همزمان همردیف
Situation	وضعیت
Social functions	نقش‌های اجتماعی
Software materials	نرم افزار
Spirit	فحوای کلام
Spoken	گفتاری
Stress	تکیه
Substantive memory	حافظه جوهری
Synchronic	همزمانی
Tautology	حشو
Temporal dialectal	لهجه‌های زمانی
Terminals	واحدهای سیار (درسیستم کامپیوتر)
Thought	اندیشه
Transference theory	تئوری ترجمه انتقالی
Transfer formulas	قواعد انتقالی
Transfer strategy	استراتژی انتقالی
Transmutation.	استحاله
Transient	طرفه العینی

تئوری‌های ترجمه و تفاوت ترجمه مکتوب و همزمان ۲۴۵

Translational	توانایی ترجمه‌ای
Under translation	ترجمهء موجز
Universal	جهان شمول
Untranslatable	ترجمه ناپذیر
Verbal	نشانه‌های کلامی
Verbatim memory	حافظه عملی
Version	برگردان
Vocative	ندایی
Word for word equivalences	معادل‌های واژگانی
Written form	صورت نوشتاری
Zigzagging Manuevers	شیوه‌های کنارگذری

B I B L I O G R A P H Y

- Ahmad, K., et al. (1985) Computers language larning and language teaching. Cambridge Univ. press, Cambridge.
- Anderson, R. Bruce. (1976) perspectives on the role of interpreter. In Translation: application and research, R. Brislin, ed., Gardener, New York.
- Angel, Juvenal Londorio. (1959) Careers in translating and interpreting. World Trade Academy press, New York.
- Amog, Flora Ross. (1920) Early theories of translation. Columbia University Press, New York.
- Aphek, Edna. (1981) Problems in the translation of literary systems. The Journal of Literary Semantics 10/11, 32-43.
- Aphek, Edna and Tobin, Yissai. (1981) S.Y. Agnon: word systems and translation. Text 1/3, 269-277.
- Arrowsmith, William. (1961) The craft and context of translation. A symposium edited by William Arrowsmith and Troger Shattuck. University of Texas Press for Humanities Research, Austin.
- Baine, Linda. (1983) Training program. Cleveland State University, Ohio.
- Baker, G.P. and Hacker, P.M.S. (1983) Meaning and understanding. Blackwell, Oxford.
- Bartscht, Walteraud Erika. (1986) Computer analysis of multiple translations: an alternative method for literary interpretation. University of Texas, Dallas.
- Bates, Ernest Stuart. (1943) Intertraffic: Studies in translation. J. Cape, London.
- Bausch, Karl Richard. (1970) The science of translation: an analytical bibliography. Tubingen.
- Beidelman, T.O. (1971) The translation of cluture: essays to E.E. Evans-Pritchard. London.
- Belloc, Hilaire. (1931) on translation. Oxford.
- Blois, J. "et al". (1968) Problems de la traduction authomatique. University of Alabama Press, Alabama.
- Boecker, Eberhard. (1973) William Faulkner's later

- novels in German: a study in the theory and practice of translation. Niemeyer, Tubingen.
- Booth, A.D. (1958) Aspects of translation. Secker and Warburg, London.
- Bott, M.F. (1970) Computational linguistics. In *New Horizons in Linguistics*, J. Lyons, ed. Penguin, Harmondsworth, 215-228.
- Bowen, David and Bowen, Margareta. (1984) *Steps to consecutive interpretation* (2nd ed.). Pen and Booth, Washington D.C.
- Bowen, David. (1986) *The intercultural component in interpreter and translator training: a historical survey*. League of Nations. United Nations, Neuremberg.
- Bower, William W. (1959) *International manual of linguistics and translators*. Scarecrow, New York.
- Bradley, M.C. (1969) How never to know what you mean. In *Journal of Philosophy* 66, 119-124.
- Brislin, Richard W. (1976) *Translation: applications and research*. Halsted Press, New York.
- Brower, Rueben Arthur. (1966) *On translation*. Oxford University Press, New York.
- Burton, Raffel. (1971) *The forked tongue: a study of translation process*. The Hague, Mouton.
- Burton, Raffel. (1973) *Why re-create?: A conversation about translations with Burton Raffel*. Chandler and Sharp Publishers, San Francisco.
- Butler, C. (1985) *Computers in Linguistics*. Basil Blackwell, Oxford.
- Cary, Edmund. (1956) *La traduction dans le monde moderne*. Librairie de l'Universite.
- Casagrande, Joseph B. (1954) The ends of translation. In *International Journal of American Linguistics* 20, 335-340.
- Catford, John Cunnison. (1965) *A linguistic theory of translation: an essay in applied linguistics*. Oxford University Press, London.
- Chukovskii, Kornei. (1984) *The art of translation*.
- Citroen, I.J. (1967) *International Federation of*

- Translators: ten years of translation. Pergamon Oxford.
- Cohen, J.M. (1962) English translators and translations. Longman, London.
- Cokely, Dennis Richard. (1985) Towards a sociolinguistic model of the interpreting process: focus on ASL and English. Georgetown University, Washington D.C.
- Dolet, Etienne. La maniere de bien traduire d'une langue en autre.
- Ekvall, Robert Brainerd. (1960) Faithful echo. Twayne Publishers, New York.
- Ellis, R. (1982) The choices of the translator in the late Middle English period. In The Medieval Mystical Tradition in England, Marion Glasscoe, ed. Short Run Press Ltd., Exeter, 18-46.
- Fellheimer, Jeannette. (1971) Geoffrey Fenton: a study in Elizabethan translation. Yale University Diss.
- Furley, D.J. Physicalism and indeterminacy of translation. In NOUS 9, 353-374.
- Gerver, D. and Sinaike, H.W. (1978) Language interpretation and communication. Plenum Press, New York.
- Goffman, Ervin. (1981) Forms of talk. Blackwell, Oxford.
- Granville-Baker, Harley. (1877) on translating plays.
- Grierspn, Sir Herbert Hohn Clifford. (1948) Verse translation, with special reference to translation from Latin. Oxford University Press, London.
- Grimsditch, Herbert Borthwick. (1933) Pitfalls in everyday French. Sir Pitman and Sons Ltd., London.
- Grishman, Ralph (1986) An Introduction to computational linguistics: studies in natural language Processing. Cambridge University Press, London.
- Guenther, P. Faithful ugliness or faithful beauty: the translator's problem.
- Haak, Sussan. Analyticity and logical truth in the roots of reference. In Theoria 2, 129-143.

- Harman, Gilbert. (1969) An introduction to translation and meaning. In Word and Object. Davidson and Hintikka (eds.).
- Harries, Brian. (1981) Prolegomenon to a study of the difference between teaching translation and teaching interpretation. In L'enseignement de l'interprétation et de la traduction, Delisle, ed. University of Ottawa Press, Ottawa.
- Hayward, Ralph Malcolm. (1971) Dante Gabriel Rossetti's "The early Italian poets": a study in the art of translation. Tulane Univ. Diss.
- Hellman, Geoffrey. (1974) The new riddle of radical translation. In Philosophy of Science 41, 227-246.
- Henry, J.F. (1969) Your future in translation and interpretation. Richards Rosen Press, New York.
- Herbert, Jean. (1952) The interpreter's handbook, how to become a conference interpreter. Librairie de l'Université Georg, Geneve.
- Herbert, Fean. (1957) Conference terminology, a manual for conference members and interpreters in English, French, Spanish, Russian, Italian and German. Amsterdam.
- Herbert, Jean. (1980) Mantel de l'interprete comment en devient interprete de conferences. Librairie de l'Université Georg, Geneve.
- Holcomb, M. and Lawrence, S. Introduction to interpreting (course materials). Ohlone College, - California.
- Holmes, James S. (ed.). (1970) The nature of translation. The Hague Mouton.
- Hoof, Henri Van. (1962) Theorie et pratique de l'interpretation, avec application particuliere a l'anglais et au freancais. M. Heuber, Munchen.
- Hoof, Henry Van. (ed.). (1973) International bibliography of translation.
- House, Juliane. (1977) A model for translation quality assessment. TBL-Verlag Narr, Tubingen.
- Hundt, Michael GV Working with the Weinder machine-aided translation system. In Lawson, 45-51.
- Ingram, R. and Ingram, B. (eds.). (1975) Hands across

- the sea: proceedings of the First International Conference on interpreting. Washington D.C.
- Iuding, Gali Gennadievna. Learn to interpret by interpreting.
- Jakobson, R. (1959) On linguistic aspects of translation. In On Translation, R.B. Bower, ed. Harward University Press, Cambridge.
- Jacobsen, Eric. Translation a traditional Craft: an introductory sketch with a study of Marlowe's Elegies. Glydebda, Copenhagen.
- Johnson, Judith. Simultaneous communication program. Dept. of Education, Callaudet College, Washington D.C.
- Kaiser, Frances E. (1965) Translators and translations: services and sources in science and technology. Special Library Association, New York.
- Kaiser, Walter. Selection and training of conference interpreters. In Language, interpetation and communication, Gerver D. and H.W. Sinaiko, eds. Plenum, London.
- Kebel, John. (1812) On translation from dead languages: a prize essay recited in the theater of Oxford, June 10, 1812. Prin. Print, Oxford.
- Kelly, Louis G. (1979) The true interpreter. St. Martin's, New York.
- Kettunen, K. (1986) Is Mt linguistics? In Computational Linguistics 12.1, 37-38.
- Kirk, Richard. (1986) Translation determinends. Oxfordshire, Oxford.
- Knox, Ronald Arbuthnott. (1957) On Translation. Clarendon Press, Oxford.
- Nida, Eugene A. (1964) Towards a science of translation, with special referencé to principles and procedures involved in Bible translating. Brill, Leiden.
- Nida, Eugene A. and Taber, Charles R. (1969) Theory and practice of translating. Brill, Leiden.
- Nida, Eugene A. (1971) Semantic components in translation theory. In Application of Linguistics: selected papers of the Second International Con-

- gress of Applied Linguistics, G.E. Perron and J.L.M Trim, eds. Cambridge University Press, London.
- Nida, Eugene A. (1975) Language structure and translation: essays by Nida. Standford University Press.
- Nida, Eugene A. (1975) Exploring semantic structures. Fink, Munchen.
- Norton, Glyn P. (1984) The ideology and language of translation in Renaissance France and their humanist antecedents.
- Norton, Albert. Translation, interpretation and text linguistics. In *Studia Linguistica* 35/1-2, 130-115.
- Newmark, Peter. (1981) Approaches to translation. Pergamon Press, Oxford.
- Nugel, Bernfried. (1971) A new English Horace. Frankfurt.
- Panov, Dimitrii Iur'evich. (1960) Automatic translation. Pergamon Press, London.
- Persson, Lisa Christina. (1962) Translation of children's books. Lund, Sweden.
- Phillimore, John Swinnerton. (1919) Some remarks on translation and translators. Oxford University Press, Oxford.
- Picken, Catriona. (1983) The translator's handbook. ASLIB, London.
- Postgate, John Percival. (1922) Translation and translations: theory and practice. G. Bell and Sons Ltd., London.
- Proetz, Victor. (1971) The astonishment of words: an experiment in the comparison of languages. University of Texas Press, Austin.
- Quine, Willard Van Orman. (1959) Meaning and translation. In *On Translation*, R.A. Browed ed., Harvard, Cambridge.
- Rajagopala, Chari et al. (1962) The art of translation: a symposium. Delhi.
- Reiss, Katharina. (1981) Type, kind and individuality of text: decision making in translation. In *Theory of Translation and intercultural relations*, I. Evan-Zohar and G. Toury, eds., The Porter Institute



- for Poetics and Semiotics, Telaviv.
- Richards, Ivor Armstrong. (1932) *Mencius on the mind: experiments in multiple definition*. K. Paul, Trench, Trubner and Co., Ltd., London.
- Ritchi, Robert Lindsay Grame. (1941) *Essays on translation from French*. Cambridge University Press, Cambridge.
- Ronald, Ruth A. (1982) *Translating world affairs*. McFarland, Jefferson, N.C.
- Rose, M.G. *Translation spectrum: essays in theory and practice*. State of New York Press, Albany.
- Rozan, Jean Francois. (1956) *La prise de notes en interpretation consecutive*. Librairie de l'Univer
- Rozn, Jean Francois. (1956) *La prise de notes en interpretation consecutive*. Librairie de l'University.
- Rozencvejj, R. *Mavhine translation and applied linguistics*.
- Ruffino, J. Richard. (1982) *Coping with machine translation*. In Lawson, 57-60.
- Savory, Theodore Horace. *The art of translation*. London.
- Scholz, Karl William Henry. (1918) *The art of translation*. Philadelphia, Pa.
- Seleskovitch, Danica. (1968) *L'interprete dans les conferences internationales: problemes de langage et de communication*. Letters moderne.
- Seleskovitch, Danica. (1975) *Langage, langues et memoire: etude de la prise de notes en interpretation consecutive*. Letters moderne, Paris.
- Seleskovitch, Danica. (1976) *Interpretation: a psychological approach to translating*. In *Translation: applications and research*, R. Brislin, ed., Gardner, New York, 92-118.
- Seleskovitch, Danica. (1977) *Why interpreting is not tantamont to translating languages*. In *AIIC-Bulletin 3*, 76-87.
- Seleskovitch, Danica. (1978) *Interpreting for international conferences*. Pen and Booth Publishers,

Washington D.C.

- Seleskovitch, Danica. (1980) Language learning and professional training in interpretation. National Resource Center for translation and Interpretation, Washington D.C.
- Sreda, Stanely P. (1982) Practical experience of machine translation. In Lawson, 119-125.
- Sherma, Dharma Dutta. (1966) Some problems of translation: a linguistic comparison of texts in English and Hindi. Edinburrgh.
- Smith, B. (1976) Journals in translation. The British Library, Boston Spa, Wetherby.
- Steiner, George. (1966) Poem into poem: world poetry in modern verse translation. Penguin Books, Baltimore.
- Steiner, Thomas R. (1970) Precursors to Dryden: English and French theories and translation in the 17th century. In Comparative Literature Studies 7, 50-81.
- Thouin, Benolt. (1982) The METEO system. In Lawson, 39-44.
- Titford, A.E. and Hieke. Translation in foreign Language teaching and testing.
- Titford, Christopher. and A.E. Hieke. (1985) Translation in foreign language teaching and testing. Gunter-Narr, Tübingen.
- Toury, Gideon. Translation: cultural-semiotic Perspective. Encyclopedic Dictionary of Semeiotics, T.A. Sebeok, ed.
- Toury, Gideon. (1980) In search of a theory of translation. Porter Institute for Poetics and Semeiotics, Jerusalem.
- Toury, Gideon. (1980) The translator as a nonconformist-tobe, or: how to train translators so as to violate translational norms. In Angewandte Übersetzungswissenschaft, S.O. Poulsen and W. Wills, eds.
- Trinklein, Michael. (1970) Luther's insights into the translator's task. In the Bible Translator 21, 80-88.

- Trubner Georg. (1970) History of Translation. In Babel: Internationale de la traduction 16, 150-155.
- Tuana, Nancy. (1981) Taking the indeterminacy of translation one step further. In Philosophical Studies 40, 283-291.
- Vinary, Jean Paul. (1958) Stylistique comparee du francais et de l'anglais: methode de traduction. **Paris.**
- Wallace, John. (1979) Only in the Context of a sentence do words have any meaning. In Contemporary Perspectives in the philosophy of language, Peter A. French, T.E. Uchling, and H.K. Wettstein, eds. University of Minnesota Press, 305-325.
- Whitelock, P.J. (1983) Machine translation. In AISB Quarterly: Newsletter of the Society for the Study of artificial Intelligence and Simulation of Behavior 48, 18-30.
- Will, Frederic. (1973) The knife in the stone: essays in literary theory. The Hague, Mouton.
- Williams, Leonard. (1923) Models for translating English into Spanish. London.
- Wilss, Wolfram. Translation strategy, translation method and translation technique: towards a clarification of three translational concepts. In Revue de Phonetique Appliquee 66-68, 143-152.
- Wills, Wolfram. (1978) Syntactic anticipation in German-English simultaneous interpreting. In Language, interpreting and communication, D. Gerver and H.W. Sinaiko, eds., Plenum, New York, 345-351.
- Wills, Wolfram. (1982) The science of translation: Problems and methods. Narr, Tubingen.
- Wills, Wolfram. and Gisela Thome. (1984) Translation theory and its implimentation in the teaching of translating and interpreting.
- Woodhouslee, Alexander Fraser Tytler. (1797) Essays on the principles of translation. London.
- Yoken, Carol. (1979) Training: the state of art. National Academy of Gallaudet College, Washington D.C.
- Youssef, Atef Faleh. (1986) Cognitive processes in written translation. University of Houston, Diss.**



